

به نام خدا

فصلنامه پژوهش حسابداری و حسابرسی "نشریه علمی"

سال نهم، شماره ۳ (پیاپی ۳۴)، پاییز ۱۳۹۸

فصلنامه

پژوهش حسابداری

صاحب امتیاز: دانشگاه الزهراء (س)

مدیر مسئول: علی رحمانی، استاد دانشگاه الزهراء (س)

سرمدیر: شهناز مشایخ، دانشیار دانشگاه الزهراء (س)

مدیر داخلی: پریسا سادات بهبهانی نیا، استادیار دانشگاه الزهراء (س)
هیأت تحریریه:

حمید پورجلالی، استاد دانشگاه هاوایی

رضوان حجازی، استاد دانشگاه الزهراء (س)

علی رحمانی، استاد دانشگاه الزهراء (س)

ذبیح اله رضایی، استاد دانشگاه ممفیس

شهناز مشایخ، دانشیار دانشگاه الزهراء (س)

مهناز ملانظری، دانشیار دانشگاه الزهراء (س)

سعید همایون، دانشیار دانشگاه گاول

حسن یزدی فر، استاد دانشگاه سالفورد

ویراستار علمی: پریسا سادات بهبهانی نیا

ویراستار ادبی: ماندانا طاهری

ویراستار انگلیسی: پرستو مصطفایی

طراح جلد: مریم صمدیان

صفحه آرا: خدیجه اسفندی

امور هماهنگی و اجرا: اعظم پاک خصال و خدیجه اسفندی

نشانی: تهران، میدان شیخ بهایی شمالی، دانشگاه الزهراء (س)، دانشکده

علوم اجتماعی و اقتصادی کد پستی: ۱۹۹۳۸۹۳۹۷۳

تلفن: ۸۵۶۹۲۴۲۱ و ۸۵۶۹۲۷۴۵ شماره: ۸۸۲۵۲۱۷۸

رایانامه: jar@alzahra.ac.ir

وبگاه: <http://ijar.alzahra.ac.ir>

این فصلنامه طبق مجوز شماره ۸۹/۲۲۵۱۶ مورخ ۱۳۸۹/۹/۲۸ از وزارت فرهنگ و

ارشاد اسلامی به چاپ می‌رسد.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

پژوهش‌های ارسال شده پس از داوری تخصصی و در صورت تأیید هیأت تحریریه، به چاپ می‌رسد. از تمامی استادان و پژوهشگران گرامی که پژوهش‌های خود را برای چاپ به این فصلنامه ارسال می‌کنند، تقاضا می‌شود، در تنظیم پژوهش به موارد زیر توجه کنند.

۱. شکل پژوهش

پژوهش در محیط نرم‌افزاری Word 2007، در اندازه صفحه A4 (حاشیه‌ها از بالا ۴، پایین ۶/۵، چپ ۴/۵ و راست ۵ سانتی‌متر)، قلم فارسی متن B Nazanin با اندازه قلم: برای عنوان پژوهش ۱۶ و برای نام نویسندگان ۱۲ به صورت پرننگ (Bold) و وسط چین؛ قلم فارسی متن B Zar با اندازه قلم: برای قسمت چکیده ۱۱، متن اصلی پژوهش ۱۲، پی‌نوشت ۱۱، منابع ۱۱، واژه‌های کلیدی ۱۰ و محتوای فارسی نگاره‌ها ۱۰؛ فاصله بین خطوط یک سانتی‌متر و تورفتگی ابتدای هر پاراگراف معادل ۰/۳ سانتی‌متر و ردیف شده (Justify)؛ قلم انگلیسی متن Times New Roman با اندازه قلم: برای عنوان انگلیسی (پرننگ) ۱۴، چکیده انگلیسی ۱۲، فرمول‌ها ۱۱ (چپ چین)، پی‌نوشت ۱۱، منابع ۱۱، محتوای انگلیسی نگاره‌ها ۹، طبقه‌بندی موضوعی ۸؛ عناوین نگاره‌ها و شکلها ایتالیک و پرننگ (Bold)، دارای فاصله ۶ نقطه (pt) قبل و بعد از نگاره و شکل و به صورت وسط چین؛ حداکثر در ۱۸ صفحه (شامل منابع و ماخذ) و بدون شماره گذاری صفحات، حروف چینی و فایل اصلی پژوهش و فایل بدون نام نویسنده از طریق سامانه‌ی دریافت پژوهش‌ها www.jera.ir ارسال شود. تا جایی که ممکن است، در متن پژوهش از عکس استفاده نشود و در صورت استفاده، عکس با کیفیت بالا و سیاه و سفید باشد.

۲. ساختار پژوهش

۲-۱. صفحه جلد پژوهش: این صفحه باید شامل موارد زیر باشد:

- عنوان کامل پژوهش؛
- نام نویسنده یا نویسندگان (نام نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، با علامت ستاره مشخص شود)؛
- رتبه علمی و نام مؤسسه یا دانشگاه یا محل اشتغال (به صورت فارسی و انگلیسی)، نشانی کامل نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، شامل: نشانی پستی، شماره تلفن، نمابر و نشانی پست الکترونیک (برای تمام نویسندگان)؛
- در ذکر نام نویسنده‌ها از القاب و عناوین استفاده نشود و فقط رتبه علمی و محل خدمت درج شود.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

۲-۲. **صفحه اول پژوهش:** عنوان و چکیده پژوهش به زبان فارسی. چکیده در چهار پاراگراف شامل موضوع و هدف پژوهش، روش پژوهش، یافته‌های پژوهش، و نتیجه‌گیری و اصالت و افزوده آن به دانش (در مجموع حداکثر ۱۶۵ کلمه) و واژه‌های کلیدی (حداکثر پنج واژه) و کد طبقه‌بندی JEL باشد. این کدگذاری برای طبقه‌بندی موضوعی در ادبیات اقتصادی طراحی شده است و جزئیات نحوه استفاده از آن در پایگاه اینترنتی: www.aeaweb.org/journal/jel_class_system.html قابل دسترسی است.

۲-۳. **صفحه دوم تا انتهای پژوهش:** این بخش باید در بردارنده موارد زیر باشد:

- مقدمه (چند پاراگراف شامل بیان مسئله، مبانی نظری، هدف، اهمیت و ضرورت آن)؛
- مروری بر پیشینه (صرفاً پژوهش‌های مرتبط و به ترتیب زمانی یا موضوعی بررسی شود و نتیجه آن در پایان این بخش استخراج ماتریس نظریه و یا مدل مفهومی یا تحلیلی باشد که متغیرهای پژوهش را مستند می‌سازد و تدوین فرضیه‌های پژوهش؛
- روش پژوهش (شامل: روش پژوهش، ابزار گردآوری اطلاعات، فنون تجزیه و تحلیل و مدل آزمون فرضیه‌ها، تعریف متغیرهای مورد مطالعه و تعریف عملیاتی آن‌ها (می‌تواند در همان بخش مدل‌های آزمون فرضیه ارائه شود و در این صورت نیازی به تکرار ندارد)، جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری)؛
- یافته‌های پژوهش (شامل: ارائه یافته‌ها، مقایسه آن با یافته‌های پژوهش‌های مذکور در پیشینه و تفسیر انطباق یا ناسازگاری یافته‌ها با پژوهش‌ها و نظریه‌ها)؛
- نتیجه‌گیری (شامل: خلاصه مسئله، ارائه خلاصه نتایج و نتیجه‌گیری کلی و ارائه پیشنهادها بر مبنای نتایج (توصیه‌های سیاستی صرفاً در پژوهشات کاربردی ضرورت دارد)، و در صورت لزوم پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی با توجه به محدودیت‌های پژوهش یا چگونگی توسعه پژوهش حاضر)؛
- فهرست منابع.
- چکیده انگلیسی (که باید ترجمه مفهوم و روانی از چکیده فارسی باشد).

۳. ارجاع‌های درون‌متنی

به منظور ارجاع‌های فارسی در متن پژوهش از روش APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که:

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

نام خانوادگی نویسنده همراه با سال انتشار آن در متن به صورت فارسی ارائه می‌شود و نیازی به ذکر معادل انگلیسی اسامی در پی نوشت نمی‌باشد. چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود از ویرگول (،) و چنانچه تعداد منابع مورد استناد بیش از یک عدد بود از نقطه ویرگول (؛) به منظور جدا سازی استفاده شود. هر منبعی که در متن پژوهش به آن اشاره می‌شود، باید اطلاعات کامل آن در فهرست منابع درج شود و به غیر از این منابع، منبع دیگری در فهرست منابع و ماخذ درج نشود. در صورت نیازه توضیحات لازم درباره اصطلاح‌ها و یا ذکر معادل‌های انگلیسی واژه‌های درون متنی (به غیر از اسامی نویسندگان)، از پی‌نوشت استفاده شود. در متن به هیچ عنوان نباید عبارات و اصطلاحات انگلیسی ارائه شود، مگر در مورد فرمول‌ها و معادله‌ها.

۴. فهرست منابع

برای تنظیم فهرست منابع، از روش ارجاع APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که ابتدا منابع فارسی و پس از آن منابع انگلیسی، به ترتیب حروف الفبا و بر اساس نام خانوادگی نویسنده، به شرح زیر ذکر و شماره گذاری می‌شود:

۴-۱. **کتاب:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (سال انتشار). (نقطه و یک فاصله) نام کتاب با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) نام مترجم، (ویرگول و یک فاصله) محل انتشار (دو نقطه و یک فاصله) نام انتشارات. (نقطه)

۴-۲. **پژوهش:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان پژوهش. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیکی، دوره (شماره) با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان پژوهش. (نقطه)

۴-۳. **مقالات برخط:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان پژوهش. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیکی، دوره (شماره) با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان پژوهش. (نقطه و یک فاصله) دریافت شده از (دو نقطه و یک فاصله) آدرس سایت

۴-۳. **گزارش‌ها و سایر منابع:** در این باره نیز اطلاعات کافی و کامل ارائه شود.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

-در فهرست منابع چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود، اسامی آن‌ها با استفاده از نقطه ویرگول (؛) جدا شود.

-فهرست منابع نیازمند شماره گذاری نمی‌باشد. چنانچه بیش از یک عنوان از یک یا چند نویسنده مورد استناد قرار گرفته باشد، علاوه بر رعایت ترتیب حروف الفبا، ترتیب سال انتشار نیز رعایت شود؛ به این صورت که کتاب یا پژوهش‌ای که زودتر (قدیمی‌تر) انتشار یافته است، در فهرست زودتر درج می‌شود. به منظور جلوگیری از بروز اشتباه بین منابع مختلف درج شده در فهرست، شروع هر منبع بدون تورفتگی یا بیرون زدگی خواهد بود و چنانچه عبارت طولانی شد، ادامه با تورفتگی (با استفاده از تکنیک Hanging) ۰/۵ سانتی متر می‌باشد.

۵. شکلها، نگاره‌ها و فرمول‌ها

عنوان شکلها در زیر و عنوان نگاره‌ها در بالای آن‌ها درج شود. بهتر است شکلها و نگاره‌ها، در داخل متن و پس از جایی که به آن‌ها اشاره شده، درج شوند. برای شماره گذاری از شماره ۱ (عددی و داخل پرانتز، مانند نگاره ۱) تا... استفاده شود. داخل نگاره‌ها باید به فارسی نوشته شود و در شرایط استفاده ممیز، از به کار بردن نقطه به جای ممیز خودداری گردد؛ در صورت ضرورت ضمن درج عنوان فارسی متغیرها، یک ستون می‌تواند به نمادهای مورد استفاده برای متغیر به زبان انگلیسی به گونه‌ای که در معادله‌ها و مدل‌ها استفاده شده اختصاص یابد. عناوین ستون‌ها در نگاره‌ها، به صورت وسط چین بوده و سطر اول هر نگاره که شامل عناوین ستون‌ها است با رنگ طوسی و درجه روشنی ۲ نمایش داده شود. برای اشاره به محتوای نگاره‌ها و شکلها در متن، می‌بایست با استفاده از شماره آن‌ها، ارجاع مناسب صورت گیرد. فرمول‌ها نیز در جداا دو ستونی به صورت خطوط نامرئی (No Border) ارائه و به صورت مدل (۱) (عددی و داخل پرانتز) تا... شماره گذاری شوند.

۶. پی نوشت‌ها

اصطلاحات انگلیسی و برخی توضیحات لازم در پی نوشت (نه زیر نویس) و به صورت نگاره چهار ستونی (شامل شماره پی نوشت و محتوای پی نوشت) با خطوط نامرئی (No Border) ارائه شود. شماره گذاری پی نوشت‌ها به صورت متنی و بدون استفاده از تکنیک EndNote در ورد درج شود.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

۷. سایر نکات

- قبل از نقطه، ویرگول، نقطه ویرگول، دو نقطه، علامت سؤال، علامت تعجب و... نیازی به فاصله نیست، اما بعد از این علائم باید یک فاصله گذاشته شود.

- هنگام استفاده از پرانتز قبل از باز شدن پرانتز و بعد از بسته شدن پرانتز از فاصله استفاده کنید.

- معادل‌های انگلیسی عناوین علمی نویسندگان به شرح نگاره زیر می‌باشد:

عناوین	معادل انگلیسی
کارشناس	BSc.
دانشجوی کارشناسی ارشد	MSc. Student
کارشناسی ارشد	MSc.
دانشجوی دکترا	Ph. D. Student
دکترا	Ph. D.
استادیار	Assistant Prof.
دانشیار	Associate Prof.
استاد	Prof.

* پژوهش‌های فرستاده شده نباید به صورت هم‌زمان به مجله‌های فارسی‌زبان دیگری در داخل و یا خارج از کشور ارسال شده باشد.

* فصلنامه از پذیرش پژوهش‌هایی که موارد شکلی و ساختاری یاد شده در راهنما در آن‌ها رعایت نشده باشد، معذور است.

* فصلنامه در ویرایش پژوهش‌ها و حذف برخی بخش‌ها، بدون تغییر در محتوای آن، آزاد است و پژوهش‌هایی را که دریافت می‌کند، باز نمی‌گرداند.

* مسئولیت صحت و سقم مطالب پژوهش به عهده نویسنده است.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش پژوهش‌ها

* فایل ورد را به زبان انگلیسی نام‌گذاری کنید. این نام باید شامل: نام خانوادگی نویسنده اول و تاریخ ارسال پژوهش باشد. ۱۳۹۱ پژوهش‌ها صرفاً از طریق وبگاه مجله دریافت می‌شود.

* به منظور تسریع در فرایند داوری و چاپ پژوهش، از استادان و پژوهشگران محترم تقاضا می‌شود قبل از ارسال پژوهش از ویرایش فنی و ادبی پژوهش و رعایت نکته‌هایی که در این راهنما درج شده است، اطمینان حاصل نمایند.

* پژوهش‌های پژوهشی به پژوهش‌هایی گفته می‌شود که از پروژه پژوهشاتی، رساله دکتری یا پایان‌نامه کارشناسی ارشد استخراج شده باشد.

فهرست مطالب

- ۱..... بررسی تأثیر پذیرش استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی بر حسابرسی
حسین فخاری، اسماعیل امیری
- ۲۷..... بررسی رابطه بین مدیریت سود و ناکارایی سرمایه‌گذاری: با تأیید بر نقش هزینه‌های نمایندگی
رضوان حجازی، حمید فرهادی، ثریا ویسی حصار
- ۵۳..... شناسایی عوامل موثر بر ارتباط بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی
غلامرضا کردستانی، وحید محمدی
- ۶۹..... تأثیر حساب‌رسان دادگاهی بر حاکمیت شرکتی
سید صابر درسه، شمس‌الله تیموری
- ۸۷..... بررسی تحلیل تأثیر استانداردهای حسابداری در فرآیند تدوین استانداردها و تحقیقات تجربی حسابداری
سمیرا بهزادپور، محمدرضا عالمی
- ۱۳۱..... بررسی نقش زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر (XBRL) در حسابرسی مستمر
جمال محمدی، علی خوزین
- ۱۵۷..... رابطه ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی شرکت با توجه به نقش تعدیلی کیفیت حسابرسی
علیرضا معطوفی، متینه مهرپرور
- ۱۸۵..... بررسی تأثیر ویژگی‌های هیات مدیره بر افشای گزارش پایداری شرکت‌ها
حسین عامری

بررسی تأثیر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر حسابرسی

حسین فخاری^۱، اسماعیل امیری^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۰۶

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۶/۲۰

چکیده

جهانی‌شدن فرآیندی است که منجر به تخصیص بهینه منابع در سطح بین‌المللی شده و امکان توسعه جهانی را فراهم آورده است. در همین راستا نیاز به اطلاعات جهت اتخاذ تصمیمات اقتصادی، ضرورتی انکارناپذیر است که اعتباردهی و اطمینان‌بخشی به این اطلاعات قسمتی از این فرآیند است. بر این اساس، انتظار می‌رود پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی اثرات گسترده‌ای بر حرفه حسابرسی داشته باشد، زیرا پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی سبب می‌شود تا گزارش‌های حسابرسی به قضاوت حرفه‌ای بیشتری نیاز داشته باشند و حساب‌رسان با استفاده از مبنای ارزش منصفانه، اظهارنظر مستقل‌تری ارائه نمایند. پژوهش حاضر اثر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را بر حوزه‌های دانش حسابرسی به طور مروری مورد بررسی قرار داده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر حوزه‌های مختلفی از حسابرسی از جمله حق‌الزحمه حسابرسی، انتخاب حساب‌رس، کمیته حسابرسی، تخصص‌گرایی در صنعت و تأخیر گزارش حسابرسی اثر دارد. آگاهی از این یافته‌ها می‌تواند علاوه بر تبیین چالش‌های پیش‌رو حرفه حسابرسی، حرفه را مجهزتر کرده و سبب شود تا حرفه از آمادگی لازم در مواجهه با چنین تغییراتی برخوردار شود.

واژه‌های کلیدی: استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، حسابرسی، کیفیت حسابرسی.

طبقه‌بندی موضوعی: M42

DOI: 10.22051/ijar.2019.20525.1403

^۱ دانشیار و عضو هیات علمی گروه حسابداری دانشگاه مازندران، بابل‌سر، ایران، نویسنده مسئول، (H.fakhari@umz.ac.ir)

^۲ دانشجوی دکتری رشته حسابداری دانشگاه مازندران، بابل‌سر، ایران، (Esmailamiri303@yahoo.com)

مقدمه

جهانی شدن همراه با ادغام‌های منطقه‌ای مثل موافقت‌نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی و یا اتحادیه‌های آسه‌ان در شرق آسیا و ایجاد بازار مشترک کشورهای آمریکای جنوبی (مرکوسور) به همراه هماهنگ‌سازی در اتحادیه اروپا، سبب شدند تا تغییراتی در ساختار اقتصادی جهان به وجود آید. اصولاً این تغییرات در کشورهای با شرکت‌های بزرگ چند ملیتی به‌ویژه با شرکت‌های که در بخش‌های مختلف اقتصادی فعالیت دارند بیشتر متداول گردید (پالاسیوس و مارتینز، ۲۰۰۵)، زیرا انتظار می‌رود جهانی شدن منجر به بهبود تخصیص منابع و توسعه بازارهای سرمایه بین‌المللی شود. بدیهی است چنین فرآیندی نیازمند اطلاعات قابل اعتماد و قابل اتکا در سطح جهانی است. بنابراین، تلاش در جهت هماهنگ‌سازی استانداردهای حسابداری به منظور ارائه اطلاعات مفید و قابل اعتماد برای سطوح مختلف سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان جهانی، اجتناب‌ناپذیر گردید. علاوه بر آن، بروز بحران‌ها در شرکت‌های بزرگ چند ملیتی در دهه‌های اخیر تقاضا برای شفافیت اطلاعات و همچنین استفاده از استانداردهای گزارشگری یکسان را بیشتر کرده است (کاروالیو و سالوتی، ۲۰۱۳). به عبارتی، پدیده جهانی شدن سبب شده است تا در سال‌های اخیر، تقاضا برای معماری جدیدی از استانداردهای حسابداری به وجود آید که در حال حاضر تحت عنوان استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی مطرح است.

بونزون و دیگران (۲۰۰۸) بیان می‌کنند که تقاضا برای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به عنوان انقلاب جهانی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تلقی می‌شود، زیرا همگرایی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی یک پدیده جهانی بوده و در حال رشد است. در واقع استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی جلوه‌ای از جهانی شدن با تهیه گزارش‌های مالی یکسان است که همراستا با گزارشگری شرکت‌های چندملیتی و شرکت‌های کشورهای توسعه‌یافته بوده و تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند فرهنگ، سیاست، اقتصاد، رفتارها و همچنین جامعه‌شناسی قرار می‌گیرد.

مرور ادبیات در این حوزه نشان می‌دهد، اولین مجموعه استانداردهای بین‌المللی حسابداری در سال ۱۹۷۱ توسط کمیته استانداردهای بین‌المللی حسابداری منتشر شد و بعدها توسط هیات استانداردهای بین‌المللی حسابداری مورد بازبینی قرار گرفت. هیات استانداردهای بین‌المللی حسابداری نقشه گزارشگری مالی را به منظور دو هدف اصلی که عبارت‌اند از افزایش کیفیت

گزارشگری مالی و بهبود قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، در طی دوره‌های مختلف تغییر داده است (اهدافی که به همراه استقبال کشورها در جهت هماهنگ‌سازی، سبب شده است تا در حال حاضر بیش از ۱۶۶ کشور در سراسر جهان استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را پذیرفته و یا در حال پذیرش آن باشند). کارسون معتقد است استفاده از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی سبب می‌شود تا سرمایه‌گذاران به این باور برسند که تحت استانداردهای جدید از سرمایه‌گذاری‌شان محافظت شده و فرصت ارزیابی دقیق عملکرد سرمایه‌گذاری برای آنها فراهم است (کارسون و داوولینگ، ۲۰۱۰).

در واقع نیاز به اطلاعات، همراه با حرکت جهانی به سمت ایجاد بازارهای بین‌المللی، سبب شده تا سرمایه‌گذاران بین‌المللی برای تخصیص سرمایه نیازمند اطلاعات مالی معتبر و قابل اعتماد بوده و به دنبال ابزاری برای ارزیابی کیفیت اطلاعات مالی باشند. در واقع چنین نیازی سبب شده تا استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی معیار اصلی قضاوت حساب‌برسان بین‌المللی از جهت اعتباردهی به صورت‌های مالی تلقی شود. بر این اساس، حرفه حسابرسی نیز تحت تأثیر شدید استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی قرار گرفته و وظیفه اطمینان‌بخشی خود را از طریق رعایت استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تحقق می‌بخشد (محمدرضایی و همکاران، ۱۳۹۴).

بدیهی است همگرایی به سمت استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی می‌تواند اثرات گسترده‌ای بر بازارهای حسابرسی داشته باشد. انتظار می‌رود با پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بتوان گزارش حسابرسی مبتنی بر قضاوت حرفه‌ای بیشتر، عینی‌تر و همچنین اظهارنظر مستقل‌تر مبتنی بر ارائه ارزش منصفانه صورت‌های مالی ارائه نمود (روبو، ۲۰۱۶). بنابراین، لازم است تا برای افزایش کیفیت حسابرسی، آموزش‌های مرتبط با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، عمومی شده و همچنین روش‌های حسابرسی و سیستم‌های اطلاعاتی برای تطبیق با استانداردهای حسابداری جدید بروز شوند. بدیهی است که انجام چنین تغییراتی نیازمند سرمایه‌گذاری بیشتر توسط شرکت‌های حسابرسی است (لین و یو، ۲۰۱۶).

مرور ادبیات حسابداری نشان می‌دهد که پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، موجب تحقیقات گسترده‌ای در حوزه دانش حسابداری شده و پیامدهای اقتصادی زیادی در سراسر جهان داشته است. از جمله این تحقیقات در حوزه حسابداری مالی می‌توان به تحقیقاتی

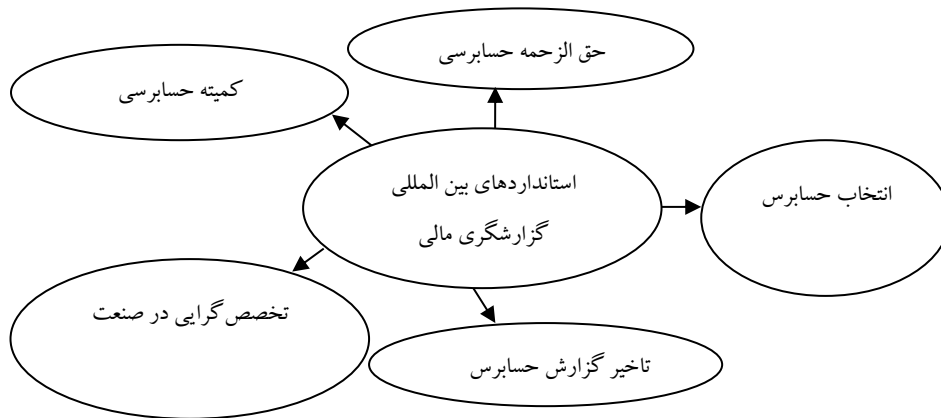
همچون ارتباط ارزشی ارقام سود (کلارسون و همکاران (۲۰۱۱) و هانگ و سابرمیان (۲۰۰۷))، تأثیر بر کاهش مدیریت سود (چن و همکاران (۲۰۱۰) و هوگ و همکاران (۲۰۱۲)) و تأثیر آن بر صحت دقت بالای پیش‌بینی تحلیل‌گران (چالمرز و همکاران (۲۰۱۰) و کیم و شی (۲۰۱۰)) اشاره نمود. همچنین بخش دیگر این تحقیقات، مطالعاتی است که به اثر پیامدهای اقتصادی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی از جمله کاهش هزینه سرمایه (داسک، ۲۰۰۶)، افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (گوردون و همکاران، ۲۰۱۲) و نقدینگی بیشتر بازار سهام (دراک، ۲۰۱۰) مربوط می‌شود.

علی‌رغم وجود تحقیقات گسترده در زمینه حسابداری گزارشگری بین‌المللی و همچنین تبعات اقتصادی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، تحقیقات اندکی به اثر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر حوزه دانش حسابرسی پرداخته‌اند. بدیهی است که عدم توجه به اثر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر حوزه دانش حسابرسی می‌تواند سبب شود تا نقش حسابرسان بر وظیفه اعتباردهی صورت‌های مالی تحت استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی نادیده گرفته شود. بنابراین، چنین چالش‌هایی سبب می‌شود تا این سؤالات مطرح شود که چگونه پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی می‌تواند بر حرفه حسابرسی تأثیر گذارد؟ و حوزه‌های متأثر آن کدام است؟

ادبیات مربوط به پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی نشان می‌دهد، اگرچه پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی توانسته بر جنبه‌های زیادی از حوزه حسابرسی مثل حق‌الزحمه حسابرسی، انتخاب حسابرسان، تأخیر گزارش حسابرسان، تخصص حسابرسان در صنعت و کمیته حسابرسی اثر بگذارد، اما اینکه چگونه پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر حوزه دانش حسابرسی اثر می‌گذارد، تاکنون به بحث گرفته نشده است.

همچنین در خصوص اهمیت پژوهش حاضر، با توجه به اینکه در حال حاضر کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار با سرمایه بیش از ده هزار میلیارد ریال و بانک‌ها و بیمه‌ها ملزم به تهیه صورت‌های مالی مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی هستند، بنابراین مطالعه و پژوهش در این زمینه می‌تواند برای سرمایه‌گذاران، حسابرسان و استانداردها‌گذاران در حوزه حسابداری و حسابرسی مفید باشد. همچنین این مطالعه می‌تواند به توسعه دانش، مبانی نظری و آگاهی استفاده‌کنندگان در مورد تأثیر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر

حسابرسی بیانجامد. بنابراین، برای دستیابی به اهداف فوق، اثر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر پنج بعد حسابرسی که در شکل ۱ قابل مشاهده است، از لحاظ نظری و تحقیقات تجربی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.



شکل (۱): اثر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر حوزه دانش حسابرسی

بر این اساس، در ابتدا به منافع و چالش‌های پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (اندازه‌گیری ارزش منصفانه و استانداردهای مبتنی بر اصول) که می‌تواند بر حوزه دانش حسابرسی اثرگذار باشد، پرداخته شده است. سپس در ارتباط با تجربه و پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در اقتصادهای نوظهور که حوزه دانش حسابرسی از آن متاثر خواهد شد، بحث شده است و در ادامه به تأثیر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر هر یک از معیارهای حسابرسی پرداخته شده است؛ در نهایت مقاله با بحث و نتیجه‌گیری و پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده خاتمه می‌یابد.

منافع و چالش‌های پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی

استدلالات زیادی وجود دارد که پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی منافع زیادی به همراه دارد. شواهد این استدلال‌ها حاکی از آن است که پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی منجر به کاهش هزینه سرمایه (داسک و همکاران، ۲۰۰۶)، نقدشوندگی بیشتر بازار (لوز و ورچینا ۲۰۰۰) و دارک (۲۰۱۰)، سرمایه‌گذاری بیشتر از طریق

جریان منابع مالی خارجی (گوردون و همکاران، ۲۰۱۲)، شرایط مطلوب تر در قرارداد بدهی (کیم و همکاران، ۲۰۱۱) و پوشش بیشتر تحلیل گران (کیم و شی، ۲۰۱۲) شده است. استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی برای رفع کاستی های گزارشگری مالی در سطح بین المللی وضع شده و موجب برقراری رویه های یکسانی، در گزارشگری مالی در سطح بین المللی شده اند. بنابراین، انتظار می رود تا اطلاعات برای تصمیم گیری بهتر مقایسه شود و این امر موجب صرفه جویی در هزینه و زمان از طریق رویه های یکسان شود (چوی و زیگیل (۱۹۹۹) و فخاری و همکاران (۱۳۹۳))، اما پذیرش استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی با توجه به محیط خاص هر کشور متفاوت است (مارتا و همکاران، ۲۰۱۰).

استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی عمدتاً براساس مدل حسابداری آنگلوساکسون است. بنابراین استفاده از استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی در کشورهای با نهادهای مختلف ممکن است منجر به نتایج متفاوتی شود، زیرا عوامل نهادی مختلفی از جمله عوامل حقوقی، تخصص گرایی در حرفه حسابداری و این که تا چه حد، نظارت و سازوکارهای حاکمیتی کشور توسعه یافته اند و همچنین میزان منابع سرمایه گذاری و میزان دخالت دولت از جمله عوامل بالقوه تأثیر گذار بر پذیرش استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی و نتایج مربوط به آن است (البو و نیکلای، ۲۰۱۲).

در همین رابطه پاوسی (۲۰۱۷) در مطالعه خود نشان داد که هماهنگ سازی و همگرایی با پذیرش استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی در سطح شرکت ها هزینه زیادی در پی دارد. آنها همچنین معتقدند که گذر به سمت پذیرش استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی، مستلزم هزینه های مرتبط با آموزش و توانمندسازی کارکنان، آموزش استفاده کنندگان صورت های مالی و هزینه های تعدیل صورت های مالی در بسیاری از شرکت ها بوده است. کمیران و پیروتی (۲۰۱۳) طی یک نظر سنجی انجام شده در میان سرمایه گذاران، مدیران و حسابرسان در ۲۳ کشور عضو اتحادیه اروپا نشان دادند که هزینه های حسابرسی حاصل از پذیرش استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی به دلیل تغییر سیستم کنترل کیفیت، افزایش یافته است و مشتریان موسسه های حسابرسی بر اثر این پذیرش اقداماتی مرتبط مانند استخدام و تشکیل گروه های تخصصی به منظور پیشرفت و توسعه فعالیت های حرفه انجام داده اند. علاوه بر هزینه های آماده سازی، یکی از چالش های دیگر پذیرش استانداردهای بین المللی گزارشگری

مالی، اندازه‌گیری آنها مبتنی بر ارزش منصفانه است. اگرچه ارزش منصفانه باعث ایجاد اطلاعات مربوط تر، تسهیل ارزیابی عملکرد شرکت، انعکاس بهتر وضعیت مالی و برآوردهای جریان نقدی آتی می‌شود، اما مشکلات عملی ارزش منصفانه سبب شده تا کشورها در پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی با چالش‌های زیادی مواجه شوند. به عبارتی، بیشتر این مشکلات مربوط به استانداردهای ترکیب تجاری و کاهش ارزش دارایی‌های نامشهود است که نگرانی همه شرکت‌های بزرگ را افزایش داده است.

جنبه دیگری از چالش اندازه‌گیری ارزش منصفانه، قضاوتی و ذهنی بودن آن است که باعث بروز خطا در گزارشگری مالی و نهایتاً نارسایی در حسابرسی می‌شود. به دلیل کاهش اثبات-پذیری ارزش منصفانه، ارائه دستورالعمل اجرایی برای اعمال این ارزش کمتر است (جمال و همکاران، ۲۰۰۹). علاوه بر این، با تغییراتی که در چارچوب مفهومی هیات استانداردهای حسابداری مالی برای ایجاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی صورت گرفته است، لازم است تا اطلاعات مربوط به اندازه‌گیری ارزش منصفانه افشاء شود و در دسترس همگان قرار گیرد که بی‌شک هزینه بر خواهد بود (ریچارد، ۲۰۱۶).

آخرین چالشی که می‌توان از پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی مبتنی بر اصول انتظار داشت، چالش هزینه‌های دادخواهی است که انتظار می‌رود با پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بیشتر شود، زیرا استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی مبتنی بر اصول، توانایی حسابرسان را در انطباق رهنمودها با قوانین کمتر می‌کند و موجب هزینه دادخواهی بیشتری برای حسابرسان می‌شود (دیل و همکاران، ۲۰۱۰).

پذیرش و تجربه استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در اقتصادهای نو ظهور

جهانی شدن سبب شده تا اکثر بازارهای در حال توسعه، در مورد بحث همگرایی به سمت مجموعه واحدی از استانداردهای حسابداری و حسابرسی در سطح بین‌المللی، تلاش نمایند. در این ارتباط، بسیاری از محققان (برون ۲۰۰۵ و ۲۰۱۱) و لارسون و استریت (۲۰۰۴)) بیان نمودند که هماهنگ‌سازی استانداردهای بین‌المللی حسابداری در کشورهایی با اقتصادهای نو ظهور، باعث تهیه گزارش‌های مالی در چارچوب اصولی تر و افزایش کیفیت اطلاعات مالی شده است.

دیگر محققان (کینگ (۲۰۰۱) و زیگال (۲۰۰۶)) ادعا کردند که اگر اطلاعات حسابداری بر اساس رویه‌های حسابداری کشورهای توسعه یافته تهیه شود، امکان دارد چنین وضعیتی برای مدل‌های تصمیم‌گیری اقتصادی کشورهایی با اقتصادهای نوظهور، مناسب نباشد (البو و نیکلای، ۲۰۱۲).

همچنین شواهد نشان می‌دهد که برخی از اقتصادهای نوظهور مانند اردن، چین، لهستان و امارت متحده عربی ابتکار عمل خود را برای پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی آغاز کرده‌اند و حتی برخی از آنها مانند کشور مصر، پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را با توجه به واقعیت اقتصادی خود انجام دادند. انتظار می‌رود این فرآیند به منظور بهبود کیفیت اطلاعات، اعتبار بالای گزارش‌های مالی و توسعه جریان سرمایه و سرمایه‌گذاری و در نتیجه توسعه اقتصادی تسهیل شود. اگرچه این فرآیند در بسیاری از شرکت‌ها در خاورمیانه و یا کشورهای اروپای شرقی مستلزم اجازه رسمی و تصویب قانونی است تا بتوان از این استانداردها در عمل استفاده نمود (البو و نیکلای، ۲۰۱۲). همچنین، ایروین و لوکاس (۲۰۰۶)، معتقدند که پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی مزایای قابل توجهی برای اقتصادهای نوظهور دارد. از جمله این مزایا کاهش هزینه سرمایه، تحرک بیشتر سرمایه، تخصیص کارآمد منابع، بهبود و قابلیت مقایسه گزارشگری مالی و کاهش فرصت‌ها برای مدیریت سود است.

به طور کلی وعده جهانی شدن، مشارکت در سرمایه‌گذاری و ایجاد فرصت‌های مالی، سبب شده تا زمینه پذیرش فوری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در اقتصادهای نوظهور مهیا شود. البته علی‌رغم وجود مزایای پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، اقتصادهای نوظهور با چالش‌های زیربنایی، نظارتی و فرهنگی استانداردهای بین‌المللی حسابداری که مبتنی بر اقتصاد غربی است، نیز مواجه هستند. پذیرش استانداردهای جدید در اقتصادهای نوظهوری که فرآیند صنعتی شدن را با رشد سریع تجربه می‌کنند، با مشکلاتی از قبیل پیچیدگی استانداردهای بین‌المللی و اندازه‌گیری‌های مبتنی بر ارزش‌های منصفانه، عدم آگاهی و تنش‌های محیط سیاسی و اقتصادی داخلی همراه است. ایروین و لوکاس (۲۰۰۶)، در پژوهش خود نشان دادند که در اقتصادهای نوظهور پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی با افزایش هزینه جاری و هزینه‌های مربوط به تغییرات مداوم به استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی

همراه است؛ اما با وجود این چالش‌ها، دلیل پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی توسط اقتصادهای نوظهور چیست؟

شاید بتوان گفت که کشورهای با اقتصادهای نوظهور به دلایل مختلفی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را قبول می‌کنند که از شایع‌ترین آنها می‌توان به از بین بردن موانع سرمایه‌گذاری در خارج از مرزها، افزایش قابلیت اطمینان، شفافیت و مقایسه‌پذیری گزارش‌های مالی، افزایش کارایی بازار و کاهش هزینه‌های سرمایه (برون، ۲۰۱۱)، اشاره نمود. نکته‌ای دیگر آن است که اقتصادهای نوظهور ممکن است استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را به دلایل متفاوتی، نسبت به اقتصادهای توسعه یافته بپذیرند. به عبارتی، به نظر می‌رسد در اقتصادهای توسعه یافته تصمیم بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به دلیل توجه به خواسته‌های کاربران و تهیه‌کنندگان برای داشتن اطلاعاتی قابل مقایسه و قابل اطمینان بیشتر است، اما در اقتصادهای نوظهور، پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، در واقع گذری برای توسعه اقتصادی است (البو و نیکلای، ۲۰۱۲). البته تجربه کشورها در مورد پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در اقتصادهای نوظهور متفاوت بوده است. بعضی از کشورها پس از پذیرش نسبتاً موفقیت‌آمیز عمل کرده‌اند (به عنوان مثال، بولاکی (۲۰۱۰) برای موریس و چامیزا (۲۰۱۲) برای زیمبابوه)، در حالی که بعضی از کشورهای دیگر به دلیل عدم انطباق با استانداردها با شکست مواجه شده‌اند (به عنوان مثال میر و رحمان (۲۰۰۵) برای کویت و پاکستان).

اثر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر حوزه‌های

حسابرسی

انتظار می‌رود با پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، حساب‌برسان وظایف دشوارتری در پیش داشته باشند، زیرا ارزیابی مدیران در انطباق با استانداردهای حسابداری جدید از قبیل قضاوت نسبت به برآوردهای ارزش منصفانه، بر پیچیدگی کار حساب‌برسان می‌افزاید. از آنجا که میزان تلاش‌ها، تخصص‌گرایی و اندازه موسسه‌های حسابرسی تحت تأثیر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی قرار می‌گیرد، بنابراین، کیفیت حسابرسی هم متفاوت خواهد بود. به دنبال چالش‌های موجود در استانداردهای بین‌المللی حسابداری مبتنی بر اصول و روش اندازه‌گیری ارزش منصفانه، حساب‌برسان نگرش تردید حرفه‌ای خود را بیشتر

می‌کنند، تا از میزان پیچیدگی‌ها کاسته شود. بنابراین، انتظار می‌رود که همگرایی با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی مبتنی بر اصول، اثرات گسترده‌ای بر حوزه دانش حسابرسی داشته باشد که در ادامه اثر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر هر یک از حوزه‌های دانش حسابرسی شامل حق‌الزحمه حسابرسی، انتخاب حسابرس، تأخیر ارائه گزارش حسابرسی، تخصص صنعت حسابرس و کمیته حسابرسی بررسی و ارایه شده است.

حق‌الزحمه حسابرسی

پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به عنوان یکی از مهمترین رویدادهای محیط حسابداری بر حوزه حسابرسی تأثیر شگرفی داشته است. یکی از چالش‌برانگیزترین این حوزه‌ها حق‌الزحمه حسابرسی است. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، دو اثر متضاد بر حق‌الزحمه حسابرسی دارد. اولین اثر مربوط به این موضوع است که این استانداردها مبتنی بر اصول تدوین شده و اندازه‌گیری آنها مبتنی بر ارزش منصفانه است که این عامل می‌تواند نسبت به کشورهایی که از استانداردها مبتنی بر قواعد و روش اندازه‌گیری مبتنی بر بهای تمام شده تاریخی استفاده می‌کنند، بر پیچیدگی کار حسابرسان بیفزاید. به گونه‌ای که این امر باعث می‌شود، حسابرسان از برآوردهای عمیق‌تر و از قضاوت حرفه‌ای بیشتری استفاده نمایند و بر همین اساس، تلاش‌های اضافی حسابرسان مستلزم حق‌الزحمه بیشتری خواهد بود (دیلوت و همکاران (۲۰۰۸) و کیم و همکاران (۲۰۱۲)).

بسیاری از مطالعه‌های اخیر در مورد ارتباط بین ارزش منصفانه و حق‌الزحمه حسابرسی نشان دادند که رسیدگی به ارزش منصفانه دارایی‌ها به دلیل قضاوتی بودن ارزش و قابلیت اثبات‌پذیری کمتر، مستلزم عملیات حسابرسی بیشتری است. همچنین هوگ و همکاران (۲۰۱۲) در پی مطالعه خود دریافتند که حق‌الزحمه حسابرسی به دلیل تغییر مدل‌های ارزیابی در صورت‌های مالی مبتنی بر ارزش‌های منصفانه و استفاده از تجدید ارزیابی، افزایش یافته و اعتباردهی به این ارزش‌ها مستلزم تلاش بیشتر است. علاوه بر آن گانچرو و همکاران (۲۰۱۲) نشان دادند که به دلیل مشکلات اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه دارایی‌ها، پیچیدگی کار حسابرس افزایش یافته و حسابرسان حق‌الزحمه بیشتری را تقاضا می‌کنند.

در طیف دیگر عقیده بر این است که پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، باعث بهبود کیفیت گزارشگری مالی شده و از این طریق باعث کاهش حق‌الزحمه حسابرسی می‌شود. پالمروز (۱۹۹۸)، لایز و واتز (۱۹۹۴) و هنینگر (۲۰۰۱) بیان می‌کنند که کیفیت بالای صورت‌های مالی مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ریسک حساب‌برسان را به دلیل کاهش تحریف‌های با اهمیت و سوء تعبیر کاهش می‌دهد. بنابراین، اگر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی دلالت بر کیفیت بالای گزارشگری مالی داشته باشد، انتظار می‌رود حق‌الزحمه حسابرسی کاهش یابد. همچنین تعدادی از تحقیقات، ارتباط بین کیفیت گزارشگری مالی و حق‌الزحمه حسابرسی را مورد بررسی قرار داده‌اند. برای مثال بارث و همکاران (۲۰۰۸) بیان کردند، کشورهایی که به طور داوطلبانه استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را پذیرفتند، مدیریت سود کمتری در سطح شرکت‌ها تجربه نموده‌اند. علاوه بر این، چن و همکاران (۲۰۰۱) در بررسی شرکت‌های عضو اتحادیه اروپا نشان دادند که پذیرش اجباری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، نیز سبب مدیریت سود کمتری در سطح شرکت‌ها شده است. به طور کلی، مطالعات نشان می‌دهد که حق‌الزحمه‌های حسابرسی در سال‌های اولیه پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، افزایش می‌یابد. دلیل اصلی افزایش این است که حساب‌برسان بر اساس استانداردهای مبتنی بر اصول و اندازه‌گیری ارزش منصفانه نیاز به قضاوت بیشتری دارند که این امر مستلزم افزایش زمان و تلاش حساب‌برسان است (هشیو و همکاران، ۲۰۱۶). بنابراین، انتظار می‌رود که با پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تلاش‌های حساب‌برسان از دو جنبه افزایش یابد.

جنبه اول، این است که لازم است تا حساب‌برسان تلاش‌های اضافی را برای کسب آگاهی در مورد استانداردهای جدید انجام دهند تا بتوانند از این طریق اجرای مناسب استانداردها را ارزیابی نمایند. به احتمال زیاد در این مواقع، حساب‌برسان برای پوشش هزینه تلاش‌های خود، حق‌الزحمه حسابرسی بیشتری را مطالبه خواهند نمود. جنبه دوم، به ریسک دادخواهی و ریسک وجود تحریف با اهمیت در سطح صورت‌های مالی مربوط است که با پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، بوجود خواهد آمد.

همچنین انتظار می‌رود، وجود عدم اطمینان محیطی نسبت به پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، هزینه‌های مربوط به انطباق با استانداردها را افزایش دهد. یعنی پذیرش

استانداردها سبب می شود تا حسابرسان برای محافظت از شهرت و افزایش ریسک سرمایه گذاری در منابع حسابداری و افزایش حق بیمه برای ریسک حسابداری خود، هزینه های بیشتری را متحمل شوند (دی گریس و همکاران (۲۰۱۳)، گریفین و همکاران (۲۰۰۹) و کیم و همکاران (۲۰۱۱)).
نگاره ۱، نتایج تحقیقات تجربی در خصوص پذیرش استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی و اثرات آن بر حق الزحمه حسابداری را ارائه نموده است.

نگاره (۱): نتایج تحقیقات اثر پذیرش استانداردهای بین المللی گزارشگری بر حق الزحمه

حسابرسی

نام محقق	سال تحقیق	نتایج
گریفین و همکاران	۲۰۰۹	از سال ۲۰۰۲ پس از اجرای پذیرش IFRS در نیوزلند، میزان حق الزحمه حسابداری افزایش یافته است.
کیم و همکاران	۲۰۱۲	در بررسی شرکت های کشورهای عضو اتحادیه اروپا نشان داد به دلیل پیچیدگی پذیرش IFRS، افزایش قابل توجهی در حق الزحمه حسابداری رخ شده است.
دی گریس و همکاران	۲۰۱۳	پس از پذیرش IFRS، حق الزحمه حسابداری به میزان ۲۳٪ افزایش یافته است.
کامران و پروتی	۲۰۱۳	با پذیرش IFRS در بانک ها، حق الزحمه های حسابداری نیز افزایش یافته است.
هشیو و ین	۲۰۱۶	حسابرسان با تجربه در سال های اولیه پذیرش IFRS، به طور قابل توجهی بالاترین میزان حق الزحمه حسابداری را دریافت کردند.

انتخاب حسابرس

مطابق با چارچوب نمایندگی، دی آنجلو (۱۹۸۱) معتقد است که افزایش تقاضا برای حسابرسان بزرگ و با کیفیت از دو منبع نشات می گیرد. منبع اول، هزینه مربوط به حسابداری این شرکت ها به دلیل صرفه جویی در مقیاس^۱ برای شرکت ها کمتر خواهد بود. منبع دوم، به کیفیت کار حسابرسان بزرگ مربوط است که قادر هستند به حسابداری موضوعات پیچیده بپردازند و نظارت کنندگان خارجی نیز به کیفیت کار آنها اعتماد بیشتری دارند. بنابراین، انتظار می رود موسسات حسابداری که از رویه های استانداردهای بین المللی حسابداری استفاده می کنند،

انطباق بیشتری با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری داشته باشند (کامپریکس و همکاران، ۲۰۱۱).

همچنین پیچیدگی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، سبب می‌شود تا تقاضا برای حساب‌رسان با کیفیت بالاتر بیشتر شود. مطالعه‌های اخیر نشان می‌دهد که انتخاب چهار موسسه بزرگ حسابرسی توسط صاحبکاران در جهت سازگاری با جهانی شدن و بویژه با کشورهای توسعه یافته است. بنابراین، اگر انتخاب چهار شرکت بزرگ حسابرسی نشان دهنده کیفیت بالای حسابرسی باشد، آنگاه این انتظار وجود دارد که پس از پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، تقاضا برای این چهار موسسه بزرگ حسابرسی به دلیل کیفیت بالای کار آنها افزایش یابد. بر این اساس، انتظار می‌رود که موسسه‌های کوچک حسابرسی برای ورود به بازار جهانی با موانع جدی روبرو باشند.

تحقیقات نشان می‌دهند که تقاضا برای چهار موسسه بزرگ حسابرسی پس از پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در کشورهای عضو اتحادیه اروپا، مزایای قابل توجهی را به همراه داشته است. این مزایا به دلیل مهارت و تخصص حساب‌رسان بزرگ در استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و توانایی آنها برای نظارت بر رویه‌های گوناگون حسابداری مشتریان در کشورهای عضو اتحادیه اروپا بوده است. همچنین مطالعاتی در خصوص اثر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر انتخاب حساب‌رس صورت گرفته است. برای مثال، کامپریکس و همکاران (۲۰۱۱)، نشان دادند که گذر به سمت پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی منجر به تغییر بیشتر حساب‌رس در شرکت‌های که به بکارگیری این استانداردها اقدام کرده بودند، می‌شود. هوگ و همکاران (۲۰۱۲) نشان دادند که احتمال انتخاب چهار موسسه بزرگ حسابرسی برای شرکت‌های فعال، پس از پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی افزایش یافته است. همچنین چن (۲۰۱۴) نشان داد، پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، سبب شده تا تمایل به استفاده از تخصص بالای چهار موسسه بزرگ حسابرسی بیشتر شود. به طور کلی، بر اساس نتایج پژوهش‌ها، انتظار می‌رود پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر بازار حسابرسی از طریق انتخاب نوع حساب‌رس اثرگذار باشد.

تأخیر گزارش حسابرسی

به موقع بودن گزارش حسابرسی یکی دیگر از ویژگی‌های مهم بازارهای نوظهور است. به عبارتی، به موقع بودن انعکاسی از تعداد ساعات مورد نیاز برای انجام کار حسابرسی است که تحت تأثیر مقدار کار انجام شده توسط حسابرسان، تعداد حسابرسان اختصاص یافته و تعداد ساعات اضافی است. معمولاً، به موقع بودن گزارش حسابرسی مرتبط با کارایی حسابرسی است و اینکه چگونه حسابرسان شایستگی‌های لازم را در انجام وظایف خود برای رسیدن به اظهارنظر حسابرسی در اختیار دارند و می‌توانند تصویر واقعی از عملیات شرکت را ارائه دهند (احمد، ۲۰۱۲). تأخیر گزارش حسابرسی، نقطه مقابل به موقع بودن گزارش حسابرسی است و اشاره به فاصله زمانی بین پایان سال مالی و تاریخ گزارش حسابرس است. این فرآیند نشان می‌دهد که به چه میزانی مدیر هنگام تهیه صورت‌های مالی و حسابرس هنگام رسیدگی، نقش مهمی در این تأخیر داشته‌اند (حیب، ۲۰۱۴). در واقع تأخیر در گزارش حسابرس نشان می‌دهد که مدیران و حسابرسان تا چه میزان برای حل و فصل اختلافات مذاکره کرده‌اند. آنتلی و نل‌بوف (۱۹۹۱) بیان می‌کنند که پیشنهاد حسابرسان در مذاکرات اولیه قرارداد حسابرسی می‌تواند محافظه‌کارانه باشد، زیرا مدیر انگیزه دارد تا در مورد وضعیت شرکت مطمئن شود، اما پس از مذاکره، حسابرسان تمایل به محافظه‌کاری کمتری دارند و در نتیجه گزارشگری مالی آنها، تهاجمی‌تر خواهد شد.

از دیدگاه مدیریت شرکت، گذار به سمت پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی موجب اصلاح در مدل‌های سنتی گزارشگری مورد استفاده شرکت‌ها می‌شود و مستلزم فرآیند تطبیق توسط مدیریت در قالب ارائه اطلاعات مالی منطبق با الگوی استانداردهای بین‌المللی است. بنابراین، پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی منجر به افزایش تأخیر مدیریت در ارائه گزارش به حسابرسان می‌شود (بونزون و دیگران، ۲۰۰۸).

از دیدگاه حسابرس، پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی موجب افزایش ریسک حسابرسی است، زیرا رویکرد استانداردگذاری هیات استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، مبتنی بر اصول است و این سبب می‌شود تا حسابرسان برای مقابله با افزایش قضاوت‌های مدیریت (برای مثال دارایی‌های نامشهود) و طبقه‌بندی (برای مثال ابزارهای مالی) جدید ناشی از پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی، ریسک را مدنظر قرار دهند. بنابراین، افزایش

ریسک حسابرسی، منجر به تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی پس از پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی شده است (حیب، ۲۰۱۱). مطالعه‌های تجربی پیشین نشان می‌دهند که پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی منجر به تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی می‌شود. بونزون و همکاران (۲۰۰۸)، حیب و بهاین (۲۰۱۱)، والکر و های (۲۰۱۳) و حیب (۲۰۱۴) بیان کردند که در سال‌های اولیه پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، تأخیر حسابرس در ارائه گزارش حسابرسی افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، انتظار می‌رود پیچیدگی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی لازم را برای حسابرسی افزایش دهد.

تخصص‌گرایی حسابرس

یکی از اهداف موسسه‌های حسابرسی، شناسایی راه‌کارهایی برای ایجاد متمایز شدن بین رقبای خود از طریق ارائه خدمت به نیازهای مشتریان است. استراتژی تمایز، سبب می‌شود تا بجای منفعت‌طلبی به حفظ مشتریان فکر کرد، با این فرض که صاحبکاران موسسه‌های حسابرسی دارای مجموعه‌ای از ویژگی‌های منحصر به فرد هستند و موسسه‌های حسابرسی باید برای رفع نیازهای صاحبکاران، خود را با این ویژگی‌ها وفق دهند (چن و همکاران، ۲۰۰۱). این موضوع سبب می‌شود تا موسسه‌های حسابرسی به منظور پاسخگویی به نیازهای صاحبکاران خدمات حسابرسی تخصصی‌تر را ارائه نمایند.

از سوی دیگر دو ویژگی (۱) استفاده از مزایایی از قبیل حق‌الزحمه حسابرسی کمتر، افزایش کیفیت حسابرسی و مشاوره که به‌عنوان ارزش افزوده تخصص‌گرایی تلقی می‌شود و (۲) سازوکاری جهت علامت‌دهی به سرمایه‌گذاران از این جهت که درصدد شفافیت بیشتر هستند، سبب می‌شود تا تقاضای صاحبکاران از حسابرسان متخصص در صنعت افزایش یابد. تخصص حسابرس در صنعت، اشاره به دانش حسابرس از کسب و کار صاحبکاران و تمرکز آنها در صنعت مربوطه دارد (سلومون و همکاران، ۱۹۹۹). پژوهش‌های تجربی نشان می‌دهند که حسابرسان با آگاهی از صنعت خاص، دانش کامل‌تری نسبت به مسائل شرکت دارند و این امر باعث افزایش توانایی آنها در شناخت روش‌های موثرتر برای شناسایی اشتباهات و تخلف می‌شود. حسابرسان متخصص در صنعت قادر به شناسایی تحریف‌های بااهمیت هستند و از

انگیزه‌های شناسایی تحریف‌ها به عنوان سپری برای حفاظت از شهرت خود در بازار حسابرسی استفاده می‌کنند (دان و ماهیو، ۲۰۰۴).

اندازه‌گیری مبتنی بر ارزش منصفانه در استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، حساب‌برسان متخصص در صنعت را وادار می‌کند، تا با بررسی جزئیات بر روی صحت قضاوت‌های مدیریت در تعیین و برآورد ارزش منصفانه و همچنین اطمینان از انتخاب و مناسب بودن مدل‌ها برای برآورد ارزش منصفانه، بپردازند. هال (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای نشان داد که به دلیل افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی پس از پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، حساب‌برسان متخصص صنعت قادرند که به مشتریان خود حسابرسی با کیفیت بالاتری ارائه نمایند.

به اعتقاد بسیاری از پژوهشگران همانند فلمینگ و همکاران (۲۰۰۷) حساب‌برسان متخصص صنعت باعث افزایش کارایی می‌شوند، زیرا خطای تشخیص کمتری داشته و کار را با هزینه کمتری انجام می‌دهند. در مجموع، تخصص در صنعت، به حساب‌برسان اجازه می‌دهد تا با الزامات و مقررات جدید مانند استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، سازگاری بیشتری داشته باشند و انتظار می‌رود حساب‌برسان متخصص در یک صنعت، قبل از پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، کارایی لازم را داشته باشند.

به طور کلی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به عنوان یک مجموعه یکپارچه از مقررات حسابداری میان کشورها به حساب‌برسان متخصص در صنعت اجازه می‌دهد که ضمن کسب دانش مربوط به شرکت‌های یک صنعت، به طور موثری در بین صنایع کشورهای مختلف، به کیفیت حسابرسی بالای دست یابند. چنین پیچیدگی‌هایی مربوط به پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی منجر می‌شود تا تعداد حساب‌برسانی که دانش عمیق و تخصصی در صنعت خاص دارند، نسبت به حساب‌برسان غیرمتخصص، کمتر باشند. هال (۲۰۱۳) معتقد است که قدرت حساب‌برسان متخصص صنعت نسبت به حساب‌برسانی که تخصص خاصی در صنعت ندارند، پس از پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی افزایش می‌یابد.

کمیته حسابرسی

فشار جهانی برای دولت‌ها به سمت استفاده از چارچوب استاندارد حسابداری مانند استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، باعث شده است که کمیته حسابرسی فشار بیشتری را تحمل کند، زیرا پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی توسط کشورها باعث شده که توانایی و مسئولیت کمیته حسابرسی برای ترویج و تضمین موثر بر کیفیت اطلاعات حسابداری مطابق با گزارشگری جدید، افزایش یابد (مارا، ۲۰۱۱). طبق قانون ساربنز اکسلی در آمریکا و همچنین مطابق با دستورالعمل‌های شرکت‌های اروپایی بر نیاز به تشکیل کمیته حسابرسی به منظور تأمین نظارت قوی بر گزارشگری مالی شرکت‌ها و کنترل‌های داخلی تأیید شده است.

مطالعه‌های پیشین نشان می‌دهند که استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، منجر به کیفیت بالای افشای اطلاعات می‌شود (داسک و گی‌هاردت، ۲۰۰۶). به دلیل افزایش کیفیت افشای اطلاعات، کمیته حسابرسی نقش موثری در ارائه اطلاعات صحیح و به خصوص درباره رویه‌های حسابداری دارد. این امر در نهایت سبب می‌شود تا کمیته حسابرسی برای درک و شناخت بهتر از رویه‌های حسابداری، همراه شده و نظارت بر مدیریت سود و ترویج کیفیت اطلاعات حسابداری آسان‌تر شود (بدراد و همکاران، ۲۰۰۴). همچون قانون ساربنز اکسلی (۲۰۰۲) الزام می‌کند، کمیته حسابرسی باید مستقل از مدیران باشد و حداقل یک کارشناس مالی در آن عضویت داشته باشد. بنابراین انتظار می‌رود کمیته حسابرسی پس از پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر کیفیت اطلاعات مالی بیفزاید. اصولاً در پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی سوال‌های زیر برای کمیته حسابرسی به وجود می‌آید.

۱. آیا کمیته حسابرسی برای نظارت بر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برنامه‌ای اجرا کرده است؟ و آیا این برنامه پیشرفتی داشته است؟

۲. استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی چه تأثیری بر کنترل‌های داخلی و افشای اطلاعات صورت‌های مالی دارد؟

۳. دانش اعضای کمیته حسابرسی در پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی چگونه است؟ و چگونه آنها موارد افتراق بین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و استانداردهای پذیرفته شده عمومی حسابداری را شناسایی و درک می‌کنند؟

۴. چگونه کمیته حسابرسی به تقاضای مدیریت برای انتخاب رویه‌های حسابداری از طریق استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی کمک می‌کند؟ زیرا استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی مستلزم قضاوت حرفه‌ای‌تر هستند و با توجه به انتخاب سیاست‌های حسابداری، برخی از فرآیندها یا سیستم‌های دارایی از قبیل دارایی‌های ثابت، سیستم‌های مبتنی بر حق‌الاشتراک و موجودی، تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

به طور کلی، کمیته حسابرسی نقش بسیار مهمی برای توسعه برنامه اجرای پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی از جمله آگاهی از ریسک‌های احتمالی هنگام پذیرش، بر عهده دارد. به عبارتی، گرفتاری اولیه کمیته حسابرسی مربوط به سطح مناسبی از توجه مدیریت برای برنامه اجرای پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی است. کمیته حسابرسی باید از آموزش‌های مربوط به استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و از سطح دانش فعلی مدیران اطمینان یابد (اووتوی، ۲۰۱۳).

اگر کمیته حسابرسی فهم کاملی از سطوح مناسب برای اعمال استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی نداشته باشد، احتمال دارد هنگام پذیرش، سیاست‌های نامناسب را اتخاذ کند. بنابراین، کمیته حسابرسی باید برنامه‌ای در خصوص آموزش به موقع برای تمام اعضا و بر اساس الزامات و دانش مالی برای استانداردهای پذیرفته شده حسابداری، داشته باشد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش تأثیر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر حوزه حسابرسی مورد بررسی قرار گرفت. در این راستا، به طور مروری مبانی نظری و مطالعات تجربی مربوط به اثر پذیرش بر مؤلفه‌های حسابرسی مانند حق‌الزحمه حسابرسی، انتخاب حسابرس، تأخیر ارائه گزارش حسابرسی، تخصص صنعت حسابرس و کمیته حسابرسی بررسی شد. همچنین نقطه شروع ایده این پژوهش این بود که شواهد بین‌المللی قوی وجود دارد که هماهنگ‌سازی

استانداردها و افشا اطلاعات، باعث افزایش قابلیت مقایسه و کیفیت گزارشگری مالی می‌شود که این مساله برای حسابرسان با مباحثی همراه است.

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که در سال‌های اولیه پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی میزان حق‌الزحمه حسابرسی افزایش می‌یابد. به عبارتی، حسابرسان به دلیل پیچیدگی استانداردها مبتنی بر اصول و روش اندازه‌گیری ارزش منصفانه تلاش‌های بیشتری به منظور کاهش ریسک حسابرسی انجام می‌دهند و برای پوشش هزینه‌های خود نیز حق‌الزحمه بیشتری مطالبه می‌کنند، اما پس از پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی میزان حق‌الزحمه حسابرسی به دلیل بهبود و افزایش کیفیت گزارشگری مالی کاهش می‌یابد.

نتایج پژوهش‌های بررسی شده نشان می‌دهد که پیچیدگی زیاد استانداردهای جدید، تقاضا برای حسابرسان با کیفیت بالا را افزایش می‌دهد، زیرا مهارت و تخصص حسابرسان بزرگ از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و توانایی آنها برای نظارت بر رویه‌های حسابداری بیشتر است. همچنین پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در سال‌های اول، باعث تأخیر در گزارش حسابرسی می‌شود. از دیدگاه مدیریت، گذار به سمت پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی موجب اصلاح در مدل‌های سنتی گزارشگری و مستلزم فرآیند تطبیق توسط مدیریت در قالب ارائه اطلاعات مالی منطبق با الگوی استاندارد جدید است. از دیدگاه حسابرس نیز پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی مرتبط با افزایش ریسک حسابرسی در خصوص تبیین معیار و روش اندازه‌گیری ارزش منصفانه در استانداردها است که منجر به تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی پس از پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی خواهد شد.

در نهایت یافته‌های دیگر پژوهش حاکی از آن است که حسابرسان متخصص در صنعت به دلیل دانش خاصی که از استانداردهای بین‌المللی و کسب و کار مشتریان دارند از ریسک حسابرسی کمتری برخوردارند. به عبارتی، حسابرسان متخصص در صنعت با بررسی جزئیات، از صحت قضاوت‌های مدیریت در خصوص انتخاب و مناسب بودن مدل‌ها برای برآورد ارزش منصفانه، نتیجه‌گیری بهتری دارند که این مساله منجر به افزایش کیفیت حسابرسی خواهد شد. این انگیزه سبب می‌شود تا حسابرسان و ادار شونند تا دانش عمیق‌تر و تخصصی‌تری درباره استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بدست آورند. همچنین کمیته حسابرسی می‌تواند

ریسک‌های احتمالی پذیرش استانداردهای جدید را تعیین کند. اگر کمیته حسابرسی فهم کاملی از سطوح مناسب برای اعمال استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی نداشته باشد، احتمال دارد هنگام پذیرش، سیاست‌های نامناسب اتخاذ کند. بنابراین، کمیته حسابرسی باید برنامه‌ای در خصوص آموزش به موقع برای تمام اعضا و بر اساس الزامات و دانش مالی برای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، اعمال نماید.

در نهایت آنکه، پژوهش در خصوص تأثیر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر حسابرسی هنوز در دوران تکامل خود است. تعداد مطالعات در این حوزه اندک است و تا کنون هیچ شناخت روشنی در خصوص اثر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر سایر مولفه‌های حوزه حسابرسی، ارائه نشده است. بنابراین، یک راه مفید برای تحقیقات آتی آن است که به این مطلب پرداخته شود که آیا حسابرسان مطابق با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی کیفیت حسابرسی را تضمین می‌کنند؟

نتایج پژوهش حاضر برای استفاده‌کنندگان چندین دستاورد و ارزش افزوده علمی دارد. اول، به تدوین‌کنندگان مقررات بازار حسابرسی همانند جامعه حسابداران رسمی و سازمان حسابرسی پیشنهاد می‌شود که پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی می‌تواند موجب افزایش رقابت در بازار حسابرسی به دلیل پیچیدگی‌های موجود در این استاندارد شود که استقلال و کیفیت حسابرسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دوم به قانون‌گذاران و نظارت‌کنندگان مقررات بازار سرمایه پیشنهاد می‌شود که از این مطلب باید آگاهی داشته باشند که در سال‌های اولیه پذیرش استانداردها، ریسک حسابرسی افزایش می‌یابد. سوم به کمیته حسابرسی شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود تا در خصوص پذیرش استانداردهای جدید، برنامه‌ای برای آموزش و توانمندسازی کارکنان داشته باشند. چهارم به مدیران شرکت‌ها کمک می‌کند تا از مهارت و تخصص حسابرسان بزرگ، برای کاهش پیچیدگی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به منظور افزایش کیفیت حسابرسی استفاده نمایند. پنجم برای تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و حسابرسی ملی این پیامد را در پی دارد که پذیرش استانداردهای جدید، هزینه‌های انطباق و هزینه‌های تعدیل صورت‌های مالی مبتنی بر اصول و اندازه‌گیری ارزش منصفانه را افزایش دهد. بنابراین تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی امری طبیعی است. در نهایت این پژوهش می‌تواند به بسط نظری موضوع پژوهش کمک نماید.

پی‌نوشت

۱ Economic of scale

منابع

- Ahmed, K. , Chalmers, K. , & Khlif, H. (2013). A meta-analysis of IFRS adoption effects. *The International Journal of Accounting*, 48 (2) , 173-217.
- Albu, N. , & Nicolae, C. A. (2012). International Financial Reporting Standards in an Emerging Economy: Lessons from Romania. *Australian Accounting Review*, 22 (4) , 341-352.
- Antle, R. , & Nalebuff, B. (1991). Conservatism and auditor-client negotiations. *Journal of Accounting Research*, 29, 31-54.
- Awotoye. (2013). IFRS-based results throw new challenge to audit committee members. *Businessday. Auditing and Finance Research*, 1 (4) , 1-11 .
- Barth, M. E. , Landsman, W. R. , & Lang, M. H. (2008). International Accounting Standards and Accounting Quality. *Journal of Accounting Research*, 46 (3) , 467-498.
- Bedard, J. , Chtourou, S. , & Courteau, L. (2004). The effect of audit committee expertise, independence, and activity on aggressive earnings management. *A Journal of Practice & Theory*, 23 (2) , 13-35 .
- Bonsn-Ponte, E. , Escobar-Rodriguez, T. , & Borrero-Domnguez, C. (2008). Empirical Analysis of Delays in the Signing of Audit Reports in Spain. *International Journal of Auditing*, 12 (2) , 129-140 .
- Boolakay, P, K. (2010). IFRS in Small Island Economies: Problems and Challenges to the Private and Public-sector Enterprises Using Data from Mauritius. *Working Paper, Available at SSRN*.
- Brown, P. (2011). International Financial Reporting Standards: What Are the Benefits?. *Accounting and Business Research*, 41 (3) , 269-85.
- Brown, P. , & Tarca, A. (2005). A Commentary on Issues Relating to the Enforcement of International Financial Reporting Standards in the EU. *European Accounting Review*, 14 (1) , 181-212.
- Cameran, M. , & Perotti, P. (2013). Audit Fees and IAS/IFRS Adoption: Evidence from the Banking Industry. *International Journal of Auditing*, 18 (2) , 155-169 .
- Carson, E. , & Dowling, C. (2010). The Production of Audit Services: The Relationship between Audit Support System Design and Audit Pricing by Global Audit Firm Networks. working paper, The University of Melbourne.
- Carvalho, L,N. , & Salotti, B, M. (2013). Adoption of IFRS in Brazil and the consequences to accounting education. *Accounting Education*, 28, 235-242.
- Chalmers, K. , Clinch, G. , Godfrey, J, M. , & Wei, Z. (2012). Intangible assets, IFRS and analysts' earnings forecasts. *Accounting & Finance*, 52 (3) , 691-721.
- Chamisa, E, E. (2000). The Relevance and Observance of the IASC Standards in Developing Countries and the Particular Case of Zimbabwe. *The International Journal of Accounting*, 35 (2) , 267-86.

- Chen, C. (2014). How does mandatory IFRS adoption affect the audit service market?. Working paper, University of Auckland.
- Chen, C. , Chen, S. , & Su, X. (2001). Profitability regulation, earnings management, and modified audit opinions: Evidence from China. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 20 (2) , 9–30.
- Chen, H. , Tang, Q. , Jiang, Y. , & Lin, Z. (2010). The Role of International Financial Reporting Standards in Accounting Quality: Evidence from the European Union. *Journal of International Financial Management & Accounting*, 21 (3) , 220–278.
- Choi, M, S. , & Zéghal, D. (1999). The effect of accounting firm mergers on international markets for accounting services. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 8 (1) , 1–22.
- Clarkson, P. , Hanna, J, D. , Richardson, G, D. , & Thompson, R. (2011). The impact of IFRS adoption on the value relevance of book value and earnings. *Journal of Contemporary Accounting and Economics*, 7 (1) , 1–17.
- Comprich, J. , Muller, K, A. , & Sinclair, J. (2011). Mandatory accounting requirements and demand for Big four auditors: Evidence from IFRS adoption in the EU”, Working Paper, Syracuse University, the Pennsylvania State University, the University of Connecticut.
- Daske, H. (2006). Economic benefits of adopting IFRS or US-GAAP: Have the expected cost of equity capital really decreased?. *Journal of Business Finance & Accounting*, 33 (3) , 329–373.
- Daske, H. , & Gebhardt, G. (2006). International Financial Reporting Standards and experts’ perceptions of disclosure quality. *Abac Accounting Foundation*, 42 (3) , 461-498.
- DeAngelo, L, E. (1981). Auditor size and audit quality. *Journal of Accounting and Economics*, 3 (3) , 183-199.
- DeGeorge, E. , Ferguson, C. , & Spea. N. (2013). How much does IFRS cost? IFRS adoption and audit fees. *The Accounting Review*, 88 (2) , 429-462.
- Deloitte, T, T. (2008). IFRS in Your Pocket: An IAS Plus Guide, 7th Edition, Deloitte Touche Tohomatsu. available at: <http://www.iasplus.com>.
- Diehl, K, A. (2010). The real cost of IFRS: The relationship between IFRS implementation and audit, tax, and other auditor fees. *International Research Journal of Finance and Economics*, 37, 96–101.
- Drake, M, S. , Myers, L, A. , & Yao. L. (2010). Are Liquidity Improvements Around the Mandatory Adoption of IFRS Attributable to Comparability Effects or to Quality Effects?. Working paper, The Ohio State University, University of Arkansas, and Beijing Jiaotong University
- Dunn, K, A. , & Mayhew, B, W. (2004). Audit firm industry specialization and client disclosure quality. *Review of Accounting Studies*, 9 (1) , 35–58.
- Fakhari, H. , Faqih, M. , & Bezar. V. (2014). Advantages and Disadvantage of Implementing International Financial Reporting Standards Based on The Stakeholder Theory in Iran, *Journal of Bourse*, 111, 103-104, (in Persian).
- Fleming, D. , Hee, K. , & N. Romanus, R. (2007). Auditor industry specialization and audit fees surrounding Section 404 implementation. *Review of Accounting and Finance*, 13 (4) , 353-370.

- Goncharov, I. , Riedl, E, J. , & Sellhorn, T. (2013). Fair value and audit fees. *Review of Accounting Studies*, 19 (1) , 210–241.
- Gordon, L. A. , Loeb, M, P. , & Zhu, W. (2012). The impact of IFRS adoption on foreign direct investment. *Journal of Accounting and Public Policy*, 31 (4) , 374-398.
- Griffin, P,A. , Lont, D, H. , & Sun, Y. (2009.). Governance regulatory changes, IFRS adoption, and New Zealand audit and non-audit fees: Empirical evidence. *Accounting & Finance*, 49 (4) , 697-724.
- Habib, A. (2014). The New Chinese Accounting Standards and Audit Report Lag. *International Journal of Auditing*, 19 (1) , 1-14.
- Habib, A. , & Bhuiyan, B. (2011). “Audit firm industry specialization and the audit reportlag. *Journal of International Accounting Auditing and Taxation*, 20 (1) , 32–44.
- Hail, L. , Leuz, C. , & Wysocki, P. (2010). *Global Accounting Convergence and the Potential Adoption of IFRS by the U. S. (Part 1): Conceptual Underpinnings and Economic Analysis*. *Accounting Horizons*, 24 (3) , 355–394 .
- Hall, T, J. (2013). The Strenght of Industry Specialization: Highlighted by the IFRS Adoption in the EU. Theses and Dissertation.
- Heninger, W. (2001). The association between auditor litigation and abnormal accruals. *The Accounting Review*, 76 (1) , 111–126 .
- Houqe, M. N. , Monem, R. M. , & van Zijl, T. (2012). Government quality, auditor choice and adoption of IFRS: A cross country analysis. *Advances in Accounting*, 28 (2) , 307–316.
- Houqe, M. N. , van Zijl, T. , Dunstan, K. , & Karim, A, K, M, W. (2012). The Effect of IFRS Adoption and Investor Protection on Earnings Quality Around the World. *The International Journal of Accounting*, 47 (3) , 333–355.
- Hung, M. , Subramanyam, K, R. (2007). Financial statement effects of adopting international accounting standards: the case of Germany. *Review of Accounting Studies*, 12 (4) , 623–657.
- Irvine, H. , & Lucas, N. (2006). The globalization of accounting standards: the case of the United Arab Emirates. working paper, 3rd International Conference on Contemporary Business, Charles Sturt University, Australia.
- Jamal, K, R, H. , Colson, R, J. , Bloomfield, T, E. , Christensen, S, R. , Moehrle, J. , Ohlson, S, H. , Penman, G, J, Previts, T. L. Stober, T. , Sunder, S. , & R. L. Watts. (2009). “A Research Based Perspective on SEC’s Proposed Rule on Roadmap for Potential Use of Financial Statements Prepared in Accordance With International Financial Reporting Standards (IFRS) by U. S. Accounting Horizons, 24, (1) , 1-16.
- Kim, J, B. , Liu, X. , & Zheng, L. (2012). The impact of mandatory IFRS adoption on audit fees: Theory and evidence. *Accounting Review*, 87 (6) , 2061–2094.
- Kim, J, B. , Tsui, J, S, L. , & Yi, C, H. (2011). The voluntary adoption of International Accounting Standards and loan contracting around the world. *Review of Accounting Studies*, 16 (4) , 779–811.
- Kim, J,B. , & Shi, H. (2012). Voluntary IFRS Adoption, Analyst Coverage, and Information Quality: International Evidence. *Journal of International Accounting Research*, 11 (1) , 45–76.

- King, N. , Beattie, A. , Cristescu, A. M. , & Weetman, P. (2001). Developing accounting and audit in a transition economy: the Romanian experience. *European Accounting Review*, 10 (1) , 149–171.
- Larson, R. K. , & Street, D. L. (2004). *Convergence with IFRS in an expanding Europe: progress and obstacles identified by large accounting firms' survey*. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 13 (2) , 89–119.
- Leuz, C. , & Verrecchia, R. (2000). The economic consequences of increased disclosure. *Journal of Accounting Research*, 38, 91–124.
- Lin, H. , & Yen, A. (2016). The effects of IFRS experience on audit fees for listed companies in China", *Asian Review of Accounting*, Vol. 24 No. 1, pp. 43-68
- Lys, T. , & Watts, R. L. (1994). Lawsuits against auditors. *Journal of Accounting Research*, 32, 65-93 .
- Marra, A. , Mazzola, P. , & Prencipe, A. (2011). Board Monitoring and Earnings Management Pre- and Post-IFRS. *The International Journal of Accounting*, 46 (2) , 205–230.
- Martha, H. L. , Leuz, C. , & Wyszocki, P. (2010). Global accounting convergence and the potential adoption of IFRS by the U. S. (Part I): Conceptual underpinnings and economics analysis. *Accounting Horizons*, 24 (3) , 355–394.
- Mir, M. Z. , Rahaman, A. S. (2005). The Adoption of International Accounting Standards in Bangladesh. An Exploration of Rationale and Process. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 18 (6): 816–41.
- Mohammad Rezaei, F. , Yahyaie, M. , & Hosseini Sohi, S. (2015). Effect of Adoption of International Financial Reporting Standards on Audit Risk and Audit Fees. *Official Journal Accounting Quarterly*, 31, 79-69, (in Persian).
- Palacios, M. , & Martínez, C. (2005). The process of accounting harmonization in Latin America: the road to international standards. *Rev. Contab. Financ*, 16, 103–117.
- Palmrose, Z. V. (1988). An Analysis of Auditor Litigation and Audit Service Quality, *The Accounting Review*, 63 (1) , 55-74 .
- Pawsey, L. N. (2017). IFRS adoption: A costly change that keeps on costing. *Accounting Forum*, 41 (2) , 116-131 .
- Richard, J. (2016). *IFRS in a Global World: International and Critical Perspectives on Accounting*", Springer International Publishing, 1-13 .
- Robu, M. A. (2016). The Value Relevance of Audit Report Under IFRS in the Case of Romanian Listed Companies, *Entrepreneurship. Business and Economic*, 2, 3-15 .
- Sarbanes-Oxley Act of 2002 (SOX). (2002). Public Law No. 107-204, 116 Stat. 745, sec. 1-1107. GPO, Washington, DC.
- Solomon, I. , Shields, M, D. , & Whittington, O, R. (1999). What do industry-specialist auditors know?. *Journal of Accounting Research*, 37 (1) , 191-208.
- Walker, A. , & Hay, D. (2013). Non-audit services and knowledge spillovers. *Meditari Accountancy Research*, 21 (1) , 32 – 51.

Zeghal, D. , & Mhedhbi, K. (2006). An analysis of the factors affecting the adoption of international accounting standards by developing countries. *The International Journal of Accounting*, 41 (4) , 373–386

بررسی رابطه بین مدیریت سود و ناکارایی سرمایه‌گذاری: با تأکید بر نقش هزینه‌های نمایندگی

رضوان حجازی^۱، حمید فرهادی^۲، ثریا ویسی حصار^۳

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۹/۲۶

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۶

چکیده

یکی از پیامدهای مدیریت سود، افزایش ناکارایی سرمایه‌گذاری (بیش سرمایه‌گذاری یا کم سرمایه‌گذاری) شرکت‌ها است و این مسأله در شرکت‌های دارای هزینه‌های نمایندگی، بیشتر نمود پیدا می‌کند. هدف این پژوهش، بررسی رابطه بین مدیریت سود و ناکارایی سرمایه‌گذاری با توجه به هزینه‌های نمایندگی زیاد و کم در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. فرضیه‌های پژوهش بر مبنای یک نمونه آماری متشکل از ۹۸ شرکت از سال ۱۳۸۶ لغایت ۱۳۹۶ و با استفاده از الگوهای رگرسیونی چند متغیره، مورد آزمون قرار گرفت. بدین منظور از باقیمانده‌های الگوی جریان نقدی جنسن (۱۹۸۶) و الگوی توسعه یافته جریان نقدی ریچاردسون (۲۰۰۶)، برای محاسبه ناکارایی سرمایه‌گذاری استفاده شده است. باقیمانده‌های مثبت و منفی به ترتیب، نشان‌دهنده بیش و کم سرمایه‌گذاری است که در این پژوهش به‌عنوان نماینده ناکارایی سرمایه‌گذاری در نظر گرفته شده است. همچنین، فروش اختیاری و اقلام تعهدی اختیاری، به‌عنوان نماینده مدیریت سود در نظر گرفته شدند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین اقلام تعهدی اختیاری و ناکارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های دارای هزینه‌های نمایندگی زیاد، رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج با استفاده از باقیمانده‌های الگوی جریان نقدی جنسن (۱۹۸۶)، به‌عنوان نماینده ناکارایی سرمایه‌گذاری، نشان داد که بین فروش اختیاری و ناکارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های دارای هزینه‌های نمایندگی کم، رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: مدیریت سود، ناکارایی سرمایه‌گذاری، هزینه‌های نمایندگی.

طبقه‌بندی موضوعی: M41, G11

DOI: 10.22051/ijar.2019.23624.1466

^۱ استاد حسابداری، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. (Hejazi33@gmail.com)

^۲ دانشجوی دکترای حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین‌المللی بندر انزلی، گیلان، ایران. نویسنده مسئول،

(Farhadi_h@mapnamd2.com)

^۳ کارشناسی ارشد حسابداری، مؤسسه آموزش عالی کار، دانشکده مدیریت و حسابداری، قزوین، ایران.

(Soraiaweysihsar@yahoo.com)

مقدمه

سرمایه گذاری یکی از مهم ترین وظایف مدیران شرکت ها است. مدیران شرکت ها، با شناخت عوامل مؤثر بر سرمایه گذاری و با به کارگیری آنها در رسیدن به سطح سرمایه گذاری بهینه، می توانند نهایت بازدهی را ایجاد نمایند تا هم فرصت های سودآور سرمایه گذاری را از دست ندهند و هم رضایت سهامداران را جلب نمایند (فازاری و همکاران، ۱۹۸۸)؛ اما بازارهای ناکارا دارای نواقصی هستند که می توانند سطح سرمایه گذاری بهینه شرکت را تحت تأثیر قرار داده و منجر به ایجاد دامنه ای از سرمایه گذاری ها شوند که در جهت تأمین منافع سهامداران نباشند و در نهایت، به فرآیند "بیش سرمایه گذاری" و یا "کم سرمایه گذاری" منتهی شوند (تهرانی و حصارزاده، ۱۳۸۸).

در بازارهای ناکارا به دلیل عدم تقارن اطلاعاتی، مشکلات نمایندگی به وجود می آید که ممکن است منجر به ایجاد دامنه ای از سرمایه گذاری هایی شود که در جهت تأمین منافع سهامداران نباشند. مورگادو و پیندادو (۲۰۰۳) در بیان این موضوع، مواردی از تضاد منافع بین ذی نفعان اصلی، شامل مدیران، سهامداران و اعتباردهندگان را مطرح نموده اند. در این میان، در حالی که مدیران به دنبال بزرگتر کردن شرکت در جهت افزایش منافع خود، حتی با استفاده از جریان های نقدی آزاد در پروژه های با ارزش فعلی خالص منفی (بیش سرمایه گذاری) هستند، سرمایه گذاران در جستجوی شرایطی هستند که با عدم تأمین منابع مورد نیاز، از بیش سرمایه گذاری مدیران جلوگیری کرده یا آنها را به سمت تأمین مالی خارجی برای انتقال ریسک این نوع پروژه ها به اعتباردهندگان، سوق دهند. هر یک از این تصمیمات در نهایت می تواند منجر به کم سرمایه گذاری شود، زیرا در پاسخ به این شرایط، اعتباردهندگان نیز سعی خواهند نمود تا از سرمایه گذاری غیربینه با استفاده از شروط قرارداد، کاهش دوره وام و نظارت و کنترل بیشتر، جلوگیری نمایند (پورحیدری و همکاران، ۱۳۹۲).

چندین مطالعه تأثیر مدیریت سود را بر تصمیمات سرمایه گذاری مورد بررسی قرار داده اند. در ادبیات حسابداری تعاریف گوناگونی از مدیریت سود ارائه شده است. مدیریت سود حالتی است که در آن مدیران واحدهای تجاری، سود را مطابق با میل خود و نه مطابق با محتوای اقتصادی فعالیت های واحد تجاری، گزارش می نمایند. اسکات (۲۰۰۹)، مدیریت سود را انتخاب رویه های حسابداری توسط مدیر تعریف می نماید. به عقیده او، هدف مدیر به واسطه این انتخاب

آن است تا به اهداف خاصی از جمله دریافت پاداش بیشتر، کاهش نسبت بدهی، کاهش مالیات و کاهش هزینه‌های سیاسی و امثال آن نایل آید.

مدیریت سود، ممکن است کارایی سرمایه‌گذاری را به دلیل عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت‌ها و عرضه‌کنندگان سرمایه دچار تحریف نماید. عدم تقارن اطلاعاتی منجر به مخاطرات اخلاقی و گزینش نادرست می‌شود که خود باعث بیش سرمایه‌گذاری یا کم سرمایه‌گذاری است و به میزان سرمایه در دسترس شرکت وابسته است. اگر منابع قابل توجهی وجود داشته باشد، شرکت‌ها به‌طور طبیعی گرایش به بیش سرمایه‌گذاری با توجه به گذشته دارند. در مقابل، عرضه‌کنندگان سرمایه احتمالاً این مسأله را تشخیص داده و گرایش به صرف سرمایه برای پیش‌بینی آینده دارند که منجر به کم سرمایه‌گذاری می‌شود. بنابراین، با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، گزارشگری مالی با کیفیت بالاتر باعث ارتقای کارایی سرمایه‌گذاری می‌شود (بیدل و همکاران، ۲۰۰۹). کدیا و فیلیپون (۲۰۰۹) بیان کردند که شرکت‌های بیش سرمایه‌گذاری، با احتمال بیشتری مدیریت سود را برای پنهان کردن بازده‌های پایین‌تر در سرمایه‌گذاری‌های کم بهینه، انجام می‌دهند.

همچنین، مطابق با تئوری انتخاب ناسازگار مدیران اطلاعات بیشتری نسبت به سرمایه‌گذاران دارند، بنابراین ارزش واقعی دارایی‌ها و فرصت‌های رشد سرمایه‌گذاری برای مدیران آشکارتر است. جنسن (۱۹۸۶) بیان نمود که جریان‌های نقد آزاد به دلیل افزایش احتمال سرمایه‌گذاری در پروژه‌هایی که برای شرکت ایجاد ارزش نمی‌کند، مشکلات نمایندگی را موجب می‌شود. او بیان می‌کند که تضاد منافع بین سهامداران و مدیران، احتمالاً در شرکت‌هایی با جریان‌های نقد آزاد بالا و رشد کم، بیشتر باشد. بر این اساس، چونگ و همکاران (۲۰۱۵) بیان داشتند که طبق نظریه جنسن (۱۹۸۶)، انتظار می‌رود شرکت‌هایی با فرصت‌های رشد پایین و جریان وجه نقد آزاد بالا، احتمالاً بیش سرمایه‌گذاری کرده و شرکت‌هایی با فرصت‌های رشد بالا و جریان وجه نقد آزاد پایین، احتمالاً چنین کاری انجام نداده‌اند.

همه استدلال‌های مطرح شده در زمینه نحوه اثرگذاری مدیریت سود بر رفتار سرمایه‌گذاری شرکت‌ها، شامل لزوم حفظ هماهنگی بین سود گزارش شده و میزان سرمایه‌گذاری‌های شرکت، یا اتخاذ تصمیمات مربوط به سرمایه‌گذاری بر اساس اطلاعات نادرست و یا اطلاع از بهره‌وری پایین شرکت و پذیرش سرمایه‌گذاری‌هایی با ریسک بالا به منظور بهبود بهره‌وری، گویای این

مطلب است که ارائه سود به میزانی بیش از واقع، مستلزم افزایش سرمایه گذاری های شرکت، به میزانی بیش از حد بهینه (بیش سرمایه گذاری) و بالعکس است (نمازی و غلامی، ۱۳۹۳).

این پژوهش با توجه به احساس نیاز به بررسی پیامدهای داخلی و احتمالی مدیریت سود و شناخت بهتر رفتار سرمایه گذاری شرکتها در ایران، به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا هزینه های نمایندگی بر رابطه بین مدیریت سود و تصمیمات سرمایه گذاری شرکتها تأثیرگذار است؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ، این تأثیر چگونه خواهد بود؟

در ادامه، پس از بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه های مورد آزمون و روش های به کار گرفته شده جهت آزمون فرضیه ها ارائه شده است. در پایان نیز پس از ارائه یافته های پژوهش، به بحث و نتیجه گیری پیرامون موضوع پژوهش پرداخته شده است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مبانی نظری

واحدهای تجاری همواره با فرصت های سرمایه گذاری زیادی روبه رو هستند و نیازمند تصمیم گیری منطقی، نسبت به یک سرمایه گذاری بهینه هستند. در صورتی که مدیران بتوانند به درستی فرصت های سرمایه گذاری با ارزش (طرح های با ارزش فعلی خالص مثبت) در بازار را تشخیص دهند و به میزان مناسب در هر یک از آنها سرمایه گذاری نمایند، در نهایت این امر سبب رشد شرکت شده و ثروت سهامداران افزایش خواهد یافت (تهرانی و حصارزاده، ۱۳۸۸). شناخت رفتار سرمایه گذاری شرکتها (به عنوان یکی از مصادیق تخصیص منابع) و عوامل مؤثر بر آن به جهت برخورداری پروژه های بلندمدت (سرمایه ای) از مؤلفه هایی مثل حجم بالای سرمایه گذاری، پیامدهای قابل توجه و بلندمدت و تعهدات مالی عمده و تأثیری که هر یک از آنها بر نقدینگی، تخصیص منابع، سودآوری و در مجموع، تأثیری که بر ارزش شرکت دارند، دارای اهمیت بسزایی است (نمازی و غلامی، ۱۳۹۳).

پژوهش ها نشان داده است که مدیریت سود شرکتها، از جمله مواردی است که می تواند بر میزان سرمایه گذاری های شرکت، تأثیرگذار باشد و موجب به وجود آمدن مسائلی چون کاهش کارایی سرمایه گذاری، افزایش تورم و توسعه ظاهری اقتصاد کلان می شود و به شدت به منافع

سهامداران آسیب می‌رساند (یانگ و جیانگ، ۲۰۰۸) و محمودآبادی و مهتری، (۱۳۹۰)). اطلاعات مالی مورد استفاده توسط سهامداران برای کنترل یا نظارت مدیران، یک منبع مهم از اطلاعات خاص شرکت برای سرمایه‌گذاران است (بوشمن و ایندجکیان، ۱۹۹۳)، هولمز تروم و تیرول، (۱۹۹۳) و کانودائی و لی، (۱۹۹۸)). بیدل و هیلاری (۲۰۰۶) بیان می‌کنند که شرکت‌هایی که گزارشگری مالی با کیفیت‌تری دارند، کمتر دست به مدیریت سود می‌زنند و کارایی سرمایه‌گذاری بالاتری را نشان می‌دهند. به عبارتی، حسابداری با کیفیت بالاتر و مدیریت سود محدود شده، عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و عرضه‌کنندگان بیرونی سرمایه را به واسطه افزایش کارایی سرمایه‌گذاری، کاهش می‌دهد. شرکت‌هایی که سود را دستکاری می‌کنند، می‌توانند تصمیمات داخلی را تحت تأثیر قرار داده و باعث تصمیمات سرمایه‌گذاری ناکارآمد و کم‌بهره شوند (مک‌نیکولز و استابن، ۲۰۰۸). فیشر و مرتون (۱۹۸۴) بیان می‌کنند شرکت‌هایی با مدیریت سود بالا (یا پایین) سرمایه‌گذاری بیشتری (یا کمتر) در دوره‌های بعدی در مقایسه با شرکت‌های متوسط داشته‌اند. تانگ (۲۰۰۷) نشان می‌دهد که مدیریت سود، سرمایه‌گذاری‌های بعدی شرکت را به واسطه دستکاری حسابداری تحت تأثیر قرار می‌دهد. کوهن و زاوین (۲۰۰۹) دریافته‌اند، شرکت‌هایی که مدیریت سود واقعی یا تعهدی انجام می‌دهند، گرایش به بیش سرمایه‌گذاری دارند. بیدل و همکاران (۲۰۰۹) بیان کردند مدیرانی که منافع شخصی خود را در اولویت قرار می‌دهند، گرایش به سرمایه‌گذاری‌هایی دارند که در راستای منافع سهامداران نیست.

همچنین، مطابق با تئوری انتخاب ناسازگار، مدیران اطلاعات بیشتری نسبت به سرمایه‌گذاران دارند. بنابراین ارزش واقعی دارایی‌ها و فرصت‌های رشد سرمایه‌گذاری برای مدیران آشکارتر است. جنسن (۱۹۸۶) بیان نمود که جریان‌های نقد آزاد به دلیل افزایش احتمال سرمایه‌گذاری در پروژه‌هایی که برای شرکت ایجاد ارزش نمی‌کند، مشکلات نمایندگی را موجب می‌شود. او همچنین اظهار داشت که تضاد منافع بین سهامداران و مدیران احتمالاً در شرکت‌هایی با جریان‌های نقد آزاد بالا و رشد کم، بیشتر باشد. جنسن (۱۹۸۶) معتقد است که مدیران شرکت‌هایی که با هزینه‌های نمایندگی قابل ملاحظه‌ای مواجه هستند، فرصت‌طلبانه عمل کرده و درگیر فعالیت‌های غیرارزشی می‌شوند. به همین دلیل، زمانی که در نتیجه فعالیت‌های شرکت، وجوه نقد مازادی ایجاد شود، مدیران تمایل به سوءاستفاده از وجوه مزبور دارند (جنسن، ۱۹۸۶).

این کار ممکن است از طریق سرمایه‌گذاری‌های نامناسب انجام شود و منجر به عدم کارایی سرمایه‌گذاری شود. بر این اساس، چونگ و همکاران (۲۰۱۵) بیان داشتند که طبق نظریه جنسن (۱۹۸۶) انتظار می‌رود که شرکت‌هایی با فرصت‌های رشد پایین و جریان وجه نقد آزاد بالا، احتمالاً بیش سرمایه‌گذاری کرده و شرکت‌هایی با فرصت‌های رشد بالا و جریان وجه نقد آزاد پایین، احتمالاً چنین کاری را انجام نداده‌اند.

پیشینه پژوهش

تقی‌زاده خانقاه و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین سیاست تقسیم سود و کارایی سرمایه‌گذاری با تأیید بر چرخه عمر شرکت پرداختند. نتایج نشان داد بین سیاست تقسیم سود و کارایی سرمایه‌گذاری ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، پرداخت سود سهام موجب کاهش سرمایه‌گذاری بیشتر و کمتر از حد می‌شود. از سوی دیگر، پرداخت سود سهام موجب بهبود کارایی سرمایه‌گذاری در مراحل رشد و بلوغ می‌شود، در حالی که پرداخت سود سهام ارتباطی با کارایی سرمایه‌گذاری در مرحله افول ندارد.

حجازی و فرهادی (۱۳۹۶) در پژوهشی نشان دادند که بین مدیریت سود و ناکارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها رابطه معناداری وجود ندارد.

فروغ‌نژاد و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی رابطه بین نقدشوندگی سهام، کارایی سرمایه‌گذاری و عملکرد شرکت در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های تجربی حاکی از تأثیر معنادار و مثبت نقدشوندگی سهام بر کارایی سرمایه‌گذاری است. بدین صورت که نقدشوندگی سهام منجر به افزایش کارایی سرمایه‌گذاری می‌شود. علاوه بر این، کارایی سرمایه‌گذاری نیز منجر به افزایش عملکرد شرکت می‌شود. همچنین، معیار اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام از قدرت تبیین بالاتری در مقایسه با دو معیار نسبت حجم معاملات سهام و نسبت نقدشوندگی آمیهد، برخوردار است.

گودرزی و بابازاده شیروان (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و سررسید بدهی‌ها با کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان داد که بین کیفیت صورت‌های مالی و سررسید بدهی‌ها با کارایی سرمایه‌گذاری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

ابراهیمی و احمدی مقدم (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی تأثیر اهرم مالی و محافظه کاری شرطی بر ناکارایی سرمایه گذاری شرکت ها پرداختند. نتایج پژوهش نشان می دهد که اهرم مالی و محافظه کاری شرطی تأثیر معکوس و معناداری بر ناکارایی سرمایه گذاری می گذارد.

محمودآبادی و رجایی (۱۳۹۳) در پژوهشی به ارزیابی رابطه بین هزینه های نمایندگی و کارایی سرمایه گذاری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان داد بین نسبت هزینه های عملیاتی به فروش و تعامل بین فرصت های رشد و جریان های نقد آزاد با عدم کارایی سرمایه گذاری و سرمایه گذاری بیش از حد، رابطه مثبت و معنادار و بین نسبت گردش دارایی ها با عدم کارایی سرمایه گذاری و سرمایه گذاری بیش از حد، رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین، بین نسبت هزینه های عملیاتی به فروش با سرمایه گذاری کمتر از حد رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

نمازی و غلامی (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی تأثیر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی بر کارایی سرمایه گذاری شرکت ها پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از وجود رابطه معنادار بین مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و سرمایه گذاری ناکارای شرکت ها بود. در نتیجه می توان نتیجه گرفت که با اعمال بیشتر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی، میزان سرمایه گذاری های ناکارای شرکت ها نیز افزایش می یابد. همچنین، بین اقلام تعهدی اختیاری و سرمایه گذاری ناکارای دوره مالی بعد نیز رابطه معنادار وجود دارد.

دستگیر و غنی زاده (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی تأثیر کیفیت اقلام تعهدی بر میزان سرمایه گذاری های بلندمدت شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که بین اقلام تعهدی و سرمایه گذاری های بلندمدت، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، اما؛ بین کیفیت سود و سرمایه گذاری های بلندمدت، رابطه معناداری وجود ندارد.

هی و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به تأثیر اطمینان بیش از حد مدیران بر انتخاب تأمین مالی داخلی و کارایی سرمایه گذاری پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که تأمین مالی داخلی می تواند سرمایه فرصت های تجاری (کسب و کار) را تأمین کند و کمبود سرمایه را کاهش دهد، اما ممکن است باعث سرمایه گذاری بیش از حد، به ویژه در شرکت هایی با مدیرانی با

اعتماد بیش از حد شود. همچنین، مشکل بیش سرمایه گذاری، به طور قابل توجهی بیشتر مربوط به اطمینان بیش از حد مدیران در شرکت های دولتی تا شرکت های غیردولتی است.

وانگ و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی رابطه بین بیش سرمایه گذاری، عدم اطمینان تورم و اطمینان بیش از حد مدیران در چین پرداختند. یافته های تجربی آنها با استفاده از صورت های مالی سه ماهه نشان می دهد که عدم اطمینان پایین تر تورم باعث افزایش بیش سرمایه گذاری شده و اطمینان بیش از حد مدیریتی چنین تأثیری را تشدید می کند. تحلیل بیشتر نشان می دهد بیش سرمایه گذاری در مؤسسات با مالکیت دولتی، به طور عمده نشأت گرفته از اطمینان بیش از حد مدیریتی است و ارتباط منفی بین عدم اطمینان تورم و بیش سرمایه گذاری ناشی از بیش اطمینانی مدیریتی است. با این حال، تأثیر اطمینان بیش از حد مدیران در واحدهای اقتصادی بدون مالکیت دولتی، مبهم باقی مانده است. علاوه بر این، شواهد آنها تأثیر نامتقارن عدم اطمینان تورم بر بیش سرمایه گذاری شرکت را در طول چرخه های متفاوت اقتصادی نشان می دهد.

چن و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی رابطه بین جریان وجه نقد آزاد، بیش سرمایه گذاری و حاکمیت شرکتی در چین پرداختند. آنها با استفاده از ۸۶۵ شرکت به ثبت رسیده چینی، بررسی نمودند که چگونه جریان وجه نقد آزاد و معیارهای حاکمیت شرکتی بر سطح سرمایه گذاری شرکت ها اثرگذار است. همسو با نظریه هزینه نمایندگی، آنها دریافتند که بیش سرمایه گذاری شرکت ها نسبت به جریان وجه نقد آزاد جاری، از حساسیت بیشتری برخوردار است و در شرکت هایی با جریان وجه نقد آزاد مثبت، برجسته تر است. همچنین، معیارهای حاکمیت شرکتی ارتباط معناداری با سطح سرمایه گذاری شرکت ها دارند. علاوه بر آن، آنها کل نمونه را به دو زیر مجموعه شامل شرکت های بیش سرمایه گذار و کم سرمایه گذار، تقسیم نمودند. برای شرکت های بیش سرمایه گذار، شواهد آنها نشان می دهد که تمرکز مالکیت دولتی بالاتر، بیش سرمایه گذاری را افزایش می دهد، در حالی که سهام های قابل مبادله بالاتر، و اندازه بزرگتر ناظران هیأت مدیره یا اهرم بالاتر، بیش سرمایه گذاری را کاهش می دهد. نتایج آنها برای شرکت های کم سرمایه گذار، نشان می دهد که شرکت های با تمرکز مالکیت دولتی بالاتر، اندازه هیأت مدیره بزرگتر یا نسبت بالای اعضای هیأت مدیره خارجی با کم

سرمایه گذاری به صورت مجزا ارتباط دارند، در حالی که شرکت‌هایی با اهرم بالاتر یا سهام‌های قابل مبادله بالاتر، کم سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد.

چونگ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی تأثیر مدیریت سود بر ناکارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های بورس سهام چین پرداختند. تمرکز این مطالعه مدیریت سود و فرضیه بیش سرمایه‌گذاری است که بیان می‌کند مدیریت سود بالا، هزینه سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد. آنها از دو شاخص برای مدیریت سود و دو شاخص برای محاسبه سرمایه‌گذاری، برای استحکام نتایج بهره‌گرفتند. دو شاخص مدیریت سود شامل مطالعات موردی (شرکت‌هایی با سه فعالیت متقلبانه و فریبکاری) و تخمین اقتصادسنجی از باقیمانده‌های رگرسیون (از ارقام تعهدی و درآمدها) است. دو شاخص سرمایه‌گذاری نیز شامل سرمایه‌گذاری تعدیل شده بر حسب صنعت و باقیمانده‌های معادله سرمایه‌گذاری است. از آنجا که تخمین‌گر MM (خروج از محدوده) در دیتا پنل ارائه می‌شود، اما اغلب در تخمین نادیده گرفته می‌شود، شاخص‌های مذکور با و بدون ملاحظه خروج از محدوده و با استفاده از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس سهام چین از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج آزمایشی نشان می‌دهد که وقتی تخمین‌گر MM (خروج از محدوده) مدنظر قرار می‌گیرد، فرضیه تأیید می‌شود و وقتی خروج از محدوده مدنظر قرار نمی‌گیرد، نتایج متضاد به دست خواهد آمد. تحلیل یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که ملاحظه تأثیر خروج از محدوده، برای حمایت از فرضیه اهمیت حیاتی دارد.

چن و همکاران (۲۰۱۳) به بررسی رابطه کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری پرداختند. بدین منظور این محققان رفتار سرمایه‌گذاری شرکت‌هایی که بر اساس قانون ساربنز آکسلی، نقاط ضعف سیستم کنترل داخلی خود را افشا می‌کردند، بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان داد که پس از این افشا، کارایی سرمایه‌گذاری این شرکت‌ها افزایش یافته است.

مک نیکولز و استابن (۲۰۰۸) در پژوهشی بررسی کردند که آیا شرکت‌هایی که نتایج مالی خود را دستکاری می‌کنند، تصمیمات سرمایه‌گذاری بهینه می‌گیرند؟ نتایج آنها نشان داد که دستکاری سود به سرمایه‌گذاری بیش از حد در دوره گزارشگری نادرست منجر می‌شود، اما پس از این دوره، دیگر این شرکت‌ها سرمایه‌گذاری بیش از حد نمی‌کنند. این موضوع به دلیل اصلاح اطلاعات است که منجر به سرمایه‌گذاری کاراتر شده است.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری مطرح شده، فرضیه‌های پژوهش به شرح ذیل بیان شده است.

فرضیه اول: در شرکت‌های دارای هزینه‌های نمایندگی زیاد، بین مدیریت سود و ناکارایی سرمایه‌گذاری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: در شرکت‌های دارای هزینه‌های نمایندگی کم، بین مدیریت سود و ناکارایی سرمایه‌گذاری رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی و بر مبنای هدف از نوع پژوهش کاربردی است و به روش پس‌رویدادی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش از کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که از ابتدای سال ۱۳۸۶ تا پایان سال ۱۳۹۶ در بورس فعال بوده‌اند، تشکیل شده است. نمونه آماری، با توجه به معیارهای گزینشی زیر و به روش غربالگری انتخاب گردید.

(۱) شرکت‌ها در طول دوره پژوهش تغییر سال مالی نداشته باشند. (۲) نوع فعالیت شرکت‌ها، تولیدی بوده و جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشد. (۳) پایان سال مالی شرکت‌های مورد مطالعه منتهی به ۲۹ اسفندماه در هر سال باشد. (۴) وقفه معاملاتی بیش از ۶ ماه نداشته باشند. (۵) ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت‌های نمونه مثبت باشد.

بر این اساس، تعداد ۹۸ شرکت که حائز شرایط فوق بودند به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند.

الگوها و متغیرهای پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش الگوی (۱) و (۲) به شرح ذیل برآورد می‌شود.

$$\begin{aligned} INVEFF_{i,t} = & \alpha_0 + \alpha_1 GROWTH_{i,t-1} + \alpha_2 CF_{i,t-1} + \alpha_3 DREV_{i,t} \\ & + \alpha_4 DREV_{i,t-1} + \alpha_5 DREV_{i,t-2} + \alpha_6 DREV_{i,t+1} \\ & + \alpha_7 DREV_{i,t+2} + \alpha_8 INV_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t} \end{aligned} \quad \text{(الگوی ۱)}$$

$$\begin{aligned} INVEFF_{i,t} = & \alpha_0 + \alpha_1 GROWTH_{i,t-1} + \alpha_2 CF_{i,t-1} + \alpha_3 DAC_{i,t} \\ & + \alpha_4 DAC_{i,t-1} + \alpha_5 DAC_{i,t-2} + \alpha_6 DAC_{i,t+1} \\ & + \alpha_7 DAC_{i,t+2} + \alpha_8 INV_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t} \end{aligned} \quad \text{(الگوی ۲)}$$

در این پژوهش شرکت‌ها به دو دسته تفکیک می‌شوند؛ (۱) نمونه شرکت‌های دارای هزینه‌های نمایندگی کم، شرکت‌هایی هستند که ۲۵٪ بالای فرصت‌های رشد و ۲۵٪ پایین جریان وجه نقد آزاد کل نمونه را تشکیل می‌دهند. در مقابل، (۲) نمونه شرکت‌های دارای هزینه‌های نمایندگی زیاد، شرکت‌هایی هستند که ۲۵٪ پایین فرصت‌های رشد و ۲۵٪ بالای جریان وجه نقد آزاد کل نمونه را تشکیل می‌دهند. بنابراین، طبق نظریه جنسن (۱۹۸۶)، انتظار می‌رود رابطه بین مدیریت سود و ناکارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های دارای هزینه‌های نمایندگی زیاد، تأیید و در شرکت‌های دارای هزینه‌های نمایندگی کم، رد شود. بنابراین، الگوی (۱) و (۲) به ترتیب در شرکت‌های دارای هزینه‌های نمایندگی زیاد و شرکت‌های دارای هزینه‌های نمایندگی کم برآورد می‌شود.

نحوه محاسبه ناکارایی سرمایه‌گذاری (INVEFF)

برای محاسبه ناکارایی سرمایه‌گذاری، از باقیمانده‌های الگوی جریان نقدی جنسن (۱۹۸۶) (الگوی ۳) و الگوی توسعه یافته جریان نقدی ریچاردسون (۲۰۰۶) (الگوی ۴) استفاده شده است. باقیمانده‌های مثبت و منفی به ترتیب نشان‌دهنده بیش و کم سرمایه‌گذاری است که در این پژوهش به‌عنوان نماینده ناکارایی سرمایه‌گذاری استفاده می‌شود.

$$INV_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 Q_{i,t-1} + \alpha_2 CF_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{(الگوی ۳)}$$

$$\begin{aligned} INV_{i,t} = & \alpha_0 + \alpha_1 Q_{i,t-1} + \alpha_2 Lev_{i,t-1} + \alpha_3 CF_{i,t-1} + \alpha_4 Age_{i,t-1} \\ & + \alpha_5 Size_{i,t-1} + \alpha_6 Return_{i,t-1} + \alpha_7 INV_{i,t-1} \\ & + \varepsilon_{i,t} \end{aligned} \quad \text{(الگوی ۴)}$$

نحوه محاسبه مدیریت سود

در این پژوهش به پیروی از تحقیقات دیگر مانند استابن (۲۰۱۰) و چونگ و همکاران (۲۰۱۵)، فروش اختیاری و ارقام تعهدی اختیاری به عنوان نماینده مدیریت سود در نظر گرفته می شود. بدین منظور از الگوی (۵) و الگوی (۶) به شرح ذیل استفاده شده است. باقیمانده های الگوهای مذکور به ترتیب بیانگر فروش اختیاری و ارقام تعهدی اختیاری هستند.

$$\Delta AR_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 \Delta Rev_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{الگوی (۵)}$$

$$TAccr_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 (1/Assets_{i,t}) + \alpha_2 \Delta Rev_{i,t} + \alpha_3 PPE_{i,t} + \alpha_4 ROA_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{الگوی (۶)}$$

در این الگوها:

ناکارایی سرمایه گذاری ۱: (INVEFF 1) باقیمانده های به دست آمده از الگوی جریان نقدی جنسن (۱۹۸۶)

ناکارایی سرمایه گذاری ۲: (INVEFF 2) باقیمانده های به دست آمده از الگوی توسعه یافته جریان نقدی ریچاردسون (۲۰۰۶)

سرمایه گذاری: (INV) نسبت مخارج سرمایه ای شرکت به کل دارایی های ابتدای سال

تغییرات حساب های دریافتی: (ΔAR) نسبت تغییرات سالانه در حساب های دریافتی به کل دارایی های ابتدای سال

مجموع ارقام تعهدی: (TAccr) نسبت مجموع ارقام تعهدی (که از تفاوت بین سود خالص و جریان های نقدی عملیاتی محاسبه می شود) به کل دارایی های ابتدای سال

فروش اختیاری: (DREV) باقیمانده های به دست آمده از الگوی فروش اختیاری

ارقام تعهدی اختیاری: (DAC) باقیمانده های به دست آمده از الگوی ارقام تعهدی اختیاری

نرخ رشد فروش: (GROWTH) نسبت تغییرات فروش خالص بین سال t و سال t-1 به فروش خالص در ابتدای سال t

جریان وجه نقد عملیاتی: (CF) نسبت جریان وجه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی به کل دارایی‌های ابتدای سال

فرصت‌های رشد: (Q) نسبت ارزش بازار دارایی به ارزش دفتری دارایی

اهرم مالی: (Lev) نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها

سن شرکت: (Age) لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های حضور شرکت در بورس

اندازه شرکت: (Size) لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت

بازده سهام: (Return) درصد بازده سالانه سهام

تغییرات فروش: (ΔRev) نسبت تغییرات سالانه در فروش به کل دارایی‌های ابتدای سال

دارایی‌ها: (Assets) کل دارایی‌های ابتدای سال

ارزش دفتری دارایی‌های ثابت مشهود: (PPE) نسبت ارزش دفتری دارایی‌های ثابت مشهود به کل دارایی‌های ابتدای سال

بازده دارایی‌ها: (ROA) نسبت سود خالص به کل دارایی‌ها، است.

یافته‌های پژوهش

به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات، ابتدا آمار توصیفی داده‌های تحت بررسی محاسبه و در نگاره (۱) شاخص‌های مرکزی و پراکندگی ارائه شده است.

نتایج نگاره (۱) نشان می‌دهد که میانگین فروش اختیاری و ارقام تعهدی اختیاری به‌طور متوسط طی یک سال حدود $0/00004$ و $0/0005$ است. همچنین، مقدار مثبت میانگین متغیرهای ناکارایی سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد که به‌طور متوسط طی یک سال، شرکت‌های عضو نمونه حدود $1/5$ درصد بیش سرمایه‌گذاری داشته‌اند.

نگاره (۱): آمار توصیفی کل متغیرهای پژوهش

نماد متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
INVEFF 1	۰/۰۱۵	-۰/۰۰۶	۰/۶۹۰	-۰/۱۰۴	۰/۰۷۱
INVEFF 2	۰/۰۱۰	-۰/۰۰۵	۰/۵۸۰	-۰/۳۴۶	۰/۰۶۲
DREV	۰/۰۰۰۰۴	-۰/۰۱۰	۰/۵۶۱	-۰/۴۸۶	۰/۱۱۰
DAC	۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	۱/۰۲۲	-۰/۴۶۷	۰/۱۴۳
INV	۰/۰۶۱	۰/۰۳۳	۰/۷۷۵	۰/۰۰۰۱	۰/۰۸۵
GROWTH	۰/۲۱۵	۰/۱۷۷	۲/۱۵۳	-۰/۹۴۹	۰/۳۵۳
CF	۰/۱۵۷	۰/۱۳۹	۰/۸۹۰	-۰/۳۶۸	۰/۱۵۷
Q	۱/۴۹۰	۱/۲۹۴	۴/۶۰۲	۰/۵۴۲	۰/۶۴۳
LEV	۰/۵۹۵	۰/۶۱۸	۰/۹۸۷	۰/۰۹۰	۰/۱۶۸
Age	۲/۵۶۱	۲/۶۳۹	۳/۸۵۰	۰/۰۰۰	۰/۶۲۰
Size	۱۳/۵۵۳	۱۳/۴۶۵	۱۸/۴۵۵	۹/۷۹۷	۱/۴۳۸
Return	۰/۴۰۸	۰/۱۵۵	۴/۶۱۰	-۰/۸۰۰	۰/۸۳۷
Δ AR	۰/۰۴۳	۰/۰۳۲	۰/۵۹۸	-۰/۴۳۶	۰/۱۱۴
Δ REV	۰/۱۷۵	۰/۱۳۳	۱/۹۵۶	-۰/۹۸۰	۰/۳۱۴
TAccr	۰/۰۱۸	-۰/۰۰۰۰۱	۱/۳۰۶	-۰/۵۰۰	۰/۱۶۷
PPE	۰/۲۸۴	۰/۲۳۳	۱/۳۳۶	۰/۰۰۳	۰/۲۱۳
ROA	۰/۱۳۸	۰/۱۱۷	۰/۶۳۱	-۰/۲۴۹	۰/۱۱۷

مأخذ: یافته‌های پژوهشگر

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از معیار اول ناکارایی

سرمایه‌گذاری و معیار اول مدیریت سود

قبل از برآزش الگوی پژوهش، ابتدا لازم است آزمون تشخیصی F لیمر برای انتخاب از بین الگوهای داده‌های ترکیبی معمولی در مقابل الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت انجام شود که نتایج آن در نگاره (۲) آورده شده است. نتایج برآزش الگو برای آزمون فرضیه‌ها در نگاره (۲) ارائه شده است.

نگاره (۲): نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش با معیار اول ناکارایی سرمایه‌گذاری و معیار اول

مدیریت سود

هزینه‌های نمایندگی کم			هزینه‌های نمایندگی زیاد			متغیر
سطح معناداری	آماره t	ضرایب	سطح معناداری	آماره t	ضرایب	
۰/۰۰۰	-۱۳/۸۳۸	-۰/۰۱۰	۰/۰۰۰	-۷/۵۳۳	-۰/۰۱۴	C
۰/۳۶۴	۰/۹۰۹	۰/۰۰۳	۰/۲۰۲	۱/۲۸۰	۰/۰۰۵	GROWTH _{t-1}
۰/۰۰۰	-۱۲/۳۳۱	-۰/۰۸۸	۰/۰۰۰	-۵/۸۷۱	-۰/۰۷۴	CF _{t-1}
۰/۰۰۲	۳/۰۵۷	۰/۰۲۳	۰/۰۰۰	۸/۱۲۶	۰/۰۳۲	DREV _{t-2}
۰/۰۰۰	-۱۵/۶۱۹	-۰/۰۴۸	۰/۰۰۱	-۳/۵۰۸	-۰/۰۳۵	DREV _{t-1}
۰/۰۴۸	-۱/۹۹۰	-۰/۰۱۶	۰/۲۵۲	-۱/۱۵۰	-۰/۰۰۹	DREV _t
۰/۰۴۷	۱/۹۹۵	۰/۰۱۶	۰/۱۶۷	۱/۳۸۷	۰/۰۰۷	DREV _{t+1}
۰/۰۲۵	۲/۲۵۶	۰/۰۱۱	۰/۰۰۱	-۳/۳۲۷	-۰/۰۱۵	DREV _{t+2}
۰/۰۰۰	۱۰/۲۵۴	۰/۵۷۱	۰/۰۰۰	۹/۱۱۴	۰/۴۸۴	INV _{t-1}
۰/۴۹۳ (۰/۴۸۰)			۰/۴۷۱ (۰/۴۵۱)			ضریب تعیین (تعدیل شده)
۱/۸۵			۱/۷۶			آماره دورین-واتسون
۳۷/۳۰۴ (۰/۰۰۰)			۲۳/۷۱۲ (۰/۰۰۰)			آماره F فیشر (معناداری)
۱/۶۱۸ (۰/۱۵۵)			۱/۴۵۱ (۰/۲۰۸)			آماره F لیمر (معناداری)

مأخذ: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به این که سطح معناداری به دست آمده از آزمون F لیمر، بیشتر از ۵ درصد است، بنابراین برای تخمین الگو از روش داده‌های ترکیبی معمولی استفاده گردید. از آنجا که مقدار آماره دورین-واتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، عدم همبستگی در اجزاء باقیمانده الگوی رگرسیونی تأیید می‌شود. با توجه به این که سطح معناداری آماره F فیشر کمتر از ۵ درصد است، بنابراین معناداری الگوی رگرسیون در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده الگو نشان می‌دهد که مجموعاً ۴۵ درصد و ۴۸ درصد از تغییرات حاصله در

متغیر وابسته، می‌تواند توسط متغیرهای مستقل و معنی‌دار شده در این الگو توضیح داده شود. با توجه به نتایج به‌دست آمده در نگاره (۲) از برآورد الگو، ضریب متغیر فروش اختیاری ($DREV_t$) در شرکت‌های دارای هزینه‌های نمایندگی زیاد برابر $-0/009$ و سطح معناداری آن برابر با $0/252$ و بیشتر از سطح خطای $0/05$ است. در نتیجه فرضیه اول در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. همچنین، ضریب متغیر فروش اختیاری ($DREV_t$) در شرکت‌های دارای هزینه‌های نمایندگی کم برابر $-0/016$ و سطح معناداری آن برابر با $0/048$ و کمتر از سطح خطای $0/05$ است. نتایج نشان می‌دهد که در شرکت‌های دارای هزینه‌های نمایندگی کم بین مدیریت سود و ناکارایی سرمایه‌گذاری، رابطه منفی و معناداری وجود دارد. در نتیجه فرضیه دوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می‌گیرد.

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از معیار اول ناکارایی سرمایه‌گذاری و معیار دوم مدیریت سود

قبل از برآزش الگوی پژوهش، ابتدا لازم است آزمون تشخیصی F لیمر برای انتخاب از بین الگوهای داده‌های ترکیبی معمولی در مقابل الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت انجام شود که نتایج آن در نگاره (۳) آورده شده است. نتایج برآزش الگو برای آزمون فرضیه‌ها در نگاره (۳) ارائه شده است.

با توجه به این که سطح معناداری به‌دست آمده از آزمون F لیمر، بیشتر از ۵ درصد است، بنابراین برای تخمین الگو از روش داده‌های ترکیبی معمولی استفاده گردید. از آنجا که مقدار آماره دوربین-واتسون بین $1/5$ تا $2/5$ قرار دارد، عدم همبستگی در اجزاء باقیمانده الگوی رگرسیونی تأیید می‌شود. با توجه به این که سطح معناداری آماره F فشر کمتر از ۵ درصد است، بنابراین معناداری الگوی رگرسیون در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده الگو نشان می‌دهد که مجموعاً ۶۴ درصد و ۴۱ درصد از تغییرات حاصله در متغیر وابسته، می‌تواند توسط متغیرهای مستقل و معنی‌دار شده در این الگو توضیح داده شود. با توجه به نتایج به‌دست آمده در نگاره (۳) از برآورد الگو، ضریب متغیر اقلام تعهدی اختیاری (DAC_t) در شرکت‌های دارای هزینه‌های نمایندگی زیاد برابر $-0/031$ و سطح معناداری آن برابر با $0/000$ و کمتر از سطح خطای $0/05$ است. از آنجا که انتظار می‌رفت بین مدیریت سود و ناکارایی سرمایه‌گذاری، رابطه مثبت و معناداری وجود داشته باشد، در نتیجه فرضیه اول در

سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار نمی گیرد. همچنین، ضریب متغیر اقلام تعهدی اختیاری (DAC_t) در شرکت‌های دارای هزینه‌های نمایندگی کم برابر ۰/۰۰۲ و سطح معناداری آن برابر با ۰/۸۷۵ و بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ است. نتایج نشان می‌دهد که در شرکت‌های دارای هزینه‌های نمایندگی کم بین مدیریت سود و ناکارایی سرمایه‌گذاری، رابطه معناداری وجود ندارد. در نتیجه فرضیه دوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار نمی گیرد.

نگاره (۳): نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش با معیار اول ناکارایی سرمایه‌گذاری و معیار دوم

مدیریت سود

هزینه‌های نمایندگی کم			هزینه‌های نمایندگی زیاد			متغیر
سطح معناداری	آماره t	ضرایب	سطح معناداری	آماره t	ضرایب	
۰/۰۰۱	-۳/۳۰۸	-۰/۰۰۸	۰/۰۰۰	-۹/۸۰۰	-۰/۰۰۷	C
۰/۳۰۳	۱/۰۳۱	۰/۰۰۳	۰/۱۵۸	۱/۴۱۵	۰/۰۰۶	GROWTH _{t-1}
۰/۰۰۰	-۷/۳۲۸	-۰/۱۰۷	۰/۰۰۰	-۳۰/۵۰۹	-۰/۱۲۵	CF _{t-1}
۰/۴۱۷	۰/۸۱۳	۰/۰۰۵	۰/۰۴۰	-۲/۰۷۲	-۰/۰۱۰	DAC _{t-2}
۰/۰۲۳	-۲/۲۹۰	-۰/۰۴۹	۰/۰۰۰	-۸/۱۴۸	-۰/۰۶۴	DAC _{t-1}
۰/۸۷۵	۰/۱۵۸	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	-۱۲/۹۰۵	-۰/۰۳۱	DAC _t
۰/۰۰۰	-۵/۷۸۰	-۰/۰۱۵	۰/۰۰۰	-۴/۹۱۲	-۰/۰۲۱	DAC _{t+1}
۰/۷۹۶	-۰/۲۵۸	-۰/۰۰۲	۰/۸۷۰	۰/۱۶۴	۰/۰۰۱	DAC _{t+2}
۰/۰۰۰	۹/۷۹۷	۰/۵۵۴	۰/۰۰۰	۱۷/۶۹۸	۰/۵۰۱	INV _{t-1}
۰/۴۲۲ (۰/۴۰۷)			۰/۶۵۵ (۰/۶۴۲)			ضریب تعیین (تعدیل شده)
۱/۸۵			۱/۶۹			آماره دوربین واتسون
۲۸/۰۵۱ (۰/۰۰۰)			۵۰/۵۵۶ (۰/۰۰۰)			آماره F فیشر (معناداری)
۱/۴۷۵ (۰/۱۹۸)			۱/۳۷۱ (۰/۲۳۶)			آماره F لیمر (معناداری)

مأخذ: یافته‌های پژوهشگر

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از معیار دوم ناکارایی سرمایه‌گذاری و معیار اول مدیریت سود

قبل از برازش الگوی پژوهش، ابتدا لازم است آزمون تشخیصی F لیمر برای انتخاب از بین الگوهای داده‌های ترکیبی معمولی در مقابل الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت انجام شود که نتایج آن در نگاره (۴) آورده شده است. نتایج برازش الگو برای آزمون فرضیه‌ها در نگاره (۴) ارائه شده است.

با توجه به این که سطح معناداری به دست آمده از آزمون F لیمر، بیشتر از ۵ درصد است، بنابراین برای تخمین الگو از روش داده‌های ترکیبی معمولی استفاده گردید. از آنجا که مقدار آماره دوربین-واتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، عدم همبستگی در اجزاء باقیمانده الگوی رگرسیونی تأیید می‌شود. با توجه به این که سطح معناداری آماره F فیشر کمتر از ۵ درصد است، بنابراین معناداری الگوی رگرسیون در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده الگو نشان می‌دهد که مجموعاً ۵۹ درصد و ۱۶ درصد از تغییرات حاصله در متغیر وابسته، می‌تواند توسط متغیرهای مستقل و معنی‌دار شده در این الگو توضیح داده شود. با توجه به نتایج به دست آمده در نگاره (۴) از برآورد الگو، ضریب متغیر فروش اختیاری ($DREV_1$) در شرکت‌های دارای هزینه‌های نمایندگی زیاد برابر $-0/004$ و سطح معناداری آن برابر با $0/591$ و بیشتر از سطح خطای $0/05$ است. در نتیجه فرضیه اول در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. همچنین، ضریب متغیر فروش اختیاری ($DREV_1$) در شرکت‌های دارای هزینه‌های نمایندگی کم برابر $-0/010$ و سطح معناداری آن برابر با $0/118$ و بیشتر از سطح خطای $0/05$ است. نتایج نشان می‌دهد که در شرکت‌های دارای هزینه‌های نمایندگی کم بین مدیریت سود و کم سرمایه‌گذاری، رابطه معناداری وجود ندارد. در نتیجه فرضیه دوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

نگاره (۴): نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش با معیار دوم ناکارایی سرمایه‌گذاری و معیار اول

مدیریت سود

هزینه‌های نمایندگی کم			هزینه‌های نمایندگی زیاد			متغیر
سطح معناداری	آماره t	ضرایب	سطح معناداری	آماره t	ضرایب	
۰/۹۷۴	-۰/۰۳۲	-۰/۰۰۰۰۳	۰/۳۷۳	-۰/۸۹۴	-۰/۰۰۲	C
۰/۰۱۹	۲/۳۶۰	۰/۰۰۶	۰/۰۰۸	۲/۶۸۲	۰/۰۰۹	GROWTH _{t-1}
۰/۰۰۰	-۴/۰۰۳	-۰/۰۳۲	۰/۲۳۷	-۱/۱۸۶	-۰/۰۱۳	CF _{t-1}
۰/۰۰۸	۲/۶۵۱	۰/۰۱۷	۰/۰۰۰	۷/۳۴۰	۰/۰۴۱	DREV _{t-2}
۰/۰۰۰	-۹/۷۳۷	-۰/۰۳۵	۰/۰۰۰	-۴/۲۴۳	-۰/۰۳۰	DREV _{t-1}
۰/۱۱۸	-۱/۵۶۶	-۰/۰۱۰	۰/۵۹۱	-۰/۵۳۹	-۰/۰۰۴	DREV _t
۰/۰۰۲	۳/۱۴۳	۰/۰۲۲	۰/۱۷۹	۱/۳۴۸	۰/۰۰۹	DREV _{t+1}
۰/۰۰۰	۷/۷۶۱	۰/۰۲۰	۰/۰۰۰	-۷/۳۲۵	-۰/۰۳۴	DREV _{t+2}
۰/۰۰۴	۲/۹۰۹	۰/۱۶۱	۰/۰۰۱	۳/۴۵۸	۰/۱۴۳	INV _{t-1}
۰/۱۷۸ (۰/۱۵۷)			۰/۶۰۷ (۰/۵۹۳)			ضریب تعیین (تعدیل شده)
۱/۹۲			۱/۹۰			آماره دوربین واتسون
۸/۳۳۳ (۰/۰۰۰)			۴۱/۱۷۳ (۰/۰۰۰)			آماره F فیشر (معناداری)
۲/۲۳۹ (۰/۰۵۰)			۱/۸۹ (۰/۰۹۷)			آماره F لیمر (معناداری)

مأخذ: یافته‌های پژوهشگر

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از معیار دوم ناکارایی

سرمایه‌گذاری و معیار دوم مدیریت سود

قبل از برازش الگوی پژوهش، ابتدا لازم است آزمون تشخیصی F لیمر برای انتخاب از بین الگوهای داده‌های ترکیبی معمولی در مقابل الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت انجام شود

که نتایج آن در نگاره (۵) آورده شده است. نتایج برازش الگو برای آزمون فرضیه‌ها در نگاره (۵) ارائه شده است.

نگاره (۵): نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش با معیار دوم ناکارایی سرمایه‌گذاری و معیار دوم

مدیریت سود

هزینه‌های نمایندگی کم			هزینه‌های نمایندگی زیاد			متغیر
سطح معناداری	آماره t	ضرایب	سطح معناداری	آماره t	ضرایب	
۰/۷۷۶	-۰/۲۸۵	-۰/۰۰۱	۰/۷۸۵	-۰/۲۷۳	-۰/۰۰۰۲	C
۰/۰۶۴	۱/۸۶۲	۰/۰۰۵	۰/۰۱۱	۲/۵۶۳	۰/۰۰۷	GROWTH _{t-1}
۰/۱۰۱	-۱/۶۴۷	-۰/۰۲۸	۰/۰۰۰	-۳/۶۳۰	-۰/۰۳۷	CF _{t-1}
۰/۸۶۶	۰/۱۶۸	۰/۰۰۱	۰/۰۱۹	-۲/۳۶۶	-۰/۰۱۳	DAC _{t-2}
۰/۳۴۵	-۰/۹۴۶	-۰/۰۱۶	۰/۰۰۱	-۳/۴۴۰	-۰/۰۲۶	DAC _{t-1}
۰/۹۸۷	۰/۰۱۷	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰	-۵/۷۵۲	-۰/۰۲۰	DAC _t
۰/۰۰۰	-۳/۸۶۶	-۰/۰۱۲	۰/۰۰۰	-۴/۵۵۱	-۰/۰۱۲	DAC _{t+1}
۰/۶۴۷	-۰/۴۵۹	-۰/۰۰۳	۰/۲۲۱	-۱/۲۲۹	-۰/۰۱۰	DAC _{t+2}
۰/۰۱۷	۲/۳۹۰	۰/۱۳۷	۰/۰۰۳	۳/۰۶۳	۰/۱۱۴	INV _{t-1}
۰/۰۴۷ (۰/۰۲۲)			۰/۱۵۷ (۰/۱۲۵)			ضریب تعیین (تعدیل شده)
۱/۸۹			۱/۸۶			آماره دوربین واتسون
۱/۸۸۷ (۰/۰۶۲)			۴/۹۴۶ (۰/۰۰۰)			آماره F فیشر (معناداری)
۲/۰۰ (۰/۰۷۹)			۱/۸۰۳ (۰/۱۱۴)			آماره F لیمر (معناداری)

مأخذ: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به این که سطح معناداری به دست آمده از آزمون F لیمر، بیشتر از ۵ درصد است، بنابراین برای تخمین الگو از روش داده‌های ترکیبی معمولی استفاده گردید. از آنجا که مقدار آماره دوربین-واتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، عدم همبستگی در اجزاء باقیمانده الگوی

رگرسیون تأیید می‌شود. با توجه به این که سطح معناداری آماره F فیشر کمتر از ۵ درصد است، بنابراین معناداری الگوی رگرسیون در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده الگو نشان می‌دهد که مجموعاً ۱۳ درصد و ۲ درصد از تغییرات حاصله در متغیر وابسته، می‌تواند توسط متغیرهای مستقل و معنی‌دار شده در این الگو توضیح داده شود.

با توجه به نتایج به دست آمده در نگاره (۵) از برآورد الگو، ضریب متغیر اقلام تعهدی اختیاری (DAC_i) در شرکت‌های دارای هزینه‌های نمایندگی زیاد برابر $-0/020$ و سطح معناداری آن برابر با $0/000$ و کمتر از سطح خطای $0/05$ است. از آنجا که انتظار می‌رفت بین مدیریت سود و ناکارایی سرمایه‌گذاری، رابطه مثبت و معناداری وجود داشته باشد، در نتیجه فرضیه اول در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. همچنین، ضریب متغیر اقلام تعهدی اختیاری (DAC_i) در شرکت‌های دارای هزینه‌های نمایندگی کم برابر $0/0003$ و سطح معناداری آن برابر با $0/987$ و بیشتر از سطح خطای $0/05$ است. نتایج نشان می‌دهد که در شرکت‌های دارای هزینه‌های نمایندگی کم بین مدیریت سود و ناکارایی سرمایه‌گذاری، رابطه معناداری وجود ندارد. در نتیجه فرضیه دوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش رابطه مدیریت سود و ناکارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های دارای هزینه‌های نمایندگی زیاد و کم بررسی شد. به طور کلی، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین اقلام تعهدی اختیاری و ناکارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های دارای هزینه‌های نمایندگی زیاد، رابطه منفی و معناداری وجود دارد که با فرضیه جنسن (۱۹۸۶) در تناقض است. همچنین نتایج با استفاده از باقیمانده‌های الگوی جریان نقدی جنسن (۱۹۸۶) به عنوان نماینده ناکارایی سرمایه‌گذاری نشان داد که بین فروش اختیاری و ناکارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های دارای هزینه‌های نمایندگی کم، رابطه منفی و معناداری وجود دارد که مطابق با نظریه جنسن (۱۹۸۶) است. نتایج این پژوهش با نتایج تقی‌زاده خانقاه و قلی‌نژاد (۱۳۹۴) که بیان داشتند با اعمال بیشتر مدیریت سود، میزان سرمایه‌گذاری ناکارای شرکت‌ها افزایش می‌یابد، در تضاد است.

در توجیه این یافته‌ها می‌توان گفت مدیران نسبت به دستکاری فروش اختیاری و اقلام تعهدی اختیاری حساسیت کمتری دارند، زیرا صورت‌های مالی دستکاری شده به مدیران تصمیم

گیرنده، علائم گمراه کننده‌ای مخابره می‌کند و منجر به اتخاذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری نادرست می‌شود. همچنین، این موضوع می‌تواند نشانه آگاهی سرمایه‌گذاران از مدیریت سود در شرکت‌ها باشد. از علت‌های احتمالی نتایج مغایر پژوهش حاضر با نظریه جنسن (۱۹۸۶)، محیط اقتصادی و دوره اقتصادی متفاوت، استفاده از روش‌ها، شاخص‌ها و اندازه نمونه مطالعات مذکور است. بنابراین، همان‌طور که در پژوهش چونگ و همکاران (۲۰۱۵) بیان شده است، استفاده از معیارهای متفاوت برای محاسبه مدیریت سود و ناکارایی سرمایه‌گذاری و اندازه نمونه پژوهش و دوره اقتصادی متفاوت می‌تواند بر تأثیر مدیریت سود بر ناکارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها، تأثیرگذار باشد.

به منظور انجام پژوهش‌های آتی پیشنهاداتی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

- بررسی ارتباط بین معیارهای حاکمیت شرکتی و ناکارایی سرمایه‌گذاری،
- انجام پژوهش با استفاده از سایر معیارهای اندازه‌گیری مدیریت سود و ناکارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها و مقایسه نتایج،
- بررسی تأثیر توانایی مدیران بر ارتباط بین مدیریت سود و ناکارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها،
- انجام پژوهش به تفکیک صنایع مختلف بورسی.

منابع

- Biddle, G. C. , & Hilary, G. (2006). Accounting quality and firm-level capital investment. *The accounting review*, 81 (5) , 963-982 .
- Biddle, G. C. , Hilary, G. , & Verdi, R. S. (2009). How does financial reporting quality relate to investment efficiency?. *Journal of accounting and economics*, 48 (2-3) , 112-131 .
- Bushman, R. M. , & Indjejikian, R. J. (1993). Stewardship value of " distorted" accounting disclosures. *Accounting Review*, 765-782 .
- Chen, L. , Liu, C. , & Wang, G. (2013, July). Financial constraints, investment efficiency and corporate governance: Empirical evidence from China. In 2013 10th International Conference on Service Systems and Service Management (pp. 445-449). IEEE .

- Chen, X. , Sun, Y. , & Xu, X. (2016). Free cash flow, over-investment and corporate governance in China. *Pacific-Basin Finance Journal*, 37, 81-103 .
- Cheng, M. , Dhaliwal, D. , & Zhang, Y. (2013). Does investment efficiency improve after the disclosure of material weaknesses in internal control over financial reporting?. *Journal of Accounting and Economics*, 56 (1) , 1-18 .
- Cohen, D. A. , & Zarowin, P. (2008). Economic consequences of real and accrual-based earnings management activities. Leonard Ster School of Business& New York University, Working Paper .
- Dastgir, M. , & Ghanizadeh, B. (2014). Impact of accruals quality on long-term investments in companies listed to Tehran Stock Exchange. *Quarterly Financial Accounting*, 5 (20) , 42-65. (In Persian (
- Ebrahimi, K. , & Ahmadi Moghadam, M. (2016). The effect of financial leverage and conditional conservatism on the inefficiency of investment listed companies in the Tehran Stock Exchange. *Quarterly Financial Accounting*, 7 (27) , 102-120. (In Persian)
- Fazzari, S. , Hubbard, R. G. , & Petersen, B. C. (1987). Financing constraints and corporate investment .
- Fischer, S. , & Merton, R. C. (1984). Macroeconomics and finance: The role of the stock market .
- Forogh Nezhad, H. , Moradi Joz, M. , Heydari, H. , & Masomi Khanghah, Gh. (2017). Stock liquidity, investment efficiency and company performance: Evidence from Tehran Stock Exchange. *Quarterly Investment Knowledge*, 5 (18) , 179-196. (In Persian)
- Godarzi, A. , & Babazadeh Shirvan, H. (2016). Investigating the relationship between financial reporting quality and debts' maturity with investment efficiency in Tehran Stock Exchange. *Quarterly Management Accounting*, 8 (27) , 105-117. (In Persian)
- He, Y. , Chen, C. , & Hu, Y. (2019). Managerial overconfidence, internal financing, and investment efficiency: Evidence from China. *Research in International Business and Finance*, 47, 501-510 .
- Hejazi, R. , & Farhadi, H. (2018). Analysis of earnings management influence on the investment inefficiency in companies. *Journal of New Researches in Accounting and Auditing*, 1 (1) , 93-116. (In Persian (
- Holmström, B. , & Tirole, J. (1993). Market liquidity and performance monitoring. *Journal of Political Economy*, 101 (4) , 678-709 .
- Jensen, M. C. (1986). Agency costs of free cash flow, corporate finance, and takeovers. *The American economic review*, 76 (2) , 323-329 .
- Kanodia, C. , & Lee, D. (1998). Investment and disclosure: The disciplinary role of periodic performance reports. *Journal of Accounting Research*, 36 (1) , 33-55 .

- Kedia, S. , & Philippon, T. (2007). The economics of fraudulent accounting. *The Review of Financial Studies*, 22 (6) , 2169-2199 .
- Mahmoodabadi, H. , & Rajaii, S. (2015). Evaluating the relationship between the agency costs and investment efficiency of the Listed Companies in Tehran Stock Exchange (TSE). *Journal of Accounting*, 4 (15) , 185-204. (In Persian (
- Mahmoud Abadi, H. , & Mehtari, Z. (2011). The relationship between accounting conservatism and investment Efficiency of listed companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Advances*, 3 (2) , 113-140. (In Persian (
- McNichols, M. F. , & Stubben, S. R. (2008). Does earnings management affect firms' investment decisions?. *The accounting review*, 83 (6) , 1571-1603 .
- Morgado, A. , & Pindado, J. (2003). The underinvestment and overinvestment hypotheses: an analysis using panel data. *European Financial Management*, 9 (2) , 163-177 .
- Namazi, M. , & Gholami, R. (2014). The impact of the accrual-based earnings management on efficiency investment of listed companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Knowledge*, 5 (17) , 29-48. (In Persian (
- Pourheydari, O. , Rahmani, A. , & Gholami, R. (2013). The effect of the actual management of earnings on the investment behavior of listed companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Advances*, 5 (1) , 55-85. (In Persian (
- Richardson, S. (2006). Over-investment of free cash flow. *Review of accounting studies*, 11 (2-3) , 159-189 .
- Scott, W. R. , & O'Brien, P. C. (2003). *Financial accounting theory* (Vol. 3). Toronto: Prentice Hall .
- Shen, C. H. , Luo, F. , & Huang, D. (2015). Analysis of earnings management influence on the investment efficiency of listed Chinese companies. *Journal of Empirical Finance*, 34, 60-78 .
- Stubben, S. R. (2010). Discretionary revenues as a measure of earnings management. *The accounting review*, 85 (2) , 695-717 .
- Taghizadeh Khanghah, V. , & Gholinezhad, M. (2015). The impact of the Manipulate discretionary accruals and real activities on over-investment and under-investment. *Management and Accounting Researches*, (13) , 67-92. (In Persian (
- Taghizadeh Khanghah, V. , Anvar khatibi, S. , & Shahdavar, R. (2018). The relationship dividend policy and investment efficiency with emphasis on firm life cycle. *Journal of Accounting*, 8 (29) , 99-120. (In Persian (
- Talebnia, Gh. , & Taftian, A. (2010). Investigating the Relationship between Institutional Investors and the Board with earnings Management. *Journal of Future Studies Management*, (83) , 87-98. (In Persian (

- Tang, V. W. (2007). Earnings management and future corporate Investment. Available at SSRN 985172 .
- Tehrani, R. , & Hesarzadeh, R. (2009). The impact of free cash flow and financing constraints on over investment and under investment. *Accounting Research, 1* (3) , 50-67 (In Persian).
- Wang, Y. , Chen, C. R. , Chen, L. , & Huang, Y. S. (2016). Overinvestment, inflation uncertainty, and managerial overconfidence: Firm level analysis of Chinese corporations. *The North American Journal of Economics and Finance, 38*, 54-69 .
- Yuan, J. , & Jiang, Y. (2008). Accounting information quality, free cash flow and overinvestment: A Chinese study .

شناسایی عوامل موثر بر ارتباط بین اقلام تعهدی و

جریان‌های نقدی عملیاتی

غلامرضا کردستانی^۱، وحید محمدی^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۹/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۱/۲۱

چکیده

همزمان با رواج استفاده از مبنای تعهدی در ثبت رویدادهای مالی واحدهای تجاری، استفاده از وجه نقد عملیاتی و یا سود حسابداری برای ارزیابی عملکرد اقتصادی واحدهای تجاری و اتخاذ تصمیمات اقتصادی بهینه، به یکی از چالش‌های مهم برای سرمایه‌گذاران و استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی واحدهای تجاری تبدیل شده است. با این وجود، باید به این نکته توجه کرد که اطلاعات خروجی از سیستم حسابداری مکمل یکدیگر بوده و باید توأمان استفاده شوند. به عبارت دیگر، اگر سرمایه‌گذاران بدون توجه به تناسب بین دو جزء نقدی و تعهدی سود، صرفاً بر سود حسابداری و یا جریان نقدی گزارش شده متمرکز شوند، قیمت مبادله سهام از ارزش ذاتی آن فاصله بیشتری می‌گیرد. در این مقاله با نگاهی گذرا به تئوری، ابتدا رابطه بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی به عنوان یک شاخص در ارزیابی‌های مختلف، بحث می‌شود. در نهایت، عوامل بالقوه زمانی و اقتصادی که می‌توانند رابطه بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی را دستخوش تغییر قرار دهند، بررسی می‌شود. می‌توان گفت از بین اجزای عوامل مذکور، چهار عامل شوک‌های جریان نقد، اقلام تعهدی غیرمرتبط با زمان، تطابق ضعیف بین درآمدها و هزینه‌ها و حجم دارایی‌های نامشهود، بر رابطه بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی تأثیر دارند.

واژه‌های کلیدی: سود حسابداری، جریان نقد عملیاتی، دارایی نامشهود، اقلام تعهدی غیرمرتبط با زمان،

قیمت سهام.

طبقه‌بندی موضوعی: M41, D53

DOI: 10.22051/ijar.2019.23268.1463

^۱ دانشیار گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.
(kordestani@soc.ikiu.ac.ir)

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران، نویسنده مسئول.
(mohammadi.v372@gmail.com)

مقدمه

تمرکز در مبنای نقدی حسابداری، شناسایی آن دسته از رویدادهای مالی است که منجر به جریانهای نقدی ورودی (به) یا خروجی (از) واحد تجاری شود. به عبارت دیگر یک رویداد مالی زمانی به عنوان درآمد یا هزینه شناسایی می شود که جریان نقد ورودی یا خروجی به همراه داشته باشد.

به استثنای اطلاعات مربوط به جریانهای نقدی، واحد تجاری باید صورت های مالی خود را بر مبنای تعهدی تهیه کند. بر اساس مفاهیم نظری گزارشگری مالی، چنانچه شواهد کافی در رابطه با وقوع افزایش در خالص دارایی ها قبل از پایان دوره مورد گزارش وجود داشته باشد، درآمد شناسایی می شود. همچنین در صورت وجود شواهد کافی مبنی بر وقوع کاهش در حقوق صاحبان سهام قبل از پایان دوره، هزینه شناسایی می شود. یعنی معاملات و سایر رویدادها در زمان وقوع (نه در زمان دریافت یا پرداخت وجه نقد) شناسایی و در صورت های مالی منعکس می شود (ثقفی و صراف، ۱۳۹۲). همین امر، منجر به شناسایی حجم وسیعی از درآمدها و هزینه ها می شود. این درآمدها و هزینه ها حتی ممکن است در دوره ای که شناسایی می شوند، همراه با جریان نقد نباشند.

بنابراین در مبنای تعهدی، سود حسابداری به عنوان یکی از مهم ترین خروجی های سیستم حسابداری شامل اجزای نقدی و تعهدی است. همچنان که بوشمن، لرمن و ژانگ (۲۰۱۶) بیان می کنند می کنند، هدف اصلی استفاده از اقلام تعهدی، یکنواخت کردن تغییرات موقت زمانی در جریان نقد عملیاتی است. این مساله بیانگر همبستگی منفی بین اقلام تعهدی و جریان های نقدی عملیاتی است. در یک تقسیم بندی می توان جزء تعهدی سود را به دو بخش اقلام تعهدی مرتبط با زمان^۱ و اقلام تعهدی غیرمرتبط با زمان^۲، تقسیم بندی کرد. ریشه اصلی اقلام تعهدی مرتبط با زمان، در تغییرات موقتی جریان های نقدی است، در حالی که اقلام تعهدی غیرمرتبط با زمان، ریشه در محافظه کاری، حسابداری ارزش منصفانه، خطای برآورد اقلام تعهدی و سایر رویدادهایی دارد که مستقیماً با جریان های نقدی دوره متناظر و یا حتی دوره های نزدیک مرتبط نیستند. بنابراین، مدیران واحدهای تجاری می توانند با استفاده از اقلام تعهدی غیرمرتبط با زمان،

عملکرد مطلوب خود را در صورت سود و زیان ارائه نمایند. از سوی دیگر، سود حسابداری نقش قابل توجهی در قیمت گذاری سهام شرکت‌ها دارد.

این چالش همواره مطرح بوده است که کدام یک از معیارهای جریان نقدی یا سود برای ارزیابی عملکرد شرکت مناسب است. از یک سو هیأت استانداردهای حسابداری مالی معتقد است که ارقام تعهدی برای ارزیابی سهام، سودمند هستند. از سوی دیگر، برخی از تحلیل‌گران مالی قابلیت اتکا و مربوط بودن سود را به دلیل اجزای تعهدی آن، مورد پرسش قرار می‌دهند. با توجه به مطالب فوق می‌توان انتظار داشت که در نظر گرفتن رابطه بین ارقام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی در طول زمان و عوامل موثر بر آن، ضروری است، اما سوالی که همچنان بی‌پاسخ مانده است، در زمینه عواملی است که می‌تواند این رابطه را دستخوش تغییر قرار دهد. بر این اساس، در این پژوهش به تشریح عوامل زمانی و اقتصادی بالقوه مؤثر بر رابطه بین ارقام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی پرداخته شده است.

اجزای سود و ارتباط بین اجزای سود

تهیه صورت‌های مالی طبق مبنای تعهدی، ارقامی را تحت عنوان ارقام تعهدی به بخش نقدی سود، اضافه می‌کند. با این اوصاف، سود حسابداری به دو بخش تعهدی و نقدی قابل تفکیک است. ارقام تعهدی بخشی از درآمدها و هزینه‌های ارائه شده در صورت سود و زیان را تشکیل می‌دهد که در صورت جریان وجه نقد نشان داده نمی‌شود. به عبارت دیگر ارقام تعهدی تفاوت بین سود حسابداری و جریان نقد عملیاتی است. بخش تعهدی سود نیز شامل دو گروه ارقام تعهدی اختیاری^۳ و ارقام تعهدی غیراختیاری^۴ است. ارقام تعهدی غیراختیاری ریشه در فعالیت‌های تجاری شرکت دارد و مدیریت هیچ‌گونه دخل و تصرفی در آنها ندارد. به عبارت دیگر ارقام تعهدی در فرآیند عادی عملیات تجاری رخ می‌دهند، اما ارقام تعهدی اختیاری به دلیل انتخاب روش‌های حسابداری، تخصیص‌های اختیاری، تصمیمات مدیریت، قضاوت‌ها و برآوردها بوجود می‌آیند.

پشتوانه شناسایی ارقام تعهدی غیراختیاری، استانداردهای حسابداری یا قوانین و مقررات است. همین امر موجب شده است که ارقام تعهدی غیراختیاری از اعمال نظر مدیریت در امان باشند،

اما ارقام تعهدی اختیاری قابل اعمال نظر توسط مدیران هستند. به عبارت دیگر، مدیران با توجه به شرایط شرکت از این ارقام در راستای مدیریت سود^۵ و یا هموارسازی سود^۶ استفاده می‌کنند. همان طور که اشاره شد جزء دیگر سود، بخش نقدی است. با وجود آنکه وجه نقد شناسایی شده مشکلات «زمان‌بندی» و «تطابق» را دارد و می‌تواند به اندازه‌گیری غیر صحیح عملکرد شرکت منجر شود، اما برخی از تحلیلگران و سرمایه‌گذاران اعتقاد دارند که وجه نقد معیاری عینی‌تر برای ارزیابی عملکرد اقتصادی واحد تجاری است و کمتر مورد دستکاری مدیریت قرار می‌گیرد. این گروه استدلال می‌کنند که سود حسابداری به دلیل وجود ارقام تعهدی اختیاری و توانایی مدیریت در دستکاری آن، نمی‌تواند شاخص مناسبی برای ارزیابی عملکرد شرکت باشد. همین عامل باعث شکل‌گیری تحقیقاتی در زمینه بررسی محتوای اطلاعاتی سود حسابداری و جریان نقد عملیاتی شده است. در حالی که نتایج برخی تحقیقات همچون باون و دلی (۱۹۸۷) و کردستانی و رودنشین (۱۳۸۷) حاکی از آن است که اطلاعات مربوط به جریان‌های نقدی دارای محتوای فزاینده اطلاعاتی نسبت به سود است، برنارد و استابر (۱۹۸۹) و پورفخریان و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که قدرت توضیح‌دهندگی سود در پیش‌بینی وجه نقد آتی، با تقسیم سود به اجزای آن افزایش می‌یابد، اما شواهد چندانی در ارتباط با تأیید محتوای فزاینده اطلاعاتی جریان نقدی و سود نسبت به یکدیگر نیافتند.

عاشق علی (۱۹۹۴) به بررسی محتوای فزاینده اطلاعاتی سود، سرمایه در گردش حاصل از عملیات و جریان‌های نقدی پرداخت. او در این پژوهش محتوای فزاینده اطلاعاتی سود بر سرمایه در گردش حاصل از عملیات و جریان‌های نقدی را تأیید کرد. همچنین در این پژوهش محتوای فزاینده اطلاعاتی سرمایه در گردش حاصل از عملیات بر سود و جریان‌های نقدی نیز تأیید شد، اما در مورد محتوای فزاینده اطلاعاتی وجه نقد حاصل از عملیات بر سایر عوامل، دو حالت مشاهده شد: (۱) حالتی که شرکت‌های مورد مطالعه تغییرات اندکی در وجه نقد حاصل از عملیات داشته‌اند، محتوای فزاینده اطلاعاتی نسبت به دو متغیر بعدی مشاهده شد؛ و (۲) حالتی که شرکت‌های مورد مطالعه تغییرات بزرگی در وجه نقد حاصل از عملیات داشته‌اند، محتوای فزاینده اطلاعاتی نسبت به دو متغیر مشاهده نشد. در ادامه تحقیقات انجام شده در این زمینه، نتایج تحقیق دیچو (۱۹۹۴) نشان داد که سود بر مبنای تعهدی نسبت به جریان‌های نقدی، یک مقیاس برتر برای سنجش عملکرد شرکت است.

همانطور که بیان شد، سود حسابداری شامل دو بخش نقدی و تعهدی است، که به طور مفصل بحث شد. حال نوبت به بررسی رابطه بین ارقام تعهدی و جریان های نقدی عملیاتی می رسد. در ظاهر به نظر می رسد که رابطه منفی بین ارقام تعهدی و جریان های نقدی عملیاتی برقرار است. فرض کنید شرکت «الف» در قبال فروش ۳ میلیون ریال کالا به شرکت «ب»، وجه نقدی معادل ۲ میلیون ریال دریافت می کند. یک میلیون ریال باقی مانده را تحت عنوان حساب های دریافتی ثبت می کند. این مثال بیانگر آن است که با افزایش جریان نقدی، انتظار می رود که از حجم ارقام تعهدی (حساب های دریافتی) کاسته شود، اما توجه به مفهوم زمان در بررسی این رابطه ضروری است. یعنی می توان گفت اختلاف بین ارقام تعهدی و جریان های نقدی عملیاتی موقتی بوده و با گذشت زمان از بین خواهد رفت و در بلندمدت اختلافی بین آنها وجود نخواهد داشت. اصولیان و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی رابطه ارقام تعهدی، سودآوری عملیاتی و سودآوری عملیاتی بر مبنای نقد با بازدهی سهام در بورس اوراق بهادر تهران پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان می داد که ارقام تعهدی با سودآوری نقدی همبستگی منفی (۰/۳۶۷۰-) دارد.

شاید بتوان گفت بهترین شاخص برای بررسی رابطه بین ارقام تعهدی و جریان های نقدی عملیاتی، کیفیت ارقام تعهدی باشد. کیفیت ارقام تعهدی را می توان نزدیکی سود حسابداری به وجه نقد تعریف کرد (فخاری و تقوی، ۱۳۸۸). بکارگیری حسابداری تعهدی، انجام برآورد و تخمین را در شناسایی و ثبت رویدادهای مالی اجتناب ناپذیر کرده است. در صورتی که این برآوردها با واقعیت فاصله داشته باشد، در دوره های بعدی ارقام تعهدی شناسایی شده باید اصلاح شوند. به عنوان مثال، اگر خالص دریافتی از یک طلب کمتر از برآورد اولیه باشد، ثبت بعدی هم وجه نقد وصول شده را نشان می دهد و هم خطای برآورد را نشان می دهد. این خطای برآورد و اصلاح بعدی ناشی از آن، سودمندی ارقام تعهدی را کاهش می دهد. بنابراین هر اندازه خطای برآورد بیشتر باشد، از کیفیت ارقام تعهدی سود کاسته می شود. با توجه به آنچه گفته شد، بطور طبیعی انتظار می رود که با افزایش حجم ارقام تعهدی، احتمال خطای برآورد نیز بیشتر و در نتیجه کیفیت ارقام تعهدی کاهش یابد.

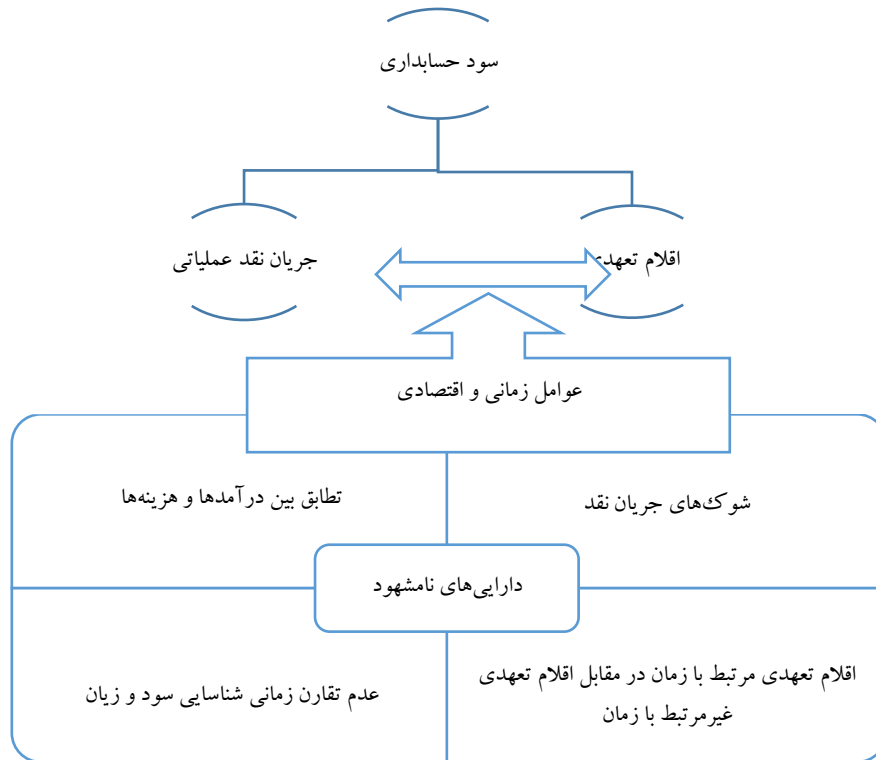
کیفیت ارقام تعهدی از جنبه های مختلف می تواند بر تصمیم گیری استفاده کنندگان صورت های مالی تأثیر داشته باشد. همین عامل سبب انجام تحقیقاتی در زمینه کیفیت ارقام تعهدی شده است. در تحقیقاتی که ارتباط میان ارقام تعهدی و بازده سهام را بررسی کرده اند، این مطلب

تصریح شده است که شرکت‌های با کیفیت پایین اقلام تعهدی، هزینه سرمایه بیشتری دارند. به عنوان مثال فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵)، در پژوهشی با عنوان قیمت بازار کیفیت اقلام تعهدی، بیان کردند که کیفیت ضعیف اقلام تعهدی منجر به ابهام در اطلاعات شده و ریسک سرمایه‌گذاری را نیز افزایش می‌دهد. شرکت‌هایی که از اقلام تعهدی ضعیف‌تری برخوردارند، ضمن آنکه نسبت هزینه بهره به بدهی بالاتری دارند، نسبت بدهی پایین‌تری را نیز تجربه می‌کنند. همچنین آنها معتقد بودند که کیفیت اقلام تعهدی معیار تشخیص ابهام در مورد گردش وجه نقد آتی شرکت است. دیچو و دیچا (۲۰۰۲) در ادامه پژوهش‌های خود در زمینه کیفیت اقلام تعهدی و سود، به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های با کیفیت پایین اقلام تعهدی، تکرار زیان بیشتری را تجربه می‌کنند. گارسیا و مارتینز (۲۰۰۹) نیز با استفاده از نمونه‌ای متشکل از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس سهام اسپانیا در بازه زمانی ۱۹۹۵-۲۰۱۲، اثر کیفیت اقلام تعهدی را بر موجودی وجه نقد شرکت بررسی نموده و به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های با کیفیت اقلام تعهدی پایین‌تر در مقایسه با شرکت‌های با اقلام تعهدی بالاتر، سطوح بالاتری از موجودی وجه نقد را نگهداری می‌کنند.

عوامل موثر بر ارتباط بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی

تمرکز محض بر اقلام تعهدی در مطالعات حسابداری ضمن آنکه منجر به مجهول ماندن رابطه بین اجزای نقدی و تعهدی سود می‌شود، خطاهای اندازه‌گیری ناشی از این اجزاء را نیز نشان نمی‌دهد (فرزادفر و مومن، ۲۰۱۷). همچنین اگر سرمایه‌گذاران بدون توجه به تناسب بین دو جزء نقدی و تعهدی سود، صرفاً بر سودهای حسابداری و یا جریان نقدی گزارش شده متمرکز شوند، قیمت مبادله سهام از ارزش ذاتی آن فاصله بیشتری می‌گیرد (دیگان، ۲۰۱۳). این عبارت حاکی از اهمیت ویژه رابطه بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی است که باید به عنوان یک شاخص در ارزیابی‌های مختلف مورد توجه قرار گیرد. همان‌طور که می‌دانید یکی از دلایل اصلی گرایش به سمت مبنای تعهدی، فایق آمدن بر مشکل زمان‌بندی وجه نقد بود. انتظار می‌رود که عوامل زمانی نظیر اقلام تعهدی مرتبط با زمان، عدم تقارن زمانی شناسایی سود و... رابطه بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی را تحت الشعاع قرار دهند. از سوی دیگر به دلیل اینکه هر دو بخش نقدی و تعهدی سود در بستری از فعالیت‌های اقتصادی بوجود می‌آیند، می‌توانند تحت تأثیر عوامل اقتصادی نیز قرار گیرند (شکل ۱). در ادامه به تشریح هر یک از عوامل زمانی

و اقتصادی که می‌توانند بر رابطه بین ارقام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی تأثیر بگذارند، خواهیم پرداخت.



شکل (۱): عوامل زمانی و اقتصادی موثر بر رابطه بین ارقام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی.

(۱) شوک‌های جریان نقد

برخی تحلیلگران و سرمایه‌گذاران اعتقاد دارند که وجه نقد معیاری عینی‌تر برای ارزیابی عملکرد واقعی اقتصادی واحد تجاری است و کمتر مورد دستکاری مدیریت قرار می‌گیرد. به همین دلیل در ارزیابی عملکرد شرکت و اتخاذ تصمیمات اقتصادی باید مورد توجه قرار گیرد، اما باید خاطر نشان شد که جریان‌های نقدی ممکن است در نتیجه هر دو رویدادهای مثبتی بر اقتصاد یا مرتبط با زمان نوسان پیدا کنند. شوک‌های جریان نقدی مثبتی بر اقتصاد، شوک‌های بنیادین در عملکرد شرکت است و در سودهای گزارش شده، مستقل از ارقام تعهدی متناظر

منعکس می‌شوند. در مقابل شوک‌های جریان نقدی مرتبط با زمان ریشه در نوسان‌پذیری موقت جریان‌های نقدی دارد، بنابراین همبستگی منفی با اقلام تعهدی دارد، زیرا همانطور که در بخش‌های قبلی به آن اشاره شد ویژگی اصلی اقلام تعهدی یکنواخت نمودن تغییرات موقت زمانی در جریان‌های نقدی عملیاتی است (دیچو، ۱۹۹۴). از این نقش اقلام تعهدی به عنوان نقش زمانی اقلام تعهدی (یا نقش یکنواخت‌کنندگی یا کاهش اختلال) تعبیر می‌شود.

دیچو و دیچا (۲۰۰۲) متذکر می‌شوند که توانایی اقلام تعهدی در ایجاد جریان نقدی با نوسان‌پذیری جریان نقد مرتبط است. افزایش در نوسان‌پذیری جریان نقد در طول دوره نمونه‌گیری می‌تواند منجر به قطع ارتباط پایدار ناشی از نقش زمانی اقلام تعهدی، بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی شود. آنها برای بررسی رابطه بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی دو رابطه زیر را مطرح کرده‌اند:

$$TACC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CFO_{i,t} + e_{i,t} \quad \text{معادله (۱)}$$

$$TACC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CFO_{i,t-1} + \beta_2 CFO_{i,t} + \beta_3 CFO_{i,t+1} + e_{i,t} \quad \text{معادله (۲)}$$

از لحاظ ریاضی می‌توان ضریب جریان نقد در معادله ۱ و R^2 در مدل معادله ۲ را به ترتیب به صورت $\frac{COV(ACC, CFO)}{VAR(CFO)}$ و $\frac{COV2(ACC, CFO)}{VAR(ACC) \times VAR(CFO)}$ نوشت. بنابراین نوسان‌پذیری جریان‌های نقدی ($VAR(CFO)$) مستقیماً بر اندازه‌گیری R^2 و ضریب جریان نقد تأثیر می‌گذارد. همان‌طور که بحث شد، نوسان‌پذیری جریان نقد، مولفه‌های مرتبط با زمان و اقتصاد دارد.

به طور خلاصه می‌توان گفت در صورتی که جریان نقد عملیاتی و سود، نوسان زیادی داشته باشند، حاکی از افزایش شوک‌های اقتصادی بر عملیات شرکت است. این حالت می‌تواند منجر به تضعیف رابطه بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی در دوره‌های بعد گردد.

۲) اقلام تعهدی مرتبط با زمان^۱ در مقابل اقلام تعهدی غیرمرتبط با زمان^۲

اقلام تعهدی هنگامی مطرح است که مبنای حسابداری تعهدی باشد. به عبارت دیگر زمانی که مبنای حسابداری تعهدی است، سود حسابداری شامل دو بخش نقدی و تعهدی است. در این شرایط اقلام تعهدی شامل آن دسته از درآمدها و هزینه‌هایی است که در صورت سود و زیان ارائه می‌شوند، اما در صورت جریان وجوه نقد منعکس نمی‌شوند.

در یک نگاه می‌توان اقلام تعهدی را به دو دسته اقلام تعهدی مرتبط با زمان و اقلام تعهدی غیرمرتبط با زمان، تقسیم نمود. اقلام تعهدی مرتبط با زمان، تغییرات موقتی در جریان نقد را خنثی می‌کنند، در مقابل اقلام تعهدی غیرمرتبط با زمان، ریشه در محافظه کاری، حسابداری ارزش منصفانه، خطای برآورد اقلام تعهدی و سایر رویدادها و برآوردهایی دارد که مستقیماً با جریان‌های نقدی متناظر یا دوره‌های زمانی نزدیک مرتبط نیستند. به عنوان مثال، زیان کاهش ارزش دارایی‌ها، که به واسطه محافظه کاری در صورت‌های مالی شناسایی می‌شود. همچنین نمونه دیگر تجدید ارائه در دارایی‌ها در حسابداری ارزش منصفانه است. هر دو این مثال‌ها جریان‌های نقدی متناظری را ایجاد نمی‌کنند.

در حالی که اقلام تعهدی مرتبط با زمان با جریان وجه نقد، به طور منفی همبسته‌اند، اقلام تعهدی غیرمرتبط با زمان، این چنین نیستند. با افزایش تکرار یا حجم اقلام تعهدی غیرمرتبط با زمان، انتظار می‌رود که همبستگی منفی بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی کاهش یابد.

می‌توان از اقلام غیرتکراری، غیرعملیاتی و فراوانی گزارش زیان به عنوان جایگزین اقلام تعهدی غیرمرتبط با زمان، استفاده کرد. به دلیل اینکه اقلام تعهدی غیرتکراری و غیرعملیاتی به عنوان اقلام تعهدی ناپایدار (اقلامی که انتظار تکرار آنها نمی‌رود) شناخته می‌شوند، در کاهش نوسانات جریان نقد، توسط مبنای تعهدی نمی‌تواند نقش داشته باشد. بنابراین شناسایی این اقلام می‌تواند در کاهش رابطه منفی بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی نقش داشته باشد. همچنین به دلیل آنکه بسیاری از زیان‌ها ارتباط مستقیمی با جریان نقد عملیاتی ندارند، می‌توانند جایگزین مناسبی برای اقلام تعهدی غیرمرتبط با زمان باشند. از آنجا که اقلام غیرتکراری و غیرعملیاتی منفی، ممکن است منجر به انتقال قلمرو سود شرکت به قلمرو زیان شود، فراوانی گزارش زیان، ممکن است با دو جایگزین دیگر اشتراک داشته باشد.

با توجه به آنچه گفته شد، انتظار می‌رود افزایش موقتی در حجم شناسایی اقلام غیرتکراری و غیرعملیاتی در کاهش رابطه منفی بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی مشارکت داشته باشد، زیرا این اقلام، اغلب همراه با جریان نقد مثبت نیستند و این امر منجر به افزایش خطای برآورد اقلام تعهدی می‌شود.

بوشمن و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهش خود از اقلام غیرتکراری، غیرعملیاتی و شرکت‌هایی با گزارش زیان به عنوان جانشین اقلام تعهدی غیرمرتبط با زمان، استفاده کردند. نتیجه حاکی از

آن بود که شناسایی اقلام تعهدی غیرمرتبط با زمان تأثیر قابل توجهی در کاهش نقش زمانی مبنای تعهدی دارد. به عبارت دیگر با افزایش حجم شناسایی اقلام غیرتکراری، غیرعملیاتی و فراوانی شرکت‌هایی با گزارش زیان رابطه منفی بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی کاهش می‌یابد.

۳) تطابق بین درآمدها و هزینه‌ها

اصل تطابق هزینه با درآمد و یا به اختصار اصل تطابق یکی از اصول حسابداری تعهدی است که بیان می‌کند، هزینه‌ها باید بدون در نظر گرفتن زمان پرداخت در دوره‌ای که به وقوع پیوسته، ثبت شود، برخلاف حسابداری نقدی که در آن هزینه در زمان پرداخت آن ثبت می‌شود. منطق این اصل تطابق هزینه‌ها با درآمدهایی است که برای کسب آن درآمدها، تحمل شده‌اند. واحدهای تجاری برای تحصیل درآمد متحمل هزینه می‌شوند و موفقیت آنها از طریق مازاد درآمدها بر هزینه‌ها در قالب سود اندازه‌گیری می‌شود. برای شناخت هزینه‌ها، حسابداران از رویکرد "بگذار هزینه‌ها از درآمدها تبعیت کند" پیروی می‌کنند. بنابراین، شناسایی هزینه به شناخت درآمد بستگی دارد، البته زمانی که چنین کاری عملی و معقول باشد.

چنانچه نتوان رابطه‌ای بین هزینه انجام شده و درآمد واحد تجاری یافت، چنین هزینه‌هایی در همان دوره‌ای که مصرف شده‌اند، ثبت می‌شود. به این ترتیب پیش‌پرداخت هزینه (مانند پیش‌پرداخت اجاره) تحت عنوان دارایی ثبت می‌شود و سپس در زمان تحقق هزینه (سپری شدن زمان اجاره)، به حساب هزینه منظور می‌شود. اتخاذ چنین رویه‌ای باعث می‌شود تا هزینه‌های یک دوره از درآمدهای همان دوره کسر شده و بنابراین محاسبه سود یک دوره مالی به صورت منطقی‌تری انجام شود (کاظمی و طریقی، ۱۳۹۰).

به طور خلاصه، می‌توان گفت که باید مخارج را تجزیه و تحلیل نمود تا مشخص شود که بین این اقلام و درآمد، رابطه‌ای وجود دارد یا خیر؟ هرگاه این چنین رابطه‌ای وجود داشته باشد، این مخارج هزینه تلقی می‌شود و در برابر درآمدهای همان دوره، قرار می‌گیرد (نظیر هزینه فروش کالا). اگر بین این اقلام و درآمد رابطه‌ای وجود نداشته باشد، این مخارج بر مبنای معقول و منطقی تخصیص می‌یابند (نظیر هزینه استهلاک و هزینه تأمین مالی). هنگامی که چنین روشی نامطلوب به نظر برسد، این مخارج بی‌درنگ به زیان دوره منظور می‌شوند (نظیر هزینه تبلیغات).

بنابراین، تطابق ضعیف عبارت است از ضعف تطبیق هزینه‌ها با درآمدهایی که از آنها حاصل شده است. تطابق ضعیف، همبستگی بین درآمد و هزینه را کاهش می‌دهد و می‌تواند ناشی از دلایل مختلفی باشد. عوامل تجاری غیرقابل اجتناب نظیر هزینه‌های ثابت، فقدان قابلیت ردیابی هزینه‌ها، صلاحدید مدیریت و استانداردهای حسابداری از جمله این عوامل هستند. با کمی دقت می‌توان گفت که تطابق ضعیف بین درآمدها و هزینه‌ها، با ارقام تعهدی غیرمرتبط با زمان که در مباحث قبلی بحث شد، در ارتباط است.

تطابق درآمدها و هزینه‌ها، کیفیت سود را از طریق افزایش پایداری سود و قدرت پیش‌بینی جریان نقد افزایش می‌دهد (هیون و چو، ۲۰۱۸). دیچو و تانگ (۲۰۰۸) با بررسی سود حسابداری ۱۰۰۰ شرکت بزرگ آمریکایی در ۴۰ سال اخیر به این نتیجه رسیدند که تطابق ضعیف (کاهش تطابق بین درآمدها و هزینه‌ها)، باعث کاهش همبستگی بین درآمدها و هزینه‌های متناظر شده و در نتیجه کاهش پایداری سود و افزایش نوسان سود را به دنبال دارد. دیچو و تانگ، تغییر رابطه درآمد و هزینه را ناشی از عوامل اقتصادی و استانداردهای حسابداری می‌دانند و معتقد هستند که نقش استانداردهای حسابداری، پررنگ‌تر از عوامل اقتصادی است.

محاسبه سود می‌تواند براساس یکی از دو رویکرد درآمد و هزینه یا رویکرد دارایی‌ها و بدهی‌ها انجام شود. بر اساس دیدگاه مبتنی بر درآمد و هزینه کانون اصلی تأیید صورت سود و زیان است و شناسایی و اندازه‌گیری دارایی‌ها و بدهی‌ها در درجه دوم اهمیت قرار دارد. در مقابل در رویکرد مبتنی بر ترازنامه تأیید بر شناسایی دارایی‌ها و بدهی‌ها است.

ابتدا رویکرد حسابداری محاسبه سود، از طریق محاسبه هزینه‌ها و تطبیق آنها با درآمدها بوده است. به عبارت دیگر تأیید بر شناسایی هزینه‌ها در دوره‌ای بود که درآمدی را که برای آن تحمل شده‌اند، در آن دوره شناسایی می‌شود، اما تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که حرکت استانداردهای مصوب هیئت استانداردهای حسابداری مالی^۷ به سمت رویکرد ترازنامه‌ای بوده است که انتظار می‌رود بر اساس منطق این رویکرد، تطابق بین درآمدها و هزینه‌ها کاهش یابد. به عبارت دیگر انتظار می‌رود که کاهش تطابق بین درآمدها و هزینه‌ها، منجر به شناسایی اقلامی در صورت سود و زیان شود که جریان نقد متناظر و حتی دوره نزدیک به همراه ندارند. بنابراین، باعث کاهش همبستگی منفی بین ارقام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی شود.

۴) دارایی‌های نامشهود

دارایی‌های واحدهای تجاری را می‌توان در دو گروه دارایی‌های مشهود و دارایی‌های نامشهود طبقه‌بندی کرد. در عصر صنعتی و به اقتضای محیط تجاری آن زمان، تأیید بر نگهداری حجم وسیعی از ماشین‌آلات و تجهیزاتی می‌شد که برای تولید کالا و حتی ارائه خدمات ضروری بودند، اما با گذر از عصر صنعتی به عصر تکنولوژی اطلاعات، اهمیت دارایی‌های نامشهود در سودآوری و ارزش شرکت‌ها پررنگ‌تر شده است؛ حتی در حال حاضر، شرکت‌هایی ظهور کردند که حجم دارایی‌های نامشهود آنها از میزان دارایی‌های مشهود آنها پیشی گرفته است. به طور مثال دارایی‌های ثابت شرکت ماکروسافت در سال ۲۰۰۱ در حدود ۵۵ میلیارد دلار بود، در حالی که در همان سال ارزش سهام این شرکت در بورس بالغ بر ۳۰۰ میلیارد دلار می‌شد. به عبارت دیگر ارزش شرکتی که می‌توانست همه دارایی‌های مشهود خود را به مبلغ ۵۵ میلیارد دلار بفروشد، از نظر سرمایه‌گذاران ۳۰۰ میلیارد دلار (بیشتر از ۵ برابر ارزش دارایی‌های مشهود) بوده است. همین امر محققان دانشگاهی را بر آن داشت تا تحقیقاتی را در زمینه توصیف و تبیین اثر دارایی‌های نامشهود انجام دهند.

سیريوستاوا (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان "چرایی تغییر کیفیت سود در طول زمان"، به بررسی کیفیت سود پرداخت. او به این نتیجه رسید که حجم دارایی‌های نامشهود در شرکت‌های آمریکایی در طول دوره تحقیق افزایش یافته است. همچنین نتایج پژوهش حاکی از آن بود که افزایش واحدهای تجاری با دارایی‌های نامشهود منجر به کاهش کیفیت سود می‌شود، زیرا درآمد و جریان نقد در این گونه شرکت‌ها از نوسان بیشتری برخوردار است. همچنین، او استدلال نمود که عدم اطمینان درباره منافع آتی دارایی‌های نامشهود بیشتر است.

انتظار می‌رود که افزایش در حجم دارایی‌های نامشهود واحدهای تجاری بر رابطه بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی تأثیر داشته باشد. از جمله مهمترین عواملی که بر دارایی‌های نامشهود واحدهای تجاری تأثیر می‌گذارند هزینه ادرا، عمومی و فروش مثل هزینه تبلیغات است. به عبارت دیگر، رشد سرمایه‌گذاری در دارایی‌هایی نظیر حق اختراع، علائم تجاری، سرمایه انسانی و... به دلیل این که بر مبنای جریان نقد خروجی هزینه می‌شوند، منجر به ایجاد اقلام تعهدی متناظر نخواهند شد. پس انتظار می‌رود افزایش این قبیل دارایی‌ها باعث کاهش ارتباط بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی شود.

۵) عدم تقارن زمانی شناسایی سود و زیان

در مطالعه‌ای که توسط بال و شیواکومار (۲۰۰۶) صورت گرفت، برای اولین بار به نقش ارقام تعهدی در عدم تقارن زمانی شناسایی سود و زیان اشاره شد. عدم تقارن زمانی شناسایی سود و زیان، به معنی درجه تأییدپذیری بیشتری برای شناسایی اخبار خوب به عنوان سود نسبت به اخبار بد به عنوان زیان، است. به عبارت دیگر شرکت‌ها به محض دریافت اخبار بد، ارزش دفتری خالص دارای‌های خود را کاهش می‌دهند، درحالی که در صورت دریافت اخبار خوب، ارزش دفتری دارای‌های خود را افزایش نخواهند داد. به عنوان مثال می‌توان به اعمال قاعده اقل بهای تمام شده و قیمت بازار اشاره کرد که زیان‌های تحقق نیافته ناشی از کاهش ارزش بازار موجودی‌ها را شناسایی می‌کند، اما سودهای تحقق نیافته را شناسایی نمی‌کند. حسابداری سود و زیان غیرعملیاتی دارای‌های ثابت نیز نامتقارن است که به شکل کاهش ارزش دارای‌ها، در اکثر کشورها (استاندارد شماره ۱۱: دارای‌های ثابت مشهود، استاندارد شماره ۱۷: دارای‌های نامشهود، استاندارد شماره ۳۲: کاهش ارزش و... در ایران) ارائه شده است. به عبارت دیگر، عدم تقارن زمانی شناسایی سود و زیان (محافظه‌کاری)، به این معنی است که در هنگام وجود جریان نقد منفی، ارقام تعهدی نیز به دلیل شناسایی سریعتر زیان‌های تحقق نیافته، با احتمال بیشتری منفی هستند، درحالی که این رابطه در هنگام وجود جریان‌های نقدی مثبت، وجود ندارد. بنابراین، نقش عدم تقارن زمانی شناسایی ارقام تعهدی، باعث همبستگی مثبت بین ارقام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی متناظر می‌شود که موجب خنثی شدن، بخشی از همبستگی منفی بین ارقام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی ناشی از نقش زمانی حسابداری ارقام تعهدی می‌شود.

نتیجه‌گیری

با پیچیده‌تر شدن محیط اقتصادی توجه به جنبه‌های مختلف عملیات شرکت برای کسب موفقیت در تصمیمات اقتصادی، امری ضروری است. به عبارت دیگر، اتخاذ تصمیمات اقتصادی بهینه، مستلزم توجه به ابعاد مختلفی از عملیات واحد تجاری است. همواره این چالش برای سرمایه‌گذاران و اعتبار دهندگان مطرح بوده است که کدام یک از معیارهای سود حسابداری و جریان نقد عملیاتی تصویر واضح‌تری از عملیات شرکت ارائه می‌دهد و می‌تواند برای ارزیابی عملکرد واحد تجاری مناسب باشد. طرفداران هر یک از دو معیار فوق استدلال‌های خاص خود

را دارند، اما آنچه در جواب باید گفت این است که اطلاعات خروجی از سیستم حسابداری مکمل یکدیگر بوده و باید توأمان استفاده شوند. به عنوان مثال اگر سرمایه گذاران صرفاً بر اساس سود واحد تجاری و یا جریان نقد عملیاتی آن، اقدام به خرید و فروش سهام واحدهای تجاری کنند، مسلماً قیمت سهام از ارزش واقعی آن فاصله می‌گیرد. با این وجود در نظر گرفتن رابطه بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیات و عوامل بالقوه‌ای که می‌تواند این رابطه را تحت تأثیر قرار دهد، ضروری به نظر می‌رسد. در این تحقیق پنج عامل بالقوه‌ای که می‌توانند بر رابطه بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی تأثیر داشته باشند، تشریح شدند. به طور کلی، می‌توان این عوامل را در دو گروه عوامل زمانی و عوامل اقتصادی طبقه‌بندی نمود. عوامل زمانی شامل شوک‌های جریان نقد، اقلام تعهدی مرتبط با زمان و عدم تقارن زمانی شناسایی سود و زیان است. در مقابل عوامل اقتصادی شامل اقلام تعهدی غیرمرتبط با زمان، تطابق بین درآمدها و هزینه‌ها و حجم دارایی‌های نامشهود است. می‌توان گفتاز بین عوامل مذکور، چهار عامل شوک‌های جریان نقد، اقلام تعهدی غیرمرتبط با زمان، تطابق ضعیف بین درآمدها و هزینه‌ها و حجم دارایی‌های نامشهود بر رابطه بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی، تأثیر دارند.

پی‌نوشت

- | | | | |
|---|---|---|-----------------------------|
| ۱ | Timing-Related Accruals | ۲ | Nnon-timing-related accrual |
| ۳ | Discretionary Accruals | ۴ | Non-Discretionary Accruals |
| ۵ | Earning management | ۶ | Income smoothing |
| ۷ | Financial Accounting Standards Board (FASB) | | |

منابع

- Ali, A. (1994). The incremental information content of earnings, working capital from operations, and cash flows. *Journal of Accounting Research*, 32 (1) , 61-74.
- Ball, R. & Shivakumar, L. (2006). The role of accruals in asymmetrically timely gain and loss recognition. *Journal of accounting research*, 44 (2) , 207-242.
- Bernard, V. L. (1989). The nature and amount of information reflected in cash flows and accruals. *The Accounting Review*, 4, 625-651.
- Bowen, R. M. , Burgstahler, D. , & Daley, L. A. (1987). The incremental information content of accrual versus cash flows. *The Accounting Review*, 62 (4) , 723.

- Bushman, R. M. , Lerman, A. , & Zhang, X. F. (2016). The changing landscape of accrual accounting. *Journal of Accounting Research*, 54 (1) , 41-78.
- Dechow, P. M. (1994). Accounting earnings and cash flows as measures of firm performance: The role of accounting accruals. *Journal of accounting and economics*, 18 (1) , 3-42.
- Dechow, P. M. , & Dichev, I. D. (2002). The quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors. *The accounting review*, 77 (1) , 35-59.
- Deegan, C. M. (2013). Financial accounting theory/Craig Deegan. *In Accounting Forum*, 20 (5) , 63-73.
- Dichev, I. D. , & Tang, V. W. (2008). Matching and the changing properties of accounting earnings over the last 40 years. *The Accounting Review*, 83 (6) , 1425-1460.
- Fakhari, H. , & Taghavi, S. R. (2010). Accruals quality and corporate cash holdings. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 16 (4) , 69-84, (In Persian).
- Farshadfar, S. & Monem, R. M. (2019). Further evidence of the relationship between accruals and future cash flows. *Accounting & Finance*, 59 (1) , 143-176.
- Francis, J. LaFond, R. Olsson, P. & Schipper, K. (2005). The market pricing of accruals quality. *Journal of accounting and economics*, 39 (2) , 295-327.
- García Teruel, P. J. Martínez Solano, P. & Sánchez Ballesta, J. P. (2009). Accruals quality and corporate cash holdings. *Accounting & Finance*, 49 (1) , 95-115.
- Hyun, J. H. & Cho, H. (2018). Deleveraging and decline in revenue-expense matching over time. *Journal of Business Finance & Accounting*, 45 (9-10) , 1031-1050.
- Kazemi, H. & Toreini, M. (2010). Relation between Matching of Revenues and Expenses with Earnings Volatility and Earnings Persistence. *Emprirical Studies Fianantial Accounting Quarterly*. 8, 170-155 (In Persian).
- Kordestani , G. R. , & Roud, N. H. (2006). Investigating the value relevance of cash and accruals components of accounting earnings. *Iranian Accounting and Auditing Review*, 13, 45-68.
- Osoolian, M. and Sadeghi, J. and Khalil, M. (2017). Accruals, Cash Flow, and Operating Profitability in the Cross Section of Stock Returns; Evidence from Tehran Stock Exchange (TSE). *Iranian Accounting and Auditing Review*, 4, 463-482 (In Persian).
- Pourfakhrian, P. and googerdchian, A. and kakaey, M. (2018). Forecasting Ability of Operating Cash, Net Income and Income Components. *Journal of accounting research*, 28, 87-109 (In Persian).
- Saghafi, A. Sarraf, F. (2013). A Model for Cash Flow forecasting in Iranian Companies. *Iranian Accounting and Auditing Review*, 21, 1-26 (In Persian).
- Srivastava, A. (2014). Why have measures of earnings quality changed over time?. *Journal of Accounting and Economics*, 57 (2-3) , 196-217 .

تأثیر حسابرسان دادگاهی بر حاکمیت شرکتی

سید صابر درسه^۱، شمس الله تیموری^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۴/۳۱

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۸/۲۲

چکیده

تقلب‌های مالی پی در پی که منجر به فروپاشی شرکت‌های بزرگ و شکست حسابرسی در شناسایی و جلوگیری از فعالیت‌های جعلی شد، نیاز به حسابرسان دادگاهی را ایجاد نمود. هدف این پژوهش تعیین اثرات حسابرسی دادگاهی بر حاکمیت شرکتی است. این پژوهش یک مطالعه نظری در مورد نقش حسابرسان دادگاهی در مبارزه با فعالیت‌های جعلی، تمایز حسابرس مالی و حسابرس دادگاهی، ویژگی‌های حسابرسان دادگاهی و تأثیر حسابرسان دادگاهی بر حاکمیت شرکتی است. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که داشتن حسابرسان دادگاهی، موجب بهبود پاسخگویی مدیریت، تقویت استقلال حسابرس مستقل، کمک به اعضای کمیته حسابرسی در انجام وظایف نظارتی خود با ارائه تضمین نسبت به گزارش حسابرسان داخلی شده و حاکمیت شرکتی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. همچنین نتیجه کار آنها باعث کاهش ورشکستگی شرکت‌های بزرگ و جلوگیری از زیان سرمایه‌گذاران می‌شود.

واژه‌های کلیدی: حسابرسان دادگاهی، حسابرسان مستقل، تقلب‌های مالی و حسابرسی.

طبقه‌بندی موضوعی: G34

DOI: 10.22051/ijar.2019.21355.1415

^۱ دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران، نویسنده مسئول (Ss.dorseh@gmail.com)

^۲ کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران، (Shamst2015@gmail.com)

مقدمه

تقلب‌های مالی پی در پی و تأثیر آن بر عملکرد شرکت‌های بزرگ، نیاز به ارتباط متقابل بین کمیته حسابرسی، حسابرسان مستقل و مدیریت (ارتباط چند بعدی) را برای راهبری و حاکمیت شرکتی به منظور محافظت از منافع سهامداران و سایر بازیگران بازار، با هدف بهبود نظارت بر عملکرد شرکت و حاکمیت شرکتی مطلوب بوجود آورد (دلوتی و لمسی، ۲۰۰۶). با این حال، با وجود رابطه چند بعدی بین سه گروه عمده حاکمیت شرکتی، تقلب مالی که منجر به عملکرد ضعیف و در بسیاری از موارد منجر به فروپاشی شرکت‌های بزرگ، از دست رفتن سرمایه و فقر بسیاری از سرمایه‌گذاران است، همچنان وجود دارد و رو به افزایش نیز است (رضایی، ۲۰۰۵). راماسومی (۲۰۰۹) بیان می‌کند که ساختار سازمانی، شکست خورده است. جامعه مالی نیز متوجه شده است که نیاز ضروری برای افراد حرفه‌ای و ماهر که می‌توانند ضعف‌های موجود در سه ناحیه کلیدی را شناسایی و از آنها جلوگیری نمایند، وجود دارد. حاکمیت ضعیف شرکت‌ها، کنترل‌های داخلی ناقص و تقلب‌های مالی، رأی به افزایش مهارت‌های حسابرسان دادگاهی داده است. شکست حسابرسی برای جلوگیری و کاهش تقلب در شرکت‌های بزرگ و افزایش جرم و جنایت در شرکت‌های بزرگ فشار را بر حسابدار حرفه‌ای و حسابرسان دادگاهی، بیشتر کرده است. برای پیدا کردن راه بهتر برای افشای تقلب در دنیای کسب و کار نیاز به حسابرسان دادگاهی برای حاکمیت مطلوب، بیشتر شده است. مشکلات فوق نگرانی‌های جدی را برای حرفه حسابداری و استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری بوجود آورده است. بنابراین، نیاز به بهبود پاسخگویی و حفاظت از منافع سهامداران، باعث پیدایش حرفه حسابرسی دادگاهی شده است. هدف این پژوهش نیز تعیین نقش حسابرسان دادگاهی و تأثیر آن بر حاکمیت شرکتی است. تاکنون، در ایران پژوهشی با چنین عنوانی به انجام نرسیده و برای اولین بار است که تأثیر حسابرسان دادگاهی بر حاکمیت شرکتی بررسی گردیده و مزایای حسابرسان دادگاهی برای حسابرسی مستقل، کمک به کمیته‌های حسابرسی در بهبود فرآیند حسابرسی و حسابداری و کمک به مدیریت برای بهبود مسئولیت پاسخگویی، ارائه می‌گردد. در پژوهش‌های پیشین بیشتر به بررسی رابطه حسابرسان دادگاهی با ریسک، عدالت و تقلب پرداخته شده است که از این جنبه نیز این پژوهش برای اولین بار است که در دست بررسی قرار گرفته است.

شکست سازوکار اصلی حاکمیت شرکتی برای کاهش فساد مالی و افزایش ثقل‌های مالی پیچیده تهدید جدی برای سرمایه‌گذاران، دولت و عموم مردم ایجاد کرده است (آنیو، ۱۹۹۳). هنگامی که حسابرسان مستقل، اظهارنظر مقبول صادر می‌کنند تا گذشت چند هفته که این اظهار نظر تأیید شود، سهامداران که مالکان شرکت هستند، نگرانند، زیرا وضعیت بد شرکت و ثقل مالی در شرکت منجر به ورشکستگی و فروپاشی شرکت شده، سرمایه‌گذاران متضرر شده و نتایج نامطلوبی بر اقتصاد دارد (زیملمن و همکاران، ۲۰۱۲). یک نمونه از ثقل‌های حسابرسی مربوط به اندرسن حسابرس انرون و ورلد کام است که به واسطه عدم محاسبه هزینه‌های واقع شده دوره جاری، موجب دستکاری سود و ایجاد سود موهومی شده و موجب گردید که شرکت‌های ورلد کام و انرون که از بزرگترین شرکت‌های سرمایه‌گذاری در آمریکا بودند، ورشکسته و اندرسن نیز که از حسابرسان معتبر بود، اعتبار خود را در بازار از دست داد (زیملمن و همکاران، ۲۰۱۲).

اداره تحقیقات فدرال پیش‌بینی کرده است که ثقل در هزینه بیمه‌های غیر بهداشتی، بیش از ۴۰ میلیارد دلار در هر سال است. به عبارتی، هزینه‌های یک خانواده به طور متوسط در ایالات متحده ۴۰۰ دلار است و این در حالی است که افزایش در هزینه بیمه، ۷۰۰ دلار در هر سال است. در مثال دیگر، می‌توان به شکست بانکی اخیر در نیجریه که در آن مدیریت، متقلبان و بدون تأیید هیئت مدیره، بی حد و حصر اقدام به وام دهی نمودند، توجه کرد. با توجه به مطالب مذکور می‌توان گفت حسابرسان با ارائه اظهارنظرهای مقبول، ثقل‌های صورت‌های مالی را تأیید و باعث فقر سرمایه‌گذاران، فروپاشی شرکت‌ها و در نتیجه بحران اقتصادی می‌شوند. از آنجا که حسابرسان از پذیرش مسئولیت ثقل خودداری کرده و خود را تنها مسئول اعتبار بخشیدن به صورت‌های مالی می‌دانند، باعث ایجاد فاصله بین انتظارات استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری و حرفه حسابداری شده‌اند. این شکاف، به عنوان فاصله انتظارات حسابرسی شناخته می‌شود (اکومی، ۲۰۰۰؛ آدنچی، ۲۰۰۴). بنابراین، شکست حسابرسی در جلوگیری و کاهش ثقل و فعالیت‌های جعلی به عنوان یکی از حلقه‌های سه گانه حاکمیت شرکتی، نیاز به حسابرسان دادگاهی را ضروری نموده است (آسائول، ۲۰۰۹). با در نظر گرفتن مشکلات فوق، این پژوهش به بررسی نقش حسابرسان دادگاهی در مبارزه با فعالیت‌های جعلی و تأثیر آن بر حاکمیت شرکتی می‌پردازد.

با در نظر گرفتن مشکلات فوق، این پژوهش نقش حسابرسان دادگاهی در مبارزه با فعالیت‌های جعلی در ساختار شرکت‌های بزرگ را بررسی نموده است. همچنین، به ویژگی‌های مورد نیاز حسابرسان دادگاهی به عنوان مبارزین با فعالیت‌های جعلی و تمایز بین حسابرس دادگاهی و حسابرس مستقل پرداخته است. علاوه بر آن، تأثیر حسابرس دادگاهی بر حاکمیت شرکتی نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

حسابرس دادگاهی

اصطلاح حسابداری دادگاهی به معنای داشتن دانش مربوط به مشکلات دادگاهی و استفاده از آن در یک دادگاه قانونی است (سینگلتون، ۲۰۱۰). سینگلتون (۲۰۰۴) حسابداری دادگاهی را یک علم برای استفاده در دادگاه برای دفاع از حقوق ضایع شدگان تعریف می‌کند (عبدی و همکاران، ۱۳۹۵). با توجه به تعریف مذکور می‌توان گفت که حسابرسان دادگاهی، کارشناسان در امور مالی هستند که برای تشخیص، بررسی و جلوگیری از تقلب و جرم اقدام قانونی می‌کنند و ادله و مدارک خود را به مراجع قانونی و قضایی ارائه می‌کنند. مسیه (۲۰۰۴) حسابرسی قانونی را بازرسانی تعریف کرده است که توسط شرکت‌های حسابداری عمومی سازمان‌های دولتی استخدام و توسط انجمن بازرسان گواهی تقلب آموزش‌های لازم را در مورد معاملات مالی متقلبانه، بررسی عناصر حقوقی تقلب، جرم شناسی و اخلاق دیده‌اند. سینگلتون (۲۰۰۴) بیان می‌کند که حسابداری قانونی یکی از قدیمی‌ترین مشاغل است و قدمت آن به مصر باستان برمی‌گردد. افرادی که از موجودی گندم، طلا و سایر دارایی‌ها مراقبت می‌کردند به عنوان چشم و گوش فرعون شناخته می‌شدند. با توجه به تعاریف مذکور، می‌توان گفت که حسابرسان دادگاهی کارشناسان مالی هستند که با استفاده از علم، اقدامات لازم برای کشف تقلب و جرم و جنایت را به عمل می‌آورند. انجمن حسابداران خیره آمریکا^۲ (۲۰۰۸) حسابداری دادگاهی را به طور کلی استفاده از مهارت‌های خاص در حسابرسی، حسابداری، روش‌های کمی، امور مالی، بخش‌های خاصی از قانون، جست‌وجوی اطلاعات، داشتن علم کامپیوتر و مهارت‌های تحقیق برای تطبیق و تجزیه و تحلیل شواهد به منظور تعیین قانونی بودن شواهد تعریف کرده است. با توجه به این تعریف حسابرسان دادگاهی دارای مهارت‌ها و تخصص‌های زیادی هستند و می‌تواند در دادگاه با ارائه شواهد و مدارک قانونی در مورد مسائل و تقلب‌های مالی از حقوق سرمایه‌گذاران دفاع نمایند. تمرکز اصلی حسابداری دادگاهی بر تجزیه و تحلیل عوامل علت و

معلولی پدیده‌ها شامل کشف حقه‌ها، ترفندها و اثرات در سیستم حسابداری است. حسابداری دادگاهی ترکیبی از چند رشته علمی از جمله حسابداری، حسابرسی، مالیات، امور مالی، حقوق، ارزش گذاری، عملیات تجاری، فنون کمی، تحقیق، روانشناسی و رشته‌های مربوط به رسیدگی و بازرسی است.

فعالیت‌های حسابرسان دادگاهی

هاپوود و همکاران (۲۰۰۹) فعالیت‌های حسابرسان دادگاهی را شامل جمع‌آوری، بررسی، پردازش، تجزیه و تحلیل گزارش اطلاعات به منظور به دست آوردن حقایق و یا شواهد در منطقه‌ای که تقلب یا جرم و جنایتی انجام شده است و نیز ارائه مشاوره پیشگیرانه مبتنی بر ابعاد حاکمیت شرکتی، می‌داند. با توجه به مطالب مذکور می‌توان گفت حسابرس دادگاهی یک متخصص در حسابداری با تجربیات و مهارت‌های خاص در حسابرسی، تشخیص تقلب و جرم شناسی است که امکان تحقیق و تفحص در امور شرکت را دارد و نتایج این تحقیق و تفحص را به دادگاه قانونی ارائه می‌کند. به منظور درک فعالیت‌های انجام شده توسط حسابرس دادگاهی، دانستن هدف حسابرسی دادگاهی لازم و ضروری است.

اهداف حسابرسی دادگاهی

اهداف حسابرسی به ما کمک می‌کند تا نقش حسابرسان دادگاهی و تأثیر آن بر حاکمیت شرکتی را بهتر درک کنیم. این اهداف شامل:

- بهبود حسابداری مدیریت،
- بهبود حاکمیت شرکتی و عملکرد حسابرس مستقل،
- بهبود سیستم گزارشگری مالی،
- راهنمایی در تشخیص تقلب،
- راهنما در تقویت استقلال حسابرسان،
- ارائه تضمین اضافی برای کمیته حسابرسی،

- کمک به حسابرسان صورت‌های مالی برای قبول مسئولیت بیشتر برای تشخیص تقلب و اعمال غیرقانونی، و
- کمک به کمیته حسابرسی برای ارزیابی بهتر کیفیت حسابرسی صورت گرفته توسط حسابرسان مستقل، است.

با توجه به اهداف مذکور می‌توان گفت حسابرسان دادگاهی تأثیر زیادی بر حاکمیت شرکتی داشته، و انتظار می‌رود با جدیت و تلاش بیشتری نسبت به حسابرسان مستقل به جست و جوی تقلب و بررسی عمیق‌تر با استفاده از ابزار تحلیلی و علمی پیچیده و بسته‌های نرم‌افزاری برای شناسایی فعالیت‌های جعلی کارکنان، مدیریت و تباری احتمالی حسابرسان با مدیران پردازد.

مسئولیت حسابرسان دادگاهی در مبارزه با فعالیت‌های جعلی

حسابرسان قانونی در قبال تقلب دارای مسئولیت‌هایی شامل انجام تحقیقات، تجزیه و تحلیل معاملات مالی، بازسازی اسناد حسابداری ناقص و بررسی اختلاس هستند که هر یک از این موارد در ادامه پژوهش بررسی شده‌اند.

انجام تحقیقات

حسابرس دادگاهی صورت‌های مالی را حسابرسی نمی‌کند، بلکه در یک حسابرسی با انجام تحقیقات به وسیله برنامه‌های کامپیوتری، دانش و مهارت خود سعی در تشخیص تقلب یا جرم و جنایت دارد. به عبارتی، حسابرس دادگاهی باید اختیار استفاده از ابزارهای قانونی کامپیوتر را داشته باشد تا بتواند با استفاده از نرم‌افزار و سخت‌افزار اطلاعات لازم را به منظور تشخیص فعالیت‌های جعلی به دست آورد. بنابراین حسابرسان دادگاهی با استفاده از ابزار کامپیوتر برای انجام مسئولیت‌های خود، به مبارزه با فعالیت‌های جعلی پیچیده می‌پردازند (اوجوری، ۲۰۰۹). آسوا (۲۰۰۹) بیان می‌کند شکست حسابرسی مستقل در تشخیص، کشف و کاهش تقلب باعث پیدایش حسابرسی دادگاهی شده است. بنابراین، می‌توان گفت حسابرس دادگاهی برای انجام تحقیقات، جلوگیری از فعالیت‌ها جعلی و مبارزه با تقلب‌های مالی به ابزار خاصی نیاز دارد. یک مثال از این ابزارها، بسته‌های نرم‌افزاری مورد استفاده برای مبارزه با تقلب، نرم‌افزار انبار است. زیملمن (۱۹۹۷) بیان می‌کند حسابرس قانونی بسیار شبیه به پزشک است که برای تشخیص

آنچه که واقعا اتفاق افتاده است به میزان قابل توجهی از کار تشخیصی و توضیحی نیاز دارد. با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت حسابرس دادگاهی فراتر از حسابرس مستقل برای رونمایی از فعالیت‌های جعلی با استفاده از نرم‌افزار، مدارک و شواهد در مورد منطقه‌ای که جرم در آن به وقوع پیوسته به بررسی‌های معاملات و وقایع می‌پردازد.

تجزیه و تحلیل معاملات مالی

حسابرس دادگاهی در ایفای مسئولیت خود به تجزیه و تحلیل فعالیت مالی که باعث انتقال غیر مجاز پول نقد بین شرکت‌ها شده است، می‌پردازد. اسمیت و کرومی (۲۰۰۹) بیان می‌کند حسابرسان دادگاهی از مهارت‌های خاصی برای بازرسی اسناد به منظور تعیین صحت، تغییر، جعل و یا تقلب برخوردار هستند. بنابراین، حسابرس دادگاهی با داشتن چنین مهارتی برای انجام وظایف خود به راحتی می‌تواند خطا را تشخیص، فعالیت‌های جعلی را که ممکن است با حذف جزئیات جعل شده باشد، را شناسایی و برای کاهش آنها تلاش نماید. زیمبلن و همکاران (۲۰۱۲) بیان می‌کنند که حسابرس دادگاهی مسئول تجزیه و تحلیل و شناسایی علائم تقلبی است که ممکن است رخ دهد. بنابراین، حسابرس دادگاهی را به عنوان یک برملاء (یا آشکار) کننده تقلب می‌شناسند که قابلیت تجزیه و تحلیل معاملات مالی به او کمک خواهد کرد به راحتی خطا، فعالیت‌های جعلی و هر گونه از قلم افتادگی را برای دادخواهی به دادگاه و یا برای افزایش کیفیت حسابرسی صورت‌های مالی به کمیته حسابرسی ارائه دهد.

بازسازی اسناد حسابداری ناقص

حسابرس دادگاهی برای ایفای مسئولیت خود به منظور بازسازی اسناد حسابداری ناقص به حل و فصل مطالبات بیمه، ارزیابی موجودی کالا، اثبات فعالیت‌های پول شویی و بازسازی معاملات نقدی می‌پردازد (اویجوری و آسائول، ۲۰۰۹). به منظور مبارزه با فعالیت‌های جعلی، حسابرس دادگاهی با مهارت‌های خود (مهارت‌های فنی، ارتباطات و تخصص) و دانش حسابداری می‌تواند اسناد ناقص حسابداری را بازسازی و از این طریق به شناسایی و جلوگیری از تقلب و حصول اطمینان از سیستم کنترل داخلی قوی، به حاکمیت شرکتی کمک نماید.

بررسی اختلاس

حسابرس قانونی با استفاده از مهارت‌های خاص در انجام تحقیقات درباره اختلاس و ارائه مدارک و شواهد لازم خود را بیمه می‌کند و در نتیجه به تشخیص مقصر و میزان اختلاس کمک می‌کند. هاپوود و همکاران (۲۰۰۹) استدلال می‌کند که حسابرس دادگاهی می‌تواند موارد زیر را انجام دهد:

- تشخیص تقلب و ارائه اسناد و مدارک به محاکم قضایی،
- محاسبه خسارات اقتصادی، ردیابی دارایی و درآمد و تلاش برای پیدا کردن دارایی‌ها و درآمدهای پنهان،
- بازسازی صورت‌های مالی که ممکن است از بین رفته یا دستکاری شده باشند، و
- شاهدهی متخصص

مسئولیت‌های مذکور نشان می‌دهند که حسابرسان دادگاهی باید متخصص در امور مالی باشند و با داشتن علم حقوقی قادر به تشخیص فعالیت‌های جعلی که در لباس قانون انجام می‌شود، باشند. این دیدگاه بیانگر آن است که حسابرس دادگاهی توانایی بالایی در تجزیه و تحلیل معاملات مالی و عددی دارد که ممکن است توسط افراد داخل سازمان دستکاری شده باشند. حسابرس قانونی با داشتن مهارت، دانش کامپیوتری و تخصص مالی قادر به انجام مسئولیت خود در قبال تشخیص و کاهش تقلب و فعالیت‌های جعلی است.

ویژگی‌های حسابرسان دادگاهی

از حسابرسان دادگاهی برای ایفای مسئولیت خود مبنی بر کشف تقلب مالی، انتظار می‌رود که متخصص و کارشناس در حسابداری و همچنین علم حقوقی و استفاده از برنامه‌های کامپیوتری برای تشخیص جرایم مالی و مسائل جنایی باشند تا بتوانند مسئولیت خود را به طور مناسبی ایفا نمایند. بنابراین، انتظار می‌رود که حسابرسان دادگاهی آموزش‌های تخصصی لازم را در حسابداری، حسابرسی، جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی و بررسی تقلب (مدنی و کیفری) گذرانده باشند. با توجه به مطالب بالا می‌توان گفت که حسابرسی دادگاهی، نه تنها دارای دانش در حسابداری است، بلکه با داشتن دانش و تخصص در زمینه‌های دیگر قادر به اجرای وظایف

خود به طور مؤثر، خواهند بود. والاس (۲۰۰۹) بیان می‌کند، حسابرس دادگاهی حداقل باید دارای مشخصات زیر باشند:

- توانایی بازبینی حجم زیادی از اسناد و مدارک اعم از اسناد حسابداری معمولی، یادداشت‌ها، مکاتبات، سیستم اطلاعاتی و اطلاعات و شواهد کمتر دیده شده برای استخراج مسائل کلیدی با سرعت بالا،
 - درک ویژگی‌ها و روش‌های مختلف کسب و کار،
 - حس تعهد به منظور پاسخگویی سریع از طریق جمع‌آوری اطلاعات برای ارائه به محکمه قضایی جهت دادخواهی،
 - پیروی از نگاره زمانی دقیق که حتی ممکن است برای رسیدن سریع به اهداف، ساعات مورد نیاز برای هر اقدام را مشخص نماید، و
 - اصل توانایی برای رسیدن به اهداف.
- بنابراین، انتظار می‌رود حسابرسان دادگاهی دارای مهارت‌های تحلیلی، مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های فنی باشند. این مهارت‌ها حسابرسان دادگاهی را قادر می‌سازد تا مسئولیت‌های خود را به نحو مطلوبی ایفا نمایند.

مهارت‌های خاص حسابرسان دادگاهی

حسابرس دادگاهی نیاز به مهارت‌های خاص در حسابرسی، تحقیق، پیاده‌سازی روش‌های کمی، اطلاعات کامپیوتری و فن‌آوری، آگاهی از قسمت‌های خاص از قوانین مالی و... برای تجزیه و تحلیل و ارزیابی معاملات مالی، دارند که در ادامه به این مهارت‌ها پرداخته شده است. مهارت‌های ارتباطی:

حسابرس دادگاهی باید تعامل خوبی با افراد اطراف خود داشته باشد. والاس (۲۰۰۹) بیان می‌کند که حسابرسان دادگاهی برای تشخیص فعالیت‌های جعلی نیاز به مهارت‌های خاصی همچون محاسبه‌گر خوب بودن، مشاهده رفتار به خصوص حین انجام مصاحبه، توانایی بازسازی

معامله مالی از طریق اطلاعات به دست آمده از گروه‌ها و آشنائی با مجازات‌های قانونی بر اساس شواهد به دست آمده، دارند.

مهارت‌های فنی و مالی:

مهارت فنی حسابداری و مهارت مالی مهم‌ترین مهارت مورد نیاز برای حسابرسان دادگاهی برای تشخیص فعالیت‌های جعلی است (هاپوود و همکاران، ۲۰۰۹). حسابرس دادگاهی بدون دانش تخصصی حسابداری و توانایی در مسائل مالی قادر به درک فعالیت‌های جعلی که توسط مدیران و همکاران او انجام شده است، را ندارد. بنابراین، مهارت‌های حسابداری و مالی برای ایفای مسئولیت‌های حسابرس دادگاهی از اهمیت بالایی برخوردار است.

مهارت‌های تحلیلی:

توانایی تجزیه و تحلیل معاملات پیچیده مالی با استفاده از شواهد و مدارک تخصصی، با هدف تشخیص فعالیت‌های جعلی و تجزیه و تحلیل مؤثر معاملات مالی، را داشته باشد.

مهارت تحقیق:

توانایی حسابرس دادگاهی در مهارت‌های تحقیق برای جست و جوی تقلب در معاملات مالی، خطاها و تحریف‌ها مورد نیاز است. مهارت‌های تحقیقی، توانایی استخراج حجم زیادی از اطلاعات سازمان، مدیریت و سیستم‌های کامپیوتری است (آسائول، ۲۰۰۹).

صداقت و درستکاری:

از آنجا که از حسابرس دادگاهی انتظار می‌رود که تقلب را کشف کند، بنابراین باید مسئولیت خود را با صداقت و درستکاری بالایی انجام دهند. حسابرسان برای کشف تقلب و مبارزه با آن به کمیته حسابرسی کمک زیادی می‌کند. بنابراین، رعایت صداقت و درستکاری از طرف حسابرس دادگاهی، حاکی از بی‌طرفی، استقلال و اعتباربخشی به فعالیت‌های سازمان است.

تأثیر حسابرسان دادگاهی بر حاکمیت شرکتی

بهبود حسابداری مدیریت

مدیریت در قبال منابعی که در اختیار دارد، مسئول پاسخگویی به سهامداران و دیگر ذی‌نفعان است. مدیریت مسئول تهیه صورت‌های مالی و حفظ سوابق مالی مناسب است (میلی چامپ، ۲۰۰۲). مدیریت، مسئول شناسایی و جلوگیری از تقلب‌هایی است که ممکن است توسط حسابرسان دادگاهی شناسایی نشوند. مسئولیت حسابرسان مستقل این است که اطمینان حاصل کند که صورت‌های مالی طبق اصول پذیرفته شده حسابداری تهیه و ارائه گردیده‌اند. آنها اطمینان معقولی از نبود تحریف با اهمیت در صورت‌های مالی می‌دهند. این امر باعث بروز تقلب‌های زیادی در شرکت‌های بزرگ، فروپاشی شرکت‌ها و ضعیف شدن حاکمیت شرکتی می‌شود. حسابرسان دادگاهی یک متخصص در امور مالی است و با داشتن مهارت‌های علمی و فنی به مدیریت برای پاسخگویی و جلوگیری از تقلب کمک می‌کند. حسابرسان دادگاهی برای بهبود نقش خود از بسته‌های نرم‌افزاری برای شناسایی و جلوگیری از فعالیت‌های جعلی استفاده می‌کنند. همچنین، از آنجایی که مدیریت آگاهی دارد که حسابرسان دادگاهی ممکن است توسط سهامداران، حسابرسان مستقل و کمیته حسابرسی برای بررسی و کشف تقلب دعوت به کار شوند، پس با جدیت و تلاش بیشتری عملکرد خود را بررسی و سعی می‌کند عملکرد مناسب و به دور از تقلب را بروز دهد تا با آشکارسازی تقلب توسط حسابرسان دادگاهی جایگاه خود را در شرکت و جامعه از دست ندهد. این احتمال که ممکن است حسابرسان دادگاهی توسط سهامداران، کمیته حسابرسی و یا حسابرسان مستقل برای بررسی و کشف تقلب دعوت به کار شوند، باعث می‌شود مدیریت در صدد طراحی سیستم خود کنترلی مناسب و شفاف در شرکت برآید که در نتیجه باعث عملکرد مطلوب شرکت و در نهایت حاکمیت شرکتی قوی‌تر خواهد شد. راماسومی (۲۰۰۹) بیان می‌کند که شکست ساختار ارتباطی شرکت‌های بزرگ، باعث شده است که جامعه مالی نیاز به یک حرفه بزرگ که نقاط ضعف سه بُعد ساختار شرکت را پوشش دهد و در کشف و کاهش تقلب پیشگام باشد، را احساس نماید. ضعف‌های ابعاد ساختار شرکت شامل حاکمیت ضعیف شرکت‌ها، کنترل‌های داخلی ناقص و صورت‌های مالی متقلبانه است. مهارت‌های حسابرسی دادگاهی به طور فزاینده‌ای در حال تبدیل به سیستم گزارش‌دهی درونی در شرکت‌ها، به منظور بهبود پاسخگویی به سهامداران و سایر ذی‌نفعان است. حسابرسان

دادگاهی با دانش و مهارت خود به سیستم گزارش‌دهی مدیریت کمک خواهد کرد و ضعف‌های حاکمیت شرکتی، کنترل‌های داخلی ضعیف و گزارش‌های مالی متقلبانه را پوشش و به ارتقای آنها کمک شایانی می‌کند.

تأثیر عملکرد مطلوب حسابرسی دادگاهی بر بهبود حاکمیت شرکتی

با اینکه حسابرسی فرایندی منظم و با قاعده جهت جمع‌آوری و ارزیابی بیطرفانه شواهد درباره ادعاهای مربوط به فعالیت‌ها و وقایع اقتصادی، به منظور تعیین درجه انطباق این ادعاها با معیارهای از پیش تعیین شده و گزارش به افراد ذینفع، است، اما حسابرسی مستقل برای اجرای مفید مسئولیت خود، زمانی که تحت عنوان حسابرسی مستقل دعوت به کار شده باشد، فعالیت خواهد کرد (دارابی و اژدری، ۱۳۹۷). حسابرسی صورت‌های مالی با هدف کاهش تضاد منافع بین مدیران و سهامداران، به موجب قانون الزامی و با دعوت مدیران از حسابرسی به کار و با تصویب سهامداران، اجرائی می‌شود. با توجه به مطالب بالا می‌توان گفت انتصاب حسابرسان مستقل از طریق مدیریت خصوصاً اگر حاکمیت شرکتی در سازمان ضعیف باشد، تأثیر منفی بر عملکرد حسابرسی مستقل خواهد داشت و باعث از دست رفتن اعتماد سرمایه‌گذاران نسبت به گزارش‌های سالانه شرکت می‌شود (لی و واکر، ۲۰۰۱). یک نمونه از این موارد مثل اندرسن حسابرسی شرکت ورلد کام است که با آشکار شدن تقلب صورت‌های مالی، باعث از بین رفتن اعتماد سرمایه‌گذاران در آمریکا شد و تأثیر منفی بر اقتصاد آمریکا گذاشت (زیمبلمن و همکاران، ۲۰۱۲).

حسابرسی دادگاهی با مهارت‌های خاص خود (تحلیلی، ارتباطات و مهارت‌های فنی) می‌تواند تقلب را کاهش و به دلیل ترس از دست دادن موقعیت مدیران و کارکنان، سعی بر ایجاد محیطی آرام و کم‌خطر برای حسابرسی را داشته باشد و موجب بهبود حاکمیت شرکتی در سازمان گردد. وقتی حسابرسی توسط مدیریت منصوب شود، از ترس از دست دادن موقعیت کاری، فعالیت‌های جعلی مدیران و کارکنان را گزارش نخواهد کرد و صرفاً به اینکه صورت‌های مالی عاری از تحریف با اهمیت است، اکتفا خواهد نمود. همه این مسائل باعث می‌شود نقش حسابرسان دادگاهی برای پیشگیری و کاهش تقلب پررنگ‌تر شود. بر اساس استانداردهای حسابرسی (SAS 99^۳) برای کشف تحریف‌های مالی چه با تخلف چه با اشتباه، نیاز به راهنمایی

است. حسابرسانی که این پتانسیل را دارند به حسابرسان مستقل راهنمایی‌های لازم را متذکر شده و باعث بهبود کیفیت حسابرسی می‌شوند. این استاندارد شامل این پیشنهاد می‌شود که حسابرسان مستقل تحریف با اهمیت ناشی از تقلب را مختص به حسابرسان دادگاهی می‌دانند و حسابرسان دادگاهی برای بهبود کیفیت حسابرسی و حاکمیت شرکت از مهارت‌ها و تخصص‌های خود برای کمک به حسابرسان مستقل استفاده می‌کنند تا نقاط دارای خطر را شناسایی و از وقوع تقلب، جلوگیری یا آن را کاهش دهند. حسابرسان دادگاهی به دلیل داشتن علم حقوق و جرم‌شناسی راهنمایی‌های لازم را به مدیریت و حسابرسان مستقل که دانش و تخصصی در این زمینه ندارند، ارائه خواهند نمود.

تقویت استقلال حسابرسان مستقل

در اکثر موارد، حسابرسان مستقل می‌ترسند کلاهبرداری‌های انجام شده توسط مدیریت را به سهامداران گزارش کنند، حتی زمانیکه این تقلب‌ها آشکار شوند. بنابراین، این امر باعث اختلال در استقلال حسابرس می‌شود، زیرا حسابرسان که در اکثر اوقات توسط مدیریت منصوب می‌شوند، نگران از دست دادن موقعیت کاری خود هستند (آلبرشت و دان، ۲۰۰۱). حضور حسابرسان دادگاهی که دارای دانش، تخصص و مهارت در دو مسئله مالی و سیستم گزارشگری مالی هستند، موجب اتخاذ روش مطلوبی جهت تشخیص تقلب و باعث بهبود سیستم گزارشگری مالی، استقلال حسابرسان مستقل و بهبود حاکمیت شرکتی است (آلبرشت، ۲۰۰۱). بنابراین، می‌توان گفت حسابرسان مستقل در اجرای وظایف خود از حسابرسان دادگاهی راهنمایی‌های لازم را دریافت کرده و در نتیجه باعث بهبود استقلال حسابرسان مستقل می‌شود.

کمک به اعضای کمیته حسابرسی

حسابرسان دادگاهی به اعضای کمیته حسابرسی برای انجام وظایف نظارتی خود، با ارائه ابزار بهتر در ارزیابی کیفیت حسابرسی انجام شده توسط حسابرسان مستقل کمک می‌کنند. حسابرسان دادگاهی برای انجام مسئولیت‌های خود و کنترل فعالیت‌های جعلی از اطلاعات محور تقلب که ابزار تشخیص تقلب به شمار می‌رود، استفاده می‌کند، در حالی که این بر عکس روش سنتی است که توسط حسابرسان مستقل، برای جمع‌آوری اطلاعات و ایفای مسئولیت‌هایشان استفاده می‌شود. حسابرسان دادگاهی از نرم‌افزارهای تحلیلی (LECT) جهت تشخیص تقلب

استفاده می‌کنند. این نرم‌افزار نه تنها مربوط به کشف تقلب، بلکه ابزاری برای یافتن علانم وقوع تقلب است (آلبرشت و دان، ۲۰۰۱). ابزار فوق این امکان را فراهم می‌کند، تا اعضای کمیته حسابرسی اطمینان حاصل کنند که گزارش حسابرسان مستقل (اعتباربخشی به صورت‌های مالی)، گزارشی با کیفیت مطلوب است و مدیریت که مسئول تهیه صورت‌های مالی، تشخیص و جلوگیری از فعالیت‌های جعلی است، کنترل‌های داخلی مناسبی را برای سیستم حسابداری خود طراحی و اجرا کرده است. علاوه بر این، حسابرسان مستقل و حسابرسان داخلی آگاه هستند که سازمان با استخدام حسابرسان دادگاهی مسئولیت بیشتری را به حسابرسان مستقل نسبت به بازرسی صورت‌های مالی و شناسایی نقاط دارای خطر محول نموده است. همچنین مسئولیت حسابرسان داخلی در نظارت بر فعالیت‌های داخلی بیشتر است، اما به این مسئله نیز توجه شده است که با بهبود حاکمیت شرکتی، حسابرسان مستقل و داخلی در برابر دعاوی احتمالی ناشی از تقلب بیمه خواهند بود.

کمک در تشخیص تقلب مالی

حسابرسان دادگاهی با استفاده از مهارت‌های تحلیلی و فن‌آوری، به راحتی می‌توانند تقلب مالی را که مدیریت مرتکب شده تشخیص، از شکست شرکت‌ها جلوگیری و در نتیجه باعث تقویت حاکمیت شرکتی شود (کلاری، ۲۰۰۰). اکوئومه (۲۰۰۰) بیان می‌کند، حسابرسان دادگاهی با استفاده از قانون بنفورد (ابزار دیجیتال تحلیلی تقلب)، راه تشخیص و جلوگیری از آن را در فرآیند کسب و کار به خوبی می‌دانند. بنابراین، می‌توان گفت که حسابرسان دادگاهی در شناسایی و جلوگیری از فعالیت‌های جعلی که در سال‌های طولانی باعث فروپاشی شرکت‌های زیادی شده است، کمک غیر قابل انکاری به سازمان خواهند نمود. این امر سبب شده است تا حسابرسان مستقل که مسئولیت بیشتری نسبت به کشف و کاهش تقلب دارند، با تلاش و جدیت بیشتری سعی بر ایفای مسئولیت خود و همچنین گزارش فعالیت‌های جعلی داشته باشند. این مسئولیت بیشتر، باعث می‌شود شرکت به هدف خود (افزایش منافع سهامداران) در محیط سالم دست پیدا کرده و اعتماد سرمایه‌گذاران به گزارش‌های شرکت افزایش یافته و در نتیجه منجر به بهبود حاکمیت شرکتی در شرکت خواهد شد.

نتیجه‌گیری

از آنجا که حسابرسان دادگاهی دارای مهارت و دانش کافی در زمینه حسابداری و مالی هستند، می‌توانند به موقع از فعالیت‌های جعلی پیشگیری و یا آنها را شناسایی نمایند و در اداره امور شرکت به حسابرسان مستقل، کمیته حسابرسی و مدیریت در انجام مسئولیت‌های خود و دستیابی به اهداف سازمانی و کاهش تقلب مالی کمک کنند. بنابراین، حسابرس دادگاهی از طریق بهبود پاسخگویی مدیریت و سیستم گزارشگری مالی، تقویت استقلال حسابرسان مستقل، کمک به اعضای کمیته حسابرسی و محول کردن مسئولیت بیشتر به حسابرسان مستقل، ارائه تضمین‌های اضافی و جلوگیری از فروپاشی شرکت‌ها و متضرر شدن سرمایه‌گذاران می‌شوند. با وجود حسابرسان دادگاهی، زمینه رشد شرکت فراهم آمده و سرمایه‌گذاران با آگاهی از وجود چنین محیط امنی که عدم تقارن اطلاعاتی وجود ندارد یا بسیار کم است به مدیران در اداره امور شرکت در راستای تأمین منافع آنها اعتماد نموده و سرمایه‌گذاری بیشتری در شرکت می‌کنند و سهم و ارزش بازاری سهام شرکت را افزایش می‌دهند.

در حال حاضر چیزی به نام حسابداری دادگاهی در ایران وجود ندارد، اما به دلیل گسترش فساد مالی و اداری، به نظر ضروری می‌رسد، اندیشمندان و صاحبان فن، به ایجاد و توسعه حرفه حسابداری دادگاهی به‌عنوان یک ضرورت و نیاز در زمینه خدمات اعتبار بخشی، توجه نمایند. همچنین ایجاد چنین حرفه‌ای می‌تواند ابزاری برای تحقق بخشیدن به اهداف اقتصاد مقاومت، شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها، زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و... (بند ۱۹ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی) گردد. همچنین این حرفه گامی در راستای بهبود نظام مالی و اداری کشور خواهد بود.

پی‌نوشت

- | | |
|-----------------------------------|--|
| ۱ impoverishment | ۲ Association of certified fraud examiners |
| ۳ Statement on Auditing Standards | |

منابع

- Adeniji, A. A. (2004). *Auditing and investigations*. Value Analysis Consult (Publishers).
- Albrecht, C. C. (2001). Proactively Detecting Fraud. *Financial Post*, July, 13-15.

- Albrecht, C. C. , Albrecht, W. S. , & Dunn, J. G. (2001). Can auditors detect fraud: A review of the research evidence. *Journal of Forensic Accounting*, 2 (1) , 1-12.
- Anaeto, E. (1993). Distress Bungles Refund of Investor monies. *Business Times Daily Times Plc Lagos*, 20.
- Association of Certified Fraud Examiners. (2008). Report to the Nation on Occupational Fraud and Abuse Austin. *Texas ACFE*.
- Casabona, P. A. , & Grego, M. J. (2003). SAS 99--consideration of fraud in a financial statement audit: A revision of statement on Auditing Standards 82. *Review of business*, 24 (2) , 16.
- Darabi, R. , & Ajdari, F. (2018). Examination of the Relationship between Governance and Auditing Properties and Real Earnings Management of the Firms Listed in the Tehran Stock Exchange. *Journal of accounting and auditing*, 8 (10) , 1-21.
- Deloitte and Touche. (2006). Integrity and Quality corporate Governance. available at <https://www.google.com.ng/search?q=Deloitte+and+Touche>.
- Eilifsen, A. , & Messier Jr, W. F. (2000). A Review and Integration of Archival Research. *Journal of Accounting Literature*, 19, 1-43.
- Ekwueme, S. C. (2000). Auditing: Bridging the Expectation Gap. *The Nigerian Accountant*, 5 (2).
- Eyisi, A. S. , & Agbaeze, E. K. (2007). The role of auditors in corporate governance. *Nigeria journal of banking and finance*, 7 (1) , 19-28.
- Hopwood, W. S. , Leiner, J. J. , Young, G. R. , & Zhang, S. (2008). *Forensic accounting*. Boston, MA: McGraw-Hill/Irwin.
- Hsu, K. H. , & Zhu, Z. (2005). SAS 99--consideration of fraud in a financial statement audit: a new auditing standard. *International Journal of Services and Standards*, 1 (4) , 414-425.
- Lee, C. , & Welker, R. B. (2010). Does familiarity with an interviewee's white lying make it easier to detect the interviewee's deception. *Journal of Forensic & Investigative Accounting*, 2 (1) , 1-36.
- Millichamp, A. H. (2002). *Auditing*. Cengage Learning EMEA.
- Mostafa Abdi, M. , Kazemi Alom, M. , & Akbari Emami, A. R. (2016). Matching Ethical Propositions in Islamic Texts and Accounting Texts. *Journal of accounting and auditing*, 6 (3) , 17-34.
- Owojori, A. A. , & Asaolu, T. O. (2009). The role of forensic accounting in solving the vexed problem of corporate world. *European Journal of Scientific Research*, 29 (2) , 183-187.
- Ramaswamy, V. (2005). Comorate Governance And The Forensic Accountant. *The CPA Journal*, 68-70.
- Rezae, Z. (2009). Forensic evidence gathering procedures for employee stock options. *Journal of forensic and Investigative Accounting*, (2). 1-20.
- Singleton, T. W. (2010). *Fraud auditing and forensic accounting* (Vol. 11). John Wiley & Sons.
- Smith, G. S. , & Crumbley, D. L. (2009). Defining a forensic audit. *Journal of Digital Forensics, Security and Law*, 4 (1) , 3.
- Wallace, A. (1991). The role of the forensic accountant. *Accountant November*.

Zimbleman, M. F. , Albrecht, C. C. , Albrecht, S. W. , & Albrecht, C. O. (2012).
Forensic Accounting, Cengage Learning. *International edition Canada, 4th
Edition. Pg, 429.*

بررسی تحلیل تأثیر استانداردهای حسابداری در فرآیند تدوین استانداردها و تحقیقات تجربی حسابداری

سمیرا بهزادپور^۱، محمدرضا عالمی^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۵/۰۵

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۸/۲۲

چکیده

استانداردهای حسابداری تدوین شده و یا تغییر یافته با پیامدهایی همراه است که باعث می شود تدوین استانداردهای حسابداری، به امری پیچیده و مشکل تبدیل شود. این مساله که آیا لازم است تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری، تأثیرات یا پیامدهای استانداردهای تدوین شده را در نظر بگیرند، موضوع بحث های بسیاری برای سال های متمادی بوده است. سرانجام تحلیل تأثیر، به یکی از بخش های اصلی فرآیند تدوین استانداردها تبدیل گردید. تحلیل تأثیر، تحلیلی از تأثیرات احتمالی استاندارد حسابداری جدید یا تغییرات اساسی استاندارد حسابداری است. تحلیل تأثیر در یک مقطع زمانی صورت نمی گیرد، بلکه باید در تمامی مراحل تدوین استانداردها مدنظر تدوین کنندگان استانداردها باشد. در این پژوهش ابعاد فرآیند تحلیل تأثیر استانداردهای حسابداری، مورد بررسی قرار گرفته است. سپس، تحقیقات تجربی انجام شده پیرامون بررسی تأثیر استانداردهای حسابداری مرور و تحلیل گردید. نتایج این بررسی نشان می دهد که محققان حسابداری عموماً با استفاده از مشخصه های مبتنی بر بازار، مشخصه های مبتنی بر حسابداری و مشخصه های مبتنی بر تحلیلگران و همچنین با استفاده از تحقیقات پیمایشی، به بررسی تأثیرات استاندارد یا تأثیرات مجموعه ای از استانداردها پرداخته اند. همچنین، آنها شاخص های مختلف کیفیت حسابداری و افشا شامل مدیریت و هموارسازی سود، شناسایی به موقع زیان و مربوط بودن ارزش را نیز بکار برده اند.

واژه های کلیدی: پیامدهای استانداردهای حسابداری، تحلیل تأثیر، تدوین استانداردهای حسابداری.

طبقه بندی موضوعی: M41

DOI: 10.22051/ijar.2019.21434.1420

^۱ دکترای حسابداری، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران، نویسنده مسئول. (s.behzadpur@yahoo.com)
^۲ دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران. (mohammadreza.alami@yahoo.com)

مقدمه

عبارات تأثیر^۱، اثرات^۲ و پیامدها^۳ تعاریف مشابهی دارند؛ برای اهداف تدوین استانداردهای حسابداری تأثیرات به عنوان "پیامدهای یک استاندارد که اتفاق می‌افتد یا احتمال وقوع آن وجود دارد" تعریف می‌شود. زف (۱۹۷۸) پیامدهای اقتصادی را به معنای تأثیر گزارشات حسابداری بر تصمیم‌گیری واحدهای تجاری، دولت‌ها، اتحادیه‌ها، سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان تعریف کرده است. رفتار این افراد و گروه‌ها به منافع سایر طرف‌های تحت تأثیر زیان می‌رساند، بنابراین تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری باید این پیامدها را هنگام تصمیم‌گیری مدنظر قرار دهند. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد عبارت "هزینه‌ها و مزایا" معنی یکسان یا مشابهی با تأثیرات دارد، اما اینگونه نیست؛ هزینه‌ها و مزایا زیرمجموعه‌ای از تمام تأثیرات هستند. اصلاحات حاصله در چارچوب مفهومی هیات تدوین استانداردهای بین‌المللی (IASB)^۴ نیز از این دیدگاه نشأت گرفته است. در این چارچوب از عبارت تأثیرات به جای عبارت هزینه-مزایا برای در نظر گرفتن پیامدهای استانداردهای حسابداری استفاده شده است (گروه مشاوره گزارشگری مالی اروپا (EFRAG)^۵، ۲۰۱۱).

با توجه به اهمیت در نظر گرفتن تأثیرات استانداردهای حسابداری توسط تدوین‌کنندگان استانداردها، "تحلیل تأثیر"^۶ به عنوان بخشی از فرآیند تدوین استانداردها مطرح گردیده است. در این پژوهش تحلیل تأثیر استانداردهای حسابداری، مورد بررسی دقیق قرار گرفته و تعاریف و اصول کلیدی آن و دیدگاه‌های متفاوت در خصوص مسئولیت انجام تحلیل تأثیر استانداردهای حسابداری، مورد بحث قرار گرفته است. در انتها نیز رویکردهای تجربی، تحلیل تأثیرات استانداردهای حسابداری ارائه شده است. به عبارتی، محققان حسابداری تأثیر استاندارد یا مجموعه‌ای از استانداردها را مورد مطالعه قرار داده و از مشخصه‌های مبتنی بر بازار، مشخصه‌های مبتنی بر حسابداری و مشخصه‌های مبتنی بر تحلیلگران استفاده نموده‌اند، اما به نتایج متناقضی دست یافته‌اند. بدین منظور رویکردهای مورد استفاده توسط محققان حسابداری، یافته‌های حاصل و دلایل نتایج متناقض در این پژوهش مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

مزایای استانداردهای حسابداری

چرا باید استانداردهای حسابداری وجود داشته باشد؟ پاسخ ساده آن، کارکرد کاراتر بازارهای سرمایه و موثرتر بودن آیین‌نامه‌ها و راهبری شرکتی به دلیل گزارشگری مالی معتبر است. مزایای استانداردهای حسابداری مزایایی است که واحدهای تجاری از ارتقای گزارشگری مالی و استفاده‌کنندگان از ارتقای جریان اطلاعات حسابداری به دلیل کاهش هزینه جستجوی اطلاعات کسب می‌کنند (EFRAG, 2011). کمیسیون بورس و اوراق بهادار^۷ مزیت گزارشگری مالی را فراهم نمودن اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری بیان کرده است. از سوی دیگر، استانداردهای گزارشگری با فراهم نمودن یک مجموعه اطلاعاتی استاندارد شده، تشخیص تفاوت میان واحدها را برای فعالان بازار میسر می‌کند. اعتباردهندگان بر مبنای اطلاعات صورت‌های مالی درخصوص قراردادهای وام مذاکره می‌کنند؛ تدوین‌کنندگان مقررات دولتی برای اعمال نظارت بر صنایع مختلف بر اطلاعات مالی اتکا می‌کنند؛ همچنین اطلاعات مالی منتشر شده، مبنایی برای توسعه سیاست‌های اقتصادی است. بدون وجود بدنه استانداردها، اعتباردهندگان مجبور می‌شوند برای هر مجموعه از قراردادهای وام از ابتدا وارد مذاکره شوند؛ تدوین‌کنندگان مقررات نیز مجبور می‌شوند به جای تعیین قواعد تکمیلی یا تعیین موارد انحراف از استانداردها، مجموعه جامعی از مقررات حسابداری را ایجاد نمایند (FASB, 1991).

هزینه‌های استانداردهای حسابداری

استانداردهای حسابداری هزینه‌هایی را بر سه گروه اصلی تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی، حساب‌برسان و استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی تحمیل می‌کند (FASB, 1991) که در ادامه به آن پرداخته شده است.

هزینه‌های استانداردهای حسابداری برای تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی: این هزینه‌ها شامل برآوردی از هزینه‌های مستقیم اولیه برای مطابقت با استاندارد پیشنهادی (شامل هزینه‌های آموزش، تعدیلات سیستم، مذاکره در مورد قراردادها) و هزینه‌های مستمر مطابقت با آن (شامل هزینه‌های نظارت بر اجرای استاندارد، جمع‌آوری داده، حق‌الزحمه حرفه‌ای) است. مدیران

شرکت‌ها معتقدند، یک استاندارد می‌تواند انگیزه‌هایی را برای ورود یا اجتناب از بعضی معاملات ایجاد کند، که مدیران این موارد را نیز هزینه تلقی می‌کنند.

هزینه‌های استانداردهای حسابداری برای حساب‌برسان: حساب‌برسان در خصوص الزامات یک استاندارد جدید هزینه‌های اولیه‌ای مانند توسعه رویه‌های جدید و آموزش پرسنل و همچنین هزینه‌های مستمر کار اضافی مورد نیاز، برای حساب‌برسی منطبق با استاندارد، تحمل می‌کنند. از سوی دیگر، بدون ارائه جزئیات الزامات استانداردها، حساب‌برسان با تعارض‌های اجتناب‌ناپذیری در خصوص تفاسیر جسورانه استانداردهای حسابداری توسط برخی از کارفرمایان خود روبرو هستند و امکان دعاوی حقوقی را یک هزینه واقعی با اهمیت تلقی می‌کنند.

هزینه‌های استانداردهای حسابداری برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی: استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی علاوه بر تحمل هزینه‌های اولیه، زمانی که استاندارد جدید نتواند نحوه عمل استاندارد شده‌ای را تجویز کند، هزینه‌های غیرمستقیمی را نیز تحمل می‌کنند. به عبارتی، تهیه-کنندگان و حساب‌برسان عموماً هزینه‌های ناشی از الزامات استاندارد و استفاده‌کنندگان پیامدهایی از آنچه که استاندارد نتوانسته فراهم کند، را تحمل می‌کنند. در موارد دیگر، این هزینه، هزینه فرصت از دست رفته است و یا به عبارتی، هزینه تصمیماتی است که در صورت در دسترس بودن اطلاعات مربوط، به گونه‌ای متفاوت اخذ می‌گردید.

تحلیل کمی هزینه-مزایا برای تدوین استانداردها

برای کمی نمودن هزینه‌ها و مزایای یک استاندارد حسابداری یا تعدیل پیشنهادی، تکنیک‌های مناسب و قابل اتکایی وجود ندارد. از سوی دیگر، این هزینه‌ها و مزایا اغلب نامشهود و کیفی هستند. بنابراین، کمی نمودن هزینه‌ها و مزایا به خصوص مزایا ذاتاً ذهنی و پیچیده است. علاوه بر آن، در بیشتر مواقع، هزینه‌ها و مزایا توسط یک طرف تحمل نمی‌شود، بنابراین اغلب به کار بردن تحلیل کمی هزینه-مزایا برای تدوین استانداردها بدون استفاده و غیرعملی است. تدوین‌کنندگان استانداردها به این نکته توجه می‌کنند که آیا یک استاندارد با یک هزینه منطقی گزارشگری مالی را ارتقا می‌دهد؟ مطابق این رویکرد، تدوین‌کنندگان استانداردها با در نظر داشتن هدف خود که ارتقای گزارشگری مالی است در صدد اطمینان‌دهی و کاهش هزینه‌های اجرا هستند (EFRAG, 2011).

پیامدهای استانداردهای حسابداری

انتظار بر این است که تغییر استانداردهای حسابداری، پیامدهایی برای تصمیمات اقتصادی تصمیم‌گیرندگان به دنبال داشته باشد. سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان در پرتوی اطلاعات جدید در برآوردهای خود نسبت به بازده تجدیدنظر می‌کنند که در نهایت بر هزینه و دسترسی به سرمایه تأثیر خواهد گذاشت. بنابراین، زمانی که استاندارد جدیدی پیشنهاد می‌شود که منجر به افزایش هزینه‌ها و بدهی‌های ثبت شده یا نوسان سود گزارش شده شود، مخالفت‌های شدیدی علیه آن صورت می‌گیرد (اسچپیر، ۲۰۱۰). تأیید بر پیامدها و ارتباط آن با هزینه‌ها حدود ۴۰ سال پیش توسط زف (۱۹۷۸) تشریح گردید. او پیامدهای اقتصادی را تأثیر گزارش‌های حسابداری بر تصمیم‌گیری واحدهای تجاری، دولت، اتحادیه‌ها، سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان تعریف نمود. یکی از پیامدهای استانداردهای حسابداری، اخذ تصمیمات غیراقتصادی توسط مدیران است تا به نتایج مطلوب حسابداری دست یابند. از سوی دیگر، تغییر استانداردهای حسابداری منجر به تغییر غیرقابل پیش‌بینی روابط قراردادی میان شرکت‌ها و سایر طرف‌های قرارداد می‌شود. همچنین اطلاعات صورت‌های مالی توسط بدنه‌های تدوین مقررات نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین، تغییر استانداردهای حسابداری پیامدهای اقتصادی به دنبال خواهد داشت، زیرا این روابط را تغییر می‌دهد. از سوی دیگر پرداخت‌هایی که به نهادهای دولتی صورت می‌گیرد بر مبنای اطلاعاتی است که با اهداف گزارشگری مالی تهیه شده‌اند، در این موارد تغییر استانداردها پیامدهای مستقیم و حتی نقدی به دنبال دارد (FASB, 1991).

با توجه به اهمیت پیامدهای استانداردهای حسابداری، این سوال مطرح است که هیات تدوین استانداردها چگونه باید این پیامدها را در نظر بگیرد؟ در این خصوص دو دیدگاه کاملاً متضاد وجود دارد؛ از یک سو، اعتقاد بر این است که باید هنگام تصمیم‌گیری در خصوص استانداردهای حسابداری، تنها به پیامدها توجه نمود. اولین انتقاد وارد شده بر این دیدگاه، مشکل بودن تعیین پیامدها است. بنابراین، تدوین‌کنندگان استانداردها باید بر مبنای پیامدهای فرض شده تصمیم‌گیری کنند و در جستجوی روش‌های حسابداری باشند که به احتمال بیشتری اهداف مطلوب اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی را پیش برند. در این شرایط، با تغییر اهداف سیاسی، استانداردها و رویه‌های حسابداری نیز باید به طور مداوم تغییر کند. چنین وضعیتی اعتبار صورت‌های مالی را با تردیدی جدی روبرو خواهد نمود. در مقابل، این دیدگاه وجود دارد که

پیامدهای اقتصادی نباید نقشی در تصمیم‌گیری در خصوص استانداردهای حسابداری داشته باشند، بلکه تنها ملاحظات مفهومی و تکنیکی حسابداری باید پاسخگوی مسائل حسابداری باشد. در این خصوص، تجربه نشان داده است که تنها اتکا بر مفاهیم مورد توافق و منطقی برای ایجاد استانداردهای حسابداری، موفق نخواهد بود. همچنین چارچوب مفهومی به اندازه‌ای قطعی نیست، که بتوان به آسانی پاسخ مسائل حسابداری را از آن استخراج نمود. بنابراین، هنگام تدوین یک استاندارد حسابداری نمی‌توان پیامدهای اقتصادی آن را نادیده گرفت. از سوی دیگر، ملاحظات مفهومی، منطقی و تکنیکی نیز برای حفظ و ارتقای استانداردهای موجود حائز اهمیت است. در نتیجه، مساله اصلی برقراری توازن میان این دو دیدگاه است. نهادهای تدوین استاندارد تلاش کرده‌اند که این توازن را برقرار کنند، اما اولویت با مفاهیم، اصول و ثبات منطقی مورد توافق در تدوین استانداردها است. دلیل اساسی اولویت ملاحظات مفهومی، اهمیت بی‌طرفی و عینیت در ایجاد یک فرآیند معتبر و موثر تدوین استانداردها است (FASB, 1991).

تحلیل تأثیر در فرآیند تدوین استانداردها

توجه به تأثیرات یا پیامدهای استانداردهای حسابداری توسط تدوین‌کنندگان استانداردها در سال‌های اخیر اهمیت بیشتری پیدا کرده است. در آوریل ۲۰۰۷، کمیته استانداردهای حسابداری (IASCF)^۹ اعلام نمود که توسعه یک چارچوب روشن برای ارزیابی هزینه‌ها و منافع مرتبط با پیشنهادات ارائه شده مفید است و آن چارچوب باید بخشی از فرآیند تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری باشد. بر این اساس، بر نهاد تدوین‌کننده استانداردهای حسابداری بین‌المللی و سایر نهادهای ملی تدوین‌کننده استانداردهای حسابداری، فشارهایی وارد شد تا تحلیل تأثیر را به عنوان بخش اصلی فرآیند تدوین استانداردهای خود توسعه داده و آن را به صورت رسمی بیان نمایند. نمونه‌ای از این فشارها در ادامه ارائه شده است:

- کمیسیون اروپا^۹ تأیید کرد که تحلیل تأثیر نقش مهم و رسمی‌تری را در فرآیند تدوین استانداردهای حسابداری بین‌المللی^{۱۰} ایفا نماید.
- اتحادیه اروپا در پی موافقت با اجرای استانداردهای بین‌المللی حسابداری، انجام مطالعات مربوط به تأثیرات این استانداردها را الزامی نمود. بر این اساس، مطالعات مربوطه توسط گروه مشاوره گزارشگری مالی اروپا، انجام گردید.

- هیات تدوین استانداردهای بین‌المللی ملزم به بررسی، پس از اجرای پروژه‌های اصلی خود گردید. بررسی پس از اجرای استانداردهای حسابداری^{۱۱}، بخشی از فرآیند تحلیل تأثیر است که چند سال پس از اجرای یک استاندارد حسابداری انجام می‌گیرد.
- بحران‌های مالی، موضوع تأثیرات بالقوه استانداردهای حسابداری بر ثبات مالی را مطرح نمود و این مساله که آیا فرآیند تدوین استانداردها در ارتقای گزارشگری مالی تأثیر مثبتی دارد؟ را مورد توجه قرار داد.
- مطابقت بین‌المللی، استانداردهای بین‌المللی حسابداری این موضوع را مطرح نمود که آیا هیات تدوین استانداردهای بین‌المللی در تصمیم‌گیری‌های خود تأثیرات استانداردهای حسابداری را در نظر می‌گیرد؟ زیرا با این مطابقت جهانی، تصمیمات هیات در سراسر جهان با پیامدهایی همراه است.

با این فشارها، در اکتبر سال ۲۰۰۸ الزامات مربوط به گنجاندن الزامات تحلیل تأثیر در فرآیند تدوین استانداردهای بین‌المللی، به تصویب رسید. تحلیل تأثیر، فرآیند سیستماتیک بررسی تأثیرات استانداردهای حسابداری که توسعه یافته و اجرا شده‌اند، است. نکته مهم این است که تحلیل تأثیر یک فرآیند و نه رویدادی که در یک نقطه زمانی انجام شود، است (EFRAG, 2011). طبق تعریف ارائه شده توسط نهاد تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری، تحلیل تأثیر، تحلیلی از تأثیرات احتمالی استاندارد حسابداری جدید یا تغییرات اساسی استاندارد حسابداری است.

در بیانیه هدف هیات استانداردهای حسابداری مالی آمریکا (FASB^{۱۲}) نیز این الزام وجود دارد که تعیین شود آیا هزینه‌های استاندارد پیشنهادی نسبت به کل مزایای آن توجیه‌پذیر است. از سوی دیگر، ملاحظات هزینه-مزایا در بیانیه هدف و چارچوب مفهومی FASB و IASB به عنوان بخشی از مسئولیت تدوین‌کنندگان استانداردها بیان شده است. با در نظر گرفتن این مسئولیت، FASB در بیانیه مفهومی ۲ بیان کرده است که حتی اگر ارزیابی کمی مشکل یا غیرممکن باشد، نمی‌تواند موثر بودن استانداردها از نظر هزینه-مزایا را نادیده بگیرد، زیرا نادیده گرفتن آن کوتاهی در انجام وظایف و زیان بر ذینفعان است. مطابق بیانیه مفهومی ۱ نیز، گزارشگری مالی فراهم نمودن و استفاده از اطلاعات است و انتظار بر این است که مزایای

اطلاعات فراهم شده حداقل برابر با هزینه‌های آن باشد. در بیانیه مفهومی ۵ هنگام تشریح معیارهای شناخت، محدودیت هزینه-منفعت نیز در نظر گرفته شده است که آن عبارتست از اینکه، مزایای شناخت یک قلم باید هزینه‌های فراهم نمودن و استفاده از اطلاعات، را توجیه کند. نکته دیگر درخصوص اهمیت تحلیل تأثیر در فرآیند تدوین استانداردها این است که FASB و IASB محدودیت هزینه-مزایا را در پروژه مشترک خود نیز حفظ کرده‌اند.

مسئولیت انجام تحلیل تأثیر

درخصوص مسئولیت انجام تحلیل تأثیر استانداردهای حسابداری، دیدگاه‌های متضادی وجود دارد. دیدگاه اول این است که تدوین کنندگان استانداردها باید مسئول انجام تحلیل تأثیر باشند و درمقابل، این انتقاد مطرح است که هنگامی که نهاد تدوین کننده استانداردها، نهاد بخش خصوصی است، ملاحظات مربوط به هزینه‌ها، منافع و سایر تأثیرات به نهادهای دولتی واگذار شود. در این خصوص می‌توان به مطالعات تأثیرات استانداردهای بین‌المللی حسابداری توسط EFRAG در اتحادیه اروپا^{۱۳} اشاره نمود؛ پس از آنکه IASB یک استاندارد (شامل تحلیل خود از تأثیرات استاندارد) را منتشر نمود، EFRAG نیز استاندارد را مورد بررسی قرار داد. حال سوال اینجاست با وجود بررسی EFRAG، چرا IASB نیز تحلیل تأثیر را انجام می‌دهد، درحالی‌که با حذف یک مرحله از فرآیند تدوین استانداردها، می‌تواند هزینه‌های خود را کاهش دهد. به منظور پاسخگویی به این سوال باید موارد زیر را در نظر گرفت:

- کدام گروه از نظر مهارت و دانش قابلیت بهتری دارد؟

- کدام گروه بیشترین انگیزه و توانایی را برای انجام تحلیل دارد؟

- تا چه حد تحلیل تک‌تک استانداردها توسط یک بدنه دولتی، برای استقلال تدوین کنندگان استانداردها زیان‌آور است؟

- تا چه حد تحلیل تک‌تک استانداردها توسط بدنه دولتی، پس از تصمیم‌گیری در خصوص استانداردها مبنی بر الزام استفاده از استاندارد، برای کیفیت استانداردهای گزارشگری مالی زیان‌آور است؟

- مزایا و معایب سیستمی که در آن بدنه دولتی تدوین کننده استاندارد را تأیید کرده و به رسمیت می شناسد، اما با هر یک از استانداردهای آن مخالفت می کند چیست (اسچپیر، ۲۰۱۰)؟
به طور کلی اگر تدوین کنندگان استانداردها تحلیل تأثیر را انجام ندهند، بسیاری از منافع انجام آن محقق نمی شود، زیرا نهاد دیگری که فرآیند تدوین یا تعدیل استاندارد را طی نکرده، از مسائل پیش آمده هنگام این فرآیند اطلاعی ندارد (EFRAG, 2011).

اصول کلیدی تحلیل تأثیر

اصول کلیدی تحلیل تأثیر با این هدف که فرآیند سیستماتیک را برای در نظر گرفتن تأثیرات استانداردها فراهم نماید، تعیین شده است.

اصل اول) توضیح هدف یک استاندارد جدید یا تعدیل پیشنهادی: اصل اول این اطمینان را می دهد که تهیه کنندگان، استفاده کنندگان و سایر ذینفعان درک مشترکی نسبت به نتایج دارند که تدوین کنندگان استانداردها با معرفی یک استاندارد یا تعدیل پیشنهادی قصد دستیابی به آن را دارند.

اصل دوم) تعیین تأثیرات پیش بینی شده: این اصل، از تلاش بی ثمر تدوین کنندگان استانداردها برای انعکاس تمام تأثیرات بالقوه جلوگیری می کند.

اصل سوم) جمع آوری شواهد: شواهد باید بیانگر این باشد که پیشنهادات مطرح شده به طور صادقانه واقعیات اقتصادی را نشان دهد و اطلاعاتی را فراهم نماید که برای استفاده کنندگان سودمند است. بنابراین اصل سوم، شفافیت فرآیند تدوین استانداردها را ارتقا داده و پاسخگویی تدوین کنندگان استانداردها را افزایش می دهد.

اصل چهارم) در نظر گرفتن تأثیرات طی فرآیند تدوین استانداردها: تحلیل تأثیر باید به عنوان یک فرآیند و نه یک رویداد تلقی شود. اصل چهارم، تدوین کنندگان استانداردها را ملزم می کند که در هر مرحله از تدوین استانداردها، تأثیرات پیش بینی شده و واقعی استاندارد حسابداری یا تعدیل آن لحاظ شود (EFRAG, 2011).

رویکردهای تجربی تحلیل تأثیر استانداردهای حسابداری

در تحلیل هزینه‌های استاندارد حسابداری ابتدا باید تعیین نمود چه هزینه‌هایی مربوط تلقی می‌شوند. برای استخراج این هزینه‌ها، می‌توان از برآورد تهیه‌کنندگان، حساب‌برسان، تحلیلگران و سایر استفاده‌کنندگان استفاده نمود. درخصوص مزایای استانداردهای حسابداری، با توجه به مشکلات کمی نمودن آنها، پیشنهاد بر این است که ارزیابی مزایا باید لزوماً کیفی باشد. به عبارتی، در چارچوب مفهومی FASB و IASB مزایای استانداردهای حسابداری در قالب مربوط بودن، قابل اتکا بودن و قابل مقایسه بودن، توصیف شده است. مربوط بودن بر توانایی تأثیر اطلاعات حسابداری بر تصمیمات تخصیص منابع، دلالت دارد. مشخص است که کمی نمودن این معیار مشکل است؛ مثلاً مشخص نیست که چه میزان، تصمیم به طور بالقوه تحت تأثیر یک قلم خاص قرار می‌گیرد و آیا بعضی از تصمیمات نسبت به سایر تصمیمات از نظر فراهم نمودن اطلاعات مربوط، مهم‌تر هستند؟ قابلیت اتکا دلالت بر این دارد که قلم گزارش شده منطبق با چیزی باشد که هدف ارائه آن را داشته است. ارزیابی قابلیت اتکا به دلیل نبود معیارهای محکی که بتوان در مقایسه با آنها یک قلم گزارش شده را سنجید، پیچیده است؛ حتی با وجود یک معیار محک، توافقی در خصوص سطح فقدان قابلیت اتکا از نظر ذینفعان وجود ندارد. قابلیت مقایسه نیز بدین معناست که اقلام مشابه به طور یکسان در نظر گرفته شوند. استاندارد می‌کند. درنهایت نیز استفاده‌کنندگان و تحلیلگران هزینه عدم قابلیت مقایسه را تحمل می‌کنند، زیرا آنها ناچارند هزینه‌هایی را برای تعدیل اعداد گزارش شده پرداخت نمایند.

با وجود تعاریف ارائه شده، ویژگی‌های کیفی چارچوب مفهومی به راحتی به معیارهای تجربی مورد استفاده توسط محققان حسابداری مرتبط نمی‌شوند. با این حال، محققان حسابداری برای تحلیل تأثیر گزارشگری مالی و تغییرات الزامات گزارشگری در قالب چارچوب مفهومی تلاش می‌کنند. در ادامه دو رویکرد در این خصوص شامل ویژگی‌های اطلاعات حسابداری^{۱۴} و خروجی‌های بازار^{۱۵} مورد بحث قرار می‌گیرد (اسپیچر، ۲۰۱۰).

مشخصه‌های اطلاعات حسابداری

معمولاً محققان حسابداری در تحلیل تجربی اطلاعات حسابداری بر شاخص‌های خلاصه‌ای مانند سود و ارزش‌های دفتری و محاسبه صفات یا مشخصه‌های این شاخص‌های خلاصه تأیید می‌کنند. مشخصه‌های اطلاعات حسابداری را می‌توان در سه گروه مشخصه‌های مبتنی بر بازار، مشخصه‌های مبتنی بر حسابداری و مشخصه‌های مبتنی بر تحلیلگران طبقه‌بندی نمود.

مشخصه‌های مبتنی بر بازار قیمت یا بازده را به عنوان سازه مرجع در نظر گرفته و مشخصه‌های سود یا ارزش دفتری را بر مبنای ارتباط برآوردی میان سود حسابداری یا ارزش دفتری و قیمت یا بازده محاسبه می‌کند. به عبارتی این مشخصه‌ها، بر مبنای ارتباط آماری بین قیمت یا بازده و ارقام حسابداری هستند که به وسیله تخمین قیمت یا بازده بر ارقام حسابداری اندازه‌گیری می‌شوند. توان تبیین چنین تخمین‌هایی ترکیبی از دو ویژگی کیفی مربوط بودن و قابل اتکا بودن، تلقی می‌شود. انحراف از این رویکرد، تخمین سود بر بازده است که برای در نظر گرفتن به موقع بودن اطلاعات حسابداری و محافظه‌کاری مورد استفاده قرار می‌گیرد. انحراف دیگر این رویکرد، تأیید بر شیب ضرایب مدل بازده یا قیمت بر سود یا گاهی اوقات ارزش دفتری یا تخمین معکوس سود بر بازده و نه قدرت تبیین تخمین‌ها، است. در این صورت شیب ضریب تخمین بازده بر سود، ضریب واکنش سود^{۱۶} نام دارد. ضریب واکنش سود شاخصی برای محتوای اطلاعاتی سود است که می‌تواند شاخصی برای کیفیت حسابداری نیز تلقی شود. در این صورت، اگر کاربرد یک استاندارد منجر به ارائه اطلاعاتی شود که ارتباط قوی‌تری بین یک خروجی حسابداری و سازه مرجع بازار ایجاد کند، بهبود در گزارشگری مالی و بنابراین مزیت استاندارد تلقی می‌شود.

مشخصه‌های مبتنی بر حسابداری، وجه نقد یا سود را به عنوان سازه مرجع در نظر گرفته و مشخصه‌های سود را بر مبنای ارتباط میان سود و جریان‌های نقدی (به عنوان نمونه کیفیت ارقام تعهدی و هموارسازی) یا ویژگی‌های توزیع سود برای یک نمونه بزرگ (به عنوان نمونه تناوب بالای سود مثبت کوچک در توزیع مقطعی سود و زیان‌های گزارش شده که گاهی اوقات به عنوان شاخصی از مدیریت سود تلقی می‌شود) یا ویژگی‌های سری زمانی سود (به عنوان نمونه استمرار و قابلیت پیش‌بینی) محاسبه می‌کنند. به عنوان مثال، از آنجایی که استمرار سود بیانگر دوام سود از یک دوره به دوره آتی است، از طریق برآورد سود دوره جاری بر سودهای گذشته

اندازه گیری می شود. در برخی موارد، این مشخصه ها ذاتا مختص شرکت هستند، مانند استمرار سود و در برخی موارد، مانند تناوب بالای سودهای مثبت کوچک، این مشخصه ها فقط در توزیع خروجی های سود منعکس می شوند. کیفیت ارقام تعهدی الگویی از ارقام تعهدی جاری در جریان های نقدی گذشته، حال و آینده است. به عبارتی، هموارسازی، نسبت تغییر پذیری سود به تغییر پذیری جریان های نقدی است. استمرار، معیاری از پایداری سود است که به عنوان نمونه از طریق شیب ضریب تخمین سودهای جاری بر سودهای گذشته محاسبه می شود. قابلیت پیش بینی، نیز اغلب بر مبنای توانایی سودهای جاری برای پیش بینی سود دوره آتی محاسبه می شود. مشخصه های مبتنی بر حسابداری، بر این ایده استوار هستند که لازم است سودهای جاری برای ارزیابی سودهای آتی یا جریان های نقدی آتی یا هر دوی آنها مفید باشند. در این صورت، کاربرد استاندارد که منجر به ارتقای یکی از این معیارها شود، گزارشگری مالی را ارتقا می دهد و مزایای استاندارد نیز به اندازه میزان ارتقای این معیارها است.

گروه سوم مشخصه های اطلاعات حسابداری، مشخصه های مبتنی بر پیش بینی تحلیلگران است. این مشخصه ها بر مبنای ویژگی های پیش بینی تحلیلگران از سود مانند سوء گیری، صحت و پراکندگی پیش بینی تحلیلگران است. میزان آگاهی بخشی اطلاعات حسابداری نسبت به سود آتی یک ویژگی کیفیت حسابداری تلقی می شود، بنابراین خطا و پراکندگی پیش بینی تحلیلگران، شاخصی از عدم تقارن اطلاعاتی محسوب می شود. مشخصه های مبتنی بر پیش بینی تحلیلگران بر مبنای این پیش فرض هستند که پیش بینی های تحلیلگران از سود، بیانگر یک استفاده کلیدی از اطلاعات حسابداری و یک منبع کلیدی اطلاعات برای سرمایه گذاران است. در این صورت، کاربرد استاندارد که منجر به افزایش صحت و یا کاهش سوء گیری یا پراکندگی پیش بینی تحلیلگران شود یک بهبود در گزارشگری مالی تلقی می شود و میزان مزایای استاندارد نیز میزان تغییر این معیارها است.

خروجی های بازار

محققان حسابداری و مالی و همچنین تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری خروجی های خاصی از بازار مانند نقدشوندگی و کاهش هزینه سرمایه را ذاتا مطلوب تلقی کرده اند. سازوکاری که از طریق آن ارتقای شفافیت و افشای گزارشگری مالی، خروجی های بازار سرمایه

را ارتقا دهد، بدین صورت است که عدم افشای کافی اطلاعات منجر به عدم تقارن اطلاعاتی میان سرمایه‌گذاران می‌شود. ارتقای افشا در گزارشگری مالی با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، این مشکل را حل کرده و نقدشوندگی بازار را افزایش می‌دهد. نقدشوندگی بیشتر بازار، هزینه سرمایه شرکت را کاهش می‌دهد، زیرا بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران برای سهام نقدشونده‌تر کمتر خواهد بود. از سوی دیگر، افشای بیشتر با کاهش ریسک برآوردی سرمایه‌گذاران و بازده مورد انتظار آنها، برآورد جریان‌های نقدی آتی را تسهیل می‌کند. ارتقای شفافیت و افشا با افزایش تمایل سرمایه‌گذاران به حفظ سهام، تسهیم ریسک در اقتصاد را ارتقا می‌دهد که به نوبه خود به کاهش هزینه سرمایه منجر می‌شود (IASB, 2014).

نمونه تحقیقات تجربی در زمینه تأثیر استانداردهای حسابداری

محققان حسابداری تأثیر یک استاندارد یا مجموعه‌ای از استانداردها را مورد مطالعه قرار داده‌اند. آنها از مشخصه‌های مبتنی بر بازار، مشخصه‌های مبتنی بر حسابداری و مشخصه‌های مبتنی بر تحلیلگران استفاده نموده‌اند. در این خصوص تحقیقات کیفی نیز وجود دارند که به صورت پیمایشی هستند. بررسی تحقیقات نشان می‌دهد، محققان شاخص‌های مختلف کیفیت حسابداری و افشا شامل مدیریت و هموارسازی سود، شناسایی به موقع زیان و همچنین مربوط بودن ارزش را در نظر گرفته‌اند. نیاز حرفه حسابداری شیوه‌ای از گزارشگری می‌باشد که منافع تمام استفاده‌کنندگان به صورتی مطلوب رعایت شود و این با تعریف مدیریت سود در تضاد است. بنابراین، در تحقیقات بررسی می‌شود که آیا بکارگیری استانداردهای حسابداری مدیریت سود را کاهش داده است؟ به موقع بودن نیز یکی از مهمترین ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی محسوب می‌شود. بر این اساس، محققان حسابداری شناسایی به موقع زیان را یکی از ویژگی‌های سود باکیفیت تلقی می‌کنند. مربوط بودن ارزش (ارتباط بین ارزش‌های بازار و ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و سود که به‌عنوان معیار ترکیبی مربوط بودن و قابلیت اتکا تفسیر می‌شود) نیز مورد توجه محققان بسیاری بوده است. مربوط بودن ارزش بر پایه این فرض قرار دارد که در صورت مفید بودن اطلاعات، سرمایه‌گذاران رفتار خود را تعدیل خواهند نمود و بازار به سرعت به این اطلاعات واکنش نشان خواهد داد.

بررسی تأثیر مجموعه‌ای از استانداردها

تحقیقاتی که تأثیر مجموعه‌ای از استانداردها را مورد بررسی قرار داده‌اند را می‌توان به دو گروه کلی (۱) تحقیقاتی که بکارگیری داوطلبانه استانداردها را بررسی کرده‌اند و (۲) تحقیقاتی که به بررسی بکارگیری اجباری استانداردها پرداخته‌اند، تقسیم نمود. گروهی از تحقیقاتی که به بررسی تأثیرات پذیرش داوطلبانه مجموعه‌ای از استانداردها پرداخته‌اند، تأثیرات پذیرش داوطلبانه استانداردهای بین‌المللی و آمریکایی را نسبت به استانداردهای ملی (مطابق نگاره ۱) و گروه دیگر تأثیرات استانداردهای بین‌المللی را با استانداردهای آمریکایی مقایسه کرده‌اند.

نگاره (۱): بررسی تأثیر پذیرش داوطلبانه مجموعه‌ای از استانداردها (مقایسه استانداردهای

آمریکایی و بین‌المللی با استانداردهای ملی)

معیار	محققان	خلاصه یافته‌های تحقیقات
مدیریت سود	بارث و همکاران (۲۰۰۸)، لوز و همکاران (۲۰۰۳)، بریدن (۱۹۹۴)، گنجارف (۲۰۰۵)، ون تندلو و ونستراالن (۲۰۰۵)، فراری و همکاران (۲۰۱۲)، کریستنسن (۲۰۰۸)، ژو و ویستر و تورتون (۲۰۰۴)	<ul style="list-style-type: none"> - کاهش مدیریت سود با پذیرش استانداردهای بین‌المللی نسبت به استانداردهای ملی در ۲۱ کشور - افزایش مدیریت سود شرکت‌های غیرآمریکایی به کاربرنده استانداردهای ملی در بازارهای سرمایه آمریکا نسبت به شرکت‌های آمریکایی به کار برنده استانداردهای آمریکایی - عدم تفاوت مدیریت سود در بکارگیری استانداردهای بین‌المللی و آلمانی - کاهش مدیریت سود با بکارگیری استانداردهای بین‌المللی در مقایسه با استانداردهای ملی آلمان - کاهش مدیریت سود در آلمان با بکارگیری استانداردهای بین‌المللی - کاهش مدیریت و هموارسازی سود تحت استانداردهای بین‌المللی نسبت به استانداردهای چینی - کیفیت بالاتر اقلام تعهدی طبق استانداردهای کانادایی نسبت به استانداردهای آمریکایی
شناسایی به‌موقع زیان	بارث و همکاران (۲۰۰۸)، لوز و همکاران (۲۰۰۳)، کریستنسن و همکاران (۲۰۱۵)، ژو (۲۰۰۹)	<ul style="list-style-type: none"> - شناسایی به‌موقع زیان با پذیرش استانداردهای بین‌المللی نسبت به استانداردهای ملی در ۲۱ کشور - عدم شناسایی به‌موقع زیان شرکت‌های غیرآمریکایی به کاربرنده استانداردهای ملی در بازارهای سرمایه آمریکا نسبت به شرکت‌های آمریکایی به کار برنده استانداردهای آمریکایی - شناسایی به‌موقع زیان با به‌کارگیری داوطلبانه استانداردهای بین‌المللی در آلمان - عدم شناسایی به‌موقع زیان با به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی در چین

معیار	محققان	خلاصه یافته‌های تحقیقات
مربوط بودن ارزش	بارت و همکاران (۲۰۰۸)، اتوود و همکاران (۲۰۱۰)، لوز و همکاران (۲۰۰۳)، هریس و همکاران (۱۹۹۴)، هانگ و سوبرامانیام (۲۰۰۷)، اسپیل (۲۰۰۷)، جرماکوویچ و همکاران (۲۰۰۷)، و بارتف و همکاران	<p>- افزایش ارزش مربوط با بکارگیری استانداردهای بین‌المللی نسبت به استانداردهای ملی در ۲۱ کشور</p> <p>- عدم تفاوت ارتباط سود با جریان‌های نقدی آتی تحت استانداردهای بین‌المللی نسبت به استانداردهای ملی غیر آمریکایی در ۳۳ کشور</p> <p>- ارتباط کمتر ارقام حسابداری با قیمت سهام در شرکت‌های غیر آمریکایی به کاربرنده استانداردهای ملی در بازارهای سرمایه آمریکا نسبت به شرکت‌های آمریکایی به کار برنده استانداردهای آمریکایی</p> <p>- افزایش توان تبیین رگرسیون قیمت بر سود و ارزش دفتری طبق استانداردهای آمریکایی و بین‌المللی نسبت به استانداردهای آلمانی</p> <p>- عدم تفاوت توان تبیین رگرسیون قیمت بر سود و ارزش دفتری طبق استانداردهای بین‌المللی نسبت به استانداردهای آلمانی</p>
مربوط بودن ارزش	(۲۰۰۵)، ایگر و هیلی (۲۰۰۳)، وو و ژانگ (۲۰۰۹)	<p>- بیشتر بودن مربوط بودن ارزش طبق استانداردهای آلمانی نسبت به استانداردهای بین‌المللی</p> <p>- افزایش مربوط بودن سود با بکارگیری داوطلبانه استانداردهای بین‌المللی و آمریکایی در آلمان</p> <p>- عدم تفاوت ارتباط ارقام حسابداری با بازده در استانداردهای بین‌المللی و چینی در شرکت‌های با مالکیت سرمایه‌گذاران بین‌المللی، اما ارتباط بیشتر این ارقام با بازده طبق استانداردهای بین‌المللی برای شرکت‌های با مالکیت بومی</p> <p>- مربوط تر بودن سود حسابداری تحت استانداردهای بین‌المللی برای ارزیابی عملکرد درون‌سازمانی</p>
ویژگی‌های پیش‌بینی تحلیلی‌گران	اشباوق و پینسوز (۲۰۰۱)، کویچرز و بوجینک (۲۰۰۵)، داسکه (۲۰۰۵)، ارنستبرگر و همکاران (۲۰۰۸)	<p>- کاهش خطای پیش‌بینی با پذیرش استانداردهای بین‌المللی در ۱۳ کشور</p> <p>- افزایش پراکندگی پیش‌بینی در سال‌های اولیه پذیرش استانداردهای بین‌المللی یا آمریکایی در اتحادیه اروپا</p> <p>- دقت پیش‌بینی کمتر و پراکندگی بیشتر پیش‌بینی تحت استانداردهای بین‌المللی یا آمریکایی نسبت به استانداردهای آلمانی، اما عدم تفاوت در نوسان پیش‌بینی</p> <p>- دقت پیش‌بینی بیشتر تحت استانداردهای بین‌المللی یا آمریکایی نسبت به استانداردهای ملی آلمان</p>
ویژگی‌های سود	اتوود و همکاران (۲۰۱۱)، گاسن و سلهورن (۲۰۰۶)، هانگ و سوبرامانیام (۲۰۰۷)	<p>- عدم تفاوت استمرار سود تحت استانداردهای بین‌المللی نسبت به استانداردهای ملی غیر آمریکایی در ۳۳ کشور</p> <p>- سود مستمتر و محافظه کارانه تر طبق استانداردهای بین‌المللی نسبت به آلمانی</p> <p>- افزایش سود خالص و ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام با بکارگیری استانداردهای بین‌المللی در آلمان</p>
هزینه سرمایه	کارامانو و نیشیوتیز (۲۰۰۹)، شی و کیم	<p>- کاهش هزینه سرمایه با بکارگیری داوطلبانه استانداردهای بین‌المللی در کشورهای مختلف</p>

معیار	محققان	خلاصه یافته‌های تحقیقات
	(۲۰۰۷)، لوز و ورچیا (۲۰۰۰)، داسکه (۲۰۰۶)	- کاهش هزینه سرمایه با پذیرش داوطلبانه استانداردهای بین‌المللی یا آمریکایی در شرکت‌های آلمانی - عدم کاهش هزینه سرمایه با پذیرش داوطلبانه استانداردهای بین‌المللی یا آمریکایی نسبت به استانداردهای آلمانی
واکنش قیمت	کارامانو و نیشوتیز (۲۰۰۹)، آور (۱۹۹۶)	- بازده غیرعادی مثبت پیرامون اعلان بکارگیری داوطلبانه استانداردهای بین‌المللی در کشورهای مختلف - محتوای اطلاعاتی بیشتر سود تحت استانداردهای بین‌المللی نسبت به استانداردهای سوئیسی

خلاصه تحقیقاتی که تأثیرات استانداردهای بین‌المللی را با استانداردهای آمریکایی مقایسه کرده‌اند در نگاره ۲ ارائه شده است.

نگاره (۲): بررسی تأثیر پذیرش داوطلبانه مجموعه‌ای از استانداردها (مقایسه استانداردهای آمریکایی با استانداردهای بین‌المللی)

معیار	محققان	خلاصه یافته‌های تحقیقات
مدیریت سود	بارث و همکاران (۲۰۰۶)، شلتون و همکاران (۲۰۱۱)، لین و همکاران (۲۰۱۲)، ون درمولن و همکاران (۲۰۰۷) در آلمان	- مدیریت سود بیشتر در استانداردهای بین‌المللی نسبت به آمریکایی - عدم تفاوت معنادار دستکاری سود تحت استانداردهای بین‌المللی و استانداردهای آمریکایی - مدیریت سود بیشتر طبق استانداردهای بین‌المللی نسبت به استانداردهای آمریکایی در آلمان - عدم تفاوت کیفیت اقلام تعهدی طبق استانداردهای بین‌المللی و استانداردهای آمریکایی در آلمان
شناسایی به موقع زیان	بارث و همکاران (۲۰۰۶)، لین و همکاران (۲۰۱۲)، ون درمولن و همکاران (۲۰۰۷)	- شناسایی به موقع تر زیان طبق استانداردهای آمریکایی نسبت به بین‌المللی - عدم شناسایی به موقع زیان طبق استانداردهای بین‌المللی نسبت به استانداردهای آمریکایی در آلمان - عدم تفاوت به موقع بودن طبق استانداردهای بین‌المللی و استانداردهای آمریکایی در آلمان
مربوط بودن ارزش	هریس و مولر (۱۹۹۹)، بارتف و همکاران (۲۰۰۵)، بارث و همکاران (۲۰۰۶)، اتوود و همکاران (۲۰۱۱)، لین و همکاران (۲۰۱۲)، ون درمولن و همکاران (۲۰۰۷)	- افزایش ارزش مربوط در استانداردهای آمریکایی نسبت به بین‌المللی - عدم تفاوت مربوط بودن ارزش در استانداردهای بین‌المللی و استانداردهای آمریکایی در آلمان - مربوط بودن کمتر ارزش طبق استانداردهای بین‌المللی نسبت به استانداردهای آمریکایی در آلمان
قابلیت مقایسه	بارث و همکاران (۲۰۱۲)	قابلیت مقایسه بالای شرکت‌های بکاربرنده استانداردهای بین‌المللی و استانداردهای آمریکایی

معیار	محققان	خلاصه یافته‌های تحقیقات
ویژگیهای سود	اتوود و همکاران (۲۰۱۱)، گوردون و همکاران (۲۰۰۸)، ون در مولن و همکاران (۲۰۰۷)	<ul style="list-style-type: none"> - عدم تفاوت استمرار سود مثبت گزارش شده تحت استانداردهای بین‌المللی نسبت به استانداردهای آمریکایی، اما استمرار کمتر زیان طبق استانداردهای بین‌المللی نسبت به استانداردهای آمریکایی - بالاتر بودن استمرار سود، استمرار جریان‌های نقدی و هموارسازی سود مطابق استانداردهای بین‌المللی - عدم تفاوت کیفیت اقلام تعهدی، قابلیت پیش‌بینی سود و جریان‌های نقدی بین دو مجموعه استاندارد - بیشتر بودن توانای پیش‌بینی سود در استانداردهای آمریکایی نسبت به بین‌المللی در آلمان
هزینه سرمایه	لوز (۲۰۰۳)، لوز و ورجیا (۲۰۰۰)	عدم تفاوت معنادار در هزینه سرمایه طبق استانداردهای بین‌المللی و آمریکایی در شرکت‌های آلمانی
کیفیت	KPMG (2000)	- مشابه بودن کیفیت این دو مجموعه استاندارد، اما کمتر بودن هزینه‌های بکارگیری استانداردهای بین‌المللی، با وجود ترجیح استانداردهای آمریکایی برای دستیابی به بازارهای سرمایه

گروه دوم که تأثیرات کلی استانداردها را مورد بررسی قرار داده‌اند، تحقیقاتی هستند که به بررسی بکارگیری اجباری استانداردها پرداخته‌اند. از سوی دیگر، با توجه به اجباری شدن بکارگیری استانداردهای بین‌المللی در بسیاری از کشورها، بیشتر تحقیقاتی که به بررسی تأثیرات پذیرش اجباری مجموعه‌ای از استانداردها پرداخته‌اند، تأثیرات پذیرش اجباری استانداردهای بین‌المللی را بررسی کرده‌اند. در نگاه ۳ خلاصه‌ای از تحقیقاتی که به بررسی تأثیرات پیش از اجباری شدن استانداردها پرداخته‌اند، ارائه شده است. در نگاه ۴ نیز خلاصه تحقیقاتی که به بررسی تأثیر پذیرش استانداردها پس از اجباری شدن آنها پرداخته‌اند، ارائه شده است.

نگاره (۳): تحقیقات انجام شده در خصوص بررسی تأثیر پذیرش استانداردها پیش از اجباری شدن

آن‌ها

معیار	محققان	خلاصه یافته‌های تحقیقات
واکنش قیمت	کامپریکس و همکاران (۲۰۰۳)، آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۰)، کریستنسن و همکاران (۲۰۰۷)	<ul style="list-style-type: none"> - واکنش‌های مثبت (منفی) بازار سرمایه به رویدادهای مرتبط با افزایش (کاهش) احتمال به کار بردن استانداردهای بین‌المللی در اتحادیه اروپا - واکنش مثبت بازار به رویدادهای مرتبط با افزایش احتمال بکارگیری اجباری استانداردهای بین‌المللی در انگلستان
تأثیر بر محیط	الشریری و همکاران (۲۰۰۸)، مک‌گی و پروبراگنسکاوا (۲۰۰۴)، الجاوز (۲۰۰۰)، راشد و حسین (۲۰۰۲)، حجازی و همکاران (۱۳۹۲)	<ul style="list-style-type: none"> - تأثیر استانداردهای بین‌المللی بر محیط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اردن - تأثیر استانداردهای بین‌المللی بر محیط اقتصادی روسیه - تأثیر استانداردهای بین‌المللی بر محیط اقتصادی و نه محیط سیاسی عراق - تأثیر استانداردهای بین‌المللی بر محیط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی عراق - تأثیر استانداردهای بین‌المللی بر محیط اقتصادی ایران
هزینه‌ها و مزایا	هجلستروم و شوستر (۲۰۱۱)، اوجو (۲۰۱۲)، جوهمانی (۱۹۹۸)، رحمانی و علیپور (۱۳۹۰)	<ul style="list-style-type: none"> - عدم وجود مزایا در بکارگیری استانداردهای بین‌المللی در سوئیس از دید حسابداران - بیشتر بودن مزایای پذیرش این استانداردها از هزینه‌های مورد انتظار آن در آفریقا - عدم افزایش محتوای اطلاعات صورت‌های مالی با پذیرش استانداردهای بین‌المللی، اما افزایش قابلیت پیش‌بینی برخی از معیارهای ریسک - وجود مزایا در بکارگیری استانداردهای بین‌المللی از دید جامعه حسابداری ایران

نگاره (۴): تحقیقات انجام شده در خصوص بررسی تأثیر پذیرش استانداردها پس از اجباری شدن

آنها

معیار	محققان	خلاصه یافته‌های تحقیقات
مدیریت سود	چن و همکاران (۲۰۱۰)، جاوهر و مونیرا (۲۰۱۴)، کایی و همکاران (۲۰۰۸)، آوسنگ و همکاران (۲۰۰۸)، کالوو و جارن (۲۰۱۰)، احمد و همکاران (۲۰۰۹)، احمد و همکاران (۲۰۱۰)، اوسما و پوپ (۲۰۰۹)، احمد و همکاران (۲۰۱۰)، جین جین و استولوی (۲۰۱۰)، مورایس و همکاران (۲۰۰۸)، پآآن (۲۰۰۸)، ایاتریدیس (۲۰۱۰)، ایاتریدیس و رولس (۲۰۱۰)، دیمیتروپولس (۲۰۱۳)، ژگال و همکاران (۲۰۱۲)، چوا و همکاران (۲۰۱۲)، کبیر و همکاران (۲۰۱۰)، وانگ و کمپیل (۲۰۱۲)، گونچروف و زیرمن (۲۰۰۶)، کریستنسن و همکاران (۲۰۰۸)، سان و همکاران (۲۰۱۱)	<ul style="list-style-type: none"> - کاهش مدیریت سود و اقلام تعهدی اختیاری و افزایش کیفیت اقلام تعهدی در کشورهای عضو اتحادیه اروپا - کاهش مدیریت سود در کشورهای اروپای مرکزی، اما عدم تغییر در انگلستان، ایرلند یا اروپای شمالی - کاهش مدیریت سود در طی زمان در کشورهای به کار برنده استانداردهای بین‌المللی - شدت مدیریت سود در اتحادیه اروپا - افزایش مدیریت سود در ۲۰ کشور مورد بررسی - افزایش هموارسازی سود و گزارشگری جسورانه اقلام تعهدی در کشورهای مورد بررسی - عدم ارتقای کیفیت سود در ۳۰ کشور مورد بررسی - افزایش هموارسازی سود در ۲۱ کشور مورد بررسی - عدم کاهش مدیریت سود در استرالیا، فرانسه و انگلستان حتی افزایش آن در فرانسه - عدم تفاوت در اقلام تعهدی اختیاری شرکت‌های غیر آمریکایی در بازارهای سرمایه آمریکا - کاهش هموارسازی سود در شرکت‌های پرتغالی - افزایش هموارسازی سود در شرکت‌های سوئیسی - کاهش مدیریت سود در انگلستان، یونان، فرانسه و استرالیا - افزایش اقلام تعهدی اختیاری در نیوزیلند - عدم کاهش مدیریت سود در چین - عدم ارتقای کیفیت حسابداری در قالب مدیریت سود در آلمان
شناسایی به موقع زیان	چن و همکاران (۲۰۱۰)، احمد و همکاران (۲۰۰۹)، احمد و همکاران (۲۰۱۰)، جاوهر و مونیرا (۲۰۱۰)، پآآن (۲۰۰۸)، دوس - سانتوز و کاوالکاته (۲۰۱۴)، کوستا (۲۰۱۲)، جاروا و لتو (۲۰۱۰)، کریستنسن و همکاران (۲۰۰۸)، ایاتریدیس (۲۰۱۰)، بالساری و همکاران (۲۰۱۰)، چوا و همکاران (۲۰۱۲)، دیمیتروپولس (۲۰۱۳)، سان و همکاران (۲۰۱۱)	<ul style="list-style-type: none"> - کاهش شناسایی به موقع زیان در ۱۵ کشور عضو اتحادیه اروپا - کاهش شناسایی به موقع زیان در کشورهای مورد بررسی - کاهش شناسایی به موقع زیان در سوئیس - کاهش به موقع بودن در برزیل - عدم شناسایی به موقع تر زیان در آلمان - ارتقای به موقع بودن در ۱۷ کشور اروپایی - ارتقای به موقع بودن در برزیل، انگلستان، یونان، ترکیه و استرالیا - به موقع تر بودن سود تحت استانداردهای ملی فنلاند نسبت به استانداردهای بین‌المللی - عدم تغییر شناسایی به موقع زیان در شرکت‌های غیر آمریکایی در بازارهای سرمایه آمریکا
مربوط بودن ارزش	بارث و همکاران (۲۰۱۳)، احمد و همکاران (۲۰۱۳)، کانگ (۲۰۱۳)، آهارونی و همکاران (۲۰۱۰)، منگاناریس و همکاران (۲۰۱۰)	<ul style="list-style-type: none"> - مربوط بودن تعدیل سود خالص در نتیجه بکارگیری استانداردهای بین‌المللی در اروپا - افزایش ارتباط میان سود حسابداری و قیمت‌های سهام در حوزه‌های مختلف

معیار	محققان	خلاصه یافته‌های تحقیقات
مربوط بودن ارزش	(۲۰۱۱)، جاوهر و مونیرا (۲۰۱۴)، گاستون و همکاران (۲۰۱۰)، کلار کسون و همکاران (۲۰۱۱)، دیوال و همکاران (۲۰۱۰)، پآتن و لین (۲۰۰۸)، ایاتریدیس (۲۰۱۰)، چویی و همکاران (۲۰۱۳)، هورتون و سرافایم (۲۰۱۰)، ایاتریدیس و روولس (۲۰۱۰)، دیمیتروپولس (۲۰۱۳)، کارامینیس و هواس (۲۰۱۱)، کوسر و آزیم (۲۰۱۱)، اسماعیل و همکاران (۲۰۱۰)، کادری و زولکیفلی (۲۰۰۸)، ماسدو و همکاران (۲۰۱۳)، دوس سانتوز و کاوالکانه (۲۰۱۴)، لیما (۲۰۱۰)، رودریگس (۲۰۱۲)، چاروا و لنتو (۲۰۱۰)، پآتن (۲۰۰۸)، لیو و همکاران (۲۰۱۲)، مورایس و همکاران (۲۰۰۸)، جرده و همکاران (۲۰۰۸)، کلیمچاک (۲۰۱۱)، گارانینا و کوردیلستوا (۲۰۱۴)، کارگین (۲۰۱۳)، چالمرز و همکاران (۲۰۱۱)، چوا و همکاران (۲۰۱۲)، گودوین و همکاران (۲۰۰۸)، موریکون و همکاران (۲۰۰۹)، سان و همکاران (۲۰۱۱)	<ul style="list-style-type: none"> - ارتقای مربوط بودن ارزش در کشورهای اروپایی مورد بررسی - بیشتر بودن ارتباط سود خالص و ارزش بازار تحت استانداردهای ملی نسبت به استانداردهای بین‌المللی در کشورهای اروپایی - کاهش مربوط بودن ارزش سود و ارزش دفتری سهام عادی نسبت به دوره بکارگیری اختیاری استانداردهای بین‌المللی - عدم ارتقای مربوط بودن ارزش‌های دفتری در اروپا و استرالیا - کاهش مربوط بودن ارزش در آلمان، فرانسه، یونان، سوئیس، پرو و پرتغال - عدم ارتقای مربوط بودن ارزش در آلمان، اسپانیا، فرانسه، انگلستان، ایتالیا، یونان، نروژ، روسیه و استرالیا - افزایش مربوط بودن ارزش در انگلستان، یونان، برزیل و استرالیا - عدم تأثیر بر مربوط بودن ارزش در برزیل و هلند - افزایش مربوط بودن سود تحت استانداردهای بین‌المللی نسبت به استانداردهای ملی انگلستان - عدم مربوط تر بودن سود تحت استانداردهای بین‌المللی نسبت به استانداردهای ملی استرالیا - ارتقای مربوط بودن ارزش در خصوص ارزش‌های دفتری، اما عدم ارتقای مربوط بودن سود در ترکیه - بهبود توان تبیین سود به خصوص برای شرکت‌های بزرگ در استرالیا - عدم افزایش مربوط بودن افشاهای دارایی‌های نامشهود در ایتالیا - تأثیر منفی بر مربوط بودن صورت‌های مالی در اسپانیا و انگلستان - ارتباط قوی‌تر میان قیمت‌های سهام با سود و ارزش‌های دفتری در پاکستان - ارتقای مربوط بودن ارزش و کیفیت سود در مالزی - عدم ارتباط نزدیک‌تر قیمت سهام و ارزش‌های دفتری و سود در مالزی - محتوای اطلاعاتی بیشتر سود تحت استانداردهای بین‌المللی نسبت به استانداردهای ملی فنلاند در پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی - عدم تغییر ضریب واکنش سود در شرکت‌های غیر آمریکایی در بازارهای سرمایه آمریکا
قابلیت مقایسه	کاسینو و گاسن (۲۰۱۰) بوسلینچ و همکاران (۲۰۰۷)، بیپ و یانگ (۲۰۱۲)، آندره و همکاران (۲۰۱۲)، دارگنیدو و مککلی (۲۰۱۰)، هورتون و همکاران (۲۰۱۳)، یانگ و زنگ (۲۰۱۰)، جونز و فینلی (۲۰۱۱)، بایرلین و فاروکو (۲۰۱۲)، بروچت و همکاران (۲۰۱۳)، لیاو و همکاران (۲۰۱۲)، جرماکوویچ و همکاران (۲۰۰۷) ICAEW (2007)	<ul style="list-style-type: none"> - عدم ارتقای قابلیت مقایسه سود در ۱۴ کشور عضو اتحادیه اروپا - عدم ارتقای قابلیت مقایسه سود در ۴۰ کشور مختلف - ارتقای قابلیت مقایسه برخی اقلام اصلی ترازنامه در ۴۰ کشور مختلف - ارتقای قابلیت مقایسه در کشورهای مورد بررسی - کاهش بااهمیت در تغییرپذیری نسبت‌های ترازنامه، صورت سود و زیان و صورت جریان وجوه نقد در اتحادیه اروپا و استرالیا - ارتقای قابلیت مقایسه در انگلستان - ارتقای قابلیت مقایسه سیاست‌های حسابداری در خصوص مالیات معوق و سرقفلی تنها در کشور انگلستان، اما عدم ارتقای آن در استرالیا و هنگ کنگ - افزایش قابلیت مقایسه در سال اول بکارگیری در فرانسه و آلمان، اما کاهش آن در سال‌های بعد

معیار	محققان	خلاصه یافته‌های تحقیقات
قابلیت مقایسه		<ul style="list-style-type: none"> - ارتقای قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بین کشورها، میان رقبای یک صنعت و صنایع در اتحادیه اروپا طبق نظر پاسخ‌دهندگان - ارتقای قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در آلمان طبق نظر پاسخ‌دهندگان
ویژگی‌های پیش‌بینی تحلیلی‌گران	هورتون و همکاران (۲۰۱۳)، بوسلینچ و همکاران (۲۰۱۰)، جیاو و همکاران (۲۰۱۲)، آندره و همکاران (۲۰۱۲)، چویی و همکاران (۲۰۱۰)، مارتینز و دومر (۲۰۱۲)	<ul style="list-style-type: none"> - افزایش دقت پیش‌بینی‌ها در کشورهای مورد بررسی - کاهش پراکندگی پیش‌بینی‌ها در اتحادیه اروپا - افزایش دقت پیش‌بینی‌ها در انگلیس و برزیل - کاهش پراکندگی پیش‌بینی‌ها در انگلیس - کاهش تعصب پیش‌بینی‌ها در برزیل
ویژگی‌های سود	دوانگیلوی و گری (۲۰۰۷)، سان و همکاران (۲۰۱۱)	<ul style="list-style-type: none"> - عدم ارتقای قابلیت پیش‌بینی سود در ژاپن - بهبود استمرار سود در شرکت‌های غیر آمریکایی در بازارهای سرمایه آمریکا
واکنش قیمت	لندسمن و همکاران (۲۰۱۲)، بوسلینچ و همکاران (۲۰۱۰)، کلیمچاک (۲۰۱۱)، کارامانو و همکاران (۲۰۱۰)	<ul style="list-style-type: none"> - افزایش محتوای اطلاعاتی سود پس از بکارگیری استانداردهای بین‌المللی - ارتقای کارایی قیمت‌های سهام - عدم تأثیر استانداردهای بین‌المللی بر محتوای اطلاعاتی در هلند - کاهش بازده غیرعادی پیرامون رویدادها
نقدشوندگی	داسکه و همکاران (۲۰۰۸)، هایل و لوز (۲۰۰۷)، کریستنسن و همکاران (۲۰۱۳)، پلاتیکانو و پرامون (۲۰۰۹)	<ul style="list-style-type: none"> - افزایش نقدشوندگی بازار سرمایه در ۲۶ کشور - ارتقای نقدشوندگی بازار سرمایه در اتحادیه اروپا - افزایش نقدشوندگی تنها در چهار کشور اروپایی شامل فنلاند، آلمان، هلند و انگلستان - افزایش نقدشوندگی در فرانسه و آلمان، اما عدم ارتقا در سوئد و انگلستان
هزینه سرمایه	داسکه و همکاران (۲۰۰۸)، لی (۲۰۱۰)، کاستیلو مرینو و همکاران (۲۰۱۴)، پالا (۲۰۰۷)، هایل و لوز (۲۰۰۷)	<ul style="list-style-type: none"> - کاهش هزینه سرمایه در ۲۶ کشور مورد بررسی - کاهش هزینه سرمایه در اتحادیه اروپا - کاهش اندک هزینه سرمایه در اتحادیه اروپا - کاهش هزینه سرمایه ۳۵ بانک اروپایی - کاهش هزینه سرمایه در اسپانیا
تأثیرات جانبی	چن و چن (۲۰۱۲)	<ul style="list-style-type: none"> اثرات جانبی مثبت پذیرش استانداردهای بین‌المللی در ۱۷ کشور اروپایی شامل قدرت اجرای قانون، ترکیب همکاری‌ها، رقابت صنعت، بهره‌وری داخلی و خارجی سرمایه-گذاری
هزینه استانداردها	ICAEW (2007) CFERF (2013) کیم و همکاران (۲۰۱۲)	<ul style="list-style-type: none"> - بیشتر بودن هزینه‌های بکارگیری استانداردهای بین‌المللی برای شرکت‌های کوچک‌تر - افزایش حق الزحمه‌های حسابرسی برای شرکت‌های بکار برنده استانداردهای بین‌المللی

طبق نگاره ۵، تحقیقات صورت گرفته در ایران در این خصوص، به بررسی تأثیرات پذیرش

استانداردهای حسابداری ملی ایران پرداخته‌اند.

نگاره (۵): تحقیقات انجام شده در خصوص بررسی تأثیر بکارگیری استانداردهای ملی ایران

معیار	محقق	خلاصه یافته‌های تحقیق
مدیریت سود	مشایخ و امینی (۱۳۸۹) ثقفی و ابراهیمی (۱۳۸۸)	- کاهش مدیریت سود بعد از بکارگیری استانداردهای حسابداری - عدم تأثیر استانداردهای حسابداری بر کیفیت اقلام تعهدی
شناسایی به موقع زیان	مشایخ و امینی (۱۳۸۹)	- شناسایی به موقع زیان بعد از بکارگیری استانداردهای حسابداری
مربوط بودن ارزش	مشایخ و امینی (۱۳۸۹) ثقفی و ابراهیمی (۱۳۸۸)	- کاهش توضیح دهندگی قیمت سهام بعد از بکارگیری استانداردهای حسابداری - عدم تأثیر استانداردهای حسابداری بر مربوط بودن ارزش
ضریب واکنش سود	شورورزی و افروزمنش (۱۳۹۰) ثقفی و ابراهیمی (۱۳۸۸)	- تفاوت معنادار ضریب واکنش سود قبل و بعد از اجرای استانداردهای حسابداری - عدم تأثیر استانداردهای حسابداری بر ضریب واکنش سود
پایداری سود	نیکومرام و فتحی (۱۳۹۰) ثقفی و ابراهیمی (۱۳۸۸)	- عدم تأثیر استانداردهای حسابداری بر پایداری سود - بهبود پایداری سود پس از اجرای استانداردهای حسابداری
نظرسنجی در خصوص میزان اهمیت و اثربخشی استانداردها	مجته‌زاده و مددی نعمتی (۱۳۸۴)	اهمیت استانداردهای حسابداری و اجرای اثربخش آن از دیدگاه حساب‌برسان مستقل
نظرسنجی در خصوص تأثیر استانداردها بر کیفیت اظهار نظر حساب‌برسان مستقل	مهدوی و کارجوی رافع (۱۳۸۴)	افزایش کیفیت اظهار نظر حساب‌برسان مستقل با اجرای استانداردهای حسابداری

بررسی یافته‌های تحقیقات انجام شده بیانگر یافته‌های متفاوت و حتی متناقض است. به عبارتی، محققان حسابداری تاکنون این سوال را حل نکرده‌اند که ارزش افزوده نسبی پیاده‌سازی استانداردها چیست؟ آنها بر ترکیباتی از انگیزه‌های پیش روی مدیران و سختی اجرای استانداردها تأیید و بر مبنای توانایی کنترل این تأثیرات نتیجه‌گیری می‌کنند. به عنوان مثال، بارث بیان کرده است که اگرچه در تحقیق انجام شده تأثیرات انگیزه‌ها و محیط اقتصادی حذف شده است، نمی‌توان مطمئن بود که نتایج کسب شده مربوط به تغییرات سیستم گزارشگری یا تغییر انگیزه‌های شرکت و محیط اقتصادی است (اسچپیر، ۲۰۱۰). چالش دیگر تفکیک تأثیرات

بکارگیری استانداردها از سایر تغییراتی است که بر خروجی‌ها تأثیرگذار است. به عنوان مثال، تصویب یک قانون خاص در زمان بکارگیری استانداردها بر خروجی‌های مشاهده شده تأثیرگذار خواهد بود (پوپ و مک‌لی، ۲۰۱۱).

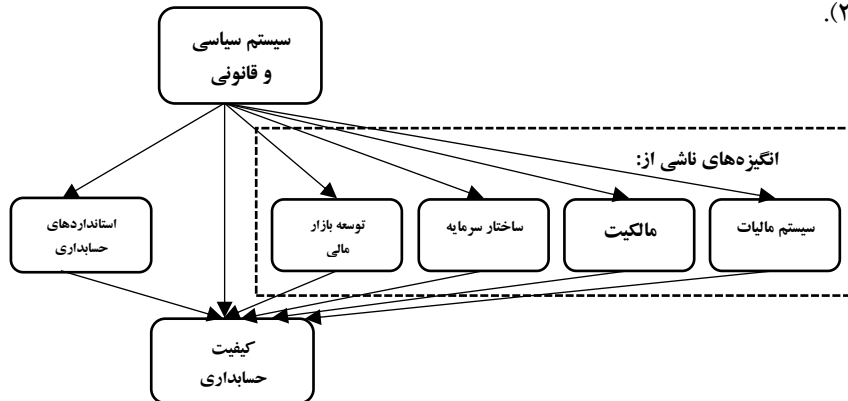
مساله بیان شده تنها نمونه‌ای از مسائلی است که هنگام افزایش عوامل ایجادکننده خروجی‌های مشاهده شده، رخ می‌دهد. درخصوص استانداردهای گزارشگری مالی، این عوامل شامل تخصص افرادی که استانداردها را پیاده می‌کنند، پیچیدگی ذاتی اندازه‌گیری‌های مربوطه، کیفیت سیستم‌های اطلاعاتی و داده‌های مستخرج از آنها و توان عملکردهای اطمینان‌دهی و راهبری است. تحقیقاتی که تأثیرات استانداردها را مورد بررسی قرار می‌دهند، باید این عوامل را کنترل کرده یا فرض نماید این تأثیرات مرتبه دوم هستند یا به شیوه یکسانی بر خروجی‌ها تأثیر خواهند گذاشت. باید توجه نمود که هر یک از این رویکردها، مشکلات خود را دارد (اسچپیر، ۲۰۱۰).

از سوی دیگر، تحقیقات دانشگاهی که تأثیرات استانداردهای حسابداری را بررسی می‌کنند بر مزایا یا حداقل خروجی‌های گزارشگری و تأثیرات بازار سرمایه اتکا کرده و تأییدی بر روش‌های پیمایشی برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به هزینه‌ها را ندارند. بررسی تحقیقات نیز نشان می‌دهد که تحقیقات اندکی به صورت پیمایشی به بررسی هزینه‌های استانداردهای حسابداری پرداخته‌اند (اسچپیر، ۲۰۱۰). تحقیقاتی که خروجی‌های گزارشگری و تأثیرات بازار سرمایه را بررسی کرده‌اند، نیز شاخص‌های خلاصه‌ای را تحلیل کرده‌اند که منعکس‌کننده اوج یک فرآیند گزارشگری چند مرحله‌ای (برای خروجی‌های گزارشگری) یا اوج فرآیند گزارشگری چند مرحله‌ای به اضافه فرآیند استفاده بازار از اطلاعات (برای خروجی‌های بازار سرمایه) است. این تحقیقات بسته به شاخص خروجی در نظر گرفته شده نتایج متناقضی ارائه کرده‌اند. یکی از دلایل اصلی این نتایج متناقض، اندازه‌گیری خروجی‌های مرتبط است. به عنوان مثال، اندازه‌گیری شفافیت، قابلیت مقایسه و خروجی‌های بازار سرمایه آسان نیست. اندازه‌گیری‌های مختلف این مشخصه‌ها قطعاً به نتایج متفاوتی منجر خواهد شد (پوپ و مک‌لی، ۲۰۱۱).

نکته دیگر در خصوص مسائل مربوط به اندازه‌گیری این است که افزایش کیفیت حسابداری بستگی به چگونگی اندازه‌گیری آن دارد؛ اگر معیارهای کیفیت بر حسب ترازنامه باشند، در

شرایطی که استانداردهای حسابداری مبتنی بر ترازنامه هستند، افزایش کیفیت مشاهده می‌شود، زیرا در این صورت معیارهای مربوط به دارایی‌ها و بدهی‌ها ارتقا یافته است. در این شرایط اگر معیارهای کیفیت حسابداری از صورت سود و زیان استخراج شده باشند، نتایج بیانگر کاهش کیفیت حسابداری خواهد بود. این نکته در تحقیق بارث (۲۰۰۸) رعایت شده است، زیرا او به دلیل اینکه استانداردهای آمریکایی را بررسی می‌نمود که مبتنی بر ترازنامه هستند، معیارهای کیفیت مبتنی بر ترازنامه را مورد بررسی قرار داد.

مطابق شکل ۱، استانداردهای حسابداری، سیستم‌های سیاسی و قانونی و انگیزه‌های گزارشگری مالی بر کیفیت حسابداری تأثیرگذارند. تغییر استانداردهای حسابداری تنها یکی از عوامل تعیین‌کننده کیفیت حسابداری است. به دلیل اینکه سایر عوامل تعیین‌کننده کیفیت حسابداری در کشورهای مختلف متفاوت هستند، این احتمال وجود دارد که حتی با پذیرش استانداردهای یکپارچه، کیفیت حسابداری در کشورهای مختلف متفاوت باشد. بنابراین، لازم است محققان حسابداری در مطالعات بین‌کشورها بر اهمیت کنترل تفاوت‌های موجود در محیط‌های اقتصادی و مقرراتی و به خصوص اجرایی کشورها تأیید نمایند (سودستروم و سان، ۲۰۰۷).



منبع: سودستروم و سان (۲۰۰۷)

شکل (۱): عوامل موثر بر کیفیت حسابداری

یکی دیگر از دلایل این نتایج متناقض، مسائل روش‌شناسی این تحقیقات است. یکی از مهمترین مسائل روش‌شناسی، سوءگیری در انتخاب نمونه است. به عبارتی، شرکت‌هایی که به

صورت داوطلبانه استانداردهای بین‌المللی را پذیرفته‌اند، خصوصیات ذاتی دارند که ممکن است بر پیامدهای مشاهده شده تأثیرگذار باشند. از سوی دیگر، شرکت‌هایی که استانداردهای ملی آنها به استانداردهای بین‌المللی نزدیک‌تر است، به دلیل هزینه‌های کمتر مطابقت با استانداردهای بین‌المللی، تمایل بیشتری برای بکارگیری این استانداردها دارند. این شرکت‌ها حتی قبل از بکارگیری استانداردهای بین‌المللی، نسبت به شرکت‌هایی که استانداردهای بین‌المللی را نپذیرفته‌اند، به شرکت‌هایی که استانداردهای بین‌المللی را به کار می‌برند، نزدیک‌تر هستند (سودر ستروم و سان، ۲۰۰۷). یکی دیگر از مسائل مربوط به انتخاب نمونه، محدودیت دردسترس بودن داده‌ها است. به عبارتی، تحقیقات تجربی درخصوص پذیرش استانداردهای حسابداری بیشتر بر شرکت‌های بزرگ‌تر تأکید می‌کنند، بنابراین نتایج سوءگیرانه بوده و نمایانگر شرکت‌های کوچک‌تر نیست (پوپ و مک‌لی، ۲۰۱۱).

از سوی دیگر، تغییرات خروجی‌های حسابداری یا بازار به احتمال بیشتر هنگامی رخ می‌دهد که تفاوت میان استانداردهای قدیمی و استانداردهای جدید زیاد است. به عبارتی، در خصوص بکارگیری استانداردهای بین‌المللی، اگر استانداردهای ملی که استانداردهای بین‌المللی جایگزین آن می‌شود به استانداردهای بین‌المللی نزدیک باشد، نباید تأثیرات زیادی را از بکارگیری استانداردهای بین‌المللی بر خروجی‌های مورد بررسی انتظار داشت. در تحقیقات انجام شده، نمی‌توان به سادگی کشورها را در این زمینه طبقه‌بندی نمود. علاوه بر آن، استانداردهای بین‌المللی مبتنی بر اصول^{۱۷} هستند و بر مبنای اثربخشی چارچوب‌های اجرایی و انگیزه‌های تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی در یک کشور و همچنین میان کشورها، به گونه‌ای متفاوت به کار گرفته می‌شوند. این تفاوت‌ها تفکیک کامل تأثیرات بکارگیری اجباری استانداردهای بین‌المللی را با مشکل روبرو می‌کند.

البته گروهی از تحقیقات تلاش نموده‌اند که این تفاوت‌ها را کنترل کنند؛ برای مثال، کابی و همکاران (۲۰۱۴) در بررسی تأثیر استانداردهای بین‌المللی، میزان اختلاف میان استانداردهای ملی و استانداردهای بین‌المللی را قبل از بکارگیری استانداردهای بین‌المللی در نظر گرفتند. نتایج پژوهش آنها نشان داد در کشورهایی که این تفاوت بالا است، با بکارگیری استانداردهای بین‌المللی کاهش بیشتری در مدیریت سود مشاهده شده است. این نتیجه مطابق با این دیدگاه است که کشورهایی با کیفیت پایین استانداردهای ملی قبل از بکارگیری استانداردهای بین

المللی، بیشترین مزیت را از بکارگیری استانداردهای بین‌المللی کسب می‌کنند. کاپکون و همکاران (۲۰۱۳) نیز نشان دادند که مدیریت سود به دنبال بکارگیری اجباری استانداردهای بین‌المللی در کشورهایی است که استانداردهای ملی آن‌ها انعطاف‌پذیری کمتری دارد. آهارونی و همکاران (۲۰۱۰) چهارده کشور اروپایی را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند هرچه ارقام حسابداری طبق استانداردهای ملی تفاوت بیشتری با ارقام متناظر طبق استانداردهای بین‌المللی داشته باشند، ارزش افزوده تبدیل به استانداردهای بین‌المللی برای سرمایه‌گذاران بیشتر است. آگوستینو و همکاران (۲۰۱۱) با تأیید بر بانک‌های اروپایی نشان دادند که بکارگیری استانداردهای بین‌المللی محتوای اطلاعاتی سود و ارزش دفتری را برای بانک‌های شفاف‌تر، ارتقا داده است.

مساله دیگر، در خصوص تحقیقاتی است که در سطح چند کشور انجام گرفته‌اند. معمولاً در این تحقیقات، تعداد شرکت‌های یکسانی از هر کشور مورد بررسی قرار نمی‌گیرد؛ برای مثال، در ۲۱ کشور مورد تحقیق بارث و همکاران (۲۰۰۸)، شش کشور تنها یک شرکت پذیرنده و سه کشور تنها دو شرکت پذیرنده داوطلبانه استانداردهای بین‌المللی را داشتند و حدود ۷۰٪ نمونه از کشورهای چین، آلمان و سوئیس بودند. از ۲۶ کشور و ۸۷۲۶ شرکت مورد بررسی در پژوهش داسکه و همکاران (۲۰۰۸)، نیز چهار کشور ۴۰ یا کمتر از ۴۰ شرکت داشتند و حدود ۳۳٪ (۶۰٪) مشاهدات نمونه مرتبط با دو (پنج) کشور بودند. این تمرکز مشاهدات در برخی از کشورها و کمبود نسبی کشورهای دیگر، ویژگی داده‌های این تحقیقات است که نمی‌تواند توسط محقق تغییر کند. بنابراین، نتایج به دست آمده در خصوص تأثیرات برای کل نمونه ممکن است برای یک حوزه قضایی خاص متفاوت باشد (اسچپیر، ۲۰۱۰).

تعدادی از تحقیقات دانشگاهی از طریق بررسی تغییرات رخ داده در دوره بکارگیری استانداردهای جدید به دنبال تعیین تأثیر این استانداردها هستند. نکته حائز اهمیت این است که تبدیل از محیط قبل از استانداردها به محیط پس از آن در یک شب صورت نگرفته است؛ برای مثال، بعضی از شرکت‌های اروپایی قبل از الزامی شدن استانداردهای بین‌المللی به صورت داوطلبانه این استانداردها را به کار می‌برده‌اند. همچنین برخی از تأثیرات استانداردهای بین‌المللی توسط بازار پیش‌بینی شده است. بنابراین این تأثیرات از قبل در قیمت‌ها منعکس شده است. علاوه بر آن، برخی شرکت‌ها قبل از نتایج واقعی، اطلاعات خود را آشکار می‌کنند تا بازار را

برای آنچه که رخ خواهد داد، آماده نمایند یا گزارشات خود را برای هموار نمودن تبدیل شدن به استانداردهای جدید، تعدیل می‌کنند. این تأثیرات باعث پیچیده شدن مقایسه خروجی‌های حسابداری و بازار، قبل و پس از بکارگیری استانداردها می‌شود (پوپ و مک‌لی، ۲۰۱۱).

بررسی تأثیرات استاندارد

برخی از تحقیقات تجربی، تأثیر استاندارد حسابداری را مورد بررسی قرار داده‌اند. یکی از استانداردهایی که بسیار مورد توجه محققان قرار گرفته است، استاندارد هیات استانداردهای حسابداری مالی آمریکا شماره ۳۵^{۱۸} است که مربوط به نحوه حسابداری طرح‌های مزایای بازنشستگی توسط کارفرمایان است. این استاندارد شرکت‌ها را ملزم می‌کند به طور کامل طرح‌های مزایای بازنشستگی خود را در ترازنامه شناسایی نموده و تعهدات مربوط به آن‌ها را بر مبنای ارزش فعلی اکچواری برآورد نمایند. از آنجایی که این تعهدات قبلاً تنها افشا می‌شد، این الزام منجر به افزایش بدهی‌های بازنشستگی شرکت‌ها در ترازنامه گردید. بنابراین، محققان پیامدهای اقتصادی این استاندارد را مورد بررسی قرار داده و نتایج بررسی این استاندارد و همچنین سایر استانداردهای بررسی شده در نگاره ۶ ارائه شده است.

نگاره (۶): تحقیقات انجام شده در خصوص بررسی تأثیرات یک استاندارد

یافته‌ها	محققان	استاندارد بررسی شده
- استفاده از نرخ‌های تنزیل بالاتر توسط مدیران برای کاهش تعهدات بازنشستگی برآوردی	هومز و بویلان (۲۰۰۹)، فرید و دیویس (۲۰۱۳)، بیودوین و همکاران (۲۰۱۱)، همکاران (۲۰۱۰)، فرید (۲۰۱۲)، میترا و حسین (۲۰۰۹)، ناولز (۲۰۱۱)	طرح‌های مزایای بازنشستگی توسط کارفرمایان
- تأثیر این استاندارد بر سودآوری و ارزش شرکت و تصمیم به مسدود نمودن طرح‌های بازنشستگی به منظور کاهش تأثیرات منفی آن بر ارزش شرکت		
- تأثیر اطلاعات شناسایی شده بر جریان‌های نقدی و روابط قراردادی و افزایش انگیزه مسدود نمودن طرح‌های بازنشستگی		
- افزایش احتمال لابی با FASB در مقابله با این استاندارد توسط شرکت‌های با کسری بودجه در طرح‌های بازنشستگی		
- رابطه منفی میان قیمت سهام و تعدیلات صورت گرفته در خصوص طرح‌های بازنشستگی		
- تأثیر منفی / مثبت این استاندارد بر ارزش گذاری در بازار سرمایه		

یافته‌ها	محققان	استاندارد بررسی شده
<p>- قابل اتکاتر بودن ارزش منصفانه دارایی‌های بازنشستگی نسبت به ارزش دفتری محاسبه شده طبق SFAS 87 و APB 8</p> <p>- قابل اتکاتر بودن تعهدات انباشته و برآورد شده بدهی‌های بازنشستگی نسبت به ارزش دفتری این بدهی‌ها طبق SFAS 87</p> <p>- مربوط بودن ارزش تعهدات انباشته مربوط به مزایای پس از بازنشستگی طبق این استاندارد</p>	<p>بارث (۱۹۹۱)</p> <p>چویی و همکاران (۱۹۹۷)</p>	<p>طرح‌های مزایای بازنشستگی توسط کارفرمایان</p>
<p>- این استاندارد تنها دلیل کاهش هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی نبوده است، زیرا هنگام کاهش این مزایا شرکت‌ها به لحاظ مالی ضعیف‌تر بوده و هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی بالایی داشته‌اند.</p> <p>- همبستگی بیشتر بین اقلام مزایای پس از بازنشستگی و قیمت سهام هنگام شناسایی این اقلام نسبت به افشای آنها</p> <p>- ارزش گذاری کمتر از واقع تعهدات مربوط به سایر مزایای بازنشستگی طی سال‌های ۱۹۸۴-۱۹۸۶، اما ارزش گذاری بیشتر آن طی سال‌های ۱۹۸۷-۱۹۹۰</p> <p>- تأثیر متفاوت اجزای هزینه سایر مزایای پس از بازنشستگی بر قیمت سهام</p> <p>- آگاهی بخشی بیشتر هنگام عدم تجمع هزینه سایر مزایای پس از بازنشستگی</p>	<p>میتلستید و همکاران (۱۹۹۵)، دیویس و همکاران (۱۹۹۹)، امیر (۱۹۹۳)، امیر (۱۹۹۶)، بارث و همکاران (۱۹۹۲)</p>	<p>سایر مزایای پس از بازنشستگی</p>
<p>- تأثیر بکارگیری اجاره سرمایه‌ای بر نسبت‌های مالی به خصوص نسبت‌های مرتبط با دارایی‌ها و بدهی‌ها</p> <p>- تغییر اجاره‌های سرمایه‌ای شرکت‌ها به اجاره‌های عملیاتی و سایر منابع تأمین مالی به جز اجاره در نتیجه بکارگیری این استاندارد</p>	<p>فولبیر و همکاران (۲۰۰۸)، ایمهاف و توماس (۱۹۸۸)</p>	<p>اجاره‌ها</p>
<p>- تغییر سیاست‌های مدیریت ریسک مدیران در پاسخ به تغییرات حسابداری اوراق مشتقه</p>	<p>لینز و همکاران (۲۰۱۱)</p>	<p>اوراق مشتقه</p>
<p>- افزایش ارزش مربوط FSAS 109 نسبت به APB 11</p> <p>- فراهم نمودن اطلاعات مربوط توسط هر یک از الزامات SFAS 109</p>	<p>آیرز (۱۹۹۸)</p>	<p>بدهی‌های مالیات بر درآمد معوق</p>
<p>- افزایش نسبت بدهی تا ۳۵٪ در شرکت‌های با سهام ممتاز برجسته</p> <p>- بازخرید سهام ممتاز یا تغییر مشخصات این سهام در نتیجه این استاندارد به منظور طبقه‌بندی آن در حقوق صاحبان سهام</p>	<p>دی‌جانگ و همکاران (۲۰۰۶)</p>	<p>ابزارهای مالی</p>
<p>عدم بکارگیری این دو استاندارد در ۱۷ کشور اروپایی که بکارگیری استانداردهای بین‌المللی اجباری است.</p>	<p>گلاوم و همکاران (۲۰۱۳)</p>	<p>ترکیبات تجاری و کاهش ارزش دارایی‌های ثابت</p>
<p>- تأثیر مثبت اجرای این چهار استاندارد به خصوص استانداردهای حقوق و مزایای بازنشستگی در خطای پیش‌بینی، پراکندگی پیش‌بینی تحلیلگران و توان تبیین مدل ارزش گذاری</p> <p>- کاهش استمرار سود در نتیجه بکارگیری این استانداردها</p>	<p>کوهلبک و وارفیلد (۲۰۰۵)</p>	<p>حقوق و سایر مزایای پس از بازنشستگی، مالیات و سرمایه گذاری‌ها</p>

بررسی تحقیقاتی که تأثیر استاندارد را بررسی می‌کنند، نشان می‌دهد که در انجام این تحقیقات نیز مسائلی وجود دارد که می‌تواند بر نتایج آنها تأثیر گذار باشد؛ ممکن است در سال اجرای استاندارد مورد بررسی، استانداردهای دیگری نیز منتشر شده باشد، به طوری که نتوان حدود دقیقی برای یک استاندارد تعیین کرد. به عبارتی، ممکن است دوره پس از اجرای یک استاندارد با دوره پس از اجرای یک استاندارد دیگر همپوشانی داشته باشد. در این صورت تفکیک تأثیر استاندارد مورد بررسی از تأثیرات سایر استانداردهای همزمان، بسیار مشکل است. علاوه بر آن، بیشتر شرکت‌ها به کار بردن استانداردها را در یک زمان آغاز می‌کنند، بنابراین اثرات استانداردها در زمان تقویمی خوشه‌بندی می‌شود و این اثرات به طور بالقوه با عوامل کلان اقتصادی یا عوامل مرتبط با صنعت که بر گزارشگری مالی تأثیر گذارند، ادغام می‌شود. نکته دیگر این است که در این تحقیقات تمام شرکت‌های نمونه استانداردها را به کار می‌برند، بنابراین امکان تشکیل گروه مقایسه یا گروه کنترل به عنوان معیار محک برای گزارشگری در نبود تغییر استاندارد حسابداری وجود ندارد. مساله دیگر، مشکل بودن تفسیر نتایج این تحقیقات است؛ بدین معنا که ممکن است تأثیر یک استاندارد در نظر گرفته شده به حدی کوچک باشد که در داده‌ها کشف نشود یا یک استاندارد تأثیرات متفاوتی بر مشخصه‌های مختلف اطلاعات حسابداری داشته باشد. یک تغییر اساسی برای حل این مسائل، مطالعه تغییرات کلی استانداردهای حسابداری است. بنابراین، بیشتر تحقیقات در زمینه بررسی استانداردهای حسابداری به مطالعه مجموعه‌ای از استانداردها می‌پردازند.

نتیجه‌گیری

تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری انتظار دارند که استانداردهای حسابداری تدوین شده و یا تغییر یافته پیامدهایی به دنبال داشته باشد. بنابراین، آنها تلاش می‌کنند بین این پیامدها و ملاحظات فنی و مفهومی حسابداری نوعی توازن برقرار کنند. بر این اساس لازم است تأثیرات یا پیامدهای استانداردهای تدوین شده مورد ارزیابی قرار گیرد. بنابراین، تحلیل تأثیر به یکی از بخش‌های اصلی فرآیند تدوین استانداردها تبدیل شده است. تحلیل تأثیر، تحلیلی از تأثیرات احتمالی یک استاندارد حسابداری جدید یا تغییرات اساسی یک استاندارد حسابداری

است. نکته مهم این است که تحلیل تأثیر در یک مقطع زمانی صورت نمی‌گیرد، بلکه باید در تمامی مراحل تدوین استانداردها مدنظر تدوین‌کنندگان استانداردها قرار گیرد.

علاوه بر تدوین‌کنندگان استانداردها، در تحقیقات تجربی نیز تلاش شده است که تأثیر استانداردهای حسابداری مورد بررسی قرار گیرد، اما تحلیل کمی هزینه-مزایای استانداردهای حسابداری مشکل است و ارزیابی آنها باید کیفی باشد. بر این اساس، در چارچوب مفهومی ارائه شده توسط نهادهای تدوین استاندارد، مزایای استانداردهای حسابداری در قالب مربوط بودن، قابل اتکا بودن و قابل مقایسه بودن ارائه شده است، اما این ویژگی‌های کیفی به راحتی به معیارهای تجربی مرتبط نمی‌شوند. محققان حسابداری با استفاده از مشخصه‌های مبتنی بر بازار، مشخصه‌های مبتنی بر حسابداری و مشخصه‌های مبتنی بر تحلیلگران و همچنین تحقیقات پیمایشی به بررسی تأثیرات یک استاندارد یا تأثیرات مجموعه‌ای از استانداردها پرداخته‌اند. آنها شاخص‌های مختلف کیفیت حسابداری و افشا را بکار برده‌اند، اما به نتایج متناقضی رسیده‌اند. تحلیل این تحقیقات نشان می‌دهد دلایل مختلفی برای این نتایج متناقض وجود دارد؛ یکی از دلایل اصلی، اندازه‌گیری خروجی‌های مرتبط است، زیرا اندازه‌گیری‌های مختلف به نتایج متفاوتی منجر خواهد شد. علاوه بر بحث اندازه‌گیری، مسائل روش‌شناسی این تحقیقات از قبیل سوءگیری در انتخاب نمونه و محدودیت در دسترس بودن داده‌ها نیز تأثیرگذار است. دلیل مهم دیگر، تفاوت‌های موجود در محیط‌های اقتصادی و مقرراتی و به خصوص اجرایی کشورها و عدم توانایی محققان در کنترل آنها است.

پی‌نوشت

- | | |
|--|---|
| ۱ effect | ۱۰ International Financial Reporting Standards (IFRS) |
| ۲ impact | ۱۱ Post Implementation Review (PIR) |
| ۳ consequences | ۱۲ Financial Accounting Standards Board (FASB) |
| ۴ International Accounting Standards Board (IASB (| ۱۳ European Union (EU) |
| ۵ European Financial Reporting Advisory Group (EFRAG (| ۱۴ attributes of accounting information |
| ۶ Effect analysis | ۱۵ market outcomes |
| ۷ Securities and Exchange Commission (SEC (| ۱۶ Earnings Response Coefficient (ERC) |
| ۸ Accounting Standards Committee Foundation (IASCF) | ۱۷ principles-based |
| ۹ European Commission | ۱۸ Statement of Financial Accounting Standards No. 35 |

منابع

- Adibah Wan Ismail, W. , Anuar Kamarudin, K. , van Zijl, T. , & Dunstan, K. (2013). Earnings quality and the adoption of IFRS-based accounting standards: Evidence from an emerging market. *Asian Review of Accounting*, 21 (1) , 53-73 .
- Agostino, M. , Drago, D. , & Silipo, D. B. (2011). The value relevance of IFRS in the European banking industry. *Review of quantitative finance and accounting*, 36 (3) , 437-457 .
- Aharony, J. , Barniv, R. , & Falk, H. (2010). The impact of mandatory IFRS adoption on equity valuation of accounting numbers for security investors in the EU. *European Accounting Review*, 19 (3) , 535-578 .
- Ahmed, A. S. , Neel, M. , & Wang, D. (2010). Does mandatory adoption of IFRS improve accounting quality. Preliminary evidence. Document de travail non publié, disponible à l'adresse Internet suivante: [http: //papers. ssrn. com/sol3/papers. cfm](http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm) .
- Ahmed, A. S. , Neel, M. J. , & Wang, D. (2009). The effects of mandatory adoption of International Financial Reporting Standards on smoothness, conservatism and timeliness of accounting earnings. Working paper, Texas A & M University .

- Ahmed, K. , Chalmers, K. , & Khelif, H. (2013). A meta-analysis of IFRS adoption effects. *The International Journal of Accounting*, 48 (2) , 173-217 .
- Al-Jajawy. Talal. (2000). *Economic & Political Dimensions of International Accounting Harmonization and Its Reflections on the Environment of Iraq*. Unpublished doctoral dissertation, Mustansiriyah University: Baghdad, Iraq .
- Alsharairi, M. , & Al-Abdullah, R. J. (2008, April). The impact of adopting IASs on the Jordanian environment: The perspective of accountants, auditors and academicians' an exploratory study'. In *International Conference on Business Globalization: Challenges and Opportunities in the 21st Century* .
- Amir, E. (1993). The market valuation of accounting information: The case of postretirement benefits other than pensions. *Accounting Review*, 703-724 .
- Amir, E. (1996). The effect of accounting aggregation on the value-relevance of financial disclosures: The case of SFAS No. 106. *Accounting Review*, 573-590 .
- Andre, P. , Dionysiou, D. D. , & Tsalavoutas, I. (2012, May). Mandatory adoption of IFRS by EU listed firms and Comparability: Determinants and Analysts' Forecasts .
- Armstrong, C. S. , Barth, M. E. , Jagolinzer, A. D. , & Riedl, E. J. (2010). Market reaction to the adoption of IFRS in Europe. *The accounting review*, 85 (1) , 31-61.
- Ashbaugh, H. , & Pincus, M. (2001). Domestic accounting standards, international accounting standards, and the predictability of earnings. *Journal of accounting research*, 39 (3) , 417-434 .
- Atwood, T. J. , Drake, M. S. , Myers, J. N. , & Myers, L. A. (2011). Do earnings reported under IFRS tell us more about future earnings and cash flows?. *Journal of accounting and public policy*, 30 (2) , 103-121 .
- Auer, K. V. (1996). Capital market reactions to earnings announcements: empirical evidence on the difference in the information content of IAS-based earnings and EC-Directives-based earnings. *European Accounting Review*, 5 (4) , 587-623 .
- Aussenegg, W. , Inwinkl, P. , & Schneider, G. T. (2008). Earnings management and local vs. international accounting standards of European public firms. *International Accounting Standards of European Public Firms* (September 1, 2008) .
- Ayers, B. C. (1998). Deferred tax accounting under SFAS No. 109: An empirical investigation of its incremental value-relevance relative to APB No. 11. *Accounting Review*, 195-212 .
- Balsari, C. K. , Ozkan, S. , & Durak, G. (2010). Earnings Conservatism in Pre-and Post-IFRS Periods in Turkey: Panel Data Evidence on the Firm Specific

- Factors. Accounting & Management Information Systems/Contabilitate si Informatica de Gestione, 9 (3) .
- Barth, M. E. (1991). Relative measurement errors among alternative pension asset and liability measures. Accounting Review, 433-463 .
- Barth, M. E. , & Israeli, D. (2013). Disentangling mandatory IFRS reporting and changes in enforcement. Journal of Accounting and Economics, 56 (2-3) , 178-188 .
- Barth, M. E. , Beaver, W. H. , & Landsman, W. R. (1992). The market valuation implications of net periodic pension cost components. Journal of Accounting and Economics, 15 (1) , 27-62 .
- Barth, M. E. , Landsman, W. , Lang, M. , & Williams, C. (2006). Accounting quality: International accounting standards and US GAAP. Manuscript, Stanford University.
- Barth, M. E. , Landsman, W. R. , & Lang, M. H. (2008). International accounting standards and accounting quality. Journal of accounting research, 46 (3) , 467-498 .
- Barth, M. E. , Landsman, W. R. , Lang, M. , & Williams, C. (2012). Are IFRS-based and US GAAP-based accounting amounts comparable?. Journal of Accounting and Economics, 54 (1) , 68-93 .
- Bartov, E. , Goldberg, S. R. , & Kim, M. (2005). Comparative value relevance among German, US, and international accounting standards: A German stock market perspective. Journal of Accounting, Auditing & Finance, 20 (2) , 95-119 .
- Bayerlein, L. , & Al Farooque, O. (2012). Influence of a mandatory IFRS adoption on accounting practice: Evidence from Australia, Hong Kong and the United Kingdom. Asian review of accounting, 20 (2) , 93-118 .
- Beaudoin, C. , Chandar, N. , & Werner, E. M. (2010). Are potential effects of SFAS 158 associated with firms' decisions to freeze their defined benefit pension plans?. Review of Accounting and Finance, 9 (4) , 424-451 .
- Beaudoin, C. , Chandar, N. , & Werner, E. M. (2011). Good disclosure doesn't cure bad accounting—Or does it?: Evaluating the case for SFAS 158. Advances in Accounting, 27 (1) , 99-110 .
- Beuselinck, C. , Joos, P. , & Van der Meulen, S. (2007). International earnings comparability. Available at SSRN 1014086 .
- Beuselinck, C. , Joos, P. , Khurana, I. , & Meulen, S. (2010). Mandatory adoption of IFRS and analysts' forecasts information properties. SSRN eLibrary .
- Breeden, R. (1994). Foreign Companies and US Securities Markets in a Time of Economic Transformation, 17 Fordham Int; 1 LJ S77. S78 .

- Brochet, F. , Jagolinzer, A. D. , & Riedl, E. J. (2013). Mandatory IFRS adoption and financial statement comparability. *Contemporary Accounting Research*, 30 (4) , 1373-1400 .
- Byeonghee (Ben) Choi, Collins, D. W. , & Johnson, W. B. (1997). Valuation implications of reliability differences: the case of nonpension postretirement obligations. *Accounting Review*, 351-383 .
- Cai, L. , Rahman, A. , & Courtenay, S. (2014). The effect of IFRS adoption conditional upon the level of pre-adoption divergence. *The International Journal of Accounting*, 49 (2) , 147-178 .
- Cai, L. , Rahman, A. , & Courtenay, S. (2014). The effect of IFRS adoption conditional upon the level of pre-adoption divergence. *The International Journal of Accounting*, 49 (2) , 147-178 .
- Cai, L. , Rahman, A. R. , & Courtenay, S. M. (2008). The effect of IFRS and its enforcement on earnings management: An international comparison. Available at SSRN 1473571 .
- Callao, S. , & Jarne, J. I. (2010). Have IFRS affected earnings management in the European Union?. *Accounting in Europe*, 7 (2) , 159-189 .
- Capkun, V. , Collins, D. , & Jeanjean, T. (2016). The effect of IAS/IFRS adoption on earnings management (smoothing): A closer look at competing explanations. *Journal of Accounting and Public Policy*, 35 (4) , 352-394 .
- Cascino, S. , & Gassen, J. (2010). Mandatory IFRS adoption and accounting comparability (No. 2010-046). SFB 649 discussion paper .
- Castillo-Merino, D. , Menéndez-Plans, C. , & Orgaz-Guerrero, N. (2014). Mandatory IFRS adoption and the cost of Equity Capital. Evidence from Spanish Firms. *Intangible Capital*, 10 (3) , 562-583 .
- CFERF. (2013). The Cost of IFRS Transition in Canada .
- Changes in value relevance of accounting information upon IFRS adoption: Evidence from Australia. *Australian journal of management*, 36 (2) , 151-173 .
- Chen, C. , Young, D. , & Zhuang, Z. (2012). Externalities of mandatory IFRS adoption: Evidence from cross-border spillover effects of financial information on investment efficiency. *The Accounting Review*, 88 (3) , 881-914 .
- Chen, H. , Tang, Q. , Jiang, Y. , & Lin, Z. (2010). The role of international financial reporting standards in accounting quality: Evidence from the European Union. *Journal of international financial management & accounting*, 21 (3) , 220-278 .
- Choi, Y. S. , Peasnell, K. , & Toniato, J. (2013). Has the IASB been successful in making accounting earnings more useful for prediction and valuation? UK evidence. *Journal of Business Finance & Accounting*, 40 (7-8) , 741-768 .

- Christensen, H. B. , Hail, L. , & Leuz, C. (2013). Proper inferences or a market for excuses? The capital-market effects of mandatory IFRS adoption. *The Capital-Market Effects of Mandatory IFRS Adoption* (October 11, 2013) .
- Christensen, H. B. , Lee, E. , & Walker, M. (2007). Cross-sectional variation in the economic consequences of international accounting harmonization: The case of mandatory IFRS adoption in the UK. *The International Journal of Accounting*, 42 (4) , 341-379 .
- Christensen, H. B. , Lee, E. , Walker, M. , & Zeng, C. (2015). Incentives or standards: What determines accounting quality changes around IFRS adoption?. *European Accounting Review*, 24 (1) , 31-61 .
- Chua, Y. L. , Cheong, C. S. , & Gould, G. (2012). The impact of mandatory IFRS adoption on accounting quality: Evidence from Australia. *Journal of International accounting research*, 11 (1) , 119-146 .
- Clarkson, P. , Hanna, J. D. , Richardson, G. D. , & Thompson, R. (2011). The impact of IFRS adoption on the value relevance of book value and earnings. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 7 (1) , 1-17 .
- Comprix, J. , Muller, K. , & Standford-Harris, M. (2003). Economic consequences from mandatory adoption of IASB standards in the European Union. Unpublished paper, Arizona State University .
- Costa, P. D. S. (2012). Implicações da adoção das IFRS sobre a conformidade financeira e fiscal das companhias abertas brasileiras (Doctoral dissertation, Universidade de São Paulo) .
- Cuijpers, R. , & Buijink, W. (2005). Voluntary adoption of non-local GAAP in the European Union: A study of determinants and consequences. *European accounting review*, 14 (3) , 487-524 .
- Dargenidou, C. , & McLeay, S. (2010). The impact of introducing estimates of the future on international comparability in earnings expectations. *European Accounting Review*, 19 (3) , 511-534 .
- Daske, H. (2005). *Adopting International Financial Reporting Standards in the European Union—Empirical Essays on Causes, Effects and Economic Consequences*, Frankfurt am Main .
- Daske, H. (2006). Economic benefits of adopting IFRS or US-GAAP—have the expected cost of equity capital really decreased?. *Journal of Business Finance & Accounting*, 33 (3-4) , 329-373 .
- Daske, H. , Hail, L. , Leuz, C. , & Verdi, R. (2008). Mandatory IFRS reporting around the world: Early evidence on the economic consequences. *Journal of accounting research*, 46 (5) , 1085-1142 .

- Davis-Friday, P. Y. , Folami, L. B. , Liu, C. S. , & Mittelstaedt, H. F. (1999). The value relevance of financial statement recognition vs. disclosure: Evidence from SFAS No. 106. *The Accounting Review*, 74 (4) , 403-423 .
- De Jong, A. , Rosellón, M. , & Verwijmeren, P. (2006). The economic consequences of IFRS: The impact of IAS 32 on preference shares in the Netherlands. *Accounting in Europe*, 3 (1) , 169-185 .
- Devalle, A. , Onali, E. , & Magarini, R. (2010). Assessing the value relevance of accounting data after the introduction of IFRS in Europe. *Journal of international financial management & accounting*, 21 (2) , 85-119 .
- Dimitropoulos, P. E. , Asteriou, D. , Kousenidis, D. , & Leventis, S. (2013). The impact of IFRS on accounting quality: Evidence from Greece. *Advances in Accounting*, 29 (1) , 108-123 .
- Duangploy, O. , & Gray, D. (2007). “Big Bang” Accounting Reforms in Japan: Financial Analyst Earnings Forecast Accuracy Declines as the Japanese Government Mandates Japanese Corporations to Adopt International Accounting Standards. *Advances in International Accounting*, 20, 179-200 .
- Eccher, E. A. , & Healy, P. M. (2000). The role of international accounting standards in transitional economies: A study of the People's Republic of China. Available at SSRN 233598 .
- European Financial Reporting Advisory Group. (2011). Considering the effects of accounting standards. Discussion Paper, Brussels, www.efrag.org .
- European Financial Reporting Advisory Group. (2011). considering the effect of accounting standards, discussion paper .
- Ernstberger, J. , Krotter, S. , & Stadler, C. (2008). Analysts’ forecast accuracy in Germany: The effect of different accounting principles and changes of accounting principles. *Business Research*, 1 (1) , 26-53 .
- European Commission. (2014). A review of the literature on the impact of the mandatory adoption of IFRS in the EU. Document discussed in the Expert Group on the IAS Regulation .
- Ferrari, M. A. S. C. I. A. , Momente’, F. , & Reggiani, F. (2012). Investor perception of the international accounting standards quality: Inferences from Germany. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 27 (4) , 527-556 .
- Financial Accounting Standards Board. (1991). Benefits, costs and consequences of financial accounting standards. special report .
- Financial Accounting Standards Board. (1991). Benefits, costs, and consequences of financial accounting standards. Financial Accounting Standards Board .

- Fried, A. N. (2012). Disclosure versus recognition: Evidence from lobbying behavior in response to SFAS No. 158. *Research in Accounting Regulation*, 24 (1) , 25-32 .
- Fried, A. N. , & Davis-Friday, P. Y. (2013). Economic consequences of mandatory GAAP changes: The case of SFAS No. 158. *Advances in accounting*, 29 (2) , 186-194 .
- Fülbier, R. U. , Silva, J. L. , & Pferdehirt, M. H. (2008). Impact of lease capitalization on financial ratios of listed German companies. *Schmalenbach Business Review*, 60 (2) , 122-144 .
- Garanina, T. A. , & Kormiltseva, P. S. (2014). The effect of International Financial Reporting Standards (IFRS) adoption on the value relevance of financial reporting: a case of Russia. In *Accounting in Central and Eastern Europe* (pp. 27-60). Emerald Group Publishing Limited .
- García Osma, B. , & Pope, P. F. (2009). Earnings quality effects of mandatory IFRS adoption. Working paper .
- Gassen, J. , & Sellhorn, T. (2006). Applying IFRS in Germany: Determinants and consequences. Germany: Determinants and Consequences (July 2006) .(
- Gastón, S. C. , García, C. F. , Jarne, J. I. J. , & Gadea, J. A. L. (2010). IFRS adoption in Spain and the United Kingdom: Effects on accounting numbers and relevance. *Advances in Accounting*, 26 (2) , 304-313 .
- Gjerde, . , Knivsflå, K. , & Sættem, F. (2008). The value-relevance of adopting IFRS: Evidence from 145 NGAAP restatements. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 17 (2) , 92-112 .
- Glaum, M. , Schmidt, P. , Street, D. L. , & Vogel, S. (2013). Compliance with IFRS 3-and IAS 36-required disclosures across 17 European countries: company-and country-level determinants. *Accounting and business research*, 43 (3) , 163-204 .
- Goncharov, I. (2005). Earnings management and its determinants: Closing gaps in empirical accounting research (Vol. 5). Peter Lang Pub Inc .
- Goncharov, I. , & Zimmermann, J. (2006). Do accounting standards influence the level of earnings management? Evidence from Germany. Evidence from Germany (December 2006) .
- Goodwin, J. , Cooper, B. J. , & Johl, S. (2008). How prepared was Australia for international financial reporting standards? The case of listed firms. *Australian Accounting Review*, 18 (1) , 35-45 .
- Gordon, E. , Jorgensen, B. , & Linthicum, C. (2008). Could IFRS replace US GAAP? A comparison of earnings attributes and informativeness in the US market. Manuscript, Temple University .

- Hail, L. , & Leuz, C. (2007). Capital market effects of mandatory IFRS reporting in the EU: Empirical evidence. Available at SSRN 1511671 .
- Harris, M. S. , & Muller III, K. A. (1999). The market valuation of IAS versus US-GAAP accounting measures using Form 20-F reconciliations. *Journal of Accounting and economics*, 26 (1-3) , 285-312 .
- Harris, T. S. , Lang, M. , & Möller, H. P. (1994). The value relevance of German accounting measures: An empirical analysis. *Journal of Accounting Research*, 32 (2) , 187-209 .
- Hjelström, A. , & Schuster, W. (2011). Standards, management incentives and accounting practice—lessons from the IFRS transition in Sweden. *Accounting in Europe*, 8 (1) , 69-88 .
- Horton, J. , & Serafeim, G. (2010). Market reaction to and valuation of IFRS reconciliation adjustments: first evidence from the UK. *Review of Accounting Studies*, 15 (4) , 725-751 .
- Horton, J. , Serafeim, G. , & Serafeim, I. (2013). Does mandatory IFRS adoption improve the information environment?. *Contemporary accounting research*, 30 (1) , 388-423 .
- Houmes, R. , & Boylan, B. (2010). Has the adoption of SFAS 158 caused firms to underestimate pension liability? A preliminary study of the financial reporting impact of SFAS 158. *Academy of Accounting and Financial Studies Journal*, 14 (4) , 55-66
- Hung, M. , & Subramanyam, K. R. (2007). Financial statement effects of adopting international accounting standards: the case of Germany. *Review of accounting studies*, 12 (4) , 623-657. .
- Iatridis, G. (2010). International Financial Reporting Standards and the quality of financial statement information. *International review of financial analysis*, 19 (3) , 193-204 .
- Iatridis, G. , & Rouvolis, S. (2010). The post-adoption effects of the implementation of International Financial Reporting Standards in Greece. *Journal of international accounting, auditing and taxation*, 19 (1) , 55-65 .
- ICAEW. (2007). EU implementation of IFRS and the Fair Value Directive. a report for the European Commission, London .
- Imhoff Jr, E. A. , & Thomas, J. K. (1988). Economic consequences of accounting standards: The lease disclosure rule change. *Journal of Accounting and Economics*, 10 (4) , 277-310 .
- Jarva, H. , & Lantto, A. M. (2012). Information content of IFRS versus domestic accounting standards: evidence from Finland. *The Finnish Journal of Business Economics*, (2) , 141-177 .

- Jaweher, B. , & Mounira, B. A. (2014). The effects of mandatory IAS/IFRS regulation on the properties of earnings' quality in Australia and Europe. *European Journal of Business and Management*, 6 (3) , 92-111 .
- Jeanjean, T. , & Stolowy, H. (2008). Do accounting standards matter? An exploratory analysis of earnings management before and after IFRS adoption. *Journal of accounting and public policy*, 27 (6) , 480-494 .
- Jermakowicz, E. K. , Prather-Kinsey, J. , & Wulf, I. (2007). The value relevance of accounting income reported by DAX-30 German companies. *Journal of International Financial Management & Accounting*, 18 (3) , 151-191 .
- Jiao, T. , Koning, M. , Mertens, G. , & Roosenboom, P. (2012). Mandatory IFRS adoption and its impact on analysts' forecasts. *International review of financial analysis*, 21, 56-63 .
- Jones, S. , & Finley, A. (2011). Have IFRS made a difference to intra-country financial reporting diversity?. *The British Accounting Review*, 43 (1) , 22-38 .
- Juhmani, O. I. (1998). The stock market response to the introduction of international accounting standards in Jordan. *The Arab Journal of Accounting*, 2 (01) .
- Kabir, M. H. , Laswad, F. , & Islam, M. A. (2010). Impact of IFRS in New Zealand on accounts and earnings quality. *Australian Accounting Review*, 20 (4) , 343-357 .
- Kadri, M. H. , & Zulkifli, M. (2008). Relationship between market value and book value of Malaysian firms under pre and post FRS. SSRN eLibrary .
- Kang, W. (2013). The impact of mandatory IFRS adoption on the earnings–returns relation. *Applied Financial Economics*, 23 (13) , 1137-1143 .
- Karamanou, I. , & Nishiotis, G. P. (2009). Disclosure and the cost of capital: Evidence from the market's reaction to firm voluntary adoption of IAS. *Journal of Business Finance & Accounting*, 36 (7-8) , 793-821 .
- Karampinis, N. I. , & Hevas, D. L. (2011). Mandating IFRS in an unfavorable environment: The Greek experience. *The International Journal of Accounting*, 46 (3) , 304-332 .
- Karğın, S. (2013). The impact of IFRS on the value relevance of accounting information: Evidence from Turkish firms. *International Journal of Economics and Finance*, 5 (4) , 71-80 .
- Kim, J. B. , Liu, X. , & Zheng, L. (2012). The impact of mandatory IFRS adoption on audit fees: Theory and evidence. *The Accounting Review*, 87 (6) , 2061-2094 .

- Klimczak, K. M. (2011). Market reaction to mandatory IFRS adoption: Evidence from Poland. *Accounting and Management Information Systems*, 10 (2) , 228-248 .
- Knowles, R. L. (2010). *Defined Benefit Pension Sponsors & Market Prices: Early Evidence from Pension Accounting Reform* .
- Kohlbeck, M. J. , & Warfield, T. (2005). The effects of principles-based accounting standards on accounting quality. Available at SSRN 724237 .
- Kouser, R. , & Azeem, M. (2011). Relationship of share price with earnings and book value of equity: paramount impact of IFRS adoption in Pakistan. *Economics and Finance Review*, 1 (8) , 84-92 .
- KPMG. (2000). *Global financial reporting, IAS or U. S. GAAP? European survey*. London .
- Landsman, W. R. , Maydew, E. L. , & Thornock, J. R. (2012). The information content of annual earnings announcements and mandatory adoption of IFRS. *Journal of accounting and economics*, 53 (1-2) , 34-54 .
- Leuz, C. (2003). IAS versus US GAAP: information asymmetry-based evidence from Germany's new market. *Journal of accounting research*, 41 (3) , 445-472 .
- Leuz, C. , & Verrecchia, R. E. (2000). The economic consequences of increased disclosure. *Journal of accounting research*, 91-124 .
- Li, S. (2010). Does mandatory adoption of International Financial Reporting Standards in the European Union reduce the cost of equity capital?. *The accounting review*, 85 (2) , 607-636 .
- Liao, Q. , Sellhorn, T. , & Skaife, H. A. (2012). The cross-country comparability of IFRS earnings and book values: Evidence from France and Germany. *Journal of International Accounting Research*, 11 (1) , 155-184 .
- Lima, J. B. N. (2010). *A relevância da accounting information eo processo de convergência para as normas IFRS no Brasil (Doctoral dissertation, Tese de doutorado, Universidade de São Paulo, São Paulo, SP, Brasil)* .
- Lin, S. , Riccardi, W. , & Wang, C. (2012). Does accounting quality change following a switch from US GAAP to IFRS? Evidence from Germany. *Journal of Accounting and Public Policy*, 31 (6) , 641-657 .
- Lins, K. V. , Servaes, H. , & Tamayo, A. (2011). Does fair value reporting affect risk management? International survey evidence. *Financial Management*, 40 (3) , 525-551 .
- Liu, C. , Yao, L. J. , & Yao, M. Y. (2012). Value relevance change under international accounting standards: an Empirical Study of Peru. *Review of Pacific Basin Financial Markets and Policies*, 15 (02) , 1150008 .

- Mahdavi, G, karju, N. (1384). Investigating the Effect of National Accounting Standards on the Quality of Independent Auditors Opinion. Social and Human Sciences-University of Shiraz, 43, (in Persian) .
- Manganaris, P. , Floropoulos, J. , & Smaragdi, I. (2011). Conservatism and value relevance: evidence from the European financial sector. American Journal of Economics and Business Administration, 3 (2) , 254-264 .
- Martinez, A. L. , & Dumer, M. C. R. (2012). Adoption of IFRS and the properties of analysts' forecasts: The brazilian case. Available at SSRN 2153173 .
- Mashayekh. M, Amini. Z. (1389). The Effect of Accounting Standards on Accounting Quality. Accounting and auditing, 2 (8) , (in Persian) .
- McGee, R. W. , & Preobragenskaya, G. (2003). Problems of implementing international accounting standards in a transition economy: A case study of Russia. Available at SSRN 459363 .
- Mitra, S. , & Hossain, M. (2009). Value-relevance of pension transition adjustments and other comprehensive income components in the adoption year of SFAS No. 158. Review of quantitative finance and accounting, 33 (3) , 279-301 .
- Mittelstaedt, H. F. , Nichols, W. D. , & Regier, P. R. (1995). SFAS No. 106 and benefit reductions in employer-sponsored retiree health care plans. Accounting Review, 535-556 .
- Mojtahedzadeh. V, Madadi. F. (1384). Investigating the Importance and Effectiveness of Accounting Standards from the Perspectives of Independent Auditors. Social and Human Sciences-University of Shiraz, 22 (2) , 43, (in Persian) .
- Morais, A. I. , & Curto, J. D. (2008). Accounting quality and the adoption of IASB standards: portuguese evidence. Revista Contabilidade & Finanças, 19 (48) , 103-111 .
- Morricone, S. , Oriani, R. , & Sobrero, M. (2009). The value relevance of intangible assets and the mandatory adoption of IFRS. Available at SSRN 1600725 .
- Nikoomaram. H, Fathi. Z. (1390). The Effect of Iranian National Accounting Standards on the Quality of Financial Reporting with Emphasis on Stability of Profit in Tehran Stock Exchange. Management accounting, 8, 31-45, (in Persian).
- Paananen, M. (2008). The IFRS adoption's effect on accounting quality in Sweden. Available at SSRN 1097659 .
- Paananen, M. , & Lin, H. (2009). The development of accounting quality of IAS and IFRS over time: The case of Germany. Journal of International accounting research, 8 (1) , 31-55 .

- Palea, V. (2007). The effects of the IAS/IFRS adoption in the European Union on the financial industry. *The European Union Review*, 12 (1-2) .
- Platikanova, P. , & Perramon, J. (2012). Economic consequences of the first-time IFRS introduction in Europe. *Spanish Journal of Finance and Accounting/Revista Española de Financiación y Contabilidad*, 41 (156) , 497-519 .
- Pope, P. F. , & McLeay, S. J. (2011). The European IFRS experiment: Objectives, research challenges and some early evidence. *Accounting and business research*, 41 (3) , 233-266 .
- Pope, P. F. , & McLeay, S. J. (2011). The European IFRS experiment: Objectives, research challenges and some early evidence. *Accounting and business research*, 41 (3) , 233-266 .
- Rahmani. A, Alipur. S. (1390). Perspective of the Iranian Association of Accountants on the Adoption of International Accounting Standards. *journal of Certified Public Accountants*, 14, 56-61, (in Persian).
- Rasheed, A. , Hussien, M. (2002). The effect of Globalization on the International Accounting Standards and Its Reflections on Iraqi Rules. *Tanmiyat Al-Rafidayn*, 24 (68) , 227-249 .
- Rodrigues, J. M. (2011). Convergência contábil internacional: uma análise da qualidade da informação contábil em razão da adoção dos padrões internacionais de contabilidade editados pelo IASB .
- Saghafi, A. , & Ebrahimi, E. (2010). The Association of Accounting Standard Setting with Accounting Information Quality. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 16 (4).
- Santos, M. A. C. D. , & Cavalcante, P. R. N. (2014). Effect of the Adoption of IFRS on the Information Relevance of Accounting Profits in Brazil. *Revista Contabilidade & Finanças*, 25 (66) , 228-241 .
- Schiebel, H. A. (2007). Empirical value relevance of German GAAP and IFRS. *Journal of economic and financial sciences*, 1 (2) , 141-170 .
- Schipper, K. (2010). How can we measure the costs and benefits of changes in financial reporting standards?. *Accounting and Business Research*, 40 (3) , 309-327 .
- Shelton, S. W. , Owens-Jackson, L. A. , & Robinson, D. R. (2011). IFRS and US GAAP: Assessing the impact of reporting incentives on firm restatements in foreign and US markets. *Advances in Accounting*, 27 (1) , 187-192 .
- Shi, S. , & Kim, J. B. (2007). International Financial Reporting Standards, institutional infrastructures and costs of equity capital around the world. *Institutional Infrastructures and Costs of Equity Capital around the World* (August 2007) .

- Shoorvarzy, M. R. , & Afrouzmanesh, A. Investing of the Effect of Iran Accounting Standards ON Earnings Response Coefficient.
- Soderstrom, N. S. , & Sun, K. J. (2007). IFRS adoption and accounting quality: a review. *European Accounting Review*, 16 (4) , 675-702 .
- Soderstrom, N. S. , & Sun, K. J. (2007). IFRS adoption and accounting quality: a review. *European Accounting Review*, 16 (4) , 675-702 .
- Sun, J. , Cahan, S. F. , & Emanuel, D. (2011). How would the mandatory adoption of IFRS affect the earnings quality of US firms? Evidence from cross-listed firms in the US. *Accounting Horizons*, 25 (4) , 837-860 .
- Van der Meulen, S. , Gaeremynck, A. , & Willekens, M. (2007). Attribute differences between US GAAP and IFRS earnings: An exploratory study. *The International Journal of Accounting*, 42 (2) , 123-142 .
- Van Tendeloo, B. , & Vanstraelen, A. (2005). Earnings management under German GAAP versus IFRS. *European Accounting Review*, 14 (1) , 155-180 .
- Wang, Y. , & Campbell, M. (2012). Corporate governance, earnings management, and IFRS: Empirical evidence from Chinese domestically listed companies. *Advances in Accounting*, 28 (1) , 189-192 .
- Webster, E. , & Thornton, D. B. (2005). Earnings Quality under Rules-versus Principles-based Accounting Standards: A Test of the Skinner Hypothesis/LA QUALITÉ DES RÉSULTATS SELON QUE LES NORMES COMPTABLES SONT AXÉES SUR LES RÈGLES OU SUR LES PRINCIPES: VÉRIFICATION DE L'HYPOTHÈSE DE SKINNER. *Canadian Accounting Perspectives*, 4 (2) , 167-192 .
- Wu, J. S. , & Zhang, I. X. (2009). The voluntary adoption of internationally recognized accounting standards and firm internal performance evaluation. *The Accounting Review*, 84 (4) , 1281-1309 .
- Yip, R. W. , & Young, D. (2012). Does mandatory IFRS adoption improve information comparability?. *The Accounting Review*, 87 (5) , 1767-1789 .
- Young, S. , & Zeng, Y. (2014). Accounting comparability and the accuracy of peer-based valuation models. Zeff, S. A. (1978). The rise of" economic consequences" .
- Zeff, S. A. (1978). The rise of" economic consequences" .
- Zéghal, D. , Chtourou, S. , & Sellami, Y. M. (2011). An analysis of the effect of mandatory adoption of IAS/IFRS on earnings management. *Journal of international accounting, auditing and taxation*, 20 (2) , 61-72 .
- Zhou, H. , Xiong, Y. , & Ganguli, G. (2009). Does the adoption of international financial reporting standards restrain earnings management? Evidence from an emerging market. *Academy of Accounting and Financial Studies Journal*, 13, 43 .

بررسی نقش زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر (XBRL) در حسابرسی مستمر

جمال محمدی^۱، علی خوزین^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۱۱

چکیده

استفاده از زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر، نه تنها بر ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری تأثیر می‌گذارد، بلکه بر هزینه، زمان و کیفیت حسابرسی نیز می‌تواند تأثیرگذار باشد. هدف این پژوهش بررسی نقش زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر (XBRL) در حسابرسی مستمر است. این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر روش پژوهش تحلیلی-پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش، حساب‌برسان مستقل و عضو جامعه حسابداران رسمی ایران است که به منظور کسب دیدگاه‌های آنان، پرسشنامه‌ای شامل پنج فرضیه و ۲۵ سؤال طراحی گردید و بصورت تصادفی میان ۱۲۰ نفر از اعضای جامعه، در سال ۱۳۹۶ توزیع گردید و در نهایت ۱۰۴ پرسشنامه توسط اعضای نمونه تکمیل و جمع‌آوری گردید. داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج پژوهش، فرضیه‌های پژوهش را تأیید و نشان داد که در محیط XBRL، زمان و هزینه حسابرسی مستمر، کاهش و دقت و کیفیت حسابرسی مستمر، افزایش می‌یابد. همچنین استفاده از زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر در حسابرسی مستمر، موجب تسهیل استخراج و تحلیل داده‌ها و تسریع فرآیندهای اجرای حسابرسی مستمر، می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر (XBRL)، حسابرسی مستمر، زمان حسابرسی، هزینه حسابرسی، فرآیند حسابرسی، دقت و کیفیت حسابرسی.

طبقه‌بندی موضوعی: M41

DOI: 10.22051/ijar.2019.23906.1472

^۱ دکتری حسابداری، حسابرس دیوان محاسبات کشور، ایران، نویسنده مسئول، (mohamady_jamal@yahoo.com)
^۲ دکتری حسابداری، واحد علی آبادکتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آبادکتول، ایران، (khozain@yahoo.com)

مقدمه

امروزه فناوری اطلاعات، تأثیر شگرفی بر فرآیند گزارشگری مالی داشته و چالش‌های جدیدی را فراروی حسابداران و حسابرسان قرار داده است. برای این که اطلاعات مالی بی‌درنگ و مبتنی بر اینترنت دارای ارزش باشد، تصمیم‌گیرندگان نیاز دارند که شخص ثالثی، قابل اتکا بودن این اطلاعات را تأیید نماید. بنابراین، روش‌های کنونی برای عصر الکترونیک کارآمد نبود و برای پاسخ به این نیاز، حسابرسی مستمر^۱ ایجاد گردید. حسابرسی مستمر، نوعی از حسابرسی است که بصورت سیستماتیک و مستمر معاملات را به کمک ابزارهای نرم‌افزاری هوشمند آزمون می‌کند (کوگانوهکاران، ۲۰۰۳). بنابراین حسابرسی مستمر، روشی است که حسابرسان را قادر می‌سازد تا اطمینان‌بخشی خود را همزمان یا با فاصله زمانی کمی پس از وقوع رویداد، اعلام نمایند (کانتو و همکاران، ۲۰۰۶). اطمینان‌بخشی بی‌درنگ، فقط می‌تواند بوسیله فناوری‌های حسابرسی مستمر فراهم گردد (فلاوردی و همکاران، ۲۰۰۶). بنابراین، حسابرسی مستمر موجب افزایش کارایی و اثر بخشی عملیات حسابرسی شده و نتایج حسابرسی را در فاصله زمانی اندکی پس از وقوع رویداد، گزارش می‌نماید. این نوع حسابرسی با کشف زود هنگام انحرافات، امکان اصلاح سریع آن و جلوگیری از اشتباهات عمدی یا سهوی را فراهم می‌کند (عرب مازار یزدی و مداحی، ۱۳۸۸). یکی از فناوری‌هایی که بر گزارشگری مالی و انجام حسابرسی مستمر تأثیر با اهمیتی دارد، زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر است. XBRL^۲ زیرمجموعه‌ای از XML^۳ است که برای توصیف اطلاعات گزارشگری مالی ایجاد شده است این زبان برای تهیه، انتشار، تبادل، تحصیل و تحلیل داده‌های حسابداری و تجاری مفید بوده و شیوه استاندارد شده‌ای را برای تبادل اطلاعات گزار شگری مالی بین نرم‌افزارهای کاربردی مختلف، فراهم می‌نماید (محمدی و خوزین، ۱۳۹۶). در محیط XBRL به اطلاعات مالی بر چسب‌هایی نصب می‌گردد که به نرم افزار اجازه می‌دهد تا داده‌ها را درک و بتواند گزارش‌هایی که مد نظر کاربران است را تولید کند (فلوردی و همکاران، ۲۰۰۶).

هدف از بکارگیری زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر در بازار سرمایه، گزارش‌دهی یکسان صورت‌های مالی و کمک بیشتر به استفاده‌کنندگان از اطلاعات و صورت‌های مالی است. استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی، با استفاده از زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر نیازی به

تبدیل اطلاعات مالی از شکلی به شکل دیگر ندارند و این امر باعث افزایش سرعت گزارشگری و همچنین، استخراج اطلاعات قابل اتکا و کارا، خواهد شد (نوجوان و همکاران، ۱۳۹۵). XBRL، تحولی بزرگ در گزارشگری مالی در سطح بین‌المللی است و مزایای بزرگی در تهیه، تحلیل و تبادل اطلاعات مالی ایجاد می‌کند که باعث افزایش کارایی اطلاعات مالی، می‌گردد. حتی امروزه پیوستن به IFRS^f به‌عنوان پیش‌نیاز استقرار زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر مطرح است. این زبان مغایرتی با استانداردهای حسابداری ندارد و فرصتی را برای بین‌المللی شدن بازارهای سرمایه ایجاد نموده و زمینه را برای ورود شرکت‌ها به بازارهای بین‌المللی، فراهم می‌سازد. سیستم گزارشگری XBRL به‌عنوان انقلاب در گزارشگری مالی تلقی شده که باعث کاهش میزان خطا، دسترسی سریعتر و ارزاتر به اطلاعات، افزایش ویژگی کیفی مربوط بودن اطلاعات برای تولیدکنندگان و استفاده‌کنندگان از اطلاعات صورت‌های مالی شده است (ایناچی و آون، ۲۰۱۵). با توجه به فقدان پژوهش‌های قبلی در زمینه اثرات بکارگیری XBRL بر حرفه حسابرسی، بخصوص در حسابرسی مستمر در ایران، پژوهش حاضر نقش XBRL بر حسابرسی مستمر را مورد بررسی قرار داده و به دنبال پاسخ به این سوال‌ها است که (۱) آیا XBRL زمان و هزینه حسابرسی مستمر را کاهش می‌دهد؟ (۲) آیا تسریع فرایندهای اجرای حسابرسی، دقت و کیفیت حسابرسی در حسابرسی مستمر در اثر استفاده از XBRL، افزایش خواهد یافت؟ (۳) آیا در اثر استفاده از XBRL در حسابرسی مستمر، فرایند استخراج و تحلیل داده‌ها تسهیل خواهد شد؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مبانی نظری

در دسامبر ۲۰۰۸ کمیسیون بورس اوراق بهادار آمریکا (SEC^۵) به ضرورت تهیه صورت‌های مالی با استفاده از XBRL، رای داد. طبق این ضرورت، از ژوئن ۲۰۰۹ نزدیک به ۵۰۰ شرکت بزرگ (براساس ارزش بازار) ملزم به انجام این الزام جدید شدند و استفاده از این الزام برای دیگر شرکت‌ها در ژوئن ۲۰۱۱، کامل شد. در این راستا، تلاش‌هایی در میان مجامع حرفه‌ای و دانشگاهی مبنی بر ضرورت حسابرسی و اعتباربخشی به مستندات گزارش‌های مبتنی بر XBRL، شکل گرفت و هیات نظارت بر حسابداری شرکت‌های دولتی (PCAOB^۶) رهنمودی را برای

خدمات حسابرسی گزارش‌های مالی مبتنی بر XBRL که در قالب الزامات گزارشگری SEC انجام شده است، منتشر نمود. برای مثال، موسسه حسابرسی دیلویت و همکاران در پاسخ به نظرخواهی کمیسیون اوراق بهادار آمریکا، بیان کرده است که در صورت استفاده از XBRL برای کدگذاری اطلاعات مالی، حسابرسی این فرایند و داده‌های آن مناسب و ضروری است (پلاملی و همکاران ۲۰۰۸). در نظرخواهی از اعضای انجمن مدیران مالی آمریکا، ۶۹٪ از پاسخ‌دهندگان، استفاده از حسابرسی مستقل و یا حسابرسی سیستمی را مناسب برای ارائه اعتباربخشی به گزارش‌های مبتنی بر XBRL عنوان نمودند (انجمن مدیران مالی آمریکا، ۲۰۰۹). از آنجایی که بخش ۴۰۹ قانون ساربنز آکسلی لزوم ارائه خدمات اطمینان‌بخشی نسبت به صحت گزارش‌های آنلاین موجود را مطرح می‌نماید، XBRL قابلیت فراهم نمودن زمینه گزارشگری مالی مستمر را که می‌تواند باعث افزایش دقت در گزارشگری آنلاین گزارش‌های مالی شود، دارا است. بنابراین، XBRL امکان تسریع و تسهیل، در تهیه و تحلیل اطلاعات حسابداری از لحاظ بررسی صحت و شفافیت گزارشگری، را برای حسابرسان فراهم می‌کند. این زبان گزارشگری، با استانداردهای سازایی بین محتوا، متن و زمینه هماهنگی ایجاد می‌کند، استفاده از اطلاعات را برای مقاصد مختلف امکان‌پذیر می‌کند و این فرصت را برای حسابرسان فراهم می‌کند که هرگونه گزارشی که به دلخواه برای بررسی و حسابرسی بیشتر لازم دارند، را در کوتاهترین زمان تهیه نمایند. همچنین، این امر موجب تسهیل استخراج و تحلیل داده‌ها خواهد شد.

پیشینه پژوهش

با توجه به نوپا بودن استفاده از XBRL برای گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار، تاکنون پژوهش‌های داخلی بسیار کمی در رابطه با نقش XBRL در حسابرسی مستمر در ایران انجام شده است. با عنایت به استفاده گسترده از این فناوری در کشورهای دیگر در سال‌های اخیر (بطور مثال، الزام استفاده از XBRL در آمریکا از سال ۲۰۱۱)، در ادامه پژوهش‌هایی که در این رابطه انجام شده است، اشاره می‌شود.

مرکز انستیتوی CFA^v در سال ۲۰۰۷، یک نظر سنجی به منظور سنجش سطح آگاهی در زمینه XBRL و کاربردهای آن برای ارائه گزارشگری مالی و افشاگری برای کاربران نهایی

شامل تحلیلگران، سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و مشاوران سرمایه‌گذاری، انجام داد. نتایج این بررسی نشان داد XBRL، قابلیت ارزیابی تطابق اطلاعات با اقلام استخراج شده از گزارش را افزایش می‌دهد، تجزیه و تحلیل داده‌ها را راحت‌تر، قابلیت بروزرسانی به موقع گزارشات را افزایش و اشتباهات بالقوه انسانی را در فرایندهای گزارشگری، حذف می‌نماید. همچنین، با استفاده از XBRL، قابلیت قیاس اطلاعات یک شرکت با شرکت‌های دیگر و همچنین در دوره‌های مالی مختلف افزایش می‌یابد. حتی انجام حسابرسی نیز تسهیل می‌گردد، بطوری‌که حسابرس را در استخراج داده‌ها برای تجزیه و تحلیل و صحت رویدادهای مالی، یاری می‌رساند.

وانگ و گائو (۲۰۱۲) با استفاده از یک سیستم امتیازدهی، کیفیت داده‌های مالی مبتنی بر XBRL و سایر گزارش‌های مالی را که بر مبنای XBRL تهیه نشده بود، را مقایسه کردند. نتایج این بررسی نشان داد که کیفیت داده‌های مالی مبتنی بر XBRL، از برتری بالاتری نسبت به سایر داده‌ها برخوردار است. این برتری شامل دسترسی بیشتر، دقت بیشتر و به‌موقع بودن، بود. نتایج پژوهش لینوکس و پیتمن (۲۰۱۱) نشان داد که زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر، ارتباط تنگاتنگی با برخی از کارکردهای حسابرسی و موسسه‌های مربوطه دارد و استفاده از آن در حرفه حسابرسی می‌تواند در کاهش تعداد خطاها و صرفه‌جویی در زمان استخراج داده‌ها، موثر واقع گردد. دیوید و استنبارت (۲۰۰۰) بیان کردند که کیفیت و کارایی حسابرسی با کاهش زمان مورد نیاز برای دسترسی به داده و تحلیل آنها با استفاده از پایگاه‌های داده، بهبود می‌یابد. بهبود در کیفیت منجر به کشف تحریف و حتی المقدور پیشگیری از گزارشگری مالی متقلبانه می‌شود. همچنین، در دعاوی حقوقی ممکن است از پایگاه‌های داده علیه حسابرس به‌عنوان شواهد و مدارک به منظور ارزیابی درستی معاملات و مناسب بودن کار حسابرس در ارزیابی معاملات، استفاده شود. با وجود مناسب بودن روش‌های داده‌کاوی برای ارزیابی حسابرسی مستمر پایگاه‌های داده ایجاد شده، پیشرفت در روش‌ها و برنامه‌های حسابرسی برای رسیدگی به گزارشگری مالی مبتنی بر استفاده از پایگاه‌های داده امری ضروری است. بر این اساس، می‌توان گفت که استفاده از بستر XBRL برای مقاصد گزارشگری مالی بدون در نظر گرفتن قابلیت اتکای این اطلاعات (عدم حسابرسی مناسب)، می‌تواند تهدید جدی برای کیفیت و قابلیت اتکای اطلاعات مبادله شده توسط این بستر اطلاعاتی، باشد (بوریتز و همکاران، ۲۰۰۳).

نتایج پژوهش آلیس و گری (۲۰۱۲) نشان داد که استفاده از زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر، موجب افزایش شفافیت گزارشگری مالی و اعاده اطمینان سرمایه‌گذاران نسبت به بازارهای مالی خواهد شد و همچنین باعث افزایش سرعت تحلیل داده‌های مالی توسط استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی من جمله حساب‌برسان در اعتباربخشی به صورت‌های مالی، خواهد گردید.

جیمز (۲۰۱۱) به بررسی فرصت‌ها و چالش‌های گزارشگری مالی و حسابرسی مالی XBRL پرداخت. او بیان می‌کند که به موازات افزایش استفاده از سیستم‌های حسابداری همزمان، حسابرسی همزمان نیز متداول خواهد شد. تغییرات در فرایند گزارشگری مالی نیازمند ایجاد رویه‌های جدید برای اجرای عملیات حسابرسی است و این تغییرات منجر به تغییر در هدف اصلی حسابرسی مالی و استانداردهای حسابرسی نمی‌گردد. با این وجود، اسناد، مدارک و گزارش‌های الکترونیکی که در قالب حسابداری همزمان تهیه می‌شود، نقش حساب‌برسان مستقل در فرایند گزارشگری مالی از جمله برآورد خطر حسابرسی و ماهیت تهدیدات را تغییر می‌دهد؛ به طوری که برای حساب‌برسان مستقل استفاده از XBRL، باعث تسریع فرآیندهای اجرای عملیات حسابرسی خواهد شد. از سوی دیگر، حساب‌برسان نیازمند فراگیری مسائل مرتبط با پردازش‌های کامپیوتری و مسائل مرتبط با XBRL هستند. اگر چه تغییرات ایجاد شده در این فرآیندها متفاوت با فرایند عملیات حسابرسی سنتی است، اما عدم حرکت حساب‌برسان در یادگیری این فرآیندهای عملیاتی و آشنایی با محیط حسابرسی مربوطه، تا حدود زیادی فاصله حسابرسی و حسابداری را زیاد خواهد کرد.

بسیاری بر این باور هستند که استفاده از XBRL می‌تواند زمینه پیاده‌سازی حسابرسی مستمر را فراهم آورد. در حسابرسی مستمر، حساب‌برس به صورت مستمر و از طریق دسترسی آنلاین به سیستم‌های حسابداری صاحبکار، می‌تواند بر جریان پردازش رویدادهای تجاری صاحبکار نظارت نماید. امری که در حسابرسی سنتی بدلیل زمان‌بر بودن و هزینه زیاد مقدور نیست (داو و روحانی، ۲۰۰۷).^۴ استفاده از رویه‌های حسابرسی خودکار (سیستمی) در حسابرسی مستمر، افزایش دقت و صرفه‌جویی در زمان انجام رسیدگی‌ها را بدنبال خواهد داشت. با این وجود، طراحی و بکارگیری چنین رویه‌هایی زمان‌بر است. علاوه بر این، لزوم استفاده از قضاوت و تردید حرفه‌ای حساب‌برس در بکارگیری رویه‌های حسابرسی، امری است که باید به آن در حسابرسی مستمر توجه شود (کوگان و همکاران ۲۰۰۸). نیل و استینکمپ (۲۰۰۸) در پژوهش

خود نشان دادند که استفاده از زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر در حسابرسی باعث آسانتر شدن فرایند استخراج و تحلیل داده‌ها و در نتیجه صرفه‌جویی در زمان و هزینه حسابرسی خواهد شد که این خود منجر به کاهش حق‌الزحمه حسابرسی و یا افزایش ارائه خدماتی با ارزش افزوده بیشتر، برای صاحبکاران خواهد شد.

پاکروان (۱۳۹۱) نشان داد که فناوری اطلاعات، شیوه تهیه صورت‌های مالی، گزارشگری شرکت‌ها و نحوه حسابرسی و استفاده از این اطلاعات را به شدت دچار تغییر کرده است. این تغییرات از یک طرف باعث دقت و سرعت در ارائه اطلاعات مربوط برای استفاده‌کنندگان شده و از سوی دیگر، تهدیدی جدی برای توجیه اقتصادی فرایند حسابرسی و مشکلات ناشی از فقدان تخصص حرفه‌ای حساب‌رسان برای بررسی صحت، تمامیت و دستیابی به اطمینان‌بخشی نسبت به رویدادهای انعکاس‌یافته در صورت‌های مالی شرکت‌ها، شده است.

نتایج پژوهش عزیزخانی و همکاران در سال ۱۳۹۴ با عنوان "تأثیر زبان گزارشگری مالی گسترش‌پذیر بر حسابرسی: فرصت یا چالش"، نشان داد که که بکارگیری XBRL در سه حوزه قابلیت‌مقایسه، صحت اطلاعات و شکل ارائه اطلاعات برای حرفه حسابرسی، باعث ایجاد فرصت شده و می‌تواند باعث بهبود در کیفیت حسابرسی شود. مقاله مهدوی و محمدی (۱۳۸۹) با عنوان "کاربردهای سامانه‌های خبره در حسابرسی"، گویای این بود که امروزه استفاده از سامانه‌های خبره در زمینه حسابرسی نسبت به گذشته، گسترش چشم‌گیری یافته است، زیرا این سامانه‌ها، هزینه‌های جمع‌آوری شواهد و ارائه خدمات حسابرسی را بطور قابل ملاحظه‌ای کاهش داده است. استفاده از این سامانه‌ها، سبب می‌شود تا با صرف وقت و نیروی انسانی کمتر بتوان عرصه‌های بیشتری را تحت پوشش داد.

عرب مازار و جابری نسب (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان "XBRL انقلاب گزارشگری مالی در دهه اخیر"، بیان نمودند که زبان گزارشگری تجاری توسعه‌پذیر، ابزار ضروری گزارشگری عصر جدید بوده و دوره غلبه گزارشات سنتی (گزارشات چاپی) رو به اتمام است. باغومیان (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان "تأثیر زبان گزارشگری تجاری توسعه‌پذیر بر حرفه حسابرسی"، بیان نمود که زبان گزارشگری تجاری توسعه‌پذیر روش استاندارد را برای تهیه، انتشار، مبادله و استخراج داده‌ها از صورت‌های مالی به صورت الکترونیکی و خودکار فراهم می‌نماید و انتظار

می‌رود که زبان گزارشگری تجاری توسعه‌پذیر، تأثیر گسترده‌ای را بر حوزه گزارشگری مالی داشته باشد و به‌عنوان زبان فراگیر و جدید، به جای روش‌های سنتی مورد استفاده قرار گیرد.

بر اساس نتایج پژوهش‌های قبلی می‌توان استنباط کرد که یکی از ابزارهای لازم برای دستیابی به اهداف بکارگیری XBRL در فرایند گزارشگری مالی، ضرورت توجه به ارائه خدمات اعتباربخشی به این گزارش‌ها توسط حساب‌برسان، است. آنچه که در پژوهش‌های قبلی به آن پرداخته نشده، این موضوع است که زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر چه نقشی در حسابرسی مستمر ایفا خواهد نمود که این مساله، موضوع این پژوهش است.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش در این پژوهش فرضیه‌های زیر جهت بررسی ارائه می‌شود.

- در محیط XBRL، هزینه حسابرسی مستمر کاهش می‌یابد.
- در محیط XBRL، زمان حسابرسی مستمر کاهش می‌یابد.
- در محیط XBRL، در دسترس بودن اطلاعات و فرایند استخراج و تحلیل داده‌ها تسهیل می‌شود.
- در محیط XBRL، فرایندهای اجرای حسابرسی مستمر تسریع می‌گردد.
- در محیط XBRL، دقت حسابرسی مستمر و کیفیت آن افزایش می‌گردد.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر روش پژوهش، تحلیلی - پیمایشی است که ارتباط میان متغیرها را بر اساس هدف‌های تحقیق تحلیل نموده است؛ از لحاظ مکانی، در زمره تحقیقات میدانی و کتابخانه‌ای است. موضوع پژوهش، بررسی نقش زبان توسعه‌پذیر گزارشگری مالی (XBRL) در حسابرسی مستمر است. حساب‌برسان مستقل و عضو جامعه حسابداران رسمی ایران در سال ۱۳۹۶، به‌عنوان جامعه آماری انتخاب گردید. تا با استفاده از دیدگاه‌ها و نظرات این گروه تخصصی (به‌علت آشنایی کامل با انواع سیستم‌های حسابداری و نحوه کارکرد با آن بخصوص در حوزه

گزارشگری مالی)، فرضیه‌های پژوهش بررسی شود. بر این اساس، با استفاده از روش کوکران، حجم نمونه جهت بررسی آماری تعیین گردید. ابزار مورد استفاده جهت جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، پرسشنامه است. در این پژوهش برای اعتبار و روا بودن پرسشنامه، ابتدا پرسشنامه اولیه تنظیم و به رویت اساتید و صاحب‌نظران رسید و نکات مبهم و نارسا برطرف و برخی از گونه‌ها که ارتباطی با فرضیه‌ها و اهداف پژوهش نداشتند، حذف یا اصلاح شدند. سپس، پرسشنامه نهایی تنظیم گردید. همچنین، برای تعیین پایایی یا قابلیت اعتماد نتایج، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. پس از آزمون همبستگی پاسخ‌ها، ضریب آلفای کرونباخ، برابر با ۰/۸۳ تعیین گردید که نشان‌دهنده پایایی لازم پرسشنامه برای تحلیل فرضیه‌های پژوهش است.

در این پژوهش تعداد ۱۲۰ پرسشنامه بر اساس نمونه در دسترس، در بین اعضای جامعه توزیع و در نهایت تعداد ۱۰۴ پرسشنامه تکمیل شده توسط پاسخ‌دهندگان، جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

آمار توصیفی

جنسیت:

نگاره ۱ نحوه توزیع افراد مورد مطالعه را از نظر جنسیت نشان می‌دهند.

نگاره (۱): توصیف جنسیت پاسخ‌دهندگان

جنسیت	مرد	زن	جمع
تعداد	۸۶	۱۸	۱۰۴
درصد	۸۲/۷	۱۷/۳	۱۰۰

طبق نگاره فوق بیشترین پاسخ‌دهندگان (۸۲/۷ درصد) را مردان تشکیل داده‌اند.

تحصیلات:

نگاره ۲ نحوه توزیع افراد مورد مطالعه را از نظر مدرک تحصیلی نشان می‌دهند.

نگاره (۲): توصیف مدرک تحصیلی پاسخ دهندگان

مدرک تحصیلی	فوق دیپلم و کمتر	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتری	جمع
تعداد	۸	۴۴	۴۹	۳	۱۰۴
درصد	۸	۴۲	۴۷	۳	۱۰۰

طبق نگاره فوق ۴۷٪ پاسخ دهندگان دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد هستند که این امر، پژوهش را از نظر مبانی نظری قوی تر می سازد.

سن:

نگاره ۳ نحوه توزیع افراد مورد مطالعه را از نظر سن نشان می دهند.

نگاره (۳): توصیف سن پاسخ دهندگان

سن	کمتر از ۳۰ سال	۳۰ الی ۳۵	۳۵ الی ۴۵	۴۵ الی ۵۵	بالای ۵۵	جمع
تعداد	۴	۲۷	۴۶	۲۴	۳	۱۰۴
درصد	۳/۸	۲۶	۴۴/۲	۲۳/۱	۲/۹	۱۰۰

نگاره فوق نشان می دهد بیشترین درصد سن پاسخگویان بین ۳۵ تا ۴۵ سال است.

سابقه کار:

نگاره ۴ نحوه توزیع افراد مورد مطالعه را از نظر سابقه کار نشان می دهند.

نگاره (۴): توصیف سابقه کار پاسخ دهندگان

سابقه کار	کمتر از ۵ سال	۵ الی ۱۰ سال	۱۰ الی ۱۵ سال	۱۵ الی ۲۰ سال	بالای ۲۰ سال	جمع
تعداد	۹	۲۰	۱۸	۱۹	۳۸	۱۰۴
درصد	۸/۷	۱۹/۲	۱۷/۳	۱۸/۳	۳۶/۵	۱۰۰

نگاره فوق نشان می دهد بیشترین درصد سابقه کار در میان پاسخگویان، بالای ۲۰ سال است و کمترین درصد به سابقه کار کمتر از ۵ سال اختصاص دارد.

رشته تحصیلی:

نگاره ۵ نحوه توزیع افراد مورد مطالعه را از نظر رشته تحصیلی نشان می‌دهد.

نگاره (۵): توصیف رشته تحصیلی پاسخ‌دهندگان

رشته تحصیلی	حسابداری و حسابرسی	مدیریت مالی	اقتصاد	مدیریت	سایر	جمع
تعداد	۷۸	۵	۳	۱۵	۳	۱۰۴
درصد	۷۵	۴/۸	۲/۹	۱۴/۴	۲/۹	۱۰۰

۷۵٪ پاسخ‌دهندگان دارای رشته تحصیلی حسابداری و حسابرسی هستند، بنابراین پاسخ‌آنان می‌تواند از اطمینان قابل ملاحظه‌ای برخوردار باشد.

آزمون فرضیه‌ها

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، تعداد ۲۵ سوال طراحی گردید و برای تحلیل فرضیه‌ها از مقیاس لیکرت (خیلی زیاد تا خیلی کم) استفاده شد. سپس، مجموع امتیاز پاسخ‌دهندگان به مجموعه سوالات هر فرضیه، تعیین گردید و پس از محاسبه میانگین سوالت هر فرضیه، عدد بالاتر از ۳ حاکی از نظر موافق با فرضیه، بود.

فرضیه اول پژوهش

فرضیه صفر و فرضیه مقابل مربوط به فرضیه اول پژوهش به صورت زیر تعریف شده‌اند.

فرض صفر (H0): در محیط XBRL، هزینه حسابرسی مستمر کاهش نمی‌یابد.

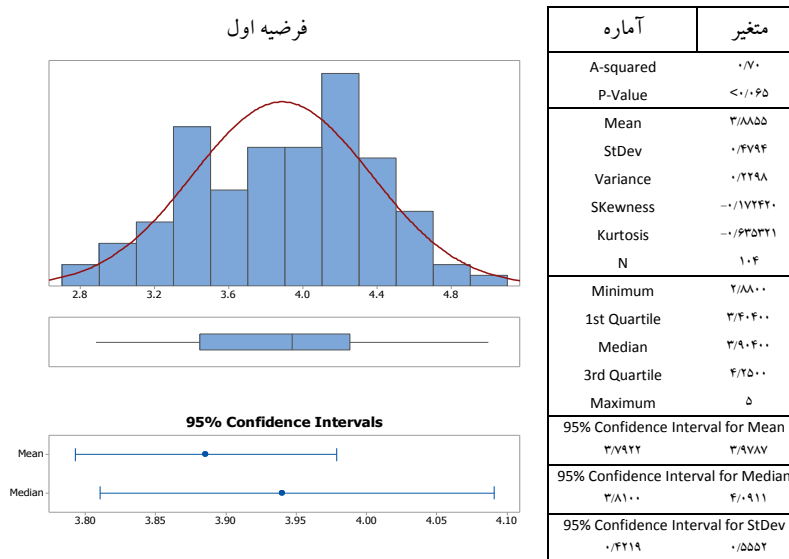
فرض مقابل (H1): در محیط XBRL، هزینه حسابرسی مستمر کاهش می‌یابد.

مقدار احتمال آزمون کولموگروف اسمیرنوف برابر ۰/۰۱۷ است که از ۰/۰۵ کوچکتر است. بنابراین، با اطمینان ۰/۹۵ فرض نرمال بودن رد شده و برای بررسی فرضیه اول، از آزمون تی یک نمونه‌ای، نمی‌توانیم استفاده کنیم. نگاره ۶ نتیجه آزمون کولموگروف اسمیرنوف یک نمونه‌ای را که جهت بررسی فرض نرمال بودن داده‌ها که از شروط استفاده از آزمون مقایسه میانگین جامعه با یک عدد ثابت، برای فرضیه اول است را نشان می‌دهد.

نگاره (۶): نتیجه آزمون نرمال بودن فرضیه اول پژوهش

مقدار احتمال (P-Value)	آماره کولموگروف-اسمیرنف	فرضیه اول
۰/۰۱۷	۰/۰۹۶	فرضیه نرمال بودن

اگر میانگین امتیازات داده شده به گویه‌های مربوط به این نظریه که "در محیط XBRL، هزینه حسابداری مستمر کاهش می‌یابد." بزرگتر از عدد ۳ باشد، فرض H_0 رد و در نتیجه ادعای مطرح شده در فرض H_1 تأیید می‌گردد. مقدار احتمال مربوط به آزمون ویلکاکسون یک نمونه‌ای، جهت بررسی فرضیه آماری $H_0: \mu \leq 3$ در مقابل $H_1: \mu > 3$ ، برابر با ۰/۰۰۰ است که از ۰/۰۵ کوچکتر است. بنابراین، با اطمینان ۰/۹۵ فرضیه H_0 رد و فرضیه مقابل آن تأیید می‌شود. به عبارتی، فرضیه اول پژوهش، تأیید شد. ضمناً مقادیر میانگین و میانه گزینه‌های انتخابی برابر با ۳/۸۸ و ۳/۹۴ است که به طور تقریبی برابر با ۴ است. این مقدار معادل گزینه زیاد است و این مسئله موید نتیجه حاصل از آزمون آماری انجام شده است. شکل زیر در برگیرنده اطلاعات مربوط به فرضیه اول پژوهش است.



شکل (۱): اطلاعات مربوط به فرضیه شماره یک

با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌های فوق می‌توان نتیجه گرفت که در محیط XBRL، هزینه حسابرسی مستمر، کاهش می‌یابد. بنابراین، نتایج این فرضیه همسو با نتایج پژوهش‌های داو و روحانی (۲۰۰۷)، نیل و استینکمپ (۲۰۰۸) است.

فرضیه دوم پژوهش

فرضیه صفر و فرضیه مقابل مربوط به فرضیه دوم پژوهش به صورت زیر تعریف شده‌اند.

فرض صفر (H0): در محیط XBRL، زمان حسابرسی مستمر کاهش نمی‌یابد.

فرض مقابل (H1): در محیط XBRL، زمان حسابرسی مستمر کاهش می‌یابد.

مقدار احتمال آزمون کولموگروف اسمیرنوف برابر ۰/۰۰۰ است که از ۰/۰۵ کوچکتر است. بنابراین، با اطمینان ۰/۹۵ فرض نرمال بودن رد شده و برای بررسی فرضیه دوم پژوهش، از آزمون تی یک نمونه‌ای نمی‌توانیم استفاده کنیم. نگاره ۷ نتیجه آزمون کولموگروف اسمیرنوف یک نمونه‌ای را که جهت بررسی فرض نرمال بودن داده‌ها که از شروط استفاده از آزمون مقایسه میانگین جامعه با یک عدد ثابت برای فرضیه دوم است، نشان می‌دهد.

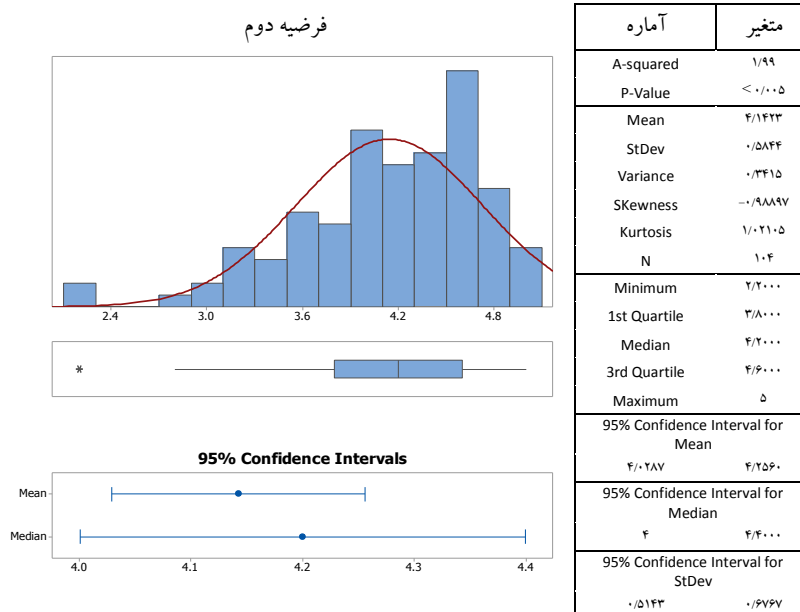
نگاره (۷): نگاره آزمون نرمالیتی فرضیه ۲

فرضیه ۲	آماره کولموگروف-اسمیرنوف	مقدار احتمال (P-Value)
فرضیه نرمال بودن	۰/۱۳۲	۰/۰۰۰

اگر میانگین امتیازات داده شده به گویه‌های مربوط به این نظریه که "در محیط XBRL، زمان حسابرسی مستمر، کاهش می‌یابد."، بزرگتر از عدد ۳ باشد فرض H0 رد و در نتیجه ادعای مطرح شده در فرض مقابل آن تأیید می‌شود.

مقدار احتمال مربوط به آزمون ویلکاکسون یک نمونه‌ای جهت بررسی فرضیه آماری

$H_0: \mu \leq 3$ در مقابل $H_1: \mu > 3$ برابر با ۰/۰۰۰ است که از ۰/۰۵ کوچکتر است. بنابراین، با اطمینان ۰/۹۵ فرضیه H0 رد و فرضیه مقابل آن تأیید می‌شود. ضمناً مقادیر میانگین و میانه گزینه‌های انتخابی به ترتیب برابر ۴/۱۴ و ۴/۲۰ است که به طور تقریبی معادل ۴ و معادل گزینه زیاد در میان گزینه‌های پاسخ است. شکل زیر در برگیرنده اطلاعات مربوط به فرضیه دوم پژوهش است.



شکل (۲): اطلاعات مربوط به فرضیه شماره دو

با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌های فوق، می‌توان نتیجه گرفت که در محیط زبان توسعه‌پذیر گزارشگری مالی، زمان حسابرسی مستمر کاهش می‌یابد. بنابراین نتایج این فرضیه، همسو با نتایج پژوهش‌های پاکروان (۱۳۹۱)، مهدوی و محمدی (۱۳۸۹)، داو و روحانی (۲۰۰۷)، گوگان و همکارانش (۲۰۰۸) و دیوید و استنبارت (۲۰۰۰) است.

فرضیه سوم پژوهش

فرضیه صفر و فرضیه مقابل مربوط به فرضیه سوم پژوهش، به صورت زیر تعریف شده است. فرض صفر (H_0): در محیط XBRL، در دسترس بودن اطلاعات و فرایند استخراج و تحلیل داده‌ها تسهیل نمی‌شود.

فرض مقابل (H_1): در محیط XBRL، در دسترس بودن اطلاعات و فرایند استخراج و تحلیل داده‌ها تسهیل می‌شود.

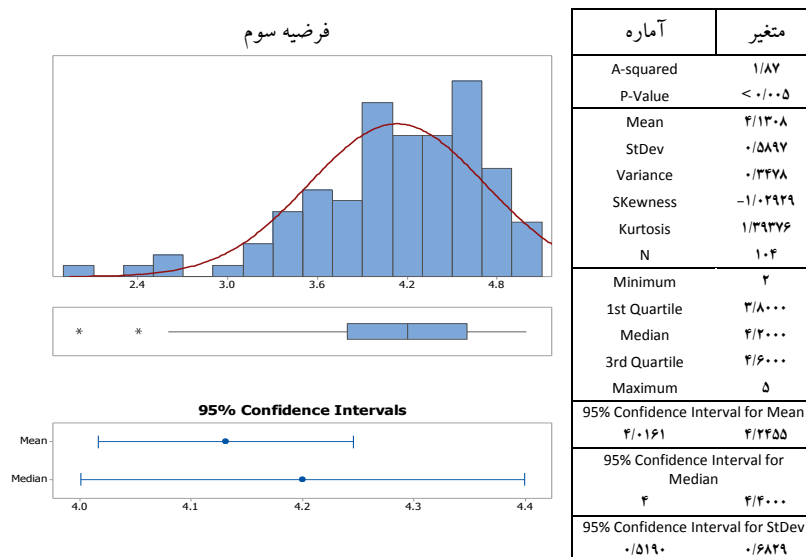
مقدار احتمال آزمون کولموگروف اسمیرنوف برابر ۰/۰۰۰ است که از ۰/۰۵ کوچکتر است. بنابراین، با اطمینان ۰/۹۵ فرض نرمال بودن رد و در نتیجه برای بررسی فرضیه سوم پژوهش از

آزمون تی یک نمونه‌ای، نمی‌توانیم استفاده کنیم. نگاره ۸ نتیجه آزمون کولموگروف اسمیرنف یک نمونه‌ای را که جهت بررسی فرض نرمال بودن داده‌ها که از شروط استفاده از آزمون مقایسه میانگین جامعه با یک عدد ثابت برای فرضیه سوم پژوهش است، نشان می‌دهد.

نگاره (۸) نتیجه آزمون نرمالیتی فرضیه ۳

فرضیه ۳	آماره کولموگروف-اسمیرنف	مقدار احتمال (P-Value)
فرضیه نرمال بودن	۰/۱۳۳	۰/۰۰۰

اگر میانگین امتیازات داده شده به گویه‌های مربوط به این نظریه که "در محیط XBRL، در دسترس بودن اطلاعات و فرایند استخراج و تحلیل داده‌ها، تسهیل می‌شود."، بزرگتر از عدد ۳ باشد فرض H_0 رد و در نتیجه ادعای مطرح شده در فرض مقابل آن، تأیید می‌گردد.



شکل (۳): اطلاعات مربوط به فرضیه شماره سه

مقدار احتمال مربوط به آزمون ویلکاکسون یک نمونه‌ای جهت بررسی فرضیه آماری $H_0: \mu \leq 3$ در مقابل $H_1: \mu > 3$ برابر با ۰/۰۰۰ است که از ۰/۰۵ کوچکتر است. بنابراین، با اطمینان ۰/۹۵ فرضیه H_0 رد و فرضیه مقابل آن تأیید می‌شود. ضمناً مقادیر میانگین و میانه گزینه‌های انتخابی به ترتیب برابر ۴/۱۳ و ۴/۲۰ شده که به طور تقریبی معادل ۴ و گزینه زیاد

خواهد بود و این مسئله موید نتیجه حاصل از آزمون آماری انجام شده است. شکل زیر در برگیرنده اطلاعات مربوط به فرضیه سوم پژوهش است.

با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌های فوق، می‌توان نتیجه گرفت که در محیط زبان توسعه پذیر گزارشگری مالی، در دسترس بودن اطلاعات و فرایند استخراج و تحلیل داده‌ها تسهیل می‌شود. نتایج این فرضیه، همسو با نتایج پژوهش‌های آلیس و گری (۲۰۱۲)، لینوکس و پیتمن (۲۰۱۱) و دیوید و استنبارت (۲۰۰۰) است.

فرضیه چهارم پژوهش

فرضیه صفر و فرضیه مقابل مربوط به فرضیه چهارم پژوهش، به صورت زیر تعریف شده است. فرض صفر (H_0): در محیط XBRL، فرآیندهای اجرای حسابرسی مستمر تسریع نمی‌گردد. فرض مقابل (H_1): در محیط XBRL، فرآیندهای اجرای حسابرسی مستمر تسریع می‌گردد. مقدار احتمال آزمون کولموگروف اسمیرنف برابر با ۰/۰۰۰ است که از ۰/۰۵ کوچکتر است. بنابراین، با اطمینان ۰/۹۵ فرض نرمال بودن رد و در نتیجه برای بررسی فرضیه چهارم پژوهش، از آزمون تی یک نمونه‌ای نمی‌توانیم استفاده کنیم. نگاره ۹ نتیجه آزمون کولموگروف اسمیرنف یک نمونه‌ای را که جهت بررسی فرض نرمال بودن داده‌ها که از شروط استفاده از آزمون مقایسه میانگین جامعه با یک عدد ثابت برای فرضیه چهارم است، نشان می‌دهد.

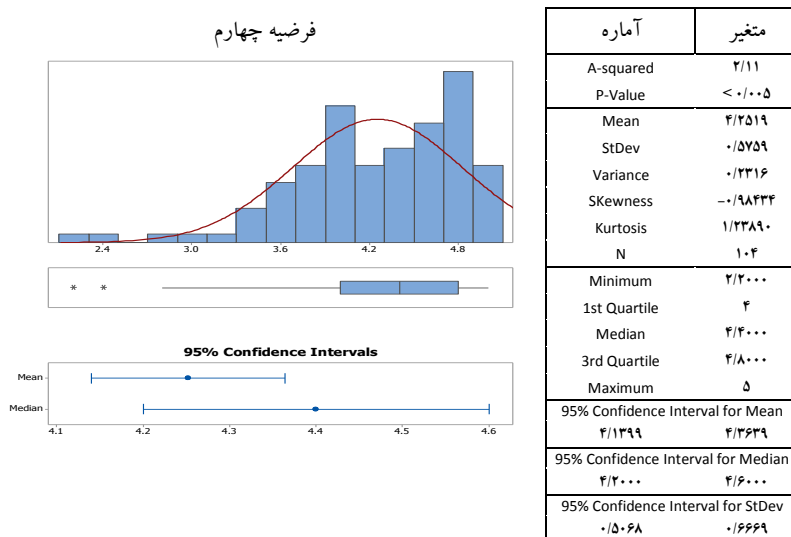
نگاره (۹): نتیجه آزمون نرمالیتی فرضیه ۴

فرضیه ۴	آماره کولموگروف-اسمیرنف	مقدار احتمال (P-Value)
فرضیه نرمال بودن	۰/۱۴۱	۰/۰۰۰

اگر میانگین امتیازات داده شده به گویه‌های مربوط به این نظریه که "در محیط XBRL، فرآیندهای اجرای حسابرسی مستمر تسریع می‌گردد"، بزرگتر از عدد ۳ باشد فرض H_0 رد و در نتیجه ادعای مطرح شده در فرض مقابل آن تأیید می‌گردد.

مقدار احتمال مربوط به آزمون ویلکاکسون یک نمونه‌ای جهت بررسی فرضیه آماری

در مقابل $H_0: \mu \leq 3$ در مقابل $H_1: \mu > 3$ برابر با $0/000$ است که از $0/05$ کوچکتر است. بنابراین، با اطمینان $0/95$ فرضیه H_0 رد و فرضیه مقابل آن تأیید می‌شود. ضمناً مقادیر میانگین و میانه گزینه‌های انتخابی به ترتیب برابر $4/25$ و $4/40$ است که به‌طور تقریبی معادل 4 و گزینه زیاد است. شکل زیر در برگیرنده اطلاعات مربوط به فرضیه چهارم پژوهش است.



شکل (۴): اطلاعات مربوط به فرضیه شماره چهار

با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌های فوق می‌توان نتیجه گرفت که در محیط زبان توسعه‌پذیر- گزارشگری مالی، فرآیندهای اجرای حسابرسی مستمر تسریع می‌گردد. نتایج این فرضیه، همسو با نتایج پژوهش‌های جیمز (۲۰۱۱) است.

فرضیه پنجم پژوهش

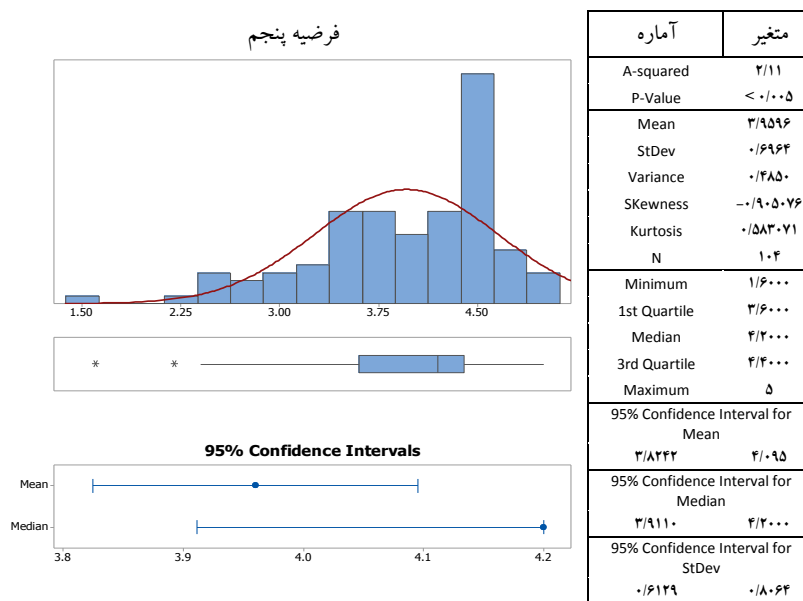
فرضیه صفر و فرضیه مقابل مربوط به فرضیه پنجم پژوهش، به صورت زیر تعریف شده است. فرض صفر (H_0): در محیط XBRL، دقت حسابرسی مستمر و کیفیت آن افزایش نمی‌گردد. فرض مقابل (H_1): در محیط XBRL، دقت حسابرسی مستمر و کیفیت آن افزایش می‌گردد.

مقدار احتمال آزمون کولموگروف اسمیرنف برابر با $0/000$ است که از $0/05$ کوچکتر است. بنابراین، با اطمینان $0/95$ فرض نرمال بودن رد و در نتیجه برای بررسی فرضیه پنجم، از آزمون تی یک نمونه‌ای نمی‌توانیم استفاده کنیم. نگاره ۱۰ نتیجه آزمون کولموگروف اسمیرنف یک نمونه‌ای را که جهت بررسی فرض نرمال بودن داده‌ها که از شروط استفاده از آزمون مقایسه میانگین جامعه با یک عدد ثابت برای فرضیه پنجم است، نشان می‌دهد.

نگاره (۱۰): نتیجه آزمون نرمالیتی فرضیه ۵

فرضیه ۵	آماره کولموگروف-اسمیرنف	مقدار احتمال (P-Value)
فرضیه نرمال بودن	$0/145$	$0/000$

اگر میانگین امتیازات داده شده به گویه‌های مربوط به این نظریه که "در محیط XBRL، دقت حسابرسی مستمر و کیفیت آن افزایش می‌گردد."، بزرگتر از عدد ۳ باشد، فرض H_0 رد می‌گردد و در نتیجه ادعای مطرح شده در فرض مقابل آن تأیید می‌گردد.



شکل (۵): اطلاعات مربوط به فرضیه شماره پنج

مقدار احتمال مربوط به آزمون ویلکاکسون یک نمونه‌ای جهت بررسی فرضیه آماری

$H_0: \mu \leq 3$ در مقابل $H_1: \mu > 3$ برابر با ۰/۰۰۰ است که از ۰/۰۵ کوچکتر است. بنابراین، با اطمینان ۰/۹۵ فرضیه H_0 رد و در نتیجه فرضیه مقابل آن تأیید می‌شود. ضمناً مقادیر میانگین و میانه گزینه‌های انتخابی به ترتیب برابر ۳/۹۵ و ۴/۲۰ است که به طور تقریبی معادل ۴ و گزینه زیاد است. شکل زیر در برگیرنده اطلاعات مربوط به فرضیه پنج است.

باتوجه به تجزیه و تحلیل داده‌های فوق می‌توان نتیجه گرفت که در محیط زبان توسعه‌پذیر گزارشگری مالی، دقت حسابرسی مستمر و کیفیت آن افزایش می‌گردد. نتایج این بررسی، همسو با نتایج پژوهش‌های عزیزخانی و همکارانش (۱۳۹۴)، پاکروان (۱۳۹۱)، گوگان و همکارانش (۲۰۰۸) و دیوید و استنبارت (۲۰۰۰) است.

میانگین ارزش عددی فرضیه‌های پژوهش

نگاره ۱۱ میانگین امتیاز فرضیه‌های این پژوهش را با استفاده از ارزش عددی ۱ تا ۵ نشان می‌دهد.

همانطوری که در نگاره فوق مشاهده گردید، میانگین بدست آمده فرضیه‌ها همه بیشتر از عدد ۳ است که حاکی از تأیید تمام فرضیه‌ها است.

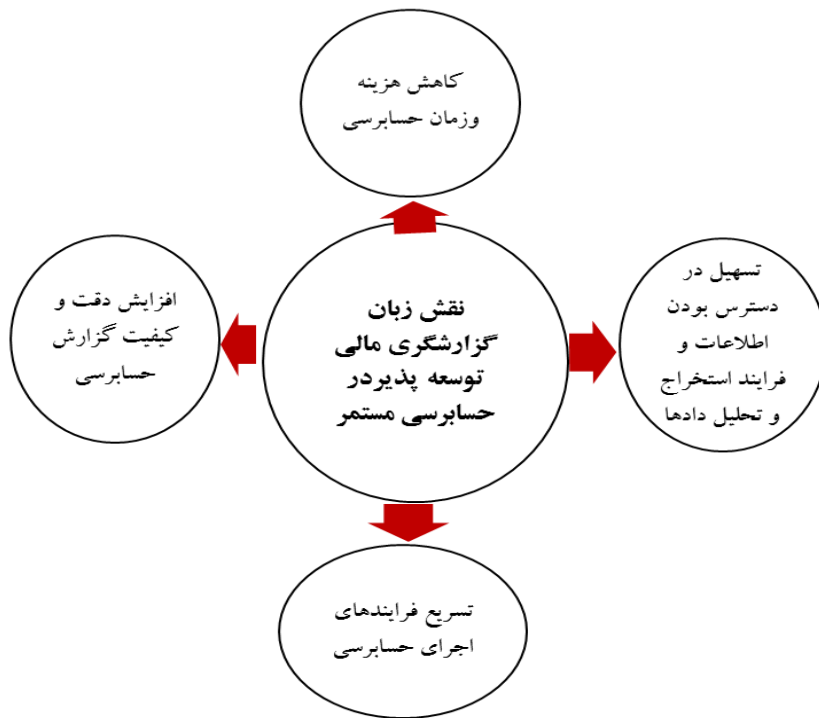
نگاره (۱۱): میانگین امتیاز فرضیه‌ها

میانگین رتبه	نقش زبان توسعه‌پذیر گزارشگری مالی (XBRL) در حسابرسی مستمر
۳/۸۸	در کاهش هزینه حسابرسی مستمر
۴/۱۴	در کاهش زمان حسابرسی مستمر
۴/۱۳	در دسترس بودن اطلاعات و تسهیل فرایند استخراج و تحلیل دادها
۴/۲۵	تسریع در فرآیندهای اجرای حسابرسی مستمر
۳/۹۵	افزایش دقت و کیفیت حسابرسی مستمر

نتیجه‌گیری

یکی از الزامات جامعه پویا و سالم برای فعالیتهای مالی و اقتصادی، وجود فضای مطمئن و امن است. حساب‌رسان با دانش و تجربه خود توانایی ایجاد چنین فضایی را دارند. حسابرسی مستمر

به‌عنوان یک راهکار جهت اطمینان‌دهی نسبت به اطلاعات مالی است. پیشرفت‌های فناوری در قلمروهایی چون تجارت الکترونیک و اینترنت، رشد سیستم‌های برنامه‌ریزی منابع بنگاه (ERP) سرعت پردازش و جهانی‌شدن تجارت، همگی منجر به ایجاد ابزارهای هوشمندتری شده و رویه‌های کسب و کار و روش ثبت و ذخیره معاملات را تغییر داده است. این پیشرفت‌ها، علاوه بر افزایش توانایی مدیریت، حسابرسان را در استخراج و تحلیل بهتر داده‌های کلیدی برای تصمیم‌گیری تواناتر می‌کند. با استفاده از فناوری اطلاعات، منابع اطلاعاتی گوناگونی برای استفاده‌کنندگان فراهم آمده است، به‌طوری‌که با وجود زبان گزارشگری تجاری توسعه‌پذیر (XBRL)، نیازمندی به صورت‌های مالی سنتی و گزارش‌های حسابداری گذشته‌نگر، تا حدود زیادی کاهش یافته و این تغییرات مسیر جدیدی را برای عملیات حسابداری سیستم‌های اطلاعاتی به منظور کاهش ریسک‌های حسابداری و افزایش کارایی اقتصادی حسابداری مهیا کرده است. حسابداری مستمر نتایج حسابداری را همزمان یا کمی بعد از تحقق رویدادهای مالی مربوطه، گزارش می‌کند. استفاده از XBRL در حسابداری مستمر امکان تهیه، انتشار و استخراج بی‌درنگ اطلاعات مالی را فراهم می‌نماید و موجب افزایش شفافیت گزارشگری و خدمات اطمینان‌دهی و ایجاد اعتماد نسبت به گزارش‌های مالی خواهد شد. بنابراین انتظار می‌رود که زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر، تأثیر گسترده‌ای را بر حوزه گزارشگری مالی داشته باشد و به‌عنوان یک زبان فراگیر و جدید بجای روش‌های سنتی مورد استفاده قرار گیرد. هدف این پژوهش، بررسی نقش زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر (XBRL)، در حسابداری مستمر بود. نتایج حاصل از تجربه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها، حاکی از مورد تأیید قرار گرفتن کلیه فرضیه‌ها است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که در محیط XBRL، زمان و هزینه حسابداری مستمر کاهش، اما دقت و کیفیت حسابداری مستمر، افزایش می‌یابد. همچنین استفاده از زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر در حسابداری مستمر، موجب تسهیل استخراج و تحلیل داده‌ها و نیز تسریع فرآیندهای اجرای حسابداری مستمر مطابق با شکل زیر، می‌گردد.



شکل (۶): تأثیر استفاده از XBRL

نتایج فرضیه اول پژوهش، همسو با نتایج پژوهش‌های داو و روحانی (۲۰۰۷) و نیل و استینکمپ (۲۰۰۸) است. به عبارتی، زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر باعث کاهش هزینه حسابرسی مستمر می‌گردد. نتایج فرضیه دوم پژوهش، همسو با نتایج پژوهش‌های پاکروان (۱۳۹۱)، مهدوی و محمدی (۱۳۸۹)، داو و روحانی (۲۰۰۷)، گوگان و همکارانش (۲۰۰۸) و دیوید و استنبارت (۲۰۰۰) است. به عبارتی، استفاده از زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر، باعث کاهش زمان حسابرسی مستمر می‌گردد. نتایج فرضیه سوم پژوهش همسو با نتایج پژوهش‌های آلیس و گری (۲۰۱۲)، لینوکس و پیتمن (۲۰۱۱) و دیوید و استنبارت (۲۰۰۰) است. به عبارتی، استفاده از زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر، باعث تسهیل در دسترس بودن اطلاعات و فرایند استخراج و تحلیل داده‌ها در حسابرسی مستمر می‌شود. نتایج فرضیه چهارم پژوهش، همسو با نتایج پژوهش‌های جیمز (۲۰۱۱) است و استفاده از زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر، باعث تسریع فرایندهای اجرای حسابرسی مستمر می‌شود. نتایج فرضیه پنجم پژوهش، همسو با نتایج

پژوهش‌های عزیزخانی و همکارانش (۱۳۹۴)، پاکروان (۱۳۹۱)، گوگان و همکارانش (۲۰۰۸) و دیوید و استنبارت (۲۰۰۰) است. به عبارتی، استفاده از زبان گزارشگری مالی توسعه پذیر، باعث افزایش دقت حسابرسی مستمر و کیفیت آن می‌گردد.

محدودیت‌های پژوهش

در فرایند انجام پژوهش علمی مجموعه شرایط و مواردی وجود دارد که خارج از کنترل و اختیار پژوهشگر بوده و بصورت بالقوه می‌تواند نتایج پژوهش، را تحت تأثیر قرار داده و تعمیم-پذیری آن را دچار مشکل سازد. پژوهش حاضر نیز از این موارد مستثنی نیست. از محدودیت‌های حاکم بر این پژوهش می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- از آنجایی که جامعه و نمونه آماری پژوهش مربوط به حسابسان مستقل و عضو جامعه حسابداران رسمی است، بنابراین یافته‌های پژوهش فقط برگرفته از دیدگاه و نقطه نظرات آنان است و در تعمیم نتایج آن به سایر حسابسان و صاحبانظران، باید احتیاط صورت گیرد.
- مشغله فراوان و عدم تمایل حسابسان و پاسخ‌دهندگان به همکاری با پژوهشگر، همواره یکی از مهمترین محدودیت‌های انجام پژوهش‌های علمی بوده و باید تلاش زیادی برای ایجاد تمایل و اطمینان پاسخ‌دهندگان جهت تکمیل پرسشنامه انجام داد.
- با توجه به عدم عملیاتی‌شدن XBRL در ایران در زمان انجام این پژوهش، ممکن است نظرات پاسخ‌دهندگان بعد از پیاده‌سازی و اجرایی شدن XBRL در ایران دارای تفاوت‌هایی باشد.

پی‌نوشت

- | | |
|----------------------------------|--|
| ۱ Continuous Auditin | ۲ Extensible Business Reporting Language (XBRL) |
| ۳ Eetensible Markup Language | ۴ International financial reporting standards (IFRS) |
| ۵ Security & Exchange Commission | ۶ Public Company Accounting Oversight Board |
| ۷ Chartered Financial Analyst | |

منابع

- Abdollahi, A. , & Tahereh, M. (2011). Recognizing and prioritizing scenarios of implementing XBRL in Iran's capital market. Quarterly journal of Stock Exchange, 14, 203-219 (In Persian).
- Ahmad Poor, A. , Bagherian, R. , & Bagherian, A. (2009). Feasibility of Extensible Business Reporting Language (XBRL) in companies listed in Tehran's Stock Exchange. Quarterly journal of Stock Exchange, 6, 31-70 (In Persian).
- Alles, M. G. , & Gray, G. L. (2012). A relative cost framework of demand for external assurance of XBRL filings. Journal of Information Systems, 26 (1) , 103-126.
- Arab Mazar Yazdi, M. , & Jaberi Nasab, B. (2009). XBRL, a revolution in financial reporting over the past decade. Accountant Journal, 203) 23 (, 40-48 (In Persian).
- Arab Mazar Yazdi, M. , & Madahi, A. (2009). Continuous auditing: what and why. Quarterly journal of auditing knowledge, 29, 4-19 (In Persian).
- Arab Mazar Yazdi, M. , & Sarafraz, M. (2016). Improving corporate governance with the help of XBRL. Accountant Journal, 290 (32) , 53-60 (In Persian).
- Azizkhani, M. , Imani Barandegh, M. , & Moradni. H. (2015). The effect of extensible business reporting language (XBRL) on auditing: an opportunity or a challenge. Empirical accounting researches, 15, 23-37 (In Persian).
- Baghomian, R. (2013). The effect of XBRL on the auditing profession. Auditor Journal, 68, 56-66 (In Persian).
- Boritz, J. E. , & No, W. G. (2003). Assurance reporting for XBRL: XARL (extensible assurance reporting language). Trust and data assurances in capital markets: the role of technology solutions, 17-31.
- Bozorg Asl, M. , & Vali Poor, R. (2006). Familiarity with the concepts and application of XBRL. Quarterly journal Official Auditor, 9 (In Persian).
- Cantu, I. , Liu, L. , Zhou, H. (2006). Continuous Auditing. Edinburg, Texas: College of Business Administration. University of Texas-Pan American.
- CFA Institute Member Survey: XBRL. (2009). CFA Institute Market Research.
- David, J. S. , & Steinbart, P. J. (2000). Data warehousing and data mining: opportunities for internal auditors. Institute of Internal Auditors Research Foundation.
- Du, H. , & Roohani, S. (2007). Meeting challenges and expectations of continuous auditing in the context of independent audits of financial statements. International Journal of Auditing, 11 (2) , 133-146.

- Efendi, J. , Park, J. D. , & Smith, L. M. (2014). Do XBRL filings enhance informational efficiency? Early evidence from post-earnings announcement drift. *Journal of Business Research*, 67 (6) , 1099-1105.
- Enachi, M. , & Andone, I. I. (2015). The progress of XBRL in Europe –projects, users and prospects. *Procedia Economics and Finance*, 20, 185-192.
- Flowerday, S. , Blundell, A. W. , & Von Solms, R. (2006). Continuous auditing technologies and models: A discussion. *Computers & security*, 25 (5) , 325-331.
- Gunn, J. (2007). XBRL: Opportunities and challenges in enhancing financial reporting and assurance processes. *Current issues in auditing*, 1 (1) , A36-A43.
- Kogan, A. , Sudit, E. F. , & Vasarhelyi, M. A. (1999). Continuous online auditing: an evolution. *Journal of Information Systems*, 13 (2).
- Kordestani, G. , & Mostafa, R. (2009). Continuous auditing and extensible business reporting language. *Official accounting quarterly journal*, 8, 104-113 (In Persian).
- Lennox, C. S. , & Pittman, J. A. (2011). Voluntary audits versus mandatory audits. *The accounting review*, 86 (5) , 1655-1678.
- Liu, C. , Wang, T. , & Yao, L. J. (2014). XBRL's impact on analyst forecast behavior: An empirical study. *Journal of Accounting and Public Policy*, 33 (1) , 69-82.
- Mahdavi, G. H. , & Saman, M. (2010). Application of expert systems in auditing. *Quarterly journal of auditing knowledge*, 89, 22-38 (In Persian).
- Mohammadi, J. ,& Khozain, A. (2017). Language (XBRL) on Improving the Quality of Financial Reporting, Increasing the Transparency of Financial Information and Reducing Information Asymmetry. *Journal of Accounting Research*, 7 (3) , 41-60 (In Persian).
- Nel, G. F. , & Steenkamp, L. P. (2008). An exploratory study of chartered accountants' awareness and understanding of XBRL. *Meditari Accountancy Research*, 16 (1) , 79-93.
- Nojavan, M. , Mohammadi, M. ,& Feel Sarayi, M. (2016). The Study of Reporting Language (XBRL) Dimensions and Acceptance Levels. *Journal of Accounting Research*, 6 (3) , 1-16 (In Persian).
- Pakravan, L. (2012). Auditing in XBRL. *World of Economy Newspaper*, 2747, 22 (In Persian).
- Plumlee, R. D. & Plumlee, M. A. (2008). Assurance on XBRL for financial reporting. *Accounting Horizons*, 22 (3) , 353-368.
- Rechtman, Y. (2004). Continuous auditing and XBRL, *The Trusted Professional*, NYSSCPA 7 (8).
- Saghafi, A. Arab Mazar Yazdi, M. & Rafik, B. (2005). Financial reporting in internet and its status in Iran. *Quarterly journal of accounting*, 10 (11) , 127-156 (In Persian).
- Venkatesh, R. , & Armitage, J. (2012). Accountants Awareness and Perceptions about Assurance on XBRL Financial Statements. *Journal of Applied Business Research (JABR)* , 28 (2) , 145-154.
- Wagenhofer, A. (2003). Economic consequences of internet financial reporting. *Schmalenbach Business Review*, 55 (4) , 262-279.

- Willis, M. (2003). Corporate reporting enters the information age. *Regulation*, 26, 56.
- Zachary, C. , & Mike, W. (2002). Corporate Reporting and the Internet: Understanding-and Using-XBRL.

رابطه ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی شرکت با توجه به نقش تعدیلی کیفیت حسابرسی

علی رضا معطوفی^۱، متینه مهرپرور^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۱۱

چکیده

مدیران، با هدف کسب مزیت‌هایی برای بنگاه تحت مدیریت خود، معمولاً به برقراری و حفظ ارتباط با دولت می‌پردازند، اما در بازارهای با چارچوب‌های نظارتی ضعیف این رابطه می‌تواند منجر به مساله نمایندگی و هزینه‌های مرتبط با آن شود. بنابراین، هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی شرکت‌ها، با توجه به نقش تعدیلی کیفیت حسابرسی، در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ است. برای این منظور، نمونه‌ای متشکل از ۱۲۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب گردید و با استفاده از الگوی رگرسیون چند متغیره مبتنی بر تکنیک داده‌های تابلویی، فرضیه‌های پژوهش مورد آزمون قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهند بین ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، کیفیت حسابرسی رابطه بین ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی را تعدیل می‌کند.

واژه‌های کلیدی: ارتباطات سیاسی، هزینه نمایندگی، کیفیت حسابرسی.

طبقه‌بندی موضوعی: M41, M42

DOI: 10.22051/ijar.2019.23995.1476

^۱ استادیار گروه حسابداری، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران، (نویسنده مسئول)،
(Alirezamaetoofi@gmail.com)

^۲ کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی گلستان، گرگان، ایران، (matina1371.meh@gmail.com)

مقدمه

افزایش مدیران و اعضای هیأت‌مدیره با ارتباطات سیاسی در بنگاه‌ها، در اقتصادهای در حال-توسعه و نوظهور، توجه بسیاری از پژوهشگران را در خصوص تأثیر ارتباطات سیاسی بر عملکرد شرکت به خود جلب کرده‌است (دینگ و همکاران، ۲۰۱۵). مدیر و اعضای هیأت‌مدیره با روابط سیاسی، قدرتمند به‌نظر می‌رسند، زیرا مزایای فراوانی را به‌واسطه ارتباط با افراد سیاسی، برای شرکت فراهم می‌کنند. همچنین، آنها می‌توانند با استفاده از قدرت سیاسی خود جایگاه‌شان را تقویت کرده و بر عملکرد شرکت نیز تأثیر بگذارند (خان و همکاران، ۲۰۱۶).

پژوهش‌های پیشین با بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر عملکرد و ارزش شرکت (لی و همکاران، ۲۰۱۸؛ ملول و همکاران، ۲۰۱۸؛ بنچیک و تکتک، ۲۰۱۷؛ سعید و همکاران، ۲۰۱۶)، ارزش و سطح وجه نقد نگهداشته شده (کاسندی و وی، ۲۰۰۸)، دسترسی به منابع مالی (کلاسنس و همکاران، ۲۰۰۸)، نرخ مالیات (آدیکاری و همکاران، ۲۰۰۶)، هزینه بدهی و سرمایه (بلیس و گال، ۲۰۱۲؛ بوبکری و همکاران، ۲۰۱۲) و کیفیت گزارشگری مالی (چانی و همکاران، ۲۰۱۱)، حاکی از منافع و هزینه‌های ارتباطات سیاسی برای شرکت‌ها است.

از دیدگاه منافع، ارتباطات سیاسی می‌تواند منابعی را برای بنگاه فراهم آورد. براین اساس ارتباطات سیاسی قادر است از طریق تسهیل در قوانین مالیاتی، فراهم آوردن کمک‌های مالی و تأمین مالی راحت، منفعی را برای شرکت به‌همراه داشته باشد (فاسیو و همکاران، ۲۰۰۶؛ کلاسنس و همکاران، ۲۰۰۸؛ بلیس و گال، ۲۰۱۲؛ بوبکری و همکاران، ۲۰۱۲). در نقطه مقابل، منتقدان معتقدند سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران اغلب محیط بنگاه را نامطمئن کرده و هزینه مبادلات را برای سازمان‌های تجاری افزایش می‌دهند (خان و همکاران، ۲۰۱۶).

نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد شرکت‌های دارای روابط سیاسی، دارای هزینه‌سرمایه پایینی هستند (بوبکری و همکاران، ۲۰۱۲)، به قراردادهای دولتی سودآور دسترسی دارند (گلدمن و همکاران، ۲۰۱۳)، قوانین و مقررات کمتر در کسب و کار آنها مانع ایجاد کرده است (گلدمن و همکاران، ۲۰۱۳)، تحت بازبینی و نظارت کمتری قرار دارند (فاسیو، ۲۰۰۶)، مالیات کمتری می‌پردازند (فاسیو، ۲۰۰۶، حسن و همکاران، ۲۰۱۲) و در نهایت، با رقابت و فشار کمتری از طرف بازار مواجه هستند (بوبکری و همکاران، ۲۰۱۲). از سوی دیگر، از آنجایی که روابط

سیاسی منجر به فعالیت‌های رانت‌جویانه (بوبکری و همکاران، ۲۰۱۲؛ فاسیو، ۲۰۰۶) و مدیریت سود می‌گردد (چانی و همکاران، ۲۰۱۱)، بنابراین به ضرر منافع سهامداران اقلیت است.

جانسن و میتن (۲۰۰۳) در پژوهش خود دریافتند، بنگاه‌ها با ارتباطات سیاسی، کارایی پایینی را تجربه می‌کنند. به‌طور مشابه، مطالعات دیگر نشان می‌دهند، بنگاه‌ها با ارتباطات سیاسی، ممکن است بخشی از منابع خود را صرف افراد و عوامل ایجاد کننده روابط سیاسی بنگاه نمایند که این امر می‌تواند منافع حاصل از روابط سیاسی را کاهش دهد (فن و همکاران، ۲۰۰۷؛ فاسیو، ۲۰۱۰). بلیس و گال (۲۰۱۲) بیان می‌کنند شرکت‌های دارای روابط سیاسی، هزینه‌های استقرای بالاتری را تجربه می‌کنند و این در حالی است که بوبکری و همکاران (۲۰۱۲) معتقدند، روابط سیاسی با کاهش هزینه‌های استقرای بنگاه، همراه است. همچنین، فاسیو (۲۰۰۶) معتقد است، روابط سیاسی می‌تواند منجر به هزینه‌های نمایندگی بالا، به‌ویژه در اقتصادهای با چارچوب قانونی ضعیف شود. خان و همکاران (۲۰۱۶) نشان دادند، بنگاه‌های دارای روابط سیاسی، هزینه‌های نمایندگی بالاتری را نسبت به بنگاه‌های فاقد این ارتباط تجربه می‌کنند. اگرچه شرکت‌ها می‌توانند بر سیاست‌گذاران تأثیر گذاشته و هزینه‌های کسب‌وکار را از طریق حفظ سیاسیون کاهش دهند (کو و همکاران، ۲۰۱۷)، اما اعضای هیئت‌مدیره و مدیران با روابط سیاسی، می‌توانند با دریافت مزایا و امتیازات از بنگاه، منافع بالقوه روابط سیاسی را برای بنگاه کاهش دهند (برتراند و همکاران، ۲۰۱۸).

در بنگاه‌هایی با سیستم حاکمیت شرکتی ضعیف و فاقد نظارت‌های بیرونی، حسابرسی خارجی می‌تواند به‌عنوان سازوکاری برای نظارت خارجی بنگاه عمل کند (فن و وانگ، ۲۰۰۵). نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد، حساب‌برسان بزرگ خدمات حسابرسی با کیفیتی به مشتریان خود ارائه می‌کنند (دی‌آنجلو، ۱۹۸۱). کیفیت حسابرسی، هزینه نمایندگی بنگاه‌های دارای روابط سیاسی را کاهش می‌دهد. به‌عبارتی، کیفیت حسابرسی می‌تواند مشکل نمایندگی را از طریق اعمال نظارت‌های خارجی برای بنگاه‌ها با روابط سیاسی، کاهش دهد (خان و همکاران، ۲۰۱۶).

در اقتصادهای نوظهور به‌جهت مشخصه‌هایی از قبیل ضعف سیستم قانونی، حمایت ضعیف از حقوق سهامداران اقلیت، مالکیت‌های خانوادگی گسترده و محدودیت حضور سهامداران عمده، معمولاً ارتباطات سیاسی تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر رفتار بنگاه‌ها دارند (ماتاकिन و همکاران، ۲۰۱۵). مانند بسیاری از اقتصادهای نوظهور، ایران نیز از مدل حاکمیت شرکتی به سبک

کشورهای توسعه یافته اقتباس کرده است که مستلزم وجود اعضاء غیرموظف بیشتر در هیئت مدیره و جدایی مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره است، اما کارایی حاکمیت شرکتی می تواند به دلیل محیط نظارتی ضعیف، در معرض خطر قرار گیرد (آدین و چاندهاری، ۲۰۰۸). بنابراین، این پرسش مطرح می شود، آیا کیفیت حسابرسی تأثیر معنادار بر رابطه ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی شرکت دارد؟

مطالعه ادبیات پژوهشی کشور در این حوزه، فقدان پژوهش های کاربردی که به بررسی رابطه ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی با توجه به اثر تعدیلی کیفیت حسابرسی پرداخته باشند، را نشان می دهد. بنابراین، پژوهش حاضر در نظر دارد با بررسی موضوع، ضمن کمک به کاهش شکاف اطلاعاتی موجود در ادبیات پژوهش کشور، ابزار مفیدی را در اختیار سایر پژوهشگران برای تحقیقات آتی، قرار دهد.

مبانی نظری

اقدامات دولت ها در راستای ملی کردن بنگاه ها منجر به محدود شدن مالکیت بخش خصوصی در صنایع می شود؛ اگرچه خیلی زود، اغلب بنگاه های ملی شده به جهت فقدان مدیران با کیفیت زیان ده می شوند. این اتفاق به همراه تغییر در دولت ها و فشار موسسات مالی مثل بانک جهانی برای شفافیت بیشتر و اقتصاد بازار آزاد، منجر به اتخاذ سیاست خصوصی سازی شده است (خان و همکاران، ۲۰۱۶).

در بسیاری از اقتصادهای در حال گذار، فرآیند خصوصی سازی شفاف نبوده و منجر به خرید بخش زیادی از صنایع با مالکیت دولتی توسط اشخاص می شود (آدین و هاپر، ۲۰۰۳؛ بانک جهانی، ۲۰۰۹). بنابراین، این سیاست موجب شکل دهی ساختار مالکیت صنعتی جدیدی در اقتصاد می شود. در حالی که بسیاری از مالکین جدید کسب و کار خود را شروع می کنند، همزمان گروه های جدیدی که از حمایت های دولتی بهره مند هستند نیز شروع به شکل گیری می کنند. معمولاً رهبران این شکل جدید مدیریتی در سیاست فعال هستند و موفقیت شان اغلب وابسته به شبکه ارتباطات سیاسی است که ایجاد کرده اند (کوچانک، ۱۹۹۶).

این الگو از توسعه کارآفرینی، تأثیر اساسی بر الگوی صنعتی سازی اقتصاد داشته و ظهور جامعه تجاری در قالب فرآیندهای سیاسی را به همراه دارد. به عنوان مثال، در سال های اخیر تعداد قابل

توجهی از بازرگانان بنگلادش را افراد مرتبط با دو حزب اصلی این کشور به خود اختصاص داده است؛ به طوری که، در پارلمان نهم بنگلادش ۵۹ درصد از نمایندگان بازرگان بوده و ارزش دارایی‌های آنها حداقل ۱۰ میلیون دلار برآورد شده است (چادهااری، ۲۰۰۹).

در چنین شرایطی سیاست‌یون تمایل به برقراری ارتباط نزدیک با کسانی دارند که به دنبال کسب رانت و فساد مالی هستند (خان و همکاران، ۲۰۱۶). بنابراین، سیاست‌یون، مدیران دولتی و خانواده‌های تاجر ثروت‌مند، اغلب تمایل به نزدیک شدن به یکدیگر برای شکل دادن مثلث قدرت، از طریق ایجاد فساد و وابستگی متقابل دارند (آلام و تیچر، ۲۰۱۰). خان و همکاران (۲۰۱۶)، وانگ و همکاران (۲۰۱۷) و لی و وانگ (۲۰۱۷) بیان می‌کنند، بسیاری از فعالان صنعتی دارای روابط سیاسی، متهم به دست داشتن در بی‌نظمی‌های مالی هستند که منجر به عدم بازگشت حجم زیادی از تسهیلات دریافتی از بانک‌های دولتی شده است. بسیاری از دریافت‌کنندگان این تسهیلات به طور مستقیم و غیرمستقیم دارای ارتباطات سیاسی بوده و در زمان انتخابات کمک‌های مالی به سیاست‌یون کرده‌اند. همچنین، گزارش شفافیت بین‌المللی (۲۰۰۰) نشان می‌دهد، ۷۰ درصد وام‌گیرندگانی که تسهیلات خود را بازپرداخت نکرده‌اند، از ارتباطات سیاسی جهت اخذ تسهیلات بانکی، استفاده کرده و بین یک تا پنج درصد از تسهیلات را به عنوان رشوه، پرداخت کرده‌اند. بنابراین، ارتباطات سیاسی به عنوان پیش شرط موفقیت کسب و کار در کشورهای در حال توسعه و نوظهور، در صورت فقدان نظارت‌های کافی و محیط قانونی قوی، تلقی می‌شود (خان و همکاران، ۲۰۱۶).

ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی

از دیدگاه وابستگی عملکرد بنگاه به منابع، مزیت رقابتی بنگاه، به مالکیت آن بر منابع کلیدی که رقا در به دست آوردن آن با مشکلات زیادی مواجه هستند، بستگی دارد (ففر و سالانسیک، ۲۰۰۳). ارتباطات سیاسی می‌تواند به عنوان یک منبع نامشهود با ارزش، برای کسب حمایت‌های دولتی استفاده شود (خان و همکاران، ۲۰۱۶). بانک‌انوانیچا و ویواتاناکانتانگ (۲۰۰۸) بیان می‌کنند، ارتباطات سیاسی می‌تواند به عنوان ابزاری کارآمد برای اعمال نفوذ سیاسی مالکین کسب و کارهای بزرگ که به شدت به قراردادهای دولتی نیاز دارند، تلقی شود. بنابراین،

سیاسیون بعد از رعایت جوانب احتیاط، می‌توانند از قدرت سیاسی خود در جهت تأثیر بر سیاست‌گذاری‌ها به نفع کسب و کارشان، استفاده نمایند (خان و همکاران، ۲۰۱۶).

در اقتصادهایی که درجه بالایی از عدم اطمینان در سیاست‌گذاری دولت وجود دارد و ابزارهای اجرای قانون ضعیف است، روابط سیاسی می‌تواند به‌عنوان جایگزینی برای دادگاه‌های کارآمد و حاکمیت قوی قانون (که بنگاه‌ها در اقتصادهای پویا به آن نیاز دارند)، مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین، احتمالاً بنگاه‌ها، به‌ویژه در اقتصادهای نوظهور، نسبت به انتصاب سیاسیون در هیئت‌مدیره خود به‌عنوان منبع دسترسی به شبکه‌های انسانی مشتمل بر افراد شاغل در پست‌های کلیدی دولتی، اقدام می‌کنند. این اقدام می‌تواند بنگاه را در موقعیتی قرار دهد که بر مقررات دولتی تأثیر گذاشته و یا از تغییرات قریب‌الوقوع قوانین، بهره‌برداری نماید (اگر و آل و نابر، ۲۰۰۱). ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد ارتباطات سیاسی منافی از قبیل دسترسی آسان به منابع خارجی (کال و همکاران، ۲۰۱۵؛ کلاسنس و همکاران، ۲۰۰۸؛ خوآجا و میان، ۲۰۰۵؛ جانسن و میتن، ۲۰۰۳) و کاهش در مالیات و هزینه‌ها (عباس و همکاران، ۲۰۱۷؛ عبدالوهاب و همکاران، ۲۰۱۷؛ کیم و ژانگ، ۲۰۱۶؛ فرانسیس و همکاران، ۲۰۱۶؛ وو و همکاران، ۲۰۱۲؛ فاسیو، ۲۰۱۰)، را برای بنگاه به همراه دارد که نهایتاً عملکرد بنگاه را افزایش می‌دهد (خان و همکاران، ۲۰۱۶).

با استفاده از نظریه وابستگی به منابع، هیلمن (۲۰۰۵) بیان می‌کند، ارتباطات سیاسی اعضای هیئت‌مدیره می‌تواند عدم اطمینان حاصل از محیط خارجی بنگاه را به‌وسیله دریافت مشاوره و اطلاعات اختصاصی، دسترسی آسان به منابع و بهره‌مندی از تبصره‌ها و تخفیف‌های قانونی کاهش و احتمال بقاء بنگاه و عملکرد آن را افزایش دهد. آدیکاری و همکاران (۲۰۰۶)، نشان دادند بنگاه‌هایی با ارتباطات سیاسی نرخ‌های موثر مالیات کمتری را نسبت به سایر بنگاه‌ها پرداخت می‌کنند. وو و همکاران (۲۰۱۲)، با بررسی اقتصادهای نوظهور دریافتند مدیران با ارتباطات سیاسی عملکرد بهتری نسبت به مدیران بدون این نوع از ارتباط، دارند. بر این اساس، مزیت ارتباطات سیاسی در دوران بحران مالی آسیا، مشهود بود (خان و همکاران، ۲۰۱۶). گال (۲۰۰۶) بیان می‌کند، با وقوع بحران مالی آسیا بسیاری از شرکت‌ها شروع به از دست دادن ارزش شرکت خود کردند و این درحالی بود که بنگاه‌ها با ارتباطات قوی سیاسی با حزب حاکم، توانستند با تزریق نقدینگی خود را نجات دهند.

با وجود مزایای محتمل روابط سیاسی که در ادبیات پژوهش به آن اشاره شده است، محیط سازمانی بنگاه تمایل به تأثیر بر هزینه‌های نمایندگی دارد (چوی و همکاران، ۲۰۱۱؛ بوبکری و همکاران، ۲۰۱۲). شلیفر و ویشنی (۱۹۹۴) بیان می‌کنند، سیاست‌یون تلاش می‌کنند بر یارانه‌ها تأثیر بگذارند، در حالی که شرکت‌ها با استفاده از رشوه به دنبال تأثیر بر سیاست‌یون هستند. این موضوع در مورد بازرگانانی که به دنبال کسب موقعیت در تشکیلات دولتی به منظور استفاده از خلع‌های موجود در سازمان و کسب منافع در تجارت هستند، نیز صدق می‌کند (بارتلت و برادی، ۲۰۰۳).

با توجه به آنکه بنگاه‌های دارای ارتباطات سیاسی نوعاً به دنبال کسب سود از روابط خود هستند، ممکن است با مخفی‌کاری، عمداً موجب اشتباه سرمایه‌گذاران شوند (لوز و آبرهالزر-جی، ۲۰۰۳) و با تأثیر بر کنترل‌های داخلی، منافع سهامداران اقلیت را به خطر اندازند (لاپرتا و همکاران، ۲۰۰۰). از آنجایی که بازرگانان دارای ارتباطات سیاسی بیشتر به فساد مالی و نقض قوانین مالی مبادرت می‌کنند، بنابراین بنگاه‌های دارای ارتباطات سیاسی بیشتر، مستعد ریسک مصادره و افزایش هزینه‌های نمایندگی هستند (آلام و تیچر، ۲۰۱۰). مدیران در این بنگاه‌ها ممکن است قادر به سوءاستفاده از دارایی‌ها، مبادلات مشکوک حزبی و انجام سرمایه‌گذاری‌های زیان‌ده و در جهت منافع شخصی خود باشند.

همچنین بنگاه‌های دارای ارتباطات سیاسی، کارایی پایین‌تری را تجربه می‌کنند (جانسن و میتن، ۲۰۰۳). در بازارهای با چارچوب قانونی ضعیف، مدیران با احتمال بیشتری اقدام به استفاده از ارتباطات سیاسی در جهت توسعه منافع شخصی خود به هزینه سهامداران اقلیت می‌کنند (فاسیو، ۲۰۰۶). با توجه به موارد فوق، می‌توان ادعا کرد بنگاه‌های دارای ارتباطات سیاسی هزینه‌های نمایندگی بیشتری را تجربه می‌کنند. بنابراین، فرضیه اول پژوهش عبارتست از:

فرضیه اول پژوهش: بنگاه‌های دارای ارتباطات سیاسی هزینه نمایندگی بیشتری را تجربه می‌کنند.

کیفیت حسابرسی، ارتباطات سیاسی و هزینه‌های نمایندگی

کیفیت حسابرسی می‌تواند به‌عنوان عامل کلیدی در کاهش تأثیر ارتباطات سیاسی بر هزینه‌های نمایندگی محسوب شود. دی‌آنجلو (۱۹۸۱) معتقد است، حسابرس تحریف‌های موجود در گزارش‌های مالی را بررسی و گزارش خواهد کرد. شرکت‌های حسابرسی توان فراهم

آوردن خدمات حسابرسی با کیفیت را دارند، زیرا آنها امکان سرمایه‌گذاری در تکنولوژی‌های بروز حسابرسی و استخدام افراد با تجربه را دارند (فاسیو، ۲۰۱۰). شرکت‌های حسابرسی که قادر به ارائه خدمات حسابرسی با کیفیت هستند، جزء شرکت‌های حسابرسی بزرگ هستند، زیرا برای حفظ حسن شهرت خود تعریفات در گزارش‌های مالی را کشف و گزارش می‌کنند (خان و همکاران، ۲۰۱۶). علاوه بر این، شرکت‌های بزرگ حسابرسی به جهت نگرانی بابت حفظ حسن شهرت خود، در برابر فشار مشتریان مقاومت می‌کنند، کار بیشتری را با حفظ استقلال خود انجام می‌دهند و تعریفات کشف شده حین فرآیند حسابرسی را گزارش می‌نمایند. بنابراین کیفیت حسابرسی را تضمین می‌کنند (دی‌آنجلو، ۱۹۸۱).

کیفیت حسابرسی در بازارهای فاقد محیط‌های نهادی قوی، می‌تواند نقش نظارت بیرونی مهمی را ایفاء نماید (فن و وانگ، ۲۰۰۵). برخلاف اقتصادهای توسعه‌یافته، مالکیت و کنترل بنگاه‌ها در بازارهای نوظهور متمرکز و مبتنی بر سهامداران نهادی است (یانگ و همکاران، ۲۰۰۸). به عبارتی، مسئله اصلی حاکمیت در بنگاه، تضاد منافع بین سهامداران کنترلی و اقلیت است (یانگ و همکاران، ۲۰۰۸). شلیفر و ویشنی (۱۹۹۷) معتقدند، تمرکز مالکیت با افزایش سطح کنترل موثر مالک بر بنگاه، موجب تغییر مساله نمایندگی از تضاد مدیر و سهامدار به تضاد مالک کنترلی و سهامدار اقلیت، می‌شود. این شرایط به‌ویژه در بازارهای نوظهور که از حاکمیت شرکتی قوی برخوردار نیستند، با اقدامات منفعت‌طلبانه سهامداران کنترلی، همراه خواهد بود. در چنین محیطی، حسابرسان مستقل خارجی به‌ویژه شرکت‌های بزرگ حسابرسی که استانداردهای حسابرسی بین‌المللی را دنبال می‌کنند و برای ارتقاء تخصص خود تلاش می‌کنند، می‌توانند خلع حاکمیت شرکتی را پر کرده و به‌عنوان یک ناظر قابل اعتماد بر سهامداران کنترلی انجام وظیفه نمایند.

فن و وانگ (۲۰۰۵) بیان می‌کنند، حسابرسان خارجی می‌توانند به‌عنوان ناظران خارجی عمل کرده و هزینه نمایندگی را کاهش دهند. بنابراین، در بازارهای با چارچوب قانونی ضعیف به‌ویژه زمانی که از نسخه‌های غربی حاکمیت شرکتی (که غالباً جنبه تشریفاتی دارد) استفاده می‌شود، کیفیت حسابرسی می‌تواند نقش نظارتی را جهت کاهش مسئله نمایندگی و هزینه‌های مرتبط با آن ایفاء نماید. همچنین، می‌توان انتظار داشت که کیفیت حسابرسی به کاهش هزینه نمایندگی

در بنگاه‌های دارای ارتباطات سیاسی کمک نماید. بر این اساس، فرضیه دوم پژوهش عبارتست از:

فرضیه دوم پژوهش: کیفیت حسابرسی رابطه ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی را تعدیل می‌کند.

پیشینه پژوهش

در رابطه با موضوع اصلی پژوهش (بررسی رابطه ارتباطات سیاسی با هزینه نمایندگی)، مطالعات چندانی صورت نگرفته است. بنابراین، در ادامه به برخی از پژوهش‌هایی که تا حدی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با موضوع پژوهش حاضر ارتباط دارند، اشاره شده است.

ملول و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان تأثیر ارتباطات سیاسی بر ارزش و عملکرد بنگاه، نشان دادند ارتباطات سیاسی، ارزش و عملکرد شرکت را بهبود می‌بخشد. به عبارتی، علاوه بر مزایا و منافع که شرکت به واسطه روابط سیاسی به دست می‌آورد، تمایل سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی جهت بهره‌مندی از مزایای فوق‌الذکر نیز، موجب بهبود ارزش و عملکرد شرکت می‌شود.

برتراند و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان هزینه‌های ارتباطات سیاسی، نشان دادند شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی از مزایایی از قبیل دسترسی به منابع دولتی، یارانه‌ها و معافیت‌های مالیاتی بهره‌مند هستند. همچنین، شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی سودآوری کمتری دارند، به‌ویژه زمانی که یک مدیر سیاسی در بنگاه به قدرت می‌رسد.

عبدالوهاب و همکاران (۲۰۱۷) با بررسی رابطه ارتباطات سیاسی، حاکمیت شرکتی و سیاست مالیاتی، نشان دادند شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی نسبت به هم‌تایان خود که دارای روابط سیاسی نیستند، سیاست مالیاتی جسورانه‌تری دارند. همچنین، حاکمیت شرکتی می‌تواند تأثیر ارتباطات سیاسی را بر سیاست مالیاتی جسورانه شرکت، تضعیف نماید.

بنچیخ و تکتک (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان تأثیر ارتباطات سیاسی بر عملکرد شرکت، نشان دادند ارتباطات سیاسی تأثیر مثبت بر عملکرد شرکت دارد. همچنین، اهرم، سن و دارایی‌های شرکت در افزایش عملکرد بنگاه‌های دارای روابط سیاسی، موثر هستند.

وانگ و همکاران (۲۰۱۷) با بررسی رابطه توانایی مدیریت، ارتباطات سیاسی و گزارشگری مالی متقالبانه، نشان دادند افزایش توانایی مدیریت موجب کاهش ارائه گزارش های مالی متقالبانه می شود، اما ارتباطات سیاسی بنگاه می تواند موجب تضعیف این رابطه شود.

کیم و ژانگ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان تأثیر ارتباطات سیاسی بر سیاست مالیاتی شرکت، نشان دادند شرکت های دارای ارتباطات سیاسی به دلیل جریمه های پایین تر مالیاتی، اطلاعات بهتر در مورد قوانین مالیاتی و تغییرات آن دارند. همچنین، این شرکت ها به واسطه فشار کمتر بازار برای شفافیت و ریسک پذیری بیشتر به پشتوانه روابط سیاسی، سیاست مالیاتی جسورانه تری را دنبال می کنند.

خان و همکاران (۲۰۱۶) با بررسی ارتباط بین ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی، نشان دادند شرکت های دارای روابط سیاسی نسبت به همتایان خود که دارای روابط سیاسی نیستند، هزینه های نمایندگی بالاتری دارند و بین ارتباطات سیاسی و هزینه های نمایندگی شرکت ها رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین کیفیت حسابرسی رابطه بین ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی را تعدیل می کند.

کال و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی با بررسی رابطه بین ارتباطات دولتی و محدودیت های مالی، نشان دادند در شرکت های با روابط دولتی، بنگاه با محدودیت های مالی و وابستگی کمتر به جریان وجوه نقد داخلی برای تأمین مالی سرمایه گذاری ها، مواجه است.

بلیس و گال (۲۰۱۲) در پژوهشی با بررسی ارتباط بین روابط سیاسی و هزینه بدهی، نشان دادند از دید بازار سرمایه و شرکت های حسابرسی، شرکت های دارای ارتباطات سیاسی ریسک بیشتری نسبت به سایر شرکت ها دارند. این شرکت ها به طور عمده هزینه بدهی بالاتر، گزارشگری زیان بیشتر و حقوق صاحبان سهام منفی بیشتری دارند و بیشتر توسط یک شرکت حسابرسی بزرگ، حسابرسی می شوند.

بویکری و همکاران (۲۰۱۲) طی پژوهشی با بررسی هزینه سهام عادی شرکت های دارای ارتباطات سیاسی، نشان دادند شرکت های دارای ارتباطات سیاسی، هزینه سهام عادی پایین تری در مقایسه با سایر شرکت ها دارند.

رهنمای رودپشتی و محسنی (۱۳۹۷) در پژوهشی با بررسی ارتباطات سیاسی، سود نقدی و بازده سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نشان دادند، بین ارتباطات سیاسی و سود نقدی سهام رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارتی، با افزایش ارتباطات سیاسی، سود نقدی تقسیمی افزایش می‌یابد. همچنین، یافته‌های پژوهش بیانگر رابطه مثبت و معنی‌دار بین ارتباطات سیاسی و بازده سهام است. به عبارتی، با افزایش ارتباطات سیاسی، بازده سهام شرکت‌ها افزایش می‌یابد. این نتایج دلالت بر این دارد که ارتباطات سیاسی می‌تواند به‌عنوان عاملی مهم در زمینه سود نقدی و بازده‌های سهام، در نظر گرفته شود.

بادآور نهندی و تقی‌زاده خانقاه (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان تأثیر ارتباطات سیاسی بر سرمایه‌گذاری بیشتر از حد و عملکرد شرکت، نشان دادند ارتباطات سیاسی بر سرمایه‌گذاری بیشتر از حد، تأثیر مثبتی داشته و بر عملکرد شرکت تأثیر منفی می‌گذارد.

محسنی (۱۳۹۷) در پژوهشی با بررسی ارتباطات سیاسی و هزینه سرمایه حقوق صاحبان سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، نشان داد بین ارتباطات سیاسی و هزینه سرمایه، رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد.

مهربان‌پور و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان بررسی اثر روابط سیاسی شرکت‌ها بر بکارگیری معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته با نمونه‌ای متشکل از ۸۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ نشان دادند، روابط سیاسی به‌طور معنادار موجب کاهش اعطای اعتبار و فروش غیرعادی به اشخاص وابسته می‌شود. همچنین، روابط سیاسی تأثیر معناداری بر مدیریت سود از طریق فروش غیرعادی به اشخاص وابسته ندارد.

کامیابی و شکریان (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر مدیریت سود واقعی بر رابطه بین مدیریت سود تعهدی و ارتباطات سیاسی، نشان داد مدیریت سود واقعی با ارتباطات سیاسی رابطه مثبت و معنادار دارد، اما مدیریت سود تعهدی رابطه‌ای با ارتباطات سیاسی ندارد. همچنین، مدیریت سود واقعی اثری بر رابطه بین مدیریت سود تعهدی و ارتباطات سیاسی ندارد.

پلنگی و پورآقاجان سرحمامی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی هیئت‌مدیره بر رابطه بین وجه نقد نگهداری شده و کیفیت سود، پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد، بین وجه نقد نگهداری شده و کیفیت سود رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

همچنین، ارتباطات سیاسی هیئت‌مدیره تأثیری بر رابطه بین وجه نقد نگهداری شده و کیفیت سود ندارد.

رفیع‌زاده و برزگر (۱۳۹۵) در پژوهشی با بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی هیئت‌مدیره بر رابطه بین کمیته حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، نشان دادند بین کمیته حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، ارتباطات سیاسی هیئت‌مدیره بر رابطه بین کمیته حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، تأثیر معناداری دارد.

رضایی و افروزی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه هزینه بدهی با حاکمیت شرکتی در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی، نشان دادند بین هزینه بدهی و ارتباطات سیاسی شرکت‌ها رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین، درحالی‌که هزینه بدهی در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی تحت تأثیر استقلال اعضای هیئت‌مدیره به صورت منفی و معنادار بود، اما هزینه بدهی در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی تحت تأثیر نقش دوگانه مدیرعامل قرار نگرفت.

داودی‌نصر و حبیبی (۱۳۹۴) در پژوهشی با بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر مدیریت سود واقعی و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، نشان دادند ارتباطات سیاسی شرکت‌ها بر مؤلفه‌های مدیریت سود بر اساس ارقام تعهدی اختیاری تأثیرگذار است. همچنین، ارتباطات سیاسی شرکت‌ها بر مؤلفه‌های مدیریت سود تأثیرگذار است.

چالشگری و جعفری (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی تأثیر نگهداشت وجه نقد و روابط سیاسی شرکت بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، پرداختند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، بین نگهداشت وجه نقد و کیفیت سود رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین، آنها رابطه‌ای بین روابط سیاسی شرکت و کیفیت سود پیدا نکردند. علاوه بر این، روابط سیاسی شرکت تأثیری بر رابطه بین نگهداشت وجه نقد و کیفیت سود نداشت.

رضایی و ویسی حصار (۱۳۹۳) در پژوهشی با بررسی تأثیر روابط سیاسی بر رابطه بین تمرکز مالکیت با کیفیت گزارشگری مالی و هزینه سهام عادی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، نشان دادند در شرکت‌های با ساختار مالکیت متمرکز، کیفیت سود بالا است، اما در شرکت‌های دارای روابط سیاسی گسترده با دولت که ساختار مالکیت متمرکزی دارند، کیفیت سود پایین است. همچنین، در شرکت‌هایی با ساختار مالکیت متمرکز، هزینه سهام عادی پایین و در شرکت‌های دارای روابط سیاسی گسترده با دولت که ساختار مالکیت متمرکزی دارند، هزینه سهام عادی بالا است.

رفیعی‌نیا (۱۳۹۳) در پژوهشی با بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه اهرم مالی با ترکیب هیئت‌مدیره در شرکت‌های دچار درماندگی مالی، نشان دادند چه در شرکت‌های سالم سیاسی و چه در شرکت‌های درمانده سیاسی، ترکیب هیئت‌مدیره هیچ تأثیری در سطح استفاده از اهرم مالی ندارد.

فرضیه پژوهش

با توجه به موارد ادبیات پژوهش فرضیه‌های پژوهش بدین ترتیب مطرح می‌شوند:

بنگاه‌های دارای ارتباطات سیاسی هزینه نمایندگی بیشتری را تجربه می‌کنند.

کیفیت حسابرسی رابطه ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی را تعدیل می‌کند.

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از نظر توجه به زمان گذشته‌نگر، از لحاظ هدف کاربردی و با توجه به نوع، پس‌رویدادی است. روش تحقیق حاضر از نوع توصیفی و همبستگی است و برای بررسی رابطه میان متغیر مستقل و وابسته از روش آماری رگرسیون چند متغیره استفاده شده است.

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران جامعه آماری پژوهش هستند. دوره مورد مطالعه در این پژوهش از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ به مدت ۵ سال است و به منظور جمع‌آوری

صحیح داده‌ها، همسانی بیشتر و افزایش قابلیت مقایسه در انتخاب نمونه، محدودیت‌های زیر در نمونه‌گیری، لحاظ شده است.

(۱) از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ در بورس حضور داشته باشند؛ (۲) اطلاعات مورد نیاز شرکت، در دسترس باشد؛ (۳) شرکت در طی دوره مورد بررسی تغییر سال مالی را تجربه نکرده باشد؛ (۴) شرکت‌های مورد نظر جزو بانک‌ها و واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ نباشند؛ (۵) شرکت‌ها نباید در طی دوره تحقیق بیشتر از ۶ ماه توقف فعالیت داشته باشند؛ (۶) سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.

با اعمال محدودیت‌های فوق، نمونه‌ای شامل ۶۴۰ شرکت/سال مربوط به ۱۲۸ شرکت انتخاب گردید. جهت محاسبه متغیرهای پژوهش، داده‌های مورد نیاز از بانک‌های اطلاعاتی ره آورد نوین استخراج شد. در صورت ناقص بودن داده‌های موجود در این بانک‌های اطلاعاتی، به سایت اینترنتی مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس اوراق بهادار مراجعه گردید. همچنین، به منظور انجام محاسبات و آماده نمودن داده‌ها و تجزیه و تحلیل آنها، از نرم‌افزارهای Eviews و Excel استفاده شده است.

مدل‌های پژوهش

مدل آماری به کار گرفته شده در پژوهش، مدل رگرسیونی چندمتغیره است. در این پژوهش، متغیر وابسته هزینه نمایندگی و متغیر مستقل ارتباطات سیاسی است. در ادامه، روش‌های محاسبه متغیرها تشریح شده است. برای آزمون فرضیه‌ها از مدل‌های ۱ و ۲ استفاده خواهد شد (خان و همکاران، ۲۰۱۶).

$$AGCOST_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 PCON_{i,t} + \beta_2 AGE_{i,t} + \beta_3 SIZE_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \beta_5 GWTH_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل ۱}$$

$$AGCOST_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 PCON_{i,t} + \beta_2 BIG_{i,t} + \beta_3 PCON * BIG_{i,t} + \beta_4 AGE_{i,t} + \beta_5 SIZE_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \beta_7 GWTH_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل ۲}$$

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

متغیر وابسته پژوهش حاضر هزینه‌های نمایندگی (AGCOST) است. به پیروی از پژوهش خان و همکاران (۲۰۱۶) و انج و همکاران (۲۰۰۰) برای اندازه‌گیری آن از نسبت هزینه‌های عملیاتی به جمع فروش خالص شرکت استفاده می‌شود. این متغیر معیاری از افراط‌گرایی مدیریت در انجام مخارج اختیاری است و به‌عنوان معیار مستقیم هزینه‌های نمایندگی به کار می‌رود (بادآورنهدی و دادش‌زاده، ۱۳۹۴).

متغیر مستقل

متغیر مستقل پژوهش حاضر، ارتباطات سیاسی (PCON) است. در پژوهش نیکومرام و همکاران (۱۳۹۲) نشانه‌های مدیریت سیاسی شرکت عبارتند از وجود اعضای هیأت مدیره وابسته به دولت، مجلس و مانند این نوع نهادهای سیاسی و یا وجود سهامداران عمده (دارای حداقل ده درصد سهام دارای حق رای (دولتی و شبه دولتی، بیان شده است. مطابق با پژوهش‌های بوشمن و پتروسکی (۲۰۰۶)، خواجه‌وی و حسینی (۱۳۸۹)، محمود آبادی و نجفی (۱۳۹۲) و ساری و آنوگراه (۲۰۱۱) درصد مالکیت مستقیم یا نهادی دولت، به‌عنوان نماینده متغیر ارتباطات سیاسی از سمت دولت در نظر گرفته شده است.

جهت تعیین حداقل درصد مالکیت ممکن که بتواند بر تصمیم‌گیری‌های مرتبط با سیاست‌های مالی و عملیاتی واحد تجاری اثرگذار باشد، تعریف استاندارد حسابداری شماره ۲۰ از "نفوذ قابل ملاحظه" مد نظر قرار گرفته شد. بر این اساس، اگر واحد سرمایه‌گذار به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم (برای مثال، از طریق واحد تجاری فرعی) حداقل ۲۰ درصد از حق رای واحد سرمایه‌پذیر را در اختیار داشته باشد، فرض می‌شود از نفوذ قابل ملاحظه‌ای برخوردار است، مگر این که نبود چنین نفوذی را بتوان به روشنی اثبات کرد (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۸۹). بنابراین، تعریف عملیاتی متغیر ارتباطات سیاسی دولت عبارتست از درصد مالکیت مستقیم یا غیر مستقیم دولت و نهادهای دولتی در شرکت، در صورتی که بیش از ۲۰ درصد باشد، برابر یک و در غیر این صورت صفر، در نظر گرفته شد.

متغیرهای تعدیل کننده

متغیر تعدیل گر پژوهش حاضر کیفیت حسابرسی (BIG) است. به منظور اندازه گیری شاخص کیفیت حسابرسی، موسسات حسابرسی به دو گروه موسسات حسابرسی بزرگ و کوچک طبقه بندی شد. موسسات حسابرسی بزرگ در این پژوهش، سازمان حسابرسی و موسسات حسابرسی کوچک، موسسات خصوصی حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی است. این متغیر مجازی است که با مقدار صفر و یک نشان داده می شود. مقدار یک برای شرکت هایی که سازمان حسابرسی (بزرگترین مؤسسه حسابرسی در ایران) را به عنوان حسابرس مستقل خود انتخاب کرده و مقدار صفر برای شرکت هایی که سایر مؤسسات حسابرسی را به عنوان حسابرس مستقل خود، انتخاب نموده اند (نیکومرام و احمدزاده، ۱۳۹۲).

متغیر کنترلی

در این پژوهش به تبعیت از پژوهش خان و همکاران (۲۰۱۶) متغیرهای ذیل به عنوان متغیرهای کنترلی در مدل ها وارد شدند.

سن شرکت (AGE) که برابر است با تعداد سال هایی که شرکت i در سال t در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده است، اندازه شرکت (SIZE) که برابر است با لگاریتم طبیعی مجموع دارایی های شرکت i در سال t ، اهرم مالی (LEV) که برابر است با نسبت مجموع بدهی ها به مجموع دارایی های شرکت i در سال t و در نهایت، فرصت رشد (GWTH) که نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت i در سال t ، است.

تجزیه و تحلیل داده ها

به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها و تجزیه و تحلیل دقیق آنها، آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش در نگاره ۱، ارائه شده است.

مطابق با نگاره ۱، به طور متوسط در نمونه مورد بررسی ۰/۴۱۸ از شرکت ها، از ارتباطات سیاسی برخوردار هستند. همچنین، میانگین ۰/۰۹۷ برای نسبت هزینه های عملیاتی به فروش خالص نشان می دهد، سهم هزینه های عملیاتی از فروش خالص مشاهدات مورد بررسی حدود ۱۰ درصد است. همچنین، یافته های توصیفی پژوهش نشان می دهند به طور متوسط ۰/۳۶۲

مشاهدات مورد بررسی، از خدمات سازمان حسابرسی استفاده نموده‌اند. مقدار انحراف معیار برای متغیرهای ارتباطات سیاسی، هزینه‌های نمایندگی و کیفیت حسابرسی به ترتیب ۰/۲۸۶، ۰/۱۰۸ و ۰/۴۷۶ است.

نگاره (۱): آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میان	حداقل	حداکثر	انحراف معیار
ارتباطات سیاسی	۰/۴۱۸	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۲۸۶
هزینه نمایندگی	۰/۰۹۷	۰/۱۰۶	۰/۰۰۵	۱/۴۹۷	۰/۱۰۸
کیفیت حسابرسی	۰/۳۶۲	۰	۰	۱	۰/۴۷۶
سن	۱۸/۳۲۲	۱۷	۱	۴۸	۸/۷۲۵
اندازه	۱۴/۶۷۱	۱۴/۳۵۱	۱۰/۵۳۲	۱۹/۱۵۰	۱/۶۲۷
اهرم مالی	۰/۶۱۸	۰/۶۲۳	۰/۰۱۳	۰/۹۹۵	۰/۱۶۳
فرصت رشد	۲/۸۷۲	۲/۰۳۴	-۴۴/۰۸۶	۱۲۱/۴۴۶	۵/۶۵۶

آزمون نرمال بودن توزیع اجزای اخلاص

در این پژوهش از آماره جارک- برا جهت آزمون نرمال بودن توزیع اجزای اخلاص مدل، استفاده شده‌است. در صورتی که آماره این آزمون در سطح خطای ۵ درصد معنادار باشد، اجزای اخلاص مدل از توزیع نرمال پیروی می‌کنند. همان‌گونه که در نگاره ۲ ملاحظه می‌شود، بررسی مقدار این آماره گویای آن است که فرض نرمال بودن اجزای اخلاص برقرار است.

نگاره (۲): نتایج آزمون نرمال بودن

مدل	آماره جارک- برا	P-value	نتیجه آزمون
اول	۰/۱۲۵	۰/۷۶۱	H ₀ تأیید می‌شود (نرمال است)
دوم	۰/۱۱۲	۰/۷۲۹	H ₀ تأیید می‌شود (نرمال است)

تعیین روش بکارگیری داده‌های ترکیبی

قبل از تخمین مدل با استفاده از داده‌های ترکیبی، ابتدا باید مشخص شود که اصولاً نیازی به در نظر گرفتن ساختار داده‌های تابلویی وجود دارد، یا می‌توان داده‌های مربوط به شرکت‌های

مختلف را ادغام کرد. در برآورد تک معادله‌ای، برای اخذ تصمیم از آزمون F لیمر استفاده می‌شود.

آزمون F لیمر برای انتخاب روش ترکیبی یا تلفیقی

اغلب برای انتخاب بین مدل ترکیبی و تلفیقی از آزمون F لیمر استفاده می‌شود. در آزمون F لیمر، فرضیه H_0 یکسان بودن عرض از مبدأ را در برابر فرضیه مقابل آن، ناهمسانی عرض از مبدأ، بررسی می‌کند. به عبارت دیگر فرضیه صفر آزمون بیان می‌کند، تفاوتی میان ضرایب برآورد شده برای تک تک مقاطع و ضریب برآورد شده جمعی وجود ندارد و یا ضرورتی به برآورد مدل با استفاده از داده‌های تابلویی نیست.

نگاره (۳): نتایج آزمون F (لیمر) برای انتخاب روش ترکیبی یا تلفیقی

مدل	آماره F	P-value	نتیجه آزمون
اول	۱۷/۱۰۹	۰/۰۰۰	H_0 رد می‌شود
دوم	۱۷/۰۶۱	۰/۰۰۰	H_0 رد می‌شود

همان گونه که در نگاره ۳ دیده می‌شود، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، در هر دو مدل فرض صفر آزمون رد شده و بنابراین باید از روش داده‌های تابلویی استفاده نمود. بنابراین، در مورد مدل‌ها بحث انتخاب از بین مدل‌های اثرات ثابت و تصادفی پیش می‌آید که برای این منظور از آزمون هاسمن استفاده شده است.

آزمون هاسمن برای انتخاب بین مدل اثرات ثابت و اثرات تصادفی

همان طور که پیش از این ذکر شد در صورتی که نتیجه آزمون F لیمر، برآورد مدل به روش داده‌هایی تابلویی باشد، باید انتخاب بین روش اثرات ثابت و یا روش اثرات تصادفینیز بر اساس نتایج آزمون هاسمن نیز تعیین شود. فرضیه صفر در آزمون هاسمن، به برابری برآوردکننده هر دو روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته و متغیر مجازی اشاره دارد. نگاره ۴ بیانگر آن است که ضمن رد فرضیه صفر در هر دو مدل، باید از روش اثرات ثابت جهت برآورد مدل‌های پژوهش، استفاده نمود.

نگاره (۴): نتایج آزمون هاسمن برای انتخاب بین مدل اثرات ثابت و اثرات تصادفی

مدل	آماره χ^2	P-value	نتیجه آزمون
اول	۲۷/۳۸۴	۰/۰۰۰	رد می‌شود H_0
دوم	۲۷/۹۴۳	۰/۰۰۰	رد می‌شود H_0

آزمون ناهمسانی واریانس

در پژوهش حاضر برای بررسی وجود مشکل ناهمسانی واریانس از آزمون بروش-پاگان/کوک-ویسبرگ با استفاده از نرم افزار Stata استفاده شده است. مطابق با نگاره ۵، در تمامی مدل‌های رگرسیون پژوهش، ناهمسانی واریانس وجود ندارد.

نگاره (۵): نتایج آزمون بروش-پاگان/کوک - ویسبرگ برای کشف ناهمسانی واریانس

مدل	آماره χ^2	P-value	نتیجه آزمون
			بروش-پاگان / کوک - ویسبرگ
اول	۱/۲۳۴	۰/۱۷۷	H_0 تأیید می‌شود
دوم	۱/۴۳۳	۰/۱۹۰	H_0 تأیید می‌شود

آزمون فرضیه اول

فرضیه اول پژوهش بیان می‌کند، بین ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی رابطه معنادار وجود دارد.

نگاره (۶): خلاصه نتایج آماری آزمون فرضیه اول

متغیر	ضرایب	آماره t	سطح معناداری	VIF
مقدار ثابت	۰/۲۳۰	۳/۱۳۰	۰/۰۰۲	-----
ارتباطات سیاسی	۰/۰۲۶	۲/۴۵۵	۰/۰۱۴	۱/۳۸۵
سن	۰/۰۰۷	۴/۵۰۳	۰/۰۰۰	۱/۰۵۸
اندازه	-۰/۰۲۴	-۳/۱۷۶	۰/۰۰۱	۱/۴۲۷
اهرم مالی	۰/۰۲۶	۲/۱۸۷	۰/۰۳۰	۱/۰۵۴
فرصت رشد	-۰/۰۰۱	-۱/۸۷۸	۰/۰۳۹	۱/۰۱۱
آماره F	۱۶/۸۹۷	آماره دوربین واتسن		۲/۰۶۷
سطح معناداری F	۰/۰۰۰	ضریب تعیین		۰/۴۲۸

با توجه به ستون آخر نگاره ۶ مقدار آماره آزمون VIF برای کلیه متغیرهای مستقل نشان می‌دهد، بین متغیرهای مستقل همخطی وجود ندارد. بنابراین، مدل برازش شده، دارای اعتبار است. با توجه به احتمال آماره F می‌توان ادعا کرد در سطح معناداری ۹۵ درصد، مدل رگرسیونی برازش شده معنادار است. همچنین با توجه به ضریب تعیین مدل، می‌توان ادعا کرد حدود ۴۳ درصد از تغییرات در متغیر وابسته، توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود.

ضریب برآوردی ارتباطات سیاسی در نگاره ۶ نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت و معنادار بین ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی در سطح خطای ۵ درصد است. همچنین، عدم وجود خود همبستگی بین باقیمانده‌ها از طریق آزمون دورین- واتسون مورد بررسی قرار گرفت که نشان‌دهنده فقدان خود همبستگی بین باقیمانده‌ها بود.

آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم پژوهش بیان می‌کند، کیفیت حسابرسی، رابطه بین ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی را تعدیل می‌کند.

نگاره (۷): خلاصه نتایج آماری آزمون فرضیه دوم

متغیر	ضرایب	آماره t	سطح معناداری	VIF
مقدار ثابت	۰/۳۰۷	۳/۱۹۳	۰/۰۰۱	-----
ارتباطات سیاسی	۰/۰۱۹	۲/۹۲۰	۰/۰۰۹	۱/۳۹۱
کیفیت حسابرسی	-۰/۰۰۷	-۲/۵۸۲	۰/۰۱۰	۱/۱۹۳
ارتباطات سیاسی* کیفیت حسابرسی	-۰/۰۱۰	-۲/۵۰۶	۰/۰۱۱	۱/۲۸۶
سن	۰/۰۰۵	۴/۵۶۰	۰/۰۰۰	۱/۰۷۳
اندازه	-۰/۰۲۵	-۳/۲۵۵	۰/۰۰۱	۱/۵۵۰
اهرم مالی	۰/۰۲۱	۲/۱۸۵	۰/۰۲۹	۱/۰۸۳
فرصت رشد	-۰/۰۰۳	-۱/۹۷۰	۰/۰۴۲	۱/۰۲۳
آماره F	۱۶/۴۷۰	آماره دورین واتسن		۲/۱۶۰
سطح معناداری F	۰/۰۰۰	ضریب تعیین		۰/۴۵۲

با توجه به ستون آخر نگاره ۷ مقدار آماره آزمون VIF برای کلیه متغیرهای مستقل نشان می‌دهد، بین متغیرهای مستقل همخطی وجود ندارد. بنابراین، مدل برازش شده دارای اعتبار است.

با توجه به احتمال آماره F می توان ادعا کرد، مدل رگرسیونی برازش شده معنادار است و با توجه به ضریب تعیین مدل، می توان ادعا کرد حدود ۴۵ درصد از تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل مدل، توضیح داده شده است.

ضریب برآوردی متغیر حاصل ضرب ارتباطات سیاسی در کیفیت حسابرسی در نگاره ۷ نشان دهنده وجود رابطه منفی معنادار بین ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی با توجه به نقش تعدیلی کیفیت حسابرسی در سطح خطای ۵ درصد است. به عبارتی، کیفیت حسابرسی رابطه مثبت بین ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی را تضعیف می کند. همچنین عدم وجود خودهمبستگی بین باقیمانده ها از طریق آزمون دوربین-واتسون مورد بررسی قرار گرفت که نشان دهنده فقدان خود همبستگی بین باقیمانده ها بود.

نتیجه گیری

در این پژوهش به بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی با توجه به نقش تعدیلی کیفیت حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۶، پرداخته شد. بنابراین، مطابق با ادبیات پژوهش دو فرضیه مطرح گردید.

نتایج پژوهش نشان می دهند، بین ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. مطابق با ادبیات پژوهش، ارتباطات سیاسی به عنوان یک منبع نامشهود باارزش می تواند به عنوان ابزاری کارآمد به مالکین کسب و کارهای بزرگ جهت دریافت قراردادهای دولتی و تأثیر بر سیاست گذاری ها به نفع کسب و کارشان کمک نماید (بانکانوانیچا و ویواتاناکانتانگ، ۲۰۰۸؛ خان و همکاران، ۲۰۱۶). به ویژه در اقتصادهای با درجه بالای عدم اطمینان در سیاست گذاری دولت و سازوکارهای قانونی ضعیف، این اهمیت بیشتر نمود پیدا می کند. بنابراین، ارتباطات سیاسی هیئت مدیره می تواند عدم اطمینان حاصل از محیط خارجی بنگاه را به وسیله دریافت رانت اطلاعاتی، دسترسی آسان به منابع و بهره مندی از تبصره ها و تخفیف های قانونی کاهش داده و احتمال بقاء بنگاه و عملکرد آن را افزایش دهد (عباس و همکاران، ۲۰۱۷؛ عبدالوهاب و همکاران، ۲۰۱۷؛ کیم و ژانگ، ۲۰۱۶؛ فرانسیس و همکاران، ۲۰۱۶؛ کال و همکاران، ۲۰۱۵؛ وو و همکاران، ۲۰۱۲؛ فاسیو، ۲۰۱۰).

با وجود مزایای محتمل روابط سیاسی، محیط سازمانی بنگاه تمایل به تأثیر بر هزینه‌های نمایندگی دارد (چوی و همکاران، ۲۰۱۱؛ بوبکری و همکاران، ۲۰۱۲). شلیفر و ویشنی (۱۹۹۴) بیان می‌کنند، شرکت‌های دارای روابط سیاسی با استفاده از رشوه به دنبال تأثیر بر سیاست‌یون هستند. همچنین، این بنگاه به منظور کسب سود از روابط خود ممکن است با مخفی‌کاری، موجب اشتباه سرمایه‌گذاران شوند (لوز و همکاران، ۲۰۰۳) و با تأثیر بر کنترل‌های داخلی، منافع سهامداران اقلیت را به خطر اندازند (لاپرتا و همکاران، ۲۰۰۰). علاوه بر این، بازرگانان دارای ارتباطات سیاسی به جهت مبادرت بیشتر به فساد مالی و نقض قوانین، بنگاه‌ها را بیشتر در معرض ریسک مصادره و افزایش هزینه‌های نمایندگی قرار داده (آلام و تیچر، ۲۰۱۰) و با سوءاستفاده از دارایی‌ها، اقدام به مبادلات مشکوک حزبی و انجام سرمایه‌گذاری‌های زیان‌ده در جهت منافع شخصی، هزینه‌های نمایندگی بنگاه را افزایش می‌دهند (خان و همکاران، ۲۰۱۶). نتایج حاضر با پژوهش‌های خان و همکاران (۲۰۱۶)، بوبکری و همکاران (۲۰۱۲) و آلام و تیچر (۲۰۱۰) سازگار است.

همچنین یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش نشان می‌دهد، رابطه منفی و معنادار بین ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی با توجه به نقش تعدیلی کیفیت حسابرسی وجود دارد. به بیان دیگر، کیفیت حسابرسی رابطه مثبت بین ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی را تضعیف می‌کند. ادبیات پژوهش بیان می‌کند، کیفیت حسابرسی می‌تواند موجب کاهش تأثیر ارتباطات سیاسی بر هزینه‌های نمایندگی شود (خان و همکاران، ۲۰۱۶). شرکت‌های حسابرسی با سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین و به‌روز حسابرسی، استخدام افراد با تجربه و فراهم آوردن خدمات حسابرسی با کیفیت (فاسیو، ۲۰۰۴)، تحریف‌های موجود در گزارش‌های مالی را بررسی و گزارش خواهند کرد (دی آنجلو، ۱۹۸۱). به‌ویژه موسسات حسابرسی بزرگ که به خاطر حفظ حسن شهرت خود، با مقاومت در برابر فشار مشتریان و حفظ استقلال کاری، علاوه بر گزارش تحریف‌های کشف شده، کیفیت حسابرسی را تضمین می‌نمایند (خان و همکاران، ۲۰۱۶؛ دی آنجلو، ۱۹۸۱).

فن و وانگ (۲۰۰۵) بیان می‌کنند، کیفیت حسابرسی در بازارهای فاقد محیط‌های نهادی قوی، می‌تواند نقش نظارت بیرونی مهمی را ایفاء نماید، به‌ویژه در بازارهای نوظهور که از حاکمیت شرکتی قوی برخوردار نیستند و خطر اقدامات منفعت‌طلبانه سهامداران کنترل‌ی وجود دارد.

حسابرسان مستقل خارجی، به ویژه شرکت‌های بزرگ حسابرسی که استانداردهای حسابرسی بین‌المللی را دنبال می‌کنند و بر ارتقاء تخصص خود تمرکز دارند، می‌توانند نقصان‌های حاکمیت شرکتی را پر کرده و به‌عنوان یک ناظر قابل اعتماد بر سهامداران نهادی، انجام وظیفه نمایند و هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهند (خان و همکاران، ۲۰۱۶). نتایج حاضر با پژوهش‌های خان و همکاران (۲۰۱۶) و فن و وانگ (۲۰۰۵) سازگار است. با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

- انجام این پژوهش کمکی به سهام‌داران و تحلیل‌گران مالی بوده تا از آثار ارتباطات سیاسی در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران آگاهی یافته و در سرمایه‌گذاری و تجزیه و تحلیل‌های خود به‌منظور کاهش اشتباه در تصمیم‌گیری، توجه بیشتری داشته باشند.
- به نهادهای قانون‌گذار و نظارتی پیشنهاد می‌شود، با اتخاذ تدابیری از طریق به کارگیری راهبردهایی برای افزایش نظارت و کاهش هزینه نمایندگی جهت افزایش شفافیت و پاسخگویی بیشتر بنگاه‌های دارای ارتباطات سیاسی، کمک نمایند.
- به مجامع عمومی صاحبان سهام پیشنهاد می‌شود تا حد امکان از انتخاب مدیران سیاسی برای پست مدیریت ارشد خودداری شود.
- به سازمان بورس و اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود، برای رونق اقتصاد بخش خصوصی، تا حد امکان انتخاب مدیران سیاسی را در پست‌های مدیریت ارشد محدود کند و سازوکارهای نظارتی ویژه‌ای را برای اقدامات این مدیران در نظر بگیرد.
- پیشنهاد می‌گردد سازمان بورس اوراق بهادار تهران و جامعه حسابرسان رسمی، نظارت و توجه بیشتری به فرآیند گزارشگری مالی و حسابرسی شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی داشته باشند.

علاوه بر این، با توجه به نتایج پژوهش و سوالاتی که طی انجام آن برای پژوهشگران مطرح شد، جهت تکمیل این پژوهش و انجام پژوهش‌های بیشتر در حوزه‌های مرتبط با این پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- در پژوهش حاضر به بررسی سهام موجود در بازار بدون توجه به صنعت آنها پرداخته شد. بنابراین، به نظر می‌رسد بررسی موضوع بر اساس صنعت می‌تواند اطلاعات مفیدی در این خصوص فراهم آورد.
- در پژوهش حاضر متغیرهای پژوهش در یک بازه زمانی ۵ ساله و در یک نمونه ۱۲۸ شرکتی مورد بررسی قرار گرفتند. بنابراین، بررسی موضوع در یک بازه زمانی طولانی‌تر و با نمونه بزرگ‌تر می‌تواند مفید باشد.

منابع

- Abbas, A. , Khwaja, A. I. , Khan, A. Q. ,& Singhal, M. (2017). Pilot Study on Effect of Political Influence on Tax Payment Compliance. *International Growth Centre (IGC)*. .
- Abdul Wahab, E. A. , Ariff, A. M. , Madah Marzuki, M. , & Mohd Sanusi, Z. (2017). Political connections, corporate governance, and tax aggressiveness in Malaysia. *Asian Review of Accounting*, 25 (3) , 424-451.
- Adhikari, A. , Derashid, C. , & Zhang, H. (2006). Public policy, political connections, and effective tax rates: Longitudinal evidence from Malaysia. *Journal of Accounting and Public Policy*, 25 (5) , 574-595.
- Agrawal, A. , and Knoeber, C. R. (2001). Do some outside directors play a political role?. *Journal of Law and Economics*, 44 (1) , 179-198 .
- Alam, Q. , & Teicher, J. (2010, April). State of governance in a transitional democracy: the case of Bangladesh. In *14th IRSPM Conference, Berne, Switzerland* (pp. 7-9) .
- Ang, J. S. , Cole, R. A. , & Lin, J. W. (2000). Agency costs and ownership structure. *the Journal of Finance*, 55 (1) , 81-106.
- Badavar Nahandi, Y. , & dadashzade, G. (2015). The Relationship between Agency Costs and Stock Mispricing with Emphasis on the Role of Intermediate Compensation of the Board. *Journal of Financial Management Strategy*, 3 (4) , 51-71 (In Persian).
- Badavar Nahandi, Y. , & Taghizadeh Khanqah, V. (2018). The Impact of Political Connections on Overinvestment and Firm Performance. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 25 (2) , 181-198 (In Persian .(
- Bartels, L. M. , & Brady, H. E. (2003). Economic behavior in political context. *American Economic Review*, 93 (2) , 156-161.
- Bencheikh, F. , & Taktak, N. B. (2017). The Effect of Political Connections on the Firm Performance in a Newly Democratised Country. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 8 (4) , 40-46 .

- Bertrand, M. , Kramarz, F. , Schoar, A. , & Thesmar, D. (2018). The cost of political connections. *Review of Finance*, 22 (3) , 849-876.
- Bliss, M. A. , & Gul, F. A. (2012). Political connection and cost of debt: Some Malaysian evidence. *Journal of Banking & Finance*, 36 (5) , 1520-1527.
- Boubakri, N. , Guedhami, O. , Mishra, D. , & Saffar, W. (2012). Political connections and the cost of equity capital. *Journal of corporate finance*, 18 (3) , 541-559.
- Bunkanwanicha, P. , & Wiwattanakantang, Y. (2008). Big business owners in politics. *The Review of Financial Studies*, 22 (6) , 2133-2168.
- Bushman, R. M. , & Piotroski, J. D. (2006). Financial reporting incentives for conservative accounting: The influence of legal and political institutions. *Journal of accounting and economics*, 42 (1-2) , 107-148.
- Chaleshgari, A. & Gafari, A. (2016). Investigating the effect of holding cash and company's political relations on the quality of earnings in listed companies in Tehran Stock Exchange. The first international accounting and management conference in the third millennium, Rasht (In Persian .(
- Chaney, P. K. , Faccio, M. , & Parsley, D. (2011). The quality of accounting information in politically connected firms. *Journal of accounting and Economics*, 51 (1-2) , 58-76.
- Chowdhury, F. D. (2009). Problems of women's participation in Bangladesh politics. *The Round Table*, 98 (404) , 555-567.
- Choy, H. , Gul, F. A. , & Yao, J. (2011). Does political economy reduce agency costs? Some evidence from dividend policies around the world. *Journal of Empirical Finance*, 18 (1) , 16-35.
- Claessens, S. , Feijen, E. , & Laeven, L. (2008). Political connections and preferential access to finance: The role of campaign contributions. *Journal of financial economics*, 88 (3) , 554-580.
- Cull, R. , Li, W. , Sun, B. , & Xu, L. C. (2015). Government connections and financial constraints: Evidence from a large representative sample of Chinese firms. *Journal of Corporate Finance*, 32, 271-294.
- Davoudi Nasr, M. and Habibi, F. (2016). Investigating the Effect of Political Relationships on True Profit Management and Accrual Based Accrual Management in Companies Acquired in Tehran Stock Exchange. International Conference on Management and Social Sciences, Dubai (In Persian .(
- DeAngelo, L. E. (1981). Auditor size and audit quality. *Journal of accounting and economics*, 3 (3) , 183-199.
- Ding, S. , Jia, C. , Wilson, C. , & Wu, Z. (2015). Political connections and agency conflicts: the roles of owner and manager political influence on executive compensation. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 45 (2) , 407-434.
- Faccio, M. (2006). Politically connected firms. *American economic review*, 96 (1) , 369-386.
- Faccio, M. (2010). Differences between politically connected and nonconnected firms: A cross-country analysis. *Financial management*, 39 (3) , 905-928.

- Fan, J. P. , & Wong, T. J. (2005). Do external auditors perform a corporate governance role in emerging markets? Evidence from East Asia. *Journal of accounting research*, 43 (1) , 35-72.
- Fan, J. P. , Wong, T. J. , & Zhang, T. (2007). Politically connected CEOs, corporate governance, and Post-IPO performance of China's newly partially privatized firms. *Journal of financial economics*, 84 (2) , 330-357.
- Francis, B. B. , Hasan, I. , Sun, X. , & Wu, Q. (2016). CEO political preference and corporate tax sheltering. *Journal of Corporate Finance*, 38, 37-53.
- Goldman, E. , Rocholl, J. , & So, J. (2013). Politically connected boards of directors and the allocation of procurement contracts. *Review of Finance*, 17 (5) , 1617-1648.
- Gul, F. A. (2006). Auditors' response to political connections and cronyism in Malaysia. *Journal of Accounting Research*, 44 (5) , 931-963.
- Hassan, T. , Kabir Hassan, M. , Mohamad, S. , & Chaw Min, C. (2012). Political patronage and firm performance: Further evidence from Malaysia. *Thunderbird International Business Review*, 54 (3) , 373-393.
- Hillman, A. J. (2005). Politicians on the board of directors: Do connections affect the bottom line?. *Journal of Management*, 31 (3) , 464-481.
- Johnson, S. , & Mitton, T. (2003). Cronyism and capital controls: evidence from Malaysia. *Journal of financial economics*, 67 (2) , 351-382.
- Kamiabi, Y. and Shokriani, M. (2016). The Effect of Real Profit Management on the Relationship between Accrual Management and Political Communication. Fourth International Conference on Economics, Accounting and Management, Kuala Lumpur, Malaysia (In Persian) .(
- KHAJAVI, S. E. , & HOSSEINI, S. H. (2010). Capital Structure and Political Patronage in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Advances*, 2 (1) , 67-84 (In Persian) .(
- Khan, A. , Mihret, D. G. , & Muttakin, M. B. (2016). Corporate political connections, agency costs and audit quality. *International Journal of Accounting & Information Management*, 24 (4) , 357-374.
- Khwaja, A. I. , & Mian, A. (2005). Do lenders favor politically connected firms? Rent provision in an emerging financial market. *The Quarterly Journal of Economics*, 120 (4) , 1371-1411.
- Kochanek, S. A. (1996). The rise of interest politics in Bangladesh. *Asian Survey*, 36 (7) , 704-722.
- Kusnadi, Y. , & Wei, K. J. (2011). The determinants of corporate cash management policies: Evidence from around the world. *Journal of Corporate Finance*, 17 (3) , 725-740.
- La Porta, R. , Lopez-de-Silanes, F. , Shleifer, A. , & Vishny, R. (2000). Investor protection and corporate governance. *Journal of financial economics*, 58 (1-2) , 3-27.
- Lee, W. , & Wang, L. (2017). Do political connections affect stock price crash risk? Firm-level evidence from China. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 48 (3) , 643-676.
- Leuz, C. , & Oberholzer-Gee, F. (2003). *Corporate transparency and political connections*. Office of Research, Singapore Management University.

- Li, S. , Wu, H. , & Jiang, X. (2018). Rent-seeking and firm value: Chinese evidence. *Business and Politics*, 20 (2) , 239-272.
- Maaloul, A. , Chakroun, R. , & Yahyaoui, S. (2018). The effect of political connections on companies' performance and value: Evidence from Tunisian companies after the revolution. *Journal of Accounting in Emerging Economies*, 8 (2) , 185-204.
- Mahmoudabadi, H. & Najafi, Z. (2015). The role of corporate transparency in determining the relationship between government political support and the performance of the companies listed on Tehran Stock Exchange. *Journal of Management Accounting*, 6 (18) , 57-71 (In Persian .(
- Mehrabanpour, M. , Jandaghi Ghomi, M. , & Mohammadi, M. (2017). Political connections and abnormal transactions by related parties. *Valued and Behavioral Accountings Achievements*, 2 (3) , 147-168 (In Persian .(
- MOHSENI, A. (2018). Political connections and the cost of equity capital in listed firms on Tehran Stock Exchange. *Journal of Financial Engineering and Securities Management*, 9 (34) , 273-291 (In Persian .(
- Muttakin, M. B. , Monem, R. M. , Khan, A. , & Subramaniam, N. (2015). Family firms, firm performance and political connections: Evidence from Bangladesh. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 11 (3) , 215-230.
- Nikomaram, H. , BaniMahd, B. , Rahnamaie Roodposhti, F. And Kayyai, A. (2012). Economics based on relationships, political relations and quality of accruals. *Audit Knowledge*, 6 (18) , 56-43 (In Persian .(
- Nikoumaram, H. and Ahmadzadeh, H. (2012). Investigating the relationship between the quality of accounting information and the choice of the type of auditor in the companies admitted to the Tehran Stock Exchange. *Quantitative studies in management*, 4 (4) , 154-135 (In Persian .(
- Palangi, G.& Pouraghgan Sarhamami, A. (2017). Investigating the Effect of the Political Relationship of the Board on the Relationship between Cash and Profit Quality. *International Conference on Management and Accounting*, Tehran (In Persian .(
- Pfeffer, J. , & Salancik, G. R. (2003). *The external control of organizations: A resource dependence perspective*. Stanford University Press.
- Qu, J. , Cao, J. , Wang, X. , Tang, J. , & Bukenya, J. O. (2017). Political connections, government subsidies and technical innovation of wind energy companies in China. *Sustainability*, 9 (10) , 1-13 .
- Rafinia, M. (2014). The Impact of Political Relationship on the Relationship of Financial Leverage with the Combination of the Board of Directors in Financially Eligible Companies. *International Conference on Accounting, Economics and Financial Management*, Tehran (In Persian .(
- Rafizadeh, H. and Barzegar, G. (2017). Investigating the Effect of the Political Relationship of the Board on the Relationship between Audit Committees and Audit Fees of Companies Accepted in the Stock Exchange of Tehran.

International Business Conference: Opportunities and Challenges, Rasht (In Persian).(

- RAHNAMAY, R. F. , & MOHSENI, A. (2018). Political connections, dividend and stock return in listed firms on Tehran Stock Exchange. *Financial Knowledge of Securities Analysis*, 11 (38) , 129-144 (In Persian).(
- Rezaei, F. , & Weysihsar, S. (2014). The effect of political connections with the government on the relationship between ownership concentration with quality of financial reporting and the cost of equity capital. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 21 (4) , 449-470 (In Persian).(
- Rezaei, F. and Afrouzi, L. (2015). The Relation between Cost of Debt and Corporate Governance in Firms with Political Connections. *Journal of Accounting Researches*, 5 (1) , 85-112 (In Persian).(
- Saeed, A. , Belghitar, Y. , & Clark, E. (2016). Do political connections affect firm performance? Evidence from a developing country. *Emerging Markets Finance and Trade*, 52 (8) , 1876-1891.
- Sari, R. N. , & Anugerah, R. (2011). The Effect of Political Influence and Corporate Transparency. *Journal of Modern Accounting and Auditing*, 7 (8) , 773-783 .
- Shleifer, A. , & Vishny, R. W. (1994). Politicians and firms. *The Quarterly Journal of Economics*, 109 (4) , 995-1025.
- Shleifer, A. , & Vishny, R. W. (1997). A survey of corporate governance. *The journal of finance*, 52 (2) , 737-783.
- TIB. (2000). Corruption in Public Service Departments. Transparency International Bangladesh, Available at <http://www.ti-bangladesh.org> .
- Uddin, S. , & Choudhury, J. (2008). Rationality, traditionalism and the state of corporate governance mechanisms: Illustrations from a less-developed country. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 21 (7) , 1026-1051.
- Uddin, S. , & Hopper, T. (2003). Accounting for privatisation in Bangladesh: testing World Bank claims. *Critical perspectives on accounting*, 14 (7) , 739-774.
- Wang, Z. , Chen, M. H. , Chin, C. L. , & Zheng, Q. (2017). Managerial ability, political connections, and fraudulent financial reporting in China. *Journal of Accounting and Public Policy*, 36 (2) , 141-162.
- World Bank (2009). Bangladesh: corporate governance country assessment. Report on the observance of standards and codes (ROSC).(
- Wu, W. , Wu, C. , Zhou, C. , & Wu, J. (2012). Political connections, tax benefits and firm performance: Evidence from China. *Journal of Accounting and Public policy*, 31 (3) , 277-300.
- Young, M. N. , Peng, M. W. , Ahlstrom, D. , Bruton, G. D. , & Jiang, Y. (2008). Corporate governance in emerging economies: A review of the principal-principal perspective. *Journal of management studies*, 45 (1) , 196-220 .

بررسی تأثیر ویژگی‌های هیات مدیره بر افشای گزارش پایداری شرکت‌ها

حسین عامری^۱

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۵/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۹/۱۲

چکیده

در سال‌های اخیر همواره گزارشگری پایداری شرکت‌ها و ابعاد تأثیرگذار بر آن، از دیدگاه افسار مختلف استفاده‌کننده از گزارش‌ها و صورت‌های مالی شرکت‌ها مورد توجه بوده است. گزارشگری پایداری، دستاوردهای محیطی، اجتماعی و اقتصادی یک شرکت است و نشان می‌دهد که واحد تجاری با در نظر گرفتن این موضوعات، چگونه طرح‌های توسعه خود را در آینده به مرحله اجرا درمی‌آورد. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر ویژگی‌های هیات مدیره بر افشای گزارش پایداری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است که پس از بررسی از میان آنها تعداد ۹۵ شرکت بر اساس روش حذف سیستماتیک انتخاب شد. نتایج آزمون فرضیه‌ها بیانگر آن است که متغیرهای اندازه هیات مدیره، استقلال هیات مدیره و درصد مالکیت هیات مدیره بر سطح افشای گزارش پایداری شرکت‌ها تأثیر معناداری دارند. همچنین، متغیر دانش مالی هیات مدیره بر سطح افشای گزارش پایداری تأثیر معناداری ندارد و سه متغیر کنترلی اندازه شرکت، سودآوری و اهرم مالی بر سطح افشای گزارش پایداری شرکت‌ها تأثیر معناداری دارند.

واژه‌های کلیدی: گزارشگری پایداری شرکت‌ها، اندازه هیات مدیره، استقلال هیات مدیره، دانش مالی هیات مدیره، درصد مالکیت هیات مدیره.

طبقه‌بندی موضوعی: E16, Q56, M41

مقدمه

پیچیدگی‌های در حال رشد سیاست‌های مربوط به عملیات شرکت‌ها، نگرانی‌های اجتماعی و زیست محیطی همگی به موضوع مهمی برای سهامداران و جامعه تبدیل شده است. به صورتی که مسئولیت یک واحد اقتصادی تنها محدود به سهامداران نیست، بلکه طیف گسترده‌ای را در بر می‌گیرد که در مکان‌های دور یا نزدیک به مکان فیزیکی شرکت، قرار دارند. این مسائل موجب شده است که شرکت‌ها به سوی انتشار گزارش‌های پایداری روی آورند. گزارشگری پایداری، گزارش عمومی از عملکرد اقتصادی، محیطی و اجتماعی در ارتباط با عملیات و محصولات و خدمات شرکت است. این گزارشات توجه دولت‌ها، جوامع تجاری، دانشگاهیان، ذینفعان و جامعه را به خود جلب نموده است. به همین دلیل سیاست‌های گزارشگری پایداری شرکت‌ها به عنوان بخش مهمی از استراتژی‌های شرکت‌ها در نظر گرفته شده و در این مسیر شرکت‌های بزرگ معمولاً گزارشات پایداری خود را به عنوان یک استراتژی شرکتی در نظر می‌گیرند (لوپز و لومرو، ۲۰۱۴). علاوه بر آن، از آنجایی که در شرکت‌ها، هیات مدیره بالاترین مقام اجرایی در رابطه با تنظیم سیاست‌های شرکت و تصمیمات مهم در زمینه استراتژی‌های شرکت است، نقش مهمی در تصمیم‌گیری و تعیین استراتژی‌های گزارش پایداری شرکت‌ها دارند (فرناندز، فیجو و همکاران، ۲۰۱۲). به طور کلی، یکی از اجزای اصلی حاکمیت شرکتی مطلوب، هیات مدیره شرکت است. هیات مدیره شرکت به عنوان نهاد هدایت‌کننده‌ای که نقش مراقبت و نظارت بر کار مدیران اجرایی را به منظور حفظ منافع مالکیتی سهامداران بر عهده دارد، از اهمیت زیادی برخوردار است. هیات مدیره به عنوان نماینده ذینفعان، به منظور تأثیر و نظارت بر تصمیمات مدیریتی است که باید با انتظارات سهامداران مطابقت داشته باشد (دوان و ساینی، ۲۰۰۹). بنابراین، حاکمیت شرکتی مطلوب برای حفاظت از منافع سهامداران مختلف ضروری است (ال-مالکاوی، ۲۰۱۴)، و این می‌تواند اعتماد و اطمینان عمومی را در محیط کسب و کار بهبود بخشد (آراس و گروثر، ۲۰۰۸)، به همین منظور وظیفه هیات مدیره به عنوان نماینده سهامداران، نظارت بر اثربخشی مدیریت و اطمینان از حداکثر سازی ثروت سهامداران است. گزارشگری پایداری یکی از جنبه‌های حاکمیت شرکتی بیرونی است و از طرفی هیات مدیره به عنوان جزئی از حاکمیت شرکتی نقش مهمی در بهبود عملکرد پایدار شرکت‌ها دارد. به همین دلیل، برای دستیابی به یک حاکمیت شرکتی مطلوب معمولاً نیاز به بهبود ویژگی‌های هیات

مدیره برای اطمینان از اثربخشی عملکرد بهتر شرکت در طول زمان دارد که این مساله در بلندمدت به ایجاد شهرت و اعتبار برای اعضای هیات مدیره شرکت‌ها کمک می‌کند (امان و همکاران، ۲۰۱۸). شرکت‌ها باید با در نظر گرفتن نیازهای مالی و غیرمالی در تنظیم اهداف شرکت، به رفاه جامعه کمک نمایند. بنابراین، از آنجایی که یکی از اجزای حاکمیت شرکتی مطلوب، هیات مدیره است، در این پژوهش به بررسی تأثیر ویژگی‌های هیات مدیره بر گزارش پایداری شرکت‌ها پرداخته شده است.

مبانی نظری

پایداری شرکتی رویکردی متفاوت در کسب و کار است که بر اساس این رویکرد سازمان برای تمامی ذینفعان خود، ارزش بلندمدت می‌آفریند. در این رویکرد تنها استراتژی‌های سبز و دوستدار محیط‌زیست مدنظر نیست، بلکه همه ابعاد عملکردی کسب و کار یعنی ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به همراه ابعاد محیط‌زیستی مورد توجه قرار می‌گیرد. پایداری شرکتی، همه فعالیت‌ها و استراتژی‌هایی را در برمی‌گیرد که نیازهای ذینفعان امروز را برآورده می‌کند و در عین حال منابع انسانی و طبیعی مورد نیاز آیندگان را نیز حفظ می‌کند. این مفهوم با مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکتی ارتباط نزدیکی دارد و در واقع مفهومی بزرگ‌تر از آن است؛ پایداری شرکتی رویکردی است که همه مفاهیم مسئولیت اجتماعی شرکتی^۱، شهروندی شرکتی^۲ و حتی حاکمیت شرکتی^۳ را در برمی‌گیرد. بر اساس این رویکرد، شرکت‌ها با هر اندازه و مقیاس عملیاتی، باید با مورد ملاحظه قرار دادن پیچیدگی‌های اقتصادی در بلندمدت، محدودیت‌ها را برطرف نموده و با به‌کارگیری راه‌حل‌های نوآورانه، خلق تأثیرات مثبت اجتماعی و زیست محیطی را در فعالیت‌های کسب و کار خود بگنجانند. اقتصاد پایدار، نیازمند کسب و کارهایی است که عملکردشان متفاوت با امروز باشد و بتوانند با استفاده از منابع کمتر، ارزش بیشتری خلق نمایند.

با توجه به این مسائل حسابداری و گزارشگری مالی سنتی به‌اندازه کافی نمی‌تواند نیازهای اندازه‌گیری این اثرات را برآورده سازد و نیاز به گزارشگری گسترده‌تر در سازمان‌ها احساس می‌شود. مجموعه متنوعی از ذینفعان، منافع اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی مختلفی را دنبال می‌کنند که موفقیت سازمان را تعیین می‌کنند (بچه‌لوز و روزنتال، ۲۰۰۵). یک راه مهم

که از طریق آن سازمان‌ها تلاش می‌کنند تا این تقاضاها را تأمین نمایند، گزارشگری پایداری شرکت‌ها است. از طرفی نظریه‌های مرتبط با گزارشگری پایداری شرکت‌ها به دنبال تبیین چرایی انتخاب شرکت‌ها برای درگیر شدن در فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها هستند و تئوری ذینفعان و تئوری مشروعیت و تئوری سازمانی/ نهادی از جمله رایج‌ترین این نظریه‌ها هستند. هر دو تئوری مشروعیت و تئوری ذینفعان از یک تئوری وسیع‌تر یعنی تئوری اقتصاد سیاسی تکامل پیدا و این تئوری در واقع چارچوب اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جا افتاده در زندگی بشر است. از این دیدگاه، این عوامل باید در بررسی مسائل اقتصادی مدنظر و مورد توجه قرار گیرند (بونستوپل، ۲۰۱۱).

تئوری مشروعیت و تئوری ذینفعان توسط بسیاری از محققان در سال‌های اخیر مورد پذیرش قرار گرفته است و هر دو تئوری به‌عنوان تئوری‌هایی برای توجیه نقش افشای اطلاعات در ارتباطات میان سازمان‌ها، دولت، اشخاص و گروه‌های جامعه شناخته شده هستند. در این راستا، گزارش پایداری شامل سه حوزه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی است. گزارشگری پایداری شرکت‌ها، نقشی اساسی در اندازه‌گیری، ارزیابی عملکرد، بررسی اهداف و اجرای توسعه پایداری آنها بازی می‌کند. گزارشگری مالی و غیرمالی برای بررسی ارزیابی تأثیر عملیات واحدهای تجاری و تصمیم‌گیری مدیران استفاده می‌شود و از اصلی‌ترین وظایف سیستم اطلاعاتی حسابداری و گزارشگری مالی است. در گزارش پایداری شرکت، شاخص‌های غیرمالی زیست محیطی و اجتماعی به اندازه شاخص مالی و اقتصادی مهم است. در محیطی که عناصر زیست محیطی، اجتماعی و مالی در تعامل با یکدیگر و شرکت قرار گرفته باشند، میزان موفقیت شرکت با گزارش پایداری اندازه‌گیری و گزارش می‌شود (جونز، ۲۰۱۰). یکی از مفاهیمی که در بحث مسئولیت اجتماعی و گزارش پایداری مورد توجه است، مساله حاکمیت شرکتی و به‌طور خاص هیات مدیره است. حاکمیت شرکتی مطلوب همانند شفافیت و افشاء برای سهامدارانی که تحت تأثیر عملیات شرکت قرار دارند، مورد نیاز است (ایزا و زاهاری، ۲۰۱۴). یکی از بهترین شیوه‌های حاکمیت شرکتی آن است که هیات مدیره نه تنها اطلاعات مالی، بلکه اطلاعات غیرمالی همانند رضایت مشتری، کیفیت محصول و خدمات و عملکرد زیست محیطی را نیز در نظر بگیرد (ایزا و غزالی، ۲۰۱۲). با توجه به تئوری وابستگی به منابع، هیات مدیره با برقراری رابطه با منابع ضروری برای نمونه، ارائه مشروعیت،

پیشنهاد و مشاوره، ارتباط با سایر سازمان‌ها و کمک به دستیابی به منابع در واقع به‌عنوان منبعی برای تأمین منابع برای سازمان‌ها به شمار می‌رود. هیات مدیره‌هایی که در فعالیت‌های مرتبط با منابع نظیر مداخله در امر تأمین وجوه و ارائه کمک‌های مالی شخصی مشارکت می‌کنند، موجب بهبود عملکرد سازمان می‌شوند (برون، ۲۰۰۵). بنابراین، انتظار می‌رود ساختار حاکمیت شرکتی در رابطه با ویژگی‌های هیات مدیره (اندازه هیات مدیره، استقلال هیات مدیره، دانش مالی هیات مدیره، درصد مالکیت هیات مدیره) نقش مهمی در ارائه اطلاعات بیشتر و مشروعیت شرکت‌ها ایفا نماید. در این راستا، در این پژوهش فرض می‌شود ویژگی‌های هیات مدیره بر سطح افشای گزارش پایداری شرکت‌های ایرانی، تأثیرگذار باشد.

اندازه هیات مدیره

دو دیدگاه متضاد در رابطه با اندازه هیات مدیره وجود دارد؛ یک دیدگاه بیان می‌دارد که هرچه اندازه هیات مدیره بزرگ‌تر باشد موجب اختلاف نظر بیشتر می‌شود و این در حالی است که دیدگاه دیگری در مقابل آن وجود دارد که بیان می‌کند هرچه اندازه هیات مدیره بزرگ‌تر و اعضای آن بیشتر باشد، منجر به بهره‌مندی بیشتر از تبادل نظر و تجربیات افراد می‌شود (جنسن، ۱۹۹۹). به‌عبارتی، این دیدگاه بیان می‌دارد که بزرگی هیات مدیره، تخصص و افزایش ظرفیت نظارت در زمینه‌های مختلف دانش را فراهم می‌کند که می‌تواند باعث ایجاد ایده‌های مختلف در بحث و گفتگو شود. بنابراین، این عامل می‌تواند به شرکت‌ها به‌ویژه در زمان بحران و تغییرات قانونی در انجام فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی، انگیزه دهد.

استقلال هیات مدیره

حضور مدیران مستقل، به‌عنوان ابزاری در حاکمیت شرکتی محسوب می‌شود. به‌طور کلی، عقیده بر این است که اعضای غیرموظف هیات مدیره، نظارت را بر فعالیت‌های مدیریتی تقویت و اطمینان می‌دهند که منافع سرمایه‌گذاران محافظت می‌شود (پترا، ۲۰۰۵). بنابراین، در بحث حاکمیت شرکتی انتظار می‌رود مدیران مستقل، نقش نظارتی داشته باشند تا اطمینان حاصل شود که منافع سهامداران در هنگام تصمیمات هیات مدیره مورد توجه است، اما رابطه بین مدیران مستقل و میزان گزارش پایداری مشخص نیست و این در حالی است که مطالعات قبلی در مجموع ارتباط مثبت بین مدیران مستقل و افشای داوطلبانه را تأیید نموده‌اند (دانلی و مونکالی،

۲۰۰۸). اگر رابطه منفی بین مدیران مستقل و افشای داوطلبانه وجود داشته باشد، می‌توان این رابطه را این‌گونه توجیه کرد که وجود یک رابطه منفی بین مدیران مستقل و میزان افشا به واسطه آن است که مدیران مستقل، جایگزین مقرون به صرفه برای افشای اطلاعات هستند.

دانش مالی هیات مدیره

هیات مدیره برای نظارت بر مدیریت و مشارکت در تصمیم‌گیری، نیازمند مهارت‌های متنوع از قبیل حسابداری، بانکداری و قانون است تا بتواند بر افزایش ارزش شرکت مؤثر باشد (هیلمن و پاتزول، ۲۰۰۰). فرض زیر بنایی این موضوع آن است که اعضای بدون تجربه در دانش حسابداری یا مالی، توانایی کم‌تری در کشف مشکلات موجود در گزارشگری مالی دارند. همچنین، وجود عنصر مالی با تجربه می‌تواند باعث شود دیگر اعضا حساس و هوشیار باشند.

درصد مالکیت هیات مدیره

از دیگر ویژگی‌های مهم بالقوه هیات مدیره که می‌تواند بر سطح افشای گزارشگری پایداری مؤثر واقع شود، سطح مالکیت سهام در میان اعضای هیات مدیره است. مالکیت سهام در میان مدیران، آنها را به موقعیت قدرت و اختیار تجهیز می‌کند. بنابراین، مدیران خواهند توانست مشاغل جدید و استراتژی‌های جدید ایجاد کنند و نوآوری‌ها را افزایش و سریع‌تر خود را با محیط در حال تغییر وفق دهند (احمد پور و همکاران، ۱۳۹۰). تاکنون تأثیر این متغیر بر سطح افشای گزارشگری مالی مورد بررسی قرار نگرفته است، اما در رابطه با عملکرد شرکت، مطالعاتی صورت گرفته است. در این ارتباط، اوویت و مینیارد (۱۹۹۳) بیان کرده‌اند که مالکیت مدیران، به‌ویژه مدیران موظف، ارتباط مثبتی با عملکرد خواهد داشت، زیرا مالکیت سهام، آنها را قادر می‌سازد تا بهتر منابع را به سهامداران گوناگون تخصیص دهند و در آنها ایجاد انگیزه برای تمرکز بر سوددهی بلندمدت شرکت می‌کند (هو و ویلیامز، ۲۰۰۳).

پیشینه تحقیق

امان و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی تأثیر ویژگی‌های هیات مدیره بر گزارش پایداری در بین ۲۶۰ شرکت بورس مالزی، پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که ارتباط معناداری بین اندازه هیئت مدیره، جنسیت هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره، هیئت مدیره خانوادگی و افشای گزارش

پایداری وجود دارد، اما نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مسئولیت دوگانه هیات مدیره بر گزارش پایداری در بین شرکت‌های ثبت شده در مالزی، تأثیری ندارد.

کازی و یار (۲۰۱۷) به پژوهشی با عنوان عوامل تعیین کننده گزارشگری پایداری و تأثیر آن بر ارزش شرکت، پرداختند. هدف این مطالعه بررسی عوامل تعیین کننده سازمان گزارشگری جهانی (GRI) مبتنی بر گزارشگری پایداری، پذیرش بیانیه‌های بیمه در گزارش‌های پایداری و به کارگیری سطوح گزارشگری پایداری، است. بر اساس نمونه‌های تهیه شده از ۲۹۷ شرکت تجاری ترکیه‌ای در بورس استامبول، یافته‌ها حاکی از رشد آگاهی از GRI مبتنی بر گزارشگری پایداری بین شرکت‌های تحت بررسی و همچنین بهبود روند کیفیت گزارشات است.

جیاناکیس (۲۰۱۴) به پژوهشی با عنوان عوامل مؤثر بر میزان افشای مسئولیت اجتماعی شرکت، پرداخت. نتایج نشان می‌دهد که اندازه شرکت و هیات مدیره رابطه مثبتی با افشای گزارشگری پایداری دارند و شرکت‌هایی با خصوصیت دوگانگی وظایف مدیرعامل، اطلاعات کمتری در خصوص افشای گزارشگری پایداری منتشر می‌کنند و این در حالی است که تفاوت چشمگیری بین صنایع مختلف و میزان افشای گزارشگری پایداری، وجود دارد.

معصومی و همکاران (۱۳۹۷) به پژوهشی با عنوان شناسایی متغیرهای مؤثر بر میزان گزارشگری پایداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پرداختند. نتایج آزمون فرضیه‌ها بیانگر این است که متغیرهای اندازه شرکت، نقدینگی، سهامداران نهادی و دوگانگی وظایف مدیرعامل بر میزان گزارشگری پایداری شرکت‌ها تأثیر معناداری دارند. همچنین، سه متغیر عمر شرکت، دارایی نامشهود و استقلال هیات مدیره بر میزان گزارشگری پایداری شرکت‌ها، تأثیر معناداری ندارند.

ایمانی و همکاران (۱۳۹۶) به پژوهشی با عنوان آزمون تأثیر پایداری سود و سطح افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج آزمون فرضیه‌ها بیانگر رابطه مثبت و معنادار بین پایداری سود و سودآوری شرکت‌ها با افشای مسئولیت اجتماعی است.

حسینی و حقیقت (۱۳۹۵) به پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و تعهد به ایفای مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد بین تعداد جلسات هیات مدیره و دوگانگی وظیفه مدیرعامل با تعهد به ایفای مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد، اما بین استقلال هیات مدیره، کمیته‌های تخصصی هیات مدیره و سهامداران نهادی با مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها رابطه‌ای پیدا نشد.

برزگری خانقاه و جعفری تراچی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی نقش ویژگی‌های شرکت و حاکمیت شرکتی در مشروعیت سازمانی، پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از رابطه مثبت و معنادار بین اندازه شرکت، عملکرد شرکت و حضور مدیران مستقل با افشای مسئولیت اجتماعی و زیست محیطی شرکت است. همچنین، رابطه منفی و معناداری بین مالکیت نهادی با افشای مسئولیت اجتماعی و زیست محیطی شرکت وجود دارد. با این حال، هیچ رابطه معناداری بین اهرم مالی، ساختار مالکیت، اندازه حسابرس و اندازه هیأت مدیره با افشای مسئولیت اجتماعی و زیست محیطی شرکت وجود ندارد. در نهایت، نتایج فرضیه آخر پژوهش نشان داد بین افشای مسئولیت اجتماعی و زیست محیطی در صنایع مختلف تفاوت معناداری وجود دارد.

مختاری و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر ویژگی‌های هیأت مدیره بر کیفیت افشای مسئولیت اجتماعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳، پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد ویژگی‌های هیأت مدیره (اندازه هیأت مدیره، استقلال هیأت مدیره و تعداد جلسات هیأت مدیره) تأثیر مستقیم و معناداری بر کیفیت افشای اطلاعات دارند. نتایج مربوط به متغیرهای کنترلی نیز نشان داد اهرم مالی و ریسک سیستماتیک تأثیر معکوس و معناداری بر کیفیت افشای مسئولیت اجتماعی دارند و اندازه شرکت و فرصت‌های رشد تأثیر مستقیم و معناداری بر کیفیت افشای مسئولیت اجتماعی دارند.

عبدلی و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی تأثیر ساختار و ترکیب هیأت مدیره بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها پرداختند، هدف از این تحقیق شناسایی عوامل مؤثر بر میزان رعایت مسئولیت‌پذیری اجتماعی به عنوان یک فاکتور مؤثر بر تصمیمات سرمایه‌گذاران است. در این راستا تعداد ۱۰۹ شرکت برای دوره زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج حاکی از آن است که بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها با نسبت اعضای موظف هیأت مدیره و تمرکز مالکیت، رابطه معنی‌داری وجود دارد و متغیر تمرکز مالکیت بیشترین تأثیر را نسبت به سایر متغیرها بر روی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها می‌گذارد. همچنین، مطابق با نتایج به دست آمده

مشخص گردید بین نقش دوگانه رئیس هیئت مدیره، نسبت تغییرات هیئت مدیره و نوع مالکیت با مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت‌ها رابطه معناداری وجود ندارد. از بین متغیرهای کنترلی تنها متغیر میزان تحصیلات بر روی متغیر وابسته که همان مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها است، تأثیرگذار بود.

فرضیات پژوهش

بر اساس آنچه که در مبانی نظری و پیشینه پژوهش بررسی شد فرضیات زیر در این پژوهش طرح گردید.

- اندازه هیات مدیره تأثیر معناداری بر سطح افشای گزارشگری پایداری شرکت‌ها دارد.
- استقلال هیات مدیره تأثیر معناداری بر سطح افشای گزارشگری پایداری شرکت‌ها دارد.
- دانش مالی هیات مدیره تأثیر معناداری بر سطح افشای گزارشگری پایداری شرکت‌ها دارد.
- درصد مالکیت هیات مدیره تأثیر معناداری بر سطح افشای گزارشگری پایداری شرکت‌ها دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از دسته مطالعات توصیفی و تحلیل همبستگی بوده و از نظر تاریخی، به صورت پس‌رویدادی اجرا شده است. داده‌های مورد نیاز پژوهش از پایگاه داده وابسته به سازمان بورس و اوراق بهادار تهران، جمع‌آوری شده است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش، از نرم‌افزارهای اکسل و ایویوز استفاده شده است.

جامعه آماری مورد نظر پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و قلمرو زمانی مورد بررسی از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶، است. نمونه‌ی آماری شامل شرکت‌هایی است که دارای ویژگی‌های زیر هستند:

- به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفندماه است.
- جهت همگن بودن داده‌ها، در طی دوره مورد بررسی تغییر سال مالی نداشته است.

- شرکت‌ها قبل از سال ۱۳۸۲ در بورس پذیرفته شده‌اند.
- جزء شرکت‌های مالی (مانند بانک‌ها و مؤسسات مالی) و شرکت‌های سرمایه‌گذاری یا شرکت‌های واسطه‌گری مالی نیستند، زیرا این صنایع، فضای قانونی و ماهیت عملیاتی متفاوتی با بقیه شرکت‌ها دارند.

لازم به ذکر است که در اینجا جهت تعیین نمونه آماری از روش حذف سیستماتیک استفاده شد. به این صورت که شرکت‌های حائز شرایط بالا انتخاب و سایر شرکت‌ها حذف شدند. با توجه به شرایط و اعمال محدودیت‌های یادشده، تعداد ۹۵ شرکت در دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ به‌عنوان نمونه انتخاب شد.

مدل پژوهش

به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، مدل شماره ۱ در این پژوهش برآورد شده است.

$$SR_{it} = \beta_0 + \beta_1 BSZA_{it} + \beta_2 BIND_{it} + \beta_3 EXPER-FINANC_{it} + \beta_4 OPB_{it} + \beta_5 SIZE_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \beta_7 LEV_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

که در آن: SR_{it} افشای گزارش پایداری شرکت i در سال t (متغیر وابسته) است. شاخص مذکور با بررسی ادبیات نظری پژوهش و متغیرهای مورد استفاده توسط سازمان گزارشگری جهانی که ارائه‌دهنده استانداردها و دستورالعمل‌ها در بحث پایداری است، استخراج شده است. در این پژوهش، روش امتیازدهی برای سنجش میزان گزارشگری پایداری شرکت‌ها به این شکل است که اگر یک قلم از افشای اقلام پایداری طبق GRI انجام شده باشد، امتیاز یک و اگر افشا نشده باشد، امتیاز صفر در نظر گرفته خواهد شد.

$BSZA_{it}$ تعداد اعضای هیات مدیره یا اندازه هیات مدیره (متغیر مستقل) است که اگر تعداد اعضا ۵ نفر باشد صفر و در غیر این صورت یک خواهد بود. $BIND_{it}$ استقلال هیات مدیره (متغیر مستقل) است که از نسبت مدیران غیرموظف به کل اعضا بدست می‌آید. $EXPER-FINANC$ دانش مالی (متغیر مستقل) است و اگر هیات مدیره دارای یک عضو متخصص باشد یک و در غیر این صورت صفر خواهد بود. OPB درصد مالکیت اعضای هیات مدیره در سهام شرکت (متغیر مستقل) است و برابر با درصد سهام نگهداری شده توسط اعضای هیات مدیره در هر سال است. $SIZE$ اندازه شرکت (متغیر کنترلی) و برابر با لگاریتم طبیعی کل ارزش دفتری

دارایی‌ها است. ROA برابر با سودآوری شرکت (متغیر کنترلی) و حاصل تقسیم سود بعد از مالیات بر جمع دارایی‌ها است و در نهایت LEV، اهرم مالی (متغیر کنترلی) و از جمع بدهی بر جمع دارایی‌ها بدست می‌آید.

آمار توصیفی

نگاره ۱، مقادیر شاخص‌های پراکندگی و مرکزی متغیرهای مربوط به مدل‌های رگرسیون آزمون فرضیه‌های پژوهش را نشان می‌دهد.

نگاره (۱): آمار توصیفی

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
افشای گزارش پایداری	۰/۱۶۲۳	۰/۲۴۲۳	۰/۰۷۲۱	۰/۳۵۲۱
اندازه هیات مدیره	۴/۶۵۴۳	۰/۲۱۱۳	۰	۱
استقلال هیات مدیره	۰/۳۲۱۱	۰/۲۳۲۱	۰/۰۰۸۵	۰/۵۷۶۲
دانش مالی	۰/۶۱۰۲	۰/۴۸۰۱	۰	۱
درصد مالکیت اعضای هیات مدیره	۰/۰۶۷۳	۰/۰۸۱۴	۰/۰۰۳۴	۰/۱۶۲۱
اندازه شرکت	۱۱/۲۳۴۱	۰/۰۵۲۴	۹/۳۴۰۱	۱۶/۹۸۷۵
سودآوری شرکت	۰/۱۱۴۶	۰/۱۲۴	-۰/۲۲۴	۰/۴۷۸
اهرم مالی	۰/۵۰۰۱	۰/۲۲۰۱	۰/۱۵۳۰	۰/۷۲۳۴

انتخاب روش آزمون فرضیه‌ها

برای بررسی نتایج حاصل از برآوردهای رگرسیون ابتدا باید فرض کلاسیک رگرسیون موردبررسی قرار گیرد تا در صورت نقض هر یک از فرض، تصحیح لازم در مدل صورت گیرد. فرض کلاسیک که در برآورد رگرسیون باید موردبررسی قرار گیرد شامل بررسی نرمال بودن باقی مانده‌های مدل، همسانی واریانس باقی مانده‌ها، عدم همخطی متغیرهای توضیحی، عدم خودهمبستگی اجزای خطا است.

نتایج حاصل از آزمون نرمال بودن و همسانی واریانس باقیمانده‌های مدل تحقیق در نگاره ۲ ارائه شده است.

نگاره (۲): نتایج آزمون نرمال بودن و همسانی واریانس باقیمانده‌های مدل رگرسیون

آماره ۳/۵۱۵۳ F	آزمون وایت
۰/۱۷۵۴ P-Value	
آماره ضرایب لاگرانژ ۲۹۸/۰۰۳۲	
ضریب تعیین ۰/۲۸۹۵	
تعداد مشاهدات ۶۶۵	
آماره آزمون JB ۵/۴۴۳۲	
۰/۲۷۴۵ p-value	

با توجه به نتایج نگاره ۲ باقیمانده‌های حاصل از برآورد مدل تحقیق، دارای توزیع نرمال و واریانس ثابت بوده است. همچنین، نتایج بررسی همخطی میان متغیرهای مستقل در نگاره ۲ ارائه شده است. همان‌طور که در نگاره ماتریس همبستگی مشاهده می‌شود، ضریب همبستگی کلیه متغیرهای مستقل کمتر از ۰/۸ بوده و همچنین عامل تورم واریانس برای کلیه متغیرها کمتر از ۱۰ است. بنابراین، میان متغیرهای مستقل همخطی شدید وجود ندارد (گجراتی، ۱۹۹۵).

نگاره (۳): همبستگی بین متغیرها

VIF	LEV	ROA	SIZE	OPB	EXPER-FINANC	BINDit	BSIZEit	SRit	
								۱	افشای گزارش پایداری
۱/۶۴۳							۱	۰/۴۶۵	اندازه هیات مدیره
۱/۵۴۳						۱	۰/۲۴۳	۰/۱۵۳	استقلال هیات مدیره
۱/۲۳۴					۱	۰/۱۸۸	۰/۲۶۵	۰/۱۴۳	دانش مالی
۱/۳۴۵				۱	۰/۲۲۶	۰/۲۳۸	۰/۳۹۴	۰/۳۴۴	درصد مالکیت هیات مدیره
۱/۲۳۷			۱	۰/۲۴۶	۰/۲۷۵	۰/۳۴۱	۰/۴۴۲	۰/۲۴۳	اندازه شرکت
۱/۴۳۹		۱	۰/۳۵۴	۰/۳۴۳	۰/۳۸۵	۰/۴۴۳	۰/۵۴۲	۰/۲۲۶	سودآوری شرکت
۱/۳۳۹	۱	۰/۱۴۲	۰/۱۷۶	۰/۱۷۵	۰/۱۵۹	۰/۱۷۸	۰/۲۴۱	-۰/۲۳۴	اهرم مالی

برای بررسی خودهمبستگی باقیمانده‌های مدل رگرسیون از آزمون دورین - واتسون استفاده شده است. آماره آزمون دورین - واتسون مدل رگرسیون معادل ۲/۳۴ (نگاره ۴) است. با توجه به میزان آماره دورین - واتسون، وجود خودهمبستگی در مقادیر خطای مدل نیز رد می‌شود.

در استفاده از داده‌های ترکیبی از مدل‌های مختلفی برای آزمون فرضیه‌ها استفاده می‌شود. این مدل‌ها شامل مدل داده‌های تلفیقی یا ترکیبی و روش‌هایی مانند مدل اثر ثابت و اثرات تصادفی است. در این تحقیق، برای انتخاب روش مناسب جهت برآورد مدل‌های مزبور در مقاطع و دوره‌های زمانی مختلف داده‌ها، از آزمون چاو استفاده شد. نتایج آزمون چاو در نگاره ۳ ارائه شده است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، نتایج آزمون چاو، فرض صفر این آزمون مبنی بر مشابه بودن عرض از مبدأ در تمام دوره‌ها را تأیید کرده است. بنابراین، روش تخمین داده‌های تلفیقی برای برآورد مدل‌های آزمون فرضیه‌های تحقیق، گزینه‌ی مناسب‌تری است.

نگاره (۳): نتایج آزمون چاو

آماره آزمون چاو	p-value	نتیجه آزمون
۱/۸۷۴	۰/۴۹۳۱	مدل تلفیق داده‌ها

پس از بررسی فرض‌های چهارگانه‌ی مربوط به مدل رگرسیون و اطمینان از مطلوب بودن مدل، نتایج مربوط به تخمین مدل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تفسیر یافته‌های پژوهش

نتایج مربوط به آزمون فرضیه‌های تحقیق در نگاره (۴) ارائه شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود ضریب و احتمال متغیر اندازه هیات مدیره برابر با ۰/۳۰۶ و ۰/۰۰۲ است که نشان‌دهنده وجود رابطه معنادار بین اندازه هیات مدیره و گزارش پایداری شرکت‌ها است. بنابراین، فرضیه اول پژوهش مبنی بر وجود تأثیر معنادار اندازه هیات مدیره بر سطح افشای گزارشگری پایداری شرکت‌ها، پذیرفته می‌شود. ضریب و احتمال متغیر استقلال هیات مدیره برابر با ۰/۷۲۳ و ۰/۰۱۵ است که نشان‌دهنده وجود رابطه معنادار بین این متغیر و گزارش پایداری شرکت‌ها است. بنابراین، فرضیه دوم پژوهش مبنی بر تأثیر معناداری بر سطح افشای گزارشگری پایداری شرکت‌ها، پذیرفته می‌شود.

ضریب متغیر دانش مالی برابر ۰/۲۰۹ و احتمال آن برابر ۰/۴۱۹ است. ضریب این متغیر نشان‌دهنده عدم وجود رابطه معنادار با گزارش پایداری شرکت‌ها است. بنابراین، فرضیه سوم

پژوهش مبنی بر تأثیر معناداری دانش مالی هیات مدیره بر سطح افشای گزارشگری پایداری شرکت‌ها، رد می‌شود.

ضریب و احتمال متغیر درصد مالکیت هیات مدیره برابر $۰/۳۰۲$ و $۰/۰۰۰$ است که نشان‌دهنده وجود رابطه معنادار بین درصد مالکیت هیات مدیره و گزارش پایداری شرکت‌ها است. بنابراین، فرضیه چهارم پژوهش مبنی بر تأثیر معناداری درصد مالکیت هیات مدیره بر سطح افشای گزارشگری پایداری شرکت‌ها پذیرفته می‌شود.

ضریب تعیین تعدیل شده برآورد مدل در نرم‌افزار برابر با $۰/۶۴۲$ است که نشان می‌دهد حدود ۶۴ درصد از نوسان‌های متغیر وابسته، توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. علاوه بر این با توجه به اینکه احتمال آماره فیشر این مدل ($۰/۰۰۰$) است، می‌توان گفت که در سطح اطمینان ۹۵ درصد این مدل معنادار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است.

نگاره (۴): نتایج آزمون فرضیات

متغیرها	ضرایب	آماره t	احتمال (prob)
اندازه هیات مدیره	۰/۳۰۶	۳/۰۳۴	۰/۰۰۲
استقلال هیات مدیره	۰/۷۲۳	۴/۰۰۳	۰/۰۱۵
دانش مالی	۰/۲۰۹	-۳/۴۰۳	۰/۴۱۹
درصد مالکیت هیات مدیره	۰/۳۰۲	۵/۱۲۲	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۰/۴۰۲	۴/۰۴۳	۰/۰۲۸
سودآوری شرکت	۰/۵۲۳	-۲/۴۳۲	۰/۰۳۶
اهرم مالی	-۰/۲۰۸	-۳/۰۸۶	۰/۰۲۰
مقدار ثابت	-۲/۱۴۳	-۳/۲۵۶	۰/۰۳۲
ضریب تعیین تعدیل شده $۰/۶۴۲$		آماره فیشر $۲۴/۳۴۴$	
آماره دوربین-واتسون $۲/۳۴$		احتمال آماره فیشر $۰/۰۰۰$	
متغیر وابسته: افشا گزارش پایداری			

نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی اثر ویژگی‌های هیات مدیره به‌عنوان یکی از ارکان حاکمیت شرکتی بر سطح افشای گزارش پایداری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، بود. در این پژوهش در رابطه با ویژگی‌های هیات مدیره متغیرهای اندازه هیات مدیره، استقلال هیات مدیره، دانش مالی هیات مدیره و درصد مالکیت هیات مدیره مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس نتایج بررسی فرضیه اول، اندازه هیات مدیره بر سطح افشای گزارش پایداری شرکت‌ها تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد و این نتیجه به این مهم اشاره دارد که هرچه تعداد اعضای هیات مدیره بیشتر باشد توجه شرکت به سطح افشای گزارش پایداری افزایش می‌یابد، زیرا بزرگی هیات مدیره، تخصص و افزایش ظرفیت نظارت در زمینه‌های مختلف دانش را فراهم می‌کند که می‌تواند باعث ایجاد ایده‌های مختلف در بحث و گفتگو شود. بنابراین، این عامل به شرکت‌ها به‌ویژه در زمان بحران و تغییرات قانونی در انجام فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی انگیزه می‌دهد. این نتیجه با نتیجه تحقیقات ایسا و محمد غزال (۲۰۱۲) همراستا است.

در رابطه با فرضیه دوم، استقلال هیات مدیره بر سطح افشای گزارش پایداری شرکت‌ها تأثیر مثبت و معناداری دارد و این بدان معناست که حضور مدیران مستقل به‌عنوان یک ابزار در حاکمیت شرکتی شرکت محسوب شده و اعضای غیرموظف هیات مدیره، نظارت را بر فعالیت‌های مدیریتی تقویت و اطمینان می‌دهند که منافع سرمایه‌گذاران محافظت می‌شود (پترا، ۲۰۰۵). با توجه به اینکه امروزه رویکرد شرکت‌ها از حداکثر سازی ثروت سهامداران به سوی پایداری ارزش حرکت نموده است، منافع سرمایه‌گذاران در راستای تئوری مشروعیت و ذی‌نفعان قرار دارد. این نتایج با نتایج تحقیقات مختاری و همکاران (۱۳۹۵)، همراستا است.

در رابطه با فرضیه سوم دانش مالی بر سطح افشای گزارش پایداری شرکت‌ها تأثیر معناداری نداشت. این نتیجه نشان می‌دهد که افرادی که دانش مالی دارند، توجهشان به مسائل اجتماعی و زیست محیطی شرکت‌ها نسبت به مباحث مالی کمتر است.

فرضیه چهارم نیز نشان داد که درصد مالکیت اعضای هیات مدیره بر سطح گزارش پایداری شرکت‌ها دارای رابطه مثبت و معناداری است. به عبارتی، حضور اعضای هیات مدیره شرکت به‌عنوان سهامدار و افزایش نسبت سهام آنان، به کاهش تضاد منافع موجود میان سهامداران و مدیران شرکت کمک قابل توجهی می‌کند. بنابراین، اعضای هیات مدیره به‌عنوان تهیه‌کنندگان

و مسئولین صورت‌های مالی، موجبات تسریع در فرآیند افشای گزارش پایداری را فراهم می‌آورند.

پیشنهادات

به سازمان بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌گردد، با استفاده از معیارها و مدل‌های شناخته‌شده معیاری جهت رتبه‌بندی سطح افشای گزارش پایداری شرکت‌های فعال در بازار سرمایه ارائه نماید، زیرا این شاخص می‌تواند محتوای اطلاعاتی برای بازار سرمایه داشته باشد. در ضمن موارد زیر می‌تواند در تحقیقات آتی به‌عنوان موضوعات پیشنهادی برای تحقیق در نظر گرفته شود:

- بررسی سایر متغیرهای موثر بر سطح افشای گزارشگری پایداری از جمله متغیرهای کلان اقتصادی
- بررسی تأثیر توانایی مدیران بر سطح افشای گزارشگری پایداری شرکت‌ها

پی‌نوشت

- | | |
|-----------------------------------|-------------------------------|
| ۱ Corporate Social Responsibility | ۲ Corporate Citizenship |
| ۳ Corporate Governance | ۴ Global Reporting Initiative |

منابع

- Abdoli, M. R. , Panahi, H. , & Rahimian, F. (2013). The Effect of Board and Ownership Structure Composition on Corporate Responsibility in Companies Accepted in Tehran Stock Exchange. 10 th. International Conference on Strategic Management, Tehran, Iran Strategic Management Association, (In Persian).
- Ahmadpour, A. , Malekian, E. , Zare, B. M. J. , & Nadi, Z. (2012). Role of board structure on intellectual capital of firms with application fuzzy: Case study pharmacy firms listed in Tehran Stock Exchange. Journal of Accounting Knowledge, 3 (8) , 73-93 (In Persian).
- Al-Malkawi, H. A. N. , Pillai, R. , & Bhatti, M. I. (2014). Corporate governance practices in emerging markets: The case of GCC countries. Economic Modelling, 38, 133-141.
- Aras, G. , & Crowther, D. (2008). Governance and sustainability: An investigation into the relationship between corporate governance and corporate sustainability. Management Decision, 46 (3) , 433-448.

- Bazgari Khangkah, J. & Jafari Taragi, Gh. (2016). Investigating the Role of Company Characteristics and Corporate Governance in Organizational Legitimacy. *Financial Accounting Research*, 3 (29) , 101-120 (In Persian).
- Boonstoppel, A. (2011). The Relationship between Corporate Social Responsibility and Financial Performance: an empirical study of companies included in the Dow Jones Sustainability Index (Doctoral dissertation, Doctoral dissertation, Master Thesis, Erasmus University Rotterdam, Erasmus School of Economics, Accounting, Auditing and Control).
- Brown, W. A. (2005). Exploring the association between board and organizational performance in nonprofit organizations. *Nonprofit Management and Leadership*, 15 (3) , 317-339.
- Buchholz, R. A. , & Rosenthal, S. B. (2005). Toward a contemporary conceptual framework for stakeholder theory. *Journal of Business Ethics*, 58 (1-3) , 137-148.
- Emani, P. , Hajiha, Z. , & Amir Hosseini, Z. (2017). Testing the Potential Effects of Profit and Profitability on the Level of Disclosure of Corporate Social Responsibility of the Companies Listed in the Stock Exchange of Iran. *Management Accounting Quarterly*, 33 (10) , 73-88 (In Persian).
- Esa, E. , & Anum Mohd Ghazali, N. (2012). Corporate social responsibility and corporate governance in Malaysian government-linked companies. *Corporate Governance: The international journal of business in society*, 12 (3) , 292-305.
- Esa, E. , & Zahari, A. R. (2017). DISCLOSURE ON CORPORATE WEBSITES: CORPORATE SOCIAL RESPONSIBILITY IN MALAYSIA & SINGAPORE GOVERNMENT-LINKED COMPANIES. *Journal of Technology Management and Business*, 4 (1). Fernandez-Feijoo, B. , Romero, S. , & Ruiz, S. (2012). Does board gender composition affect corporate social responsibility reporting? *International Journal of Business and Social Science*, 3 (1) , 31-38.
- Giannarakis, G. (2014). The determinants influencing the extent of CSR disclosure. *International Journal of Law and Management*, 56 (5) , 393-416.
- Hillman, A. J. , & Dalziel, T. (2003). Boards of directors and firm performance: Integrating agency and resource dependence perspectives. *Academy of Management review*, 28 (3) , 383-396.
- Ho, C. A. , & Williams, S. M. (2003). International comparative analysis of the association between board structure and the efficiency of value added by a firm from its physical capital and intellectual capital resources. *The International Journal of Accounting*, 38 (4) , 465-491.
- Hosseini, S. A. , & Haghghat, S. (2016). The relationship between corporate governance and commitment to social responsibility in companies acquired in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Research*, 6 (4) , 103-128. (In Persian).
- Jones, H. (2010). Sustainability reporting matters: what are national governments doing about it?
- Kuzey, C. , & Uyar, A. (2017). Determinants of sustainability reporting and its impact on firm value: Evidence from the emerging market of Turkey. *Journal of cleaner production*, 143, 27-39. López, D. P. , & Romero, A. M. (2014).

- Insights into Corporate Social Responsibility Measurement. In *Annals of Industrial Engineering 2012* (pp. 315-322). Springer, London.
- Masoumi, S. R. , Salehnejad, S. H. & Zabihi Zarrin Kalayi, A. (2018). Identification of Variables Affecting the Sustainability Reporting of Accepted Companies in Tehran Stock Exchange. *Audit Knowledge*, 70 (8) , 195-221 (In Persian).
- Mokhtari, M. & Keiaye, A. (2016). The Effect of Independence of the Board on the Disclosure of Social Responsibility in the Companies Accepted in Tehran Stock Exchange. *Fourth International Conference on Accounting and Management with New Science Research Approach*, Tehran, Iran, (In Persian).
- Petra, S. T. (2005). Do outside independent directors strengthen corporate boards? *Corporate Governance: The international journal of business in society*, 5 (1) , 55-64.

Investigating the Impact of the Board of Directors on Disclosure of Corporate Sustainability Report

Hossein Ameri¹

Received: 2018/08/21

Accepted: 2018/12/03

Abstract

In recent years, constant reporting on companies' sustainability and its dimensions have been considered from different perspectives of companies using corporate reports and financial statements. Sustainability reporting is the company's environmental, social, and economic achievements, and suggests that the business entity, in light of these issues, will implement its development plans in the future. The purpose of this study is to investigate the effect of the board of directors' characteristics on the sustainability report of companies listed in the Tehran Stock Exchange. The statistical population of the study consisted of all companies listed in Tehran Stock Exchange. After reviewing, 95 companies were selected based on the systematic elimination method. The results of the hypothesis test indicate that the size of the board of directors, the independence of the board of directors, and ownership percentage of the board of directors have a significant effect on the disclosure level of corporate sustainability reports and financial reporting knowledge of the board does not have a significant effect on the level of disclosure of the sustainability report, as well as three variables such as company size, profitability and financial leverage have a significant effect on the level of disclosure of the corporate sustainability report.

Keywords: Board of Directors, Board Size, Financial Knowledge of Board of Director, Independence of Board of Directors, Sustainability Reporting of Companies.

JEL classification: E16,Q56,M41.

DOI: 10.22051/ijar.2019.21768.1424

¹ PhD Student in Accounting, Mazandaran University, Babolsar, Iran. (hossein.ameri67@yahoo.com)

The Relationship between Political Connections and Agency Costs Considering the Moderating Role of Audit Quality

Ali Reza Ma'toufi¹, Matineh Mehrparvar²

Received: 2019/01/04

Accepted: 2019/05/01

Abstract

Although establishing and retaining the relation with government are usually subject to acquiring the competitive but in markets with poor regulatory frameworks, this relationship can lead to the agency problem and costs associated with it. So, the purpose of the present research is the study of the relationship between the political connections and the agency costs due to the moderating role of audit quality in listed companies in Tehran Stock Exchange between the years 2013 to 2017. In order to conduct this research, a sample consisting of 128 companies was selected. The hypothesis of this research were tested by using multi-variable regression and implementing Panel Data technique. The findings demonstrated that there is a significant relationship between political connections and agency costs, and also audit quality modifies the relationship between political connections and agency costs.

Keyword: Agency Costs, Audit Quality, Political Connections.

JEL Classification: M41, M42

DOI: 10.22051/ijar.2019.23995.1476

¹ Assistant Professor of Accounting, Islami Azad University, Gorgan Branch, Gorgan, Iran.

Corresponding Author (Alirezamaetoofi@gmail.com)

² MSc of Accounting, Golestan Institute of Higher Education, Gorgan, Iran.(matina1371.meh@gmail.com)

Studying The Role of Extensible Business Reporting Language (XBRL) in Continuous Auditing

Jamal Mohammadi¹, Ali Khozein²

Received: 2019/01/04

Accepted: 2019/05/01

Abstract

Using extensible business reporting language (XBRL) not only affects the qualitative characteristics of accounting information, but it can also have an impact on the time, cost and quality of auditing. The present study has aimed to examine the role of extensible business reporting language in continuous auditing. This research is an applied research in terms of the purpose of the study and it is an analytical survey in terms of research method. The statistical population of this study is composed of independent auditors and members of Iran's official Accountants community. In order to collect the necessary information and the views of the members of the research population, a questionnaire containing five hypotheses and 25 questions were designed and were randomly distributed among 120 of the population members in 2016. Ultimately, the questionnaires that were filled out by the research samples were collected by the researchers. The data obtained from the questionnaires were analyzed using different statistical methods (binominal test, t-test, one-sample Wilcoxon test and Kolmogorov-Smirnov test). The research results confirmed the research hypotheses and indicated that in the environment of extensible business reporting language, the time and cost of continuous auditing will be decreased and accuracy and quality of continuous auditing will be improved. In addition, using extensible business reporting language in continuous auditing will facilitate the extraction and analysis of data and accelerates the processes of executing continuous auditing.

Keywords: Auditing Accuracy and Quality, Auditing Expenses, Auditing Process, Auditing Time, Continuous Auditing, Extensible Business Reporting Language (XBRL).

JEL classification: M41

DOI: 10.22051/ijar.2019.23906.1472

¹ PhD of Accounting, Auditor of the State Accounting Court, Iran, Corresponding Author, (mohamady_jamal@yahoo.com)

² PhD of Accounting, Islamic Azad University, Aliabad Katul Branch, Aliabad Katul, Iran. (khozain@yahoo.com)

Investigating the Effect Analysis of Accounting Standards in the Process of Standard Setting and Empirical Accounting Research

Samira Behzadpur¹, Mohammadreza Alami²

Received: 2018/07/27

Accepted: 2018/11/13

Abstract

Setting accounting standards or modifying them has consequences. These consequences make accounting standards setting complex and difficult. The issue of whether accounting standard setters should take account of the effects, or consequences, of the standards, has been a subject of debate for decades. Finally, effects analysis integrated into the standard setting due process. Effects analysis is an analysis of the likely effects of the forthcoming standards or major amendment. It should be noted that effects analysis is a process and is not merely a single point-in-time event. In this paper, the dimensions of effects analysis of accounting standards have been examined, then related empirical research is reviewed and analyzed. Accounting researchers generally have studied the effects of a standard or the effects of a set of standards using market-based characteristics, accounting-based characteristics and analyst-based characteristics, as well as doing survey research. They use accounting and disclosure criteria such as earning management, income smoothing, timely recognition of losses and value relevance.

Keywords: Accounting Standards Consequences, Accounting Standard Setting, Effects Analysis.

JEL classification: M41

DOI: 10.22051/ijar.2019.21434.1420

¹ PhD of Accounting, Alzahra University, Tehran, Iran. Corresponding

Author(s.behzadpur@yahoo.com)

² PhD Student in Accounting, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.(mohammadreza.alami@yahoo.com)

The Impact of Forensic Auditors on Corporate Governance

Seyed Saber Dorseh¹, Shamsollah Teimouri²

Received: 2018/07/22

Accepted: 2018/11/13

Abstract

The incessant financial fraud resulting to corporate collapse and the failure of the statutory audit to detect and prevent fraudulent activities which had led to the impoverishment of investors had given rise to the need for forensic auditor. This paper considers the impacts of forensic auditor on corporate governance. The study was a theoretical research which considered the roles of forensic auditors in combating fraudulent activities, distinction of forensic auditor and statutory auditor, characteristic of forensic auditor and impact of forensic auditor on corporate governance. The results of this paper show that forensic auditors having improved management accountability, strengthened external auditor, independence and assisting audit committee members in carrying out their oversight functions by providing them assurance on internal audit report and also affect positively on corporate governance, thereby the result of their works is reducing corporate failure and prevent investor losses.

Keywords: External Auditors, Financial Fraud, Forensic Auditors, Statutory Audit.

JEL classification: G32

DOI: 10.22051/ijar.2019.21355.1415

¹ PhD Student of Accounting, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. Corresponding Author(Ss.dorseh@gmail.com)

² MSc. Of Accounting, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.(Shamst2015@gmail.com)

Recognition of Effective Factors on the Relationship between Accruals and Operating Cash Flows

Gholamreza Kordestani¹,Vahid Mohammadi²

Received: 2018/12/09

Accepted: 2019/04/10

Abstract

Simultaneously with the prevalence of using the accrual basis for recording financial events in business entities, the use of operating cash or accounting earnings for the assessment of economic performance of business entities and the making optimal economic decisions has become one of the major challenges for investors and users of financial statements of business entities. Nevertheless, it should be noted that the output information from the accounting system is complementary and should be used simultaneously. In other words, if investors regardless of the proportion between the cash and accrual components of earnings, focus solely on accounting earnings or reported cash flows, the stock exchange price goes away from its inherent value. In this paper, with a glance at theory, the relationship between accruals and operating cash flows as an indicator in various evaluations is discussed. Finally, the potential time and economic factors that can change the relationship between accruals and cash flows are reviewed. It can be said that among the components, four factors included cash flow shock, Non-timing related accruals, poor match between revenues and expenses and amount of intangible assets affect the relationship between accruals and operating cash flows.

Keywords: Accounting Earning, Intangible Assets, Non-Timing-Related Accruals, Operating Cash Flows, Stock Price.

Jel classification: M41, D53

DOI: 10.22051/ijar.2019.23268.1463

¹ Associate Professor of Accounting, Imam Khomeini International University, Ghazvin, Iran. (kordestani@soc.ikiu.ac.ir)

² MSc student of Accounting, Imam Khomeini International University, Ghazvin, Iran Corresponding Author, (mohammadi.v372@gmail.com)

Investigation of Relationship between Earnings Management and Investment Inefficiency with the Emphasis on the Role of Agency Costs

Rezvan Hejazi¹, Hamid Farhadi², Soraya Weysihsesar³

Received: 2018/12/17

Accepted: 2019/02/05

Abstract

One of the earnings management consequences is investment inefficiency (over or under-investment) in companies. Also, it is expected that this issue will increase in companies with high agency costs. The objective of this study is to investigate the relationship between earnings management and investments inefficiency in companies with high and low agency costs listed in the Tehran Stock Exchange. In order to test this, the hypothesis on a sample of 98 companies from 1386 till 1396 and using multivariate regression models were tested. For this purpose, the residual cash flow pattern Jensen (1986) and cash flow developed pattern Richardson (2006) was used to calculate the investment inefficiency. The positive and negative residuals will represent over investments and under investments, respectively and in this study is used as a proxy for investment inefficiency. Also, discretionary revenues and discretionary accruals as a proxy for earnings management were considered. The results show that there is a significant negative relationship between discretionary accruals and inefficient investment in firms with high agency costs. Also, results using a residual cash flow pattern Jensen (1986) as a proxy for investment inefficiency indicated a significant negative relationship between discretionary revenues and inefficient investment in firms with low agency costs.

Keywords: Agency Costs, Earnings Management, Investment Inefficiency.

JEL classification: M41, G11

DOI: 10.22051/ijar.2019.23624.1466

¹ Professor of Accounting, Alzahra University, Tehran, Iran. (Hejazi33@gmail.com)

² PhD Student of Accounting, Islamic Azad University, Bandar Anzali International Branch, Bandar Anzali, Iran. Corresponding Author(Farhadi_h@mapnamd2.com)

³ MSc of Accounting, KAR Higher Education Institute, Qazvin, Iran.(soraiaweysihsesar@yahoo.com)

An Investigating the Impact of International Financial Reporting Standards Adoption on Auditing

Hossein Fakhari¹, Esmail Amiri²

Received: 2018/05/27

Accepted: 2018/09/11

Abstract

The globalization leads to the optimal allocation of resources globally and provides possibility of global development. In this regard, the need for information for making economic decisions is indispensable. Accreditation of this information and assurance is part of this process. Accordingly, adoption of International Financial Reporting Standards is expected to have a significant effect on audit profession, since the adoption of international accounting standards will lead to professional audit reports become more objective and usage of the fair value basis makes that reports have an independent commentary. Accordingly, the present study aims to review the effect of the adoption of international financial reporting standards in the audit areas. The findings show that the adoption of International Financial Reporting Standards in auditing, affects in several audit areas like the audit fee, audit choose, audit committee, and the specialization in audit industry and the audit report delays. Undoubtedly, the awareness of these findings can, in addition to explaining the challenges ahead, equipped audit profession and make ready auditing professionals for such changes.

Keywords: Audit Quality, Auditing, International Financial Reporting Standards.

JEL classification: M42

DOI: 10.22051/ijar.2019.20525.1403

¹ Associate Professor of Accounting, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. Corresponding Author (H.fakhari@umz.ac.ir)

² PhD Student of Accounting, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. (Esmailamiri303@yahoo.com)

Table of content

An Investigating the Impact of International Financial Reporting Standards Adoption on Auditing	1
Hossein Fakhari, Esmaeil Amiri	
Investigation of Relationship between Earnings Management and Investment Inefficiency with the Emphasis on the Role of Agency Costs	27
Rezvan Hejazi, Hamid Farhadi, Soraya Weysihasar	
Recognition of Effective Factors on the Relationship between Accruals and Operating Cash Flows.....	53
Gholamreza Kordestani, Vahid Mohammadi	
The Impact of Forensic Auditors on Corporate Governance.....	69
Seyed Saber Dorseh, Shamsollah Teimouri	
Investigating the Effect Analysis of Accounting Standards in the Process of Standard Setting and Empirical Accounting Research ...	87
Samira Behzadpur, Mohammadreza Alami	
Studying The Role of Extensible Business Reporting Language (XBRL) in Continuous Auditing	131
Jamal Mohammadi, Ali Khozein	
The Relationship between Political Connections and Agency Costs Considering the Moderating Role of Audit Quality	157
Ali Reza Ma'toufi, Matineh Mehrparvar	
Investigating the Impact of the Board of Directors on Disclosure of Corporate Sustainability Report	185
Hossein Ameri	

IN THE NAME OF GOD

Quarterly Journal of Accounting and Auditing Research
Autumn 2019, Volume 9, Issue number 3
Number 34

<p>Jornal of</p> <p><i>Accounting research</i></p>	<p>Licence Holder: Alzahra University Director: Rahmani. Ali, Prof. Alzahra University Editor in chief: Mashayekh. Shahnaz, Associate Prof. Alzahra University Executive Manager: Behbahaninia. Parisa saadaat, Assistant Prof. Alzahra University Editorial Board: Pourjalali Hamid, Professor of Hawaii University Hejazi, Rezvan, Professor of Alzahra University Rahmani Ali, Professor of Alzahra University Rezaee Zabihollah, Proffessor of Memphis University Mashayekh, Shahnaz, Associate Prof. of Alzahra University Mollanazari, Mahnaz, Associate Prof. of Alzahra University Homayoun Saeid, Professor of Gavle University Yazdifar Hassan, Associate Professor of Salford University Business School Scientific Editor: Behbahaninia, Parisa saadaat Literally editor: Taheri, Mandana English Editor: Mostafaie, Parasto Cover Designer: Samadian, Maryam Lay out editor: Esfandi, Khadijeh Coordinator: Pakkhesal Azam, Esfandi Khadijeh Address: Alzahra University, Vanak ,Tehran - Iran. P. O Box 1993893973 Tel: (+9821) 85692421- 85692745 Fax: 88252178 Website: http://ijar.alzahra.ac.ir/ Email: jar@alzahra.ac.ir</p>